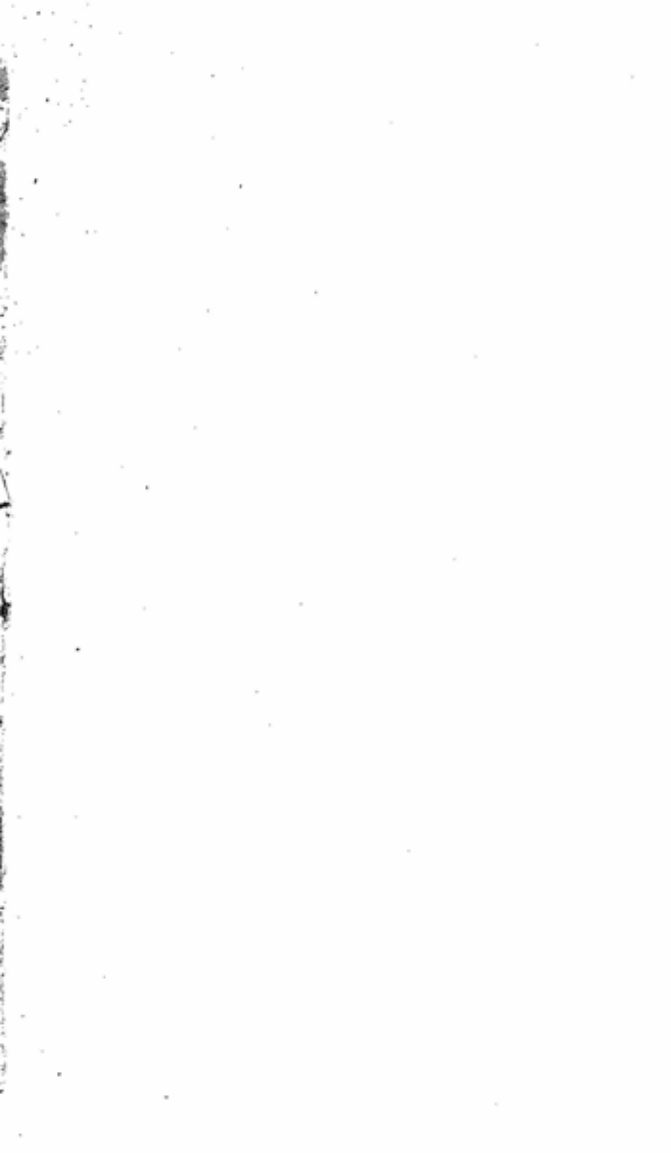


Cat
M4.3.74.

GOVERNMENT OF INDIA
DEPARTMENT OF ARCHAEOLOGY
**CENTRAL ARCHAEOLOGICAL
LIBRARY**

CALL NO. **929.79954M-AH**

D.G.A. 79.





سپاس بقیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد
و تکوین مبنای خلقت بشیر از ما و طین انسان را نسبت برافت از خلقت دیگر
پایه اعتبار رسانیده و شرف را بر سبب سیادت از خلعت عصمت و حیا
پیرایه افتخار پوشانیده در دنیا معدود و در دنیای بارگاه حضرت رسالت نبینا
محمد المصطفی بنوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زب
بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زیر باریب ب العباد و بر صحاب
معلی القاب امجد الامجاد الی یوم التناوباد **ص** حبیب اشرف انبیاء
که عرش مجیدش لوح و مشکای زبان تابود در دستان جاگیر شنای محمد بود و لایق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَمُحَمَّدٍ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ كَبْشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا
 وَالصَّلَوةَ وَالسَّلَامَ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
 وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى خَيْرِ الْوَرَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
 مَنْعُوهُ بِحَقِيقَةِ الْحَقَائِدِ وَبِرَّيْخِ الْكَبَرِيِّ وَعَلَى آلِهِ
 وَأَهْلِ بَيْتِهِ سِرِّ عَيْنَتِهِ أَمَّةٍ الْهَدَى وَعَلَى أَصْحَابِهِ
 مَوْصُوفٍ بِمَغْنَمَةِ تَحْمُودٍ بِهِ جَاءَ الْعَالَمُ سَلَامًا وَسَلَامًا
 كَثِيرًا كَثِيرًا

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظوم نسب نامه بزرگان دین عمده المشایخ
که از تالیف شاه مخدوم بخش منخلص وافی فردوسی البهاری و بعد
این در کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الاظم فرزند فرزند
انها شدند مندرج کتاب نامه را تبتیاً مبضه ساخت و موسوم به کثر الانساب
پرداخت درین کتاب تفریق تفصیل بچنین عنوان گردید اول مقدمه الکتاب
بعده دو باب ضمیر نیمه ذکر نسب شیخان بعده ذکر نسب خود زان بعده ذکر نسب
ساعات که بگذرد امام می پیوندد بعده سه فصل در نسب یوخ یعنی حضرات
اصحاب ثلاثه سلمی نمود و یک خاتمه و یک تتمه واضح باد این کتاب است برین
یک مقدمه دو باب چند کیفیت سه فصل اصل اصول مقدمه الکتاب
بدر نسب رسالت مآب ذکر نسب حضرت بنیام محمد صلی الله علیه
رسالت مآب حضرت اسد الله الغالب العلی باب سیدنا علی ابن ابی طالب بدر
فریت خواجه عبد المطلب عینی جلاله سر و مال غالب در دو باب
ذکر حضرت حسین عینی در یکی و ذکر حضرت امام حسن مجتبی مع اولاد
و در دومی و ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا مع اولاد علیهما السلام
حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مصابرت بدین ترتیب فرین

مقدمه الکتاب کثر الانساب

واضح باد بر هر کس فرد بشر مسلم و مسلمة واجب است داشتن چهار کرسی آنحضرت

اما بعد گناس عتبه فیض رتبه حضرت رسول الثقلین سید عطا حسین اشتهر
 عبد الرزاق کمترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین سید السالکین
 میر سید سلطان احمد قادری المنعمی الحسنی بن عمده المشایخین سید الیوم
 حضرت سید شاه علام حسین حشمتی المنعمی باقری نسب خفی المذہب رتبه من الش
 سرهما متبع فی التجان اوصل ذات الرحمان بر ضمیر عطوفت تنویر ناظرین کتاب
 ہذا نور یاد چو کہ این خاکسار از متداوایام خنیں آرزو داشت اگر انساب بزرگان
 دین متین پیران طریقیہ راہ یقین یابد منسلک سلسلہ میں سازد نصیب میں بہ نصیب
 آخر کار آن دولت را سلسلہ خیالی کردہ ہم رسانید ہمہ ہیکجا کتاب ہذا منسلک کرد
 مطابق آنکہ من جَدَّ قَوَّجَدَ یعنی جو نیدہ یافت ستارہ این سعادت در
 عین سفر حج بر پشانی ام تافت باید شنید و شہر ممبئی حین قیام کتابی دید
 بحر الانساب و نیز در معانیہ در اید مقام گلشن آباد کتاب
 احساب الانساب در نسخ اول ذکر اولاد و ولز و امام علیہ السلام در
 ثانی نسب لیا و متقدمین عالی مقام کہ امام فلال می پیوند و نیز نجانب این فقیر
 بود کتابی نسب نامہ تالیف حضرت عم الاعظم و شہر ممبئی سید شاہ
 وحید الدین احمد مبصرہ ساختند حسب الارشاد کلمات ارشاد ترکہ برابر
 از زبان فیض ترجمان والد ماجد شان سید شاہ علام حسین
 قدس سرہ و نیز در این کتاب نسب نامہ اکثر مشایخین متقدمین علت غائے

کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت مآب از حضرت سید البشر رسالت مآب
 پیوندد بدرجه هفتم از مره بن کعب انجناب بنی تمیم اند و نسب حضرت عدالت مآب
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرجه ششم می پیوندد از کعب انجناب بنی
 عدوی اند مشهور و تفریق نسب خلیفه سیوم صاحب جیاد بدرجه چهارم از آنحضرت
 که تحریر سابق نمود و نسب الی حسب یعقوب المومنین لقب حضرت ابوالحسن
 علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بیک اسطه از آنحضرت می پیوندد بمصدق
 حدیث بنی یاد خبر است انا و علیاً آمن نوری و احکاماً یعنی فرمود آنحضرت
 نور من نور علی احد است باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی الله علیه
 و آله و سلم بدینطور است جای نمود است که بی بی آمنه خاتون بنت حبه
 بن زهره بن کلاب بدانید کلاب را دو پسری که قضی و دومی زهره هر دو
 نام پسران خود نهادند عبد المناف پس هر دو عبد المناف اجداد جدی و مادری
 آنحضرت شدند و حضرت سعد بن ابی وقاص عبد الرحمن بن غوف
 هر دو صحابه از عشره مبشره از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و هب
 ابن عبد المناف بی بی ماله یکی از وجهه خواج عبد المطلب الدیه بی بی صفیه
 و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما بایستند اگر چه غم بنی حضرت
 عباس آوردند ایمان بر نیتیم بنی بودند و از امیر حمزه حدیث و وصیت
 برادر خالاتی برادر رضاعی نیز یافت اعلم ام المومنین حضرت خدیجه الکبری

نبینا محمد علیه السلام هر قوت ایمان نیز بر کس چهار کرسی خود دستن بر حکام
 تقویت مصابرت تحب است جنت حجت نسب شرفت حالا چون کتاب
 نسب نامه درست نمود ذکر نسب انحضرت در تحریر مقصود مسکین بے تسکین فسانی
 نسب نامه انحضرت ختامه صلی الله علیه و آله وسلم
 یعنی سیدنا و مولانا محمد مصطفی فرشی الهاشمی المطلب این سیدنا عالیجاه
 عبداللہ ابن علی نسب خواجہ عبدالمطلب بن سردار ماسشم ابن
 عبدالمناف در باب چهار کرسی انحضرت است همین قدر که تحریر خست
 بالانساب این که عبدالمناف ابن قصی لکلاب مکدر ظهور شد تا عدنان نسب
 عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل ابراهیم تا آدم است صورت احتمالات انحضرت
 باعدنان کرده اند بیان بدانید عبدالمناف را چارایسپر کی نوفل جد چارم
 حضرت حمیر صحاب بنی و ثانی مطلب جد هشتم حضرت امام شافعی رحمت
 ثانی ماسشم و عبید شمس شدند هر دو توأم بنشانتها پیوسته از شمس سر جدا
 در اولاد هر دو شمس مانند تها اخر ختم شد بر جناب سیدالشهدا عبید شمس بن
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پدروان وجد
 معاویه ابن ابوسفیان ازین قبل اجداد کل بنی امیه و ماسشم پدر جد انحضرت
 و پدر جد حمیر را کرار یعنی جد جله نو عبدالمطلب و نسب حضرت شیخین اصحاب
 من بقیه از عشره مبشره ازین درجه بلااست که می پیوندد یعنی از قصه بن

و امیر و بره خواهران ایشان بدانید ولد زبیر بودند ابو ذر و اما حضرت
 ابو ذر الفزاری که خدمت مخدوم محیی منیری اند مرزا فیض الوار حضرت
 امام تاج فقه در مکه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریع انجناب
 تاج فقه اکثر اند اولیا و کبار خصوصاً در نجوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه
 شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم محیی منیری ابن مخدوم سهراب
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
 ابو القاسم ابن امام ابو الصّائیم ابن امام ابو الوالد بهار ابن امام ابو الیث ابن امام
 ابو سرمد ابن امام ابو الذین ابن امام ابو سعود ابن امام ابو ذر ابن زبیر ابن خلیفه
 عبد المطلب بن هاشم بن عبد المناف که از اجداد آنحضرت اند علیه السلام
 و انفع باد از یک روجه سعیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس شیوخ
 عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور است اند فیصل ابن عباس
 عبد الله ابن عباس فتم از طین سابقین مومنه بی بی الفاضل استند مادر
 خلفاء عباس سید از ذریع انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه
 امول اند مرزا واقع در موضع شیخو لو رخره الوان علاقه بهار فیض آنها
 مرزا در بنی نسب نامہ منو سعید حضرت مخدوم شاه امون ابن مولانا شیخ ابوالحسن
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمن ابن شیخ عبد الغفران ابن شیخ سهراب
 ابن شیخ عبد الله چو قوسوی ابن شیخ عبد الواد حدقانی ابن شیخ ابو القاسم

ثبت خویله بن اسد بن عبد الغری بن قصى بن کلاب ندکورد صدر فزیر الوجل
 ابن هشام دهمتمه دختر ناسم والده حضرت عمر فاروق هر دو برادر هشام
 و ناسم بن غیره ابن حارث ابن عبد الغری بن قصى بن کلاب اندر الوجل
 از عمام انحضرت نیست غلط مشهور باعث ندکور ازین قرابت برادر بنی عمام
 حضرت ام المومنین جد سیمه است پس ریحال خسراده شد عم نشد بصحرای بدنیوچه
 کرد است اکثر از ابن عبد المطلب بجای برادر ابی لهب شمارند غیر باید و است
 خواجه عبد المطلب اده فرزند مختلف الا بطان ناسم بن عبد المناف را
 سپهر از انجمله دو ولد نامی یک خواجه عبد المطلب جدا انحضرت سر است
 و جد حضرت علی شریعت بودند و یکی اسد ابن ناسم جد مادری حضرت
 حیدر کر اجنا حضرت حضرت مرتضی علی بن ابی طالب نسب ناسمی دارند از نیجا
 تفصیل دریت خواجه عبد المطلب نگاشته می آید بلانید پس اولین خواجه عبد المطلب
 حارث از یک بطن کینت شان ابو الحارث بدنیوچه ضرار
 از یک بطن عبد الغری پس سلوم از یک بطن چهارم ابو لهب پنجم
 مقوم هر یک از بطن مختلف بوده اند ششم خواجه عبد الله والد جد
 حضرت محمد رسول الله هفتم بر سر از اجداد حضرت امام تاج فقه جد مخدوم
 شرف الدین ششم خواجه ابیطالب جد حضرت مرتضی علی اسد الله الغالب
 و پنجم خواجه ابراهیم برادران ثلثه از یک بطن ماوراء ناسمی عاتکه و بنیا

بنت حضرت عمر رضی اللہ عنہ ابوعامر المؤمنین حضرت زینب بنت جحش دختر
 عمه نبی بودند خامسه ام المؤمنین سوده بنت رباح بن قیس ساویس ام المؤمنین
 زینب بنت خزیمه لقب ام المساکین بن حارث سالیحه ام المؤمنین ام سلمه
 بنت ابی امیه که بنت عاتکه عمه نبی بودند ثانیام المؤمنین ام حبیبه دختر
 ابوسفیان خواهر امیر معاویه تاسع ام المؤمنین حضرت میمون بنت الحارث عشر
 ام المؤمنین صفیه بنت حمی ابن خطابه ذریه حضرت یارون نبی علیہ السلام
 بودند یازدهم بی بی جویریہ بنت الحارث ابن سعد وازده بی بی مارقطیه
 بی بی شیرین سیزده شد و در چهارده یکی مطلقه شدند ذکر فرزند ان
 آنحضرت سیدنا محمد علیہ الصلوٰه والسلام که از بطن ام المؤمنین
 خدیجہ الکبریٰ بوجود آمدند در عالم شہود بنسبت دوم چار دختر از
 بطن خدیجہ پاک نمره سیر لولاک شدند ولدا اول سیدنا قاسم پور شیخ ابوعمر
 بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعد ستره ساله حلت کردند اناللہ وانا الیه
 راجعون ثانی ولد سیدنا عبد اللہ که بعد حبیب بنی ابوجریل سالگی آنحضرت در
 آمدند بوجود لقب طیب و طاهر بودند از جناب رب تعالی در ایام ضیاعت بجلد
 برین شتافتند بعد حلت ایشان سوره کوشیدند و دل حبت ارتفاع ملال
 و گوینده ابر شد و دل نبت کلانی حضرت رسول سبانی بی بی زینب بنت ابوعمر
 سنی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خوانه زاده ام المؤمنین خدیجہ الکبریٰ

ابن شنج ابو سعید صفحانی ابن شیخ ابو نجیب ابن امام ابو الولیس ابن امام ابو سعید
 ابن امام ابو اللیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام عبد العزیز ابن
 حضرت عباس ابن خواجہ عبد المطلب جد نبی صلی اللہ علیہ وسلم حضرت امیر
 حمزہ ابو عمارہ یک پسر عمارہ و نام دختر فاطمہ بنت حمزہ و دیگر برادران نام یادمانند
 الاکسی مؤرخین کثرت ایشان تحریر نمودند الا خواہر اعیان حضرت امیر حمزہ بی بی
 صفیہ بنت عبد المطلب مومنه سابقہ مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویلد حضرت
 زبیر داماد حضرت صدیق اکبر از بطین بی بی ہما سہ سپہر عبد اللہ ابن زبیر عروہ
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروہ محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج
 بی بی سکینہ دختر حضرت امام حسین علیہ السلام اندیشہ نواز عمارت نبی ایمان
 آوردند بی بی صفیہ بی بی عاتکہ و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس حضرت
 امیر حمزہ آنحضرت چار عم را دید نماز جملا اعمام ایمان آوردند و ابوالباب کافر شد
 ابیطالب بین مذہبین اندوخت و ذکر ازواج نبی آنحضرت بنیامحمد المصطفی
 صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم اولین حضرت ام المؤمنین بی بی خدیجہ الکبری
 بنت خویلد از بطین پاک ایشان کل اولاد نبی علیہ السلام غیر سیدنا ابراہیم کہ
 از بطین مارقہ قطبیہ شدند بجا عالم مناعت آشریف بروزند بسوی جنت عقاب نامند
 ثانی ام المؤمنین محترمہ بی بی عاتکہ صدیقہ رضی اللہ عنہا بنت حضرت
 صدیق اکبر رضی اللہ عنہ اولاد نشدند از ایشان ثالثہ ام المؤمنین بی بی حفصہ

بشیر و نذیر آینه محمود نسل بر قبی در شپت هرنی و نسب محمد در شپت علی واضح باد
چون لبال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیده النساء بتول
فاطمه الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب
در شان پاکد منی فرمود انحضرت آینه محمود اکفأ طمة بصغته منی یعنی فاطمه
پاره جگر من هست الحصول چون قرآن السعدین شد از حضرت علی بی بتول سر بانی

یافت ملوک ابیات

بابنت بنی چو یافت تزییج

چون گشت بخت و تیران سعدین

دو لعل ازین صدق بر آیند

هر مرتبه علی عطا شد

از چرخ نهم چنین ندا شد

مسیر علی ازین صدا شد

سر آینه کریم بطور رسید آیت

مخرج النحرین یلتقیان از لپن پاک بنت سر لولاک دو فرزند بوجو آمدند
یکه بعد دیگری بمبینه شود نذریت نبی شد صورت مسود ناری شدند جو و
از رشک گل مقصود مطابق کلام بانی تخرج منها اللوء و المرجان
باید نیست مراد از لولو یعنی مروارید است حضرت امام حسن مجتبی که مرادید
سفید رنگ است نیز الماسین جبهه شهادت حضرت است و مقصود از مرجان
مهر خرنگ شمه شهادت جبا حضرت امام حسین علیه السلام است الحق
بدانید بعد تولد ان نیر بن حضرت محمد مصطفی پسروم نیز جبا حضرت
علی مرتضی تولد یافتند با یام ضاعت سدنا محسن بسوی جنت شتافتند

الی العاص کتخدا شدند از لطن آن بی بی دو او لا شدند یکا سپهر یک دختر نام
 شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامت زینب
 که حسب وصیت بعد حلت جانبیده فاطمه هر ایزد جیت جناب حضرت علی
 مرتضی کرم الله وجهه درآمدند از لطن این غنیفه یک پسر شدند محمد و وسط بن علی
 همراه برادران در میدان کر بلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فرزند
 بی بی زینب بیجا اقیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی
 عمر ایشان حضرت متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند عجب الله اگر از لطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از جهان
 انتقال بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث آنحضرت بی بی کلبثوم که بعد
 و شش سالگی آنحضرت متولد شدند در عقد نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند از لطن این بی بی عجب الله صغیر بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا
 شدند عقاب مانند قبل از نکاح حضرت با حیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو
 برادر عمیده معیته ایمان ابوالهلب بودند که بعد از نکاح آنحضرت بعصب مشرف شدند
 بولوب پسران کافر شدند در میان کفر و سلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز
 هر دو خواهران ببلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری
 در عقد نکاح حضرت با حیا عثمان غنی رضی الله عنه بدخل شدند عقاب
 مانند نسل حضرت رسول مقبول حضرت تبول در حجر است که فرمود آنحضرت

سیده شش فرزند سه پسر و سه دختر دارند و باقی از ابطان دیگر زوج با
معروف است که نسبت چهار اولاد شده پس باقی دختران جای ذکر به تفصیل
خواهد نگاشت بدانید از سه فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در وایت است
که حضرت مخدوم نصیر الدین چرانغ دهلوی را نسبت فرزندى بحضرت عباس
بن علی که علدار بودند همیشه مورالاد در کتب نیافتیم نگاشت و از فرزند علی
محمد حنیف ابن حیدر که اولاد است مشهور چنانچه سید محمود غازی
ابن سید محمود ابن سید عبداللہ ابن سید محمد الشان ابن سید عبدالکریم ابن امیر حمید
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولانا علی کرم السوجه نسب مادری سید
سالار غازی ابن اولاد ملک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند
و نسب سیدی حضرت خواجه محمد السبوی رحمۃ اللہ علیہ که خلیفہ حضرت امام
ابو یوسف ہمدانی اند نیز پیوند بدینطور است خواجه احمد السبوی
ابن سلطان خواجه ابراہیم ابن سلطان خواجه امیر محمود ابن سلطان خواجه
عبد الفتاح ابن سلطان خواجه عمر ترکستانی ابن سلطان خواجه عثمان
ابن سلطان خواجه حیرسن ابن سلطان خواجه مومن ابن سلطان خواجه
اسمعیل ابن سلطان خواجه موسیٰ ابن سلطان خواجه یارون ابن سلطان
خواجه اسحاق ابن خواجه عبدالرحمن ابن خواجه عبدالرحیم ابن خواجه عبدالقہار
ابن امیر عبدالفتاح ابن حضرت محمد حنیف بن حضرت علی حیدر کرار دین

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین نژند همانداکاهی
 اولاد شد ز نسیب خست کلائی حضرت علی مقبول را بنی که از خضرب عبد الله
 ابن جعفر طیار برادر عمراد منسوب شدند و گویند از طبن آن بنی بنی نیز متولد شدند
 محمد عیون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند
 راه خدا و او یلار اعقاب ایشان نماند دختر ثانی حضرت شیر خدای بنی کله شوم
 در عقد و نکاح حضرت امیر المؤمنین عمر فاروق درآمدند از طبن این بنی بنی فرزند
 زید نام تولد شدند و ایام طفولیت جان بحق کردند تسلیم دختر سیم جناب قبول
 بنی بنی رقیه به عمر و سالگی حلت یافتند از اینها عقیبا نماند خبر حضرت
 حسین فرزند رسول مقبول واضح باد نقل مشهور باین عام خاص مذکور
 مراد از ذریت سیادت از بنی فاطمه است و اولاد مرثی علی چرا که
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخ که آنحضرت چنین فرمود حدیث
 أَنَا سَيِّدُ الْبَشَرِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ سَيِّدُ الْأَعْلَى
 وَ سَيِّدُ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ
 وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ فَضْلِ الْخَلْقِ هِ ازین حکایت و روایت
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانید اولاد حسین معمور به پنج سیادت هستند
 الا سید علوی را یک سیادت است ابوی در بیان اولاد علی
 از طبن غیر قبول از اینجا ذکر سیادت علونیت واضح باد از طبن پاک

الاذیت حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بر تیره شهادت
 خون جسمی شان شد بطور سبیل مبرور و فرزند ایشان محمد ابراهیم بیوجه
 شدند بر او حق قتل و کل ذریت شان در کر بلا همراه سیدالشهدا بر تیره
 شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سه سیز لطن بی بی
 اسماء بنت عس یکم عبد الله بن جعفر که از حضرت زینب
 دختر علی رضی کرم الله وجهه کنیز شدند و دو فرزند از لطن پاک آمدند بوجود
 محمد عون محمد جعفر هر دو وصف کر بلا شدند شهید قاتل شان مطیع
 یزید اولاد باقی نماند الا هر دو اولاد برادر باقیست محمد عون ابنان
 جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریت حضرت
 زینب را عقاب نماند واضح بود که از اولاد هر دو بزرگوار امیر عطاء الله
 نامی منزلت گرامی وارد بدین دیار شدند و در بارشاهی و سوختیم بمهرسانند
 مغرور و ممتاز گشته فرامین دهمیات حصول کرده یافته از چند بی بسزیندی
 سکونت قصبه کھلوار سی ضلع پٹنم کردند اختیار چنانچه اکثر مشایخین
 این دیار نسبت نسب خود بامیر عطاء الله مدوح می پیوندند و آنچه که
 باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجان جد بزرگوار خود سید الواصلین
 عمده المشایخین جناب حضرت سید شاه علام حسین قدس سره دانای پوری
 و درین صفحه نگار و آنچه که در زینبیل خود وارد می آرد یعنی صاحبان کنگ

منقول است نسب حضرت مرزا منظر جان جانان میر سید مجید و یست پشت
 واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد جنیف میر سید و نسب میرزای جانب مادی
 بامیر تیمور میر سید نسب نامه حافظ محمد یعقوب باز حضرت عمر ابن علی
 حیدر کرار میر سید بنی طور که حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح
 ابن امیر ادریس ابن امیر یونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاهوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا
 فقید ابن مولانا محمد یحیی زاهد ابن میر سید زاهد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
 سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
 حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد الشد ابن سید امان الشد ابن سید
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناصر ابن حضرت علی
 اکرم الله وجهه واضح باد اکثر سیادت علوی نسب در استار بهر امصار و دیار چون
 نسب نامه نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر در بیت حضرت
 عقیل ابن ابریطالب ذکر در بیت حضرت جعفر طیار میکنم الا اول
 بی بی ام مانی بنت ابی طالب که از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند
 علاوه نسب عمر ادگی منقول بودند چنان که در خانه بركت نشانه ایشان
 واقع معراج نبی بسوی آسمان ذی اولاد و شونده کیفیت در بیت در یافت نشد

{ نسب اول در ذریع } { نسب دوم در ذریع حضرت
حضرت امام حسن علیه السلام } سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر مؤرخین سابقین در احوال حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود
پنججاه شش زن و چهار پسر و دوازده فرزند و چهار پسر که آنحضرت بود و در کثیر النکاح بدست شرعی یکی
بعد دیگری چهار زن موفیق داشتند و میگرداند طلاق کثرت نکاح بود و تمنا می
ارثا و آنحضرت صلی الله علیه و سلم و آنحضرت شهر بانو بودند رضی الله عنهما
و در کتب تواریخ کل سها و زوجه آنجناب نیافت که منی نگاشت الا اسما و چند جای یافت
منی نگار و بدانند زوجه اولین حوله بنت منظور بن حیدر از اولاد هاشم بن
عبد المطلب هاشمی نسب از لطن بن این زوجه یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت
امام حسن مجتبی رضی الله عنه و از لطن بن بی صفوره بنت سعد بن زید بن
خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عاتیه
شماره کنیت ام عبد الله و نیز فاطمه ثانی نامی نامی بنته اند مؤرخین ابن بی بی و وجه حضرت
علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیه السلام که خدائی امام
حسن مجتبی از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیه السلام کردند نام
نامی این بی بی فاطمه صغری از لطن عقیقه تولد شدند سیدنا عابد الله
المحسن زوجه حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین شهید کربلا که از
ابو و امجاد حضرت خورشید ثقلین سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنهم

مجمعی شهر ضلع جونیپوری از رؤساء مشاهیر مولوی علی کبیر و برادران
 و خواهرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عمده
 ریزگار سرکاری ناپایداری غازی پور ملاقات شد از مولوی محمد طور
 صدر الصد و ضلع غازی پور وزیر حسین سفر حج ملاقات شد از برادر کلانی شان
 اندر حسین شریف مولوی عبدالشکور عند التذکره کرد بیان ذریت
 خود بامیر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماحد فرموده بودند
 وزیر ملاذمت خود بشهر الہ آباد از آنحضرت بیان میکرد وزیر مولوی
 مدوح وقت مراجعت سفر حج ہمراہ آمدند این فقیر حقیقتاً بی آدره
 بودند در ذکر آل ابیطالب یہ بود دم حجره در ذکر مشایخان پہلواری
 کہ خود را بذریعہ امیر عطاء الله نامند یعنی شافعی و طوالبی رحمۃ اللہ علیہ
 والد ماجد شاہ مجیب اللہ کہ والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاہ نعمت اللہ
 قادری پہلواری رحمۃ اللہ علیہ بودند وزیر مولانا عماد الدین قلندر
 قادری کہ خسر پیر مرشد جناب حضرت شاہ مجیب اللہ قادری بودند و
 نیز از ذریت امیر مدوح مولوی شاہ وحید الحق داماد شاہ مجیب اللہ
 علیہ الرحمۃ کیفیت ذریت ایشان خوب میدانند و رقمہ کتاب خواند نوشت

تفصیل در امر اگر فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت مام حسن مجتبی علیہ السلام بر دو بیت

سید جعفر ابن سیدنا محمد دواندکی سید ابراهیم دوم سید ادریس و فرزند سید
 عبد الله سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم را با فصاحت
 باید شنید اولاد سید ابراهیم اولی سید نوح و سید یحییان سید داود اند و
 فرزندان سید جعفر ابن عمر زید شهید و اولاد سیدنا محمد سید موسی
 و سید یحیی و سید جعفر و سید ابو بکر و بوند و اولاد سید عبد الله سید یونس
 و سید معیل و سید یحیی ذریات ایشان دقت دوره امارت بنی امیه
 و خلفاء عباسیه خروج کردند بعضی از مولات آنها فرار شدند بعضی شدند شهید
 ثمره نسبت و مایل ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنی جد
 حضرت عوث الثقلیین باید دانست حضرت امام حسن مثنی پنج فرزند
 شدند از آن جمله اولین سیدنا عبد الله محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا
 عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا صغیر این چهار لطف بنی فاطمه
 صغری بنت حضرت امام حسین علیه السلام از لطف جلیه و میوه سیدنا داود
 و سید جعفر و سید صغیر گویند اولاد حسن مثلث باقی نماند از دیگران باقی نماند
 ثمره سیوم سیدنا عبد الله المحض پنج پسر شدند از لطف بنی بی رقیه دختر
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام سه فرزند سیدنا موسی ابی حنون و سید
 محمد و سید ابراهیم و از لطف جاریه سید ادریس و سید یحیی ذریت ایشان علاوه
 از ذریت حضرت موسی ابی حنون که تفصیلا تر نگاشته خواهد شد اولاد سید محمد

و فرزند بی بی ام عبد الله عايشه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت
 امام زین العابدین نواسه سیده الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنه ذریات
 این حضرت ملقب ببیادات حسنی و حسینه الحسنیه اند کیفیت ذکر نسبت بیشتر
 نگاشته خواهد شد در اینجا تفصیل از واج حضرت امام حسن علیه السلام می آید ^{سید}
 باید شنید بی بی ام البشر دختر مسعود انصاری از لطن این بی بی متولد شدند
 سیدنا قاسم بستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا
 عبد الله بن امام حسن مجتبی و از لطن زوجه خامسه بی بی زاهده سیدنا
 ابو بکر بن حسن تولد یافتند و از لطن زوجه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر
 بن حسن پدید شدند و از لطن زوجه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا
 محمد بن حسن مجتبی از لطن بی بی انیسسه ثامنیه و از لطن بی بی طاهره
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بود چند زوجه بی بی فاضله بی بی محموده
 بی بی نفیسه بی بی خدیجه بی بی عابده دختران متولد شده باشند
 کل چارده از واج آمد بشمار الا واحده جوده بنت شعبث که اسماء هم نام بود
 کانه زهم نوشیده شهادت یافتند لا اله الا الله و انا الیها جعون و ذکر فرزندان
 حضرت امام حسن مثنی در کتاب امامیه مایه و نگاشته اند و دختران
 بست تحریر میکند الا اهل سنن و خوین معتمدین همینقدر نوشته اند که در تحریر
 در آمد باید است ^{سید} سیدنا ابو بکر سیدنا برهم فرزند سیدنا عمر

از ششمین منزله شدند شهید قاتل حضرت مطیع نیرید اولاد ایشان از همه پسران شد
 آخر اعقاب نماند جز حضرت شد داود نهمه ششم نسبت دوم باب اول
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید نادا و او و محقق از اجداد حضرت غوث الثقلین
 بودند نام اخوان شان یافت انشد که خدای حضرت شد داود از دختر خیمه آخر
 حضرت امام علی موسی ضا شدند نام آن بی بی بنیه بود و در یکمیز زندگیست
 دیگر دریافت نشد نهمه هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا
 محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یکی از بی بی
 سید حمزه نام سیده دختر شان بی بی مبارکه از لطن این بی بی سیدنا
 یحیی زاهد تولد شدند و وجه سیده یحیی بی بی عصمت بودند نهمه ششم
 سیدنا یحیی از لطن بی بی رضیه دو فرزند یکی سید عبد الله که اعقاب ایشان
 دومی عبد الله شدند نهمه هفتم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر
 اخوان شد از بی بی رحمت گردید سه فرزند شدند از جمله اولادیک باقی ماند
 نهمه دهم نسبت دوم باب اول واضح باد سیدنا ابو صالح کنیت موسی نام
 جنگ دوست خدا لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاهد شیخ
 کاملین سید العارفین زوجه حضرت بی بی ام الخیر فاطمه ثانی دختر حضرت
 سید ابو عبد الله موسی که این حضرت در قریه جیلان زاویه بنا کرده بعبادت
 الهی بودند مشغول کیفیت کرامات جد مادی حضرت غوث الثقلین بسیار است

شعیبه بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سید عبد الله
 بلکه بعض اهل مذہب باطله و نواصب و خوارج سید محمد بن سید عبد الله المحض
 را عمد موعود دانند چنانکه نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصود و انقیاد از
 خلفاء عباسیه بود اول سید محمد را محبوب نمود بعد شہید کرد و حال ذریت
 سید ادریس و سید ابراهیم و سید یحیی کسی کتاب یافته نشد که می نوشت شجره چہم
 نسبت و م باب اول سید ناموسی کہ بسبب نگ سیاہ والدہ ایشان
 چون گفتہ معنی چون سیاہ رنگت کہ خدای ایشان یعنی سید موسی ابجوان از دختر
 خجستہ خرم امام محمد باقر علیہ السلام شد نام آن بی بی رقیہ ثانیہ و فخرہ
 از طبن این بی بی شدند متولد یک سید ابراهیم کہ عقاب ایشان مانند ثانی
 سید عبد الله ثانی کہ ملقب بود بدشخ صالح کہ خدای ایشان از بی بی
 مالہ دختر حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام شد از طبن این بی بی پنج
 فرزند تولد گشتند پسر اکبر سید موسی ثانی کہ بودند از اجداد حضرت غوث الثقلین
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابو صالح
 ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیارند شجرہ پنجم
 نسبت و م باب دوم مذکور موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر کہ از دختر امام موسی
 کاظم علیہ السلام کہ خدا شد نام بی بی طیبہ از طبن این بی بی بوجود آمدند
 هفت پسر و یازده پسر از حاربر و میہ حضرت موسی ثانی در دو ہجری از شجرہ

محل نسب نامگان بزرگوار خواهد نوشت الارزاقیه کثیر اند و نسب نامه جانب مادی حضرت
غوث الثقلین جعفری نسب اند و نیز نسب سب مادی چنانحضرت خواجہ بزرگ

نیر جعفری اند و نسب مادی حضرت شیخ الشیوخ نیز جعفری

شجره نسب حضرت قطب الدین بنیاول جوینوری برادرزاده آن سید فضل الله

واضح باد سید قطب الدین بنیاول جوینوری و سید نصیر الدین و والد سید فضل الله

عرف سید گوسائین هر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد

میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید

صدرا الدین ابن میر سید رکن الدین ولد میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین

ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید سی قادری

ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد الله قادری

ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جلالی

رضی الله عنه عمره آن باید شنید حضرت سید فضل الله عرف سید گوسائین

قدس سره برادرزاده و داماد و مرید و شتر شد و تلمیذ و خلیف حضرت سید قطب الدین

بنیاول اند جوینوری اند فرزندان فضل الله و سید فضل الله و در بهار است و نیز اولاد

شان و فریق اند مذہب بن کثر الاندھبیا ملیہ بیشتر اند در فرزندیت شان شنبیت

و اولاد حضرت سید قطب الدین بنیاول جوینوری منع کرده مانکیو علاقه شهر

الہ آباد و قطب سید شہور اند سنت جماعت مذہب اند از انجمله جاب سید شہا

به بسط و طول حاصل از بطن این غنی و دو فرزند یکی سید ابوالحسن ثانی معری بانی
 ثانی حضرت غوث اعظمی قطب بانی محبوب سبحانی سید عبدالقادر جیلانی صاحب سلسله
 معنوی موجود طریق قادریه که از نام پاک حضرت منسوب است عقیدت انجباب بهر کس
 مطلوب است نام خواهران حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه هانم و
 پاک بی بی بصیرت بی بی جمیله و فرزندان بنما بدو دند یازده رتبه بلند ذریه هر یک
 پس از شریف الاولاد سته فرزندان در بخوار رسیده اند از شاخ شجره ریاضت
 اولین سیدنا سیف الدین عبدالوهاب ثانی سیدنا عبدالرزاق
 شهره آفاق ثالث سیدنا عبدالغفری سجاد و نشین بغداد و از فرزندان ایشان
 هستند همن بزرگوار اولاد رسیده اند در بخوار و مصر باید شنید راجع سیدنا
 عبدالهادی خامس سیدنا عبدالجبار سادس سیدنا شرف الدین
 سابع شیدنا یحیی که حضور اند حسب رشتا دوالد ماجد خود در شعب جبال یار
 مغرب نجفی اند متظلمات حضرت عیسی علیه السلام شستند ثامن سیدنا
 موسی ناسع سیدنا ابوالاسحاق عاشق سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
 عبدالجلیل اوبصر و نسب شان بخین انخوار یافت آسمان این نسب بزرگوار
 الاحین اقامت مدینه طیبه مکه مشرق از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی
 که حضور اند و دیگر برادران ذی اولاد اند و الله اعلم حاصل نسبانه شایخین انخوار
 ازین سه فرزند منی میشود از دیگران نه یعنی زراعتیه اند و بابیه اند غریزیه اند

سید شاه امیر الله عرف بُدِی و برادران عمراد ایشان سید شاه عبد الرزاق
 عرف کھوئی سید عبد الکریم الدسید عبد الحلیل تفصیل این جای کرده خواهد شد که
 شمره دوم شجره نسب در حضرت میر سید علی قادری دهلوی پیران سلسله
 فرمادیه باید دانست بن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقه قادریه جبا حضرت
 مرزا شاه فرمادیه سره ابو العالی اندیس بلانید میر سید علی قادری ابن
 میر سید یوسف ملقب خالی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید حلیل قادری
 ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبد الباقی قادری
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری
 ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر
 سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلفه از مشید ثانی حضرت محبوب جانی سید
 عبد القادر جیلانی رضی الله عنه اولاد مجاد ابن بزرگوار بنور در شهر
 دہلی موجود هستند شمره سیم شجره نسب در حضرت میر سید عبد الرسول
 قادری سالکین انا پور واضح باد میر سید عبد الرسول بن میر سید علی قادری
 از دیار ملتان وارد هندوستان گشته بدینجا رسیده اقامت پذیر گشتند
 چون شرافت و نجابت از جبین شان بود هویدا در دانا پور سادات رضوی
 مصاهره واقع شد یعنی از دختر خجسته اختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

منظر علی ساکن کوه بودند والد ماجد سید منظر کریم آله ابادی شجره نسب
 قادری حضرت سید محمد قادری امجری معروف است استانه امجری
 بایدست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاه شمس الدین محمد درویش زردیار
 مغرب شهر دلی نموه معمر بدان و خادمان در ستانه امجری که اول حسب
 بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند ختمیاری مزار فیض آنهارت درین بار
 حالا طور نسب منوید اینجا کسار باید شنید سید محمد قادری ابن سید شمس الدین
 محمد درویش قادری ابن سید شاه عالم قادری ملقب بشاه کلان کلان ابن سید
 شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الفتاح قادری ابن سید شاه عبداللہ
 قادری ابن سید شاه عبد الرحمان قادری ابن سید شاه عبد اللطیف قادری
 ابن سید شاه عبدالحی قادری ابن سید شاه عبد الحلیل قادری ابن سید شاه
 ابوالقاسم ملقب شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الرزاق قادری
 خلف ثانی حضرت محبوب جانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ
 ذکر در میان حضرات جای مصابرت ایشان تفضل فرمودند نوشت پس بدو
 دو فرزند تربلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
 معین الدین قادری حالا جاشین انجا از اولاد سید معین الدین هستند
 چنانچه سید شاه اطیب اللہ قادری رحمۃ اللہ علیہ و خلف الرشیدشان
 سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمعی علیہ الرحمۃ بودند و دو برادر دیگر

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید محبوب جانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی

شجره پنجم شجره نسب قادریه حضرت سید فیض قلوبی

باید شنید حضرت فیض قادری ابن سیدنا ابوالحیات ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد
 قادری ابن میر سید ابوالمنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابونصر یار
 ابن میر سید سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید
 عبد القادر جیلانی بواسطه نسب فرزند می در صبیاز دهم میر سید بیعت و تربیت
 از بنی اعمام برادر است خاکسار شرف از زیارت فرار شده است بمقام معروف
 پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادری فیض ساخت کرده اند بسیار از غرب
 تا مشرق سیاحت کرده آخر بمقام خضر اباد توطن کرده اند خستیا و متابل
 انجای معروف بطور حلقه کشی هست از انجا مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و
 یاران بسیار چنانچه انتقال بحیطه ننگال کردند حسب وصیت مریدان از انجا جازه
 بردوش گرفته روانه دیار غربی شدند و بر در جازه حسب وصیت بمقام خضر اباد
 شاپوره دفن کردند نقل کنند وقت بدون جازه سید پاک خند روز در قبه بهار

عبدالفتح عرف قاضی سید برے کد خدا شد ندی اولاد گشتند بایه شینند
 میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد کلیل ابن میر سید
 محمد خلیل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم ابن میر سید اظہر عالم ابن میر سید
 مظہر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد باشم قادری ابن میر سید سیدنا
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید عبد القادر جیلانی
 شجرہ چہارم شجرہ نسب رزاقیہ نیکر نسب میر سید محمد مہدی
 مشہود بادین میر سید محمد مہدی یکی از سیادت عظام عالمی مقام ازار اکین
 سلطنت شہر دہلی شاہ جهان آباد و عہد محمد شاہ بادشاہ بودند
 امیر الامر مخالف بخطاب عہدۃ الدولۃ اوقات خود بسبب امارت ظاہرے
 بکرو فرمید اشتند ابن بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ قادری این فقیر حقیر نوڈ
 حالا سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد مہدی ابن میر سید عسکری ابن میر
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید
 ابو محمد قادری ابن میر سید جمیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید
 قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادری

نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منو لید حالا هر دو برابر قضا کردند سید
 اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
 عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
 ابن میر سید هاشم قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
 قاسم ابن میر سید محی الدین کجی ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر سید
 علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین کجی
 قادری ابن سید ظهیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد اصغر ابن سید ابو القاسم
 قاضی اقصا ابن سید ناعبد الرزاق قدس سره خلف الرشید ثانی
 حضرت پیر دستگیر قطب بانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه

شجره هفتم شجره نسب رزاقیه قادریه سید حسین حموی

واضح باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمانی اندک فرار
 واقع بقلمه چپا رگده از کتاب معتبر یافته نسب نامه آنحضرت تحریر نمود
 بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
 محمد قادری ابن سید محی الدین کجی قادری ابن سید محمد قادری ابن
 سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری
 ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سید
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه

مانند چنانچه جای معروف است در بهار بمقام قلعه ستانه شان خدام
 میریدان بجای تکیه پاک مجاور شدند دیات نذر ستانه است عمر اعراس
 پیران بجای آنندان خاکسار در ابتدا زمان دیده بودند و ایشان شاه سلیمان
 بعد شاه شاه الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خدایه خدمت واد
 و صا و بجای گزید بنام پیشینان خود سبقت برده اند بجای صلیب صورت کثیر
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه منصور قادری از انجا حطیب صورت آورده بودند
 کفاف به ایشان معین شده بود موضع سنادر میوه پر کنه تربت این خاکسار
 ملاقات بود از جمله فرزندان پناه امام شاه صورت و سیرت بهتر شدند
 و برادران شان را نیز دیده بود و غلام شاه حسین شاه چون نسب نزدیک بود
 این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ نیز پیران پهلوانی هستند پیران شجره تبرک

شجره ششم نسب زراقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد حسین بنی شاه هر دو برادر فرزند میر سید حسن قادری صحیح نسب
 و ریخوار از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل از این قامت والد ایشان بود
 در شهر آباد که صورت مصابحت گوید و نسب مادری والد ایشان
 بنسبت ابو العلاء است یعنی سید شاه غلام علی جد مادری والد ایشان بودند
 و پنج واسطه نسبت برزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید
 نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العلاء حس سر بوده

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه غیاث الدین احمد بکیر ملتانی
 ابن سید شاه محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری
 ملتانی ابن سید شاه حامد ملتانی ابن سید شاه عبد الزاق ثانی ملتانی ابن سید
 شاه عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
 قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید
 سید ناعیم الدوباب خلف الرشید کلانی محبوب جانی حضرت سید عبد القادر

عشره دوم شجره نسب اول بابیه قادریه
 در نسب نامه سید و حجه الله قادری ملین بیکه

واضح باد مولوی سید جلال الله ساکن میران بکیر لکها و ابن میر سید احمد علی ابن سید
 امیر الله که چهار برادر بودند عیانی یکی نامی بکیرت گرامی شیخ باب الله عارف
 بالله دومی سید شاه عباد الله سیومی سید شاه نور الله چهارمی سید امیر الله
 مذکور بالا پنجم سید شاه تقی الله الا از کمالین سالکین معروف بودند شاه باب الله
 و تیر سید احمد علی بن شاه امیر الله را فرزند دو یکی سید نور علی و الله سید حسن و
 ثانی خود مولوی و حجه الله ابن سید احمد علی پسر مولوی سید جلال الله را یکی سید
 ابوالحسن اما د شاه خاں میر کهراد و بی مولوی محمد اشرف یک پسر ایشان سیومی
 مولوی سید حیدر اشرف باید شنید سید شاه باب الله ابن سید نعمت الله قادری

عشره هاشم شجره نسب زراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه اکبر آبادی ابن سید منور علی شاه
برادر ثانی سید حمید علی شاه ابنان سید محمد علی شاه متعلق صغیر ابن سید
احمد علی معروف بر مولوی احمدی ابن شاه رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید
معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه بچند واسطه در نسب حضرت
سیدنا عبد الرزاق میرسند و نیز بسبب زوج عمه شان حکیم سید نور الدین ابن
حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبد الرزاق میرسند
چونکه اسامی انبیا نقد یافت که نگاشت نیز در اکبر آباد بزرگی بودند نسب زراقیه

عشره هاشم شجره نسب اقیه قادریه سید حسن

سید حسن عرف پیر حقیق ابن سید فیض الله ابن سید شاه محمد تقیم ابن سید
تیم ابن سید اسد الله ابن سید شاه برکت الله ابن سید شاه رحمة الله ابن
سید شاه نعمت الله ابن سید شاه محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود
ابن سید مسعود ابن سید امان الله ابن سید برهان الدین ابن سید ذکی الدین
ابن سید ابوالنضر ابن سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبد القادر جیلانی رضى الله عنه
شجره اول نسبت نسب قادریه و بابیه
نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری ملوی

باید نیست از خلفاء حضرت محمد و سید نصیر الدین چراغ دہلی چهار خلفا زمانه
معروف بودند سید محمد کی سید محمد گیسو رازنده نواز فرار در گلگیر شریف است
ابن سید صدر الدین زیدی نسب دیمی سید محمد گیسو رازا بن سید جلال الدین
کالپی باقری نسب از اجداد ابن خاکسار سیومی سید محمد ابن سید محمد الله
جعفری نسب اند چاری سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی
قادری و تابع نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید بیابانی ابن
سید احمد ابن سید الدین صوفی ابن سید ناسیف الدین عبد الوهاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر جیلانی

شجره نسب قادریه غفریه نسب امیر شیشه عبد المنان قادری دہلوی
سید شاه عبد المنان قادری ابن سید شاه رکن الدین محمد سرخس از ملقب سید
ابن سید عبد الله ملتانی ابن سید شاه عبد الغفری ملتانی ابن سید عبد الله
بیابانی ابن سید شاه علی بہانی ابن سید شاه حسن قادری بغدادی ابن
سید شاه احمد قادری ابن سید شاه عبد اللطیف قادری ابن سید شاه محمد قادری
سید سلیمان قادی ابن سید ذکر یا قادی بغدادی ابن سید شاه عبد الفتاح قادری
بغدادی ابن سید شاه عبد الغفری عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید
عبد القادر جیلانی واضح باد شیشه مظفر حسین قادری راجون شریف
از پنجاہ گزشت سید اولاد بقطع کرده در خانقاہ دہلی بسجادہ شین بودند یک شب

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
 سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
 ابن سید حسن الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین
 قادری ابن میر سید فی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
 سید صفی الدین مونی قادری ابن حضرت سید ناسیف الدین عبد الوهاب
 خلف الرشید کلانی حضرت محبوب سبحانی قطب بانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر حیدرانی رضی الله تعالی عنہ

نقره سیدوم شجره نسب دوم و بابیه قادریه نسب ششم شاه عبدالکریم
 باید شنید سید شاه عبدالکریم و سید عبدالرحیم یانپوری قادری نسب هفتم
 برادر فرزند سید شاه امیر الله ابن سید شاه رحمت الله ابن سید مغرانی
 قادری ابن سید شاه عبدالهادی ابن سید شاه ابوشه بار ابن سید
 مختار ابن سید عبدالشکور ابن سید شاه عطاء الله بغدادی که از
 بغداد اقیقت آورده مسکن در قتل پوره قبول کردند فرزند را بنی است فیض آباد
 و همیقدر اسطر بالا نسب است اولاد ایشان در انجوار اند بسیار خصوصاً
 سید شاه تراب علی ابن سید داود علی از فرزند بن شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید محمد تقی

نقره چهارم شجره نسب دوم و بابیه قادریه

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشره مبشره متولد شد ندبی بی فاطمه صغری
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مشمنی ابن جناب حضرت
 امام حسن علیه السلام نسب سیادت حسنی الحسینی از لطن این بی بی بوجود اندر وجه
 نالشی بی بی ام لعل و نیز ام لیل میگویند از لطن ایشان تولد یافتند حضرت
 علی اکبر شبیه پیغمبر خدا عقاب ایشان نمادند و واقع کر بلا همراه عم بزرگوار و والد
 شهید شدند و وجه را العبدی بی ریاب نیست قیس بن عد اقبلیه نبی کلید بودند
 محبوب ترین وجه بودند از لطن ایشان دختر سپیداشند ندبی بی سکیده محبوب ترین
 دختر جناب سید الشهدا و بیت بر عیسی است مثل محبت ایشان ترجمه آن نیست
 اوس حکیمه کوه دست راستی حسین علیه السلام حسن جگر پنهان سکنند و در باب ۴
 حین شهادت سید الشهدا العبدی بودند و ایت انتقال ایشان در الوقت
 غلط است از مصعب ابن زبیر گفتند چون لشکرمان عبد الملک بشهر
 کوفه آوردند تاخت مصعب ابن زبیر را کردند شهید نظم شدند و در الوقت سکنند
 بر آوردند فریاد ای کوفیان ناشاد و البوقت درین میدان کردی مرا تیم بیاید
 اینوقت کردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند
 عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر هر سه برادر بچای استجاب
 دعا بر چاه زمزم سرست مطلب عا خواهد شد امارت مکه خواستند حضرت عبد الله
 بعد واقع شهادت سید الشهدا تسلط امارت مکه مغظم شدند عروه دعا کردند

بجای آورد و یا جدا نمخت پیر و گیسو عبد القادر جیلانی فرمودند مطلق در نصیب تو فرزند
نیست الا نصیب پارسا خواهی تو یک فرزند است و خواهر را بجای ختر میخوانی عقد
نکاح او از سید محمد سر فرزند که اولاد من است انجام کن ای حاصل شاه مظفر حسین قادری
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سر فرزند که بعد از مدت سه ماه فرزند تو باشد
شاه عبد المنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجای خود

کردند جانشین خوانند زاده را فرزند خوانند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام معه ذکر ذریه حضرت
زمانه که نسبت فرزند سیادت بکدام امام میرسد بر پشت نسبت نمائید
باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم انداخت حضرت فرزند
جناب حضرت علی مرتضیٰ نواسه پیغمبر خدا محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلم
اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت است از بی بی فاطمه قبول کل سیادات
حسنه الحسینیه انداصل قبول بشود در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام
ازواج خمس را میدهند از لطن هر یک زوجه یک فرزند متولد شدند زوجه ولین
جناب معصی القاب بی بی شهر با او دختر خجسته ختر نیز در دین شهر یار که بود
با دشت سلطنت عجم از اولاد نو شیردان پادشاه عادل باید دانست از چهار زوجه
بمرتبه فضل و بصورت ارجل بودند از لطن ایشان متولد شدند امام زمانه سید جعفر
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام از لطن بی بی ام سحاق زوجه ثانی

وسید عبد الرحمان وسید سلیمان وسید علی اشرف چهار فرزند اگر
روایت است صحیح پس عقاب ایشان نماند ذکر اولاد امام زمانه در دست و دم
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب اصدا
خود در انوار ذکر هر سه بزرگوار مع اولاد میکنند با همی در یزدی و حسینی
انوار اول نسبت اولی و دم در ذکر امام عبد الله با جو و اولاد و نسب

امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلا قدس سره
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلا ابن امیر سید
قدس سره ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الباقی
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین
ابن امیر سید انور الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید محبتی ابن امیر سید
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید باو شاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد الله ابن امیر سید حسین ابن امیر سید اسماعیل
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد الله با همی ابن حضرت سید الساجدین امام
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید الشهدا امام حسین
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید دانست امیر سید عبد السلام

که محدث شوند انچه آن گردید و مصعب خواستند زوجیت حضرت سکینه از هم طلب شد
 زوجه خامس بی بی ام الاصفه و بعد از آن حضرت علی صغیر سید شیر خوار شهید
 شد از تر مطیع یزید انالید و انالیه را جعون قاتلان صورت زبون
 نسبت او ابان بموم ذکر اولاد حضرت علی ثانی السید جبرین

امام زین العابدین علیه السلام بر سینه الوار ذکر اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام
 از صبیحه عم الاظم بی بی ام عبد الله کنیت بی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه
 ثانی هم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و بی اولاد
 شدند بایستند چهار فرزند حضرت سید الساجدین از لطن آن بی بی متولد
 شدند و از لطن زوجه دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود انحضرت محمد نبیا علیه الصلوٰه و السلام
 انکم محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو ابی یبقر فی علم الدین ای جابر
 نوبه بی بی فرزندی را که نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی که فرزند من است
 تبقر و بقر بود او را در علم دین من ثانی امام عبد الله باقر رضی الله عنه و ثانی
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صغیر در کتاب سحر الانساب چنین
 مذکور بود ایت اهل سنن و فرقه مذہب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت
 امام زین العابدین از دیگر منکوه پیدا شدند چنین نام سید علم شرف

عمره شجره در نسب مادری از جانب خواجه عبید الله احرار

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار قدس سره میکند
 حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود و ابن خواجه شهاب الدین شاشی
 ابن خواجه محمد مدعو خواجه نامی از اولاد عبید الله انصار بایستند حضرت خواجه
 عبید الله احرار عم عطیر میر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان معفق در شهر قم
 بودند با خود با بسبب نجابت شرافت جانشین صورت مصابرت واقع شد
 یعنی که خدای امیر سید عبد الله و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط هر
 فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید الله احرار
 گردید و نسبت نانمانی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترتیباً واقع شد بدین طور
 امیر سید عبد الملک نبیره امیر سید تقی الدین نواسه حضرت خواجه احرار و امیر
 عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسه خواجه عبد الله عرف خواجه کا ابن خواجه
 احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسه خواجه ابو الفیض نبیره
 حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه
 حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجه
 ابن حضرت خواجه احرار بشنود نام والده حضرت سیدنا بی بی عارفه دختر خواجه
 محمد فیض و واضح باد خواجه ابو الفیض از یک مادر است برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض
 دومی خواجه عبد الله سید سیومی خواجه عبد العظیم ابنان خواجه کا و از زوج اول

جد امجد امیر سید ابو العلاء را چهار فرزند از آنجمله یک امیر سید ابو نصر والد امیر سید
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دو پسر امیر سید ابو الصفا
 فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی والد امیر سید شاه عبد الماجد سیومی
 حضرت امیر سید عبد الله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبد المنعم و دیگری
 امیر سید عبد الباسط و خواهر ایشان بی بی مدیحہ زوجہ سیدنا ابو العلاء
 چارمی امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلاء و یک خواهر حضرت زوجه امیر
 سید عبد الباقی و والدہ امیر سید شاه عبد الماجد شبنو حضرت سیدنا ابو العلاء
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء والد ماجد امیر سید تاج العلاء و دیگری
 امیر سید فیض الله و فضل العلاء نیز نام بودند خلف ایشان امیر سید نور الله
 که خدای هر دو فرزند سیدنا از نبات اعظام یا احوال شد و صبیہ و آنحضرت سیدنا
 کی بی بی زینب زوجہ خواجہ عبد الرحمن ابن خواجہ سلیمان که از اولاد
 حضرت خواجہ بہاء الدین نقشبند قدس سرہ بودند کیفیت فریت ایشان
 دریافت نشد ثانی صبیہ حضرت سیدنا بی بی رقیہ زوجہ خواجہ محمد عرف
 خواجہ قولاد ابن خواجہ محمد سجاد دادا ثانی حضرت سیدنا آنجناب نیز از اولاد
 حضرت خواجہ نقشبند قدس سرہ بودند مزار حضرت خواجہ محمد قولاد در احاطہ
 مزار سیدنا موجود و در کبریا و کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم شد

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر مریا عظیم آبادی
 که انچه معروفست نسب فرزند ان شانی نیر انجنایک بن طورست انچه که فایده
 نگاشت بزرگی سید نظام الدین بن میر سید عماد پیر مریا بن میر سید حمزه
 پیر مریا بن میر سید رکن الدین پیر مریا بن میر سید زین العابدین عرف سید
 محمد پیر مریا واسطه ابن میر سید احمد دهلوی واسطه ابن میر سید حسن دهلوی
 واسطه ابن میر سید قاسم واسطه ابن میر سید حامد واسطه ابن میر سید محمد
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاهر ابن میر
 سید ابوبکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابد ابن میر سید اسمعیل ابن میر
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محدث رمانه ابن میر سید حسین
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجد
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام
 شجره دوم انوار دوم نسب اول باب دوم ذکر نسب سید محمد سرمدی
 واضح باد من الا حضرت سید محمد سرمدی بموضع رهوی علاقه حضرت بهار
 است سید محمد سرمدی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید یحیی دهلوی
 ابن میر سید مصطفی پیشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
 میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبداللہ طوسی

دختر امیر تقی الدین نیز پسری خواجه علی الحق دومی خواجه نظام الدین عبدالهادی
 سیومی خواجه خاند محمد بودند و خواجه ابوالفیض سته برادر از دختر خواجه نظام محمد
 که از اولاد صاحب هدایت بودند هر یک شدند ذی اولاد و حضرت خواجگار
 از هر دو روجه دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا
 دریافت نشد الا بی بی محمد و مہ صدیق حضرت امیر نور الدین که از امیر محمد **فضل**
 ابن سید محمد اجل بن امیر سید علی رضا کتخت شدند کیفیت ذریت ایشان
 ترتیباً نیافت الا میداند که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی به سته
 واسطه فرزند امیر سید محمد فضل بودند و نشی علی حسین مصطفی الپوری نیزست
 فرزندیت خود از حضرت امیر سید محمد فضل میان می کردند و ابن نبت البنت
 سید شاه غلام علی سید اولاد چهارم سید بنی شاه ابن سید حسن قادی
 بودند یعنی نواسه سید بن علی داماد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت
 کرده است این فقیر حقیر الا در شهر کبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلام ابن
 امیر سید نور العلام از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بود و سید اکرم الدین که
 شهریان اینجا کیفیت مقبولی شان بحضرت سید نابیان میکند از روجه شان
 کس اولاد نشد الا از لطن خادمه یک دختر بودند لقب سیدانی صاحب ۴
 انوار دوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت ابونحسن
 رند شویسین بهر چار شجره است شجره اول در ذکر سید محمد میر قریا

جاجیزی ابن میر سید بدیع الدین مکر میر حاج ابن میر سید علی مسعود مکر ابن
 میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرح ابن سید ابو الفوارس محمد فراس
 ابن سید ابو الفرح واسطی ابن میر سید داود ابن میر سید محمد جاجیزی
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داود و بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین
 ملقب به خید ابن میر سید ابو الحسن فراس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین
 یحیی محدث شبیه رسول مقبول علیه السلام بن سید حسن بنیدی ابن حضرت امام
 ابو الحسن زین العابدین ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امام زین العابدین علیه السلام
 انوار سیوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت علی
 علی صغیر ابن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی هر دو شجره
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صغیر و از حضرت
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت
 سلطان ابراهیم او هم به نسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب
 اند از غلطه کاتبان تحریر نسب سیادات است الا نسب مادری اجداد مولانا
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم پیوند به سبب تحت سلطنت نیز از نسب

ابن میر سید اسد الله ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمة الله ابن
 میر سید حسین زاهد ابن میر سید اسمعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحیی شهبیر رسول مقبول ابن
 میر سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن زید شکیل بن حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین ^{علیه السلام}
 شجره سوم النوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسب نامه عمی حضرت سید شایحی
 حضرت سید شاه یحیی علی رحمة الله علیه ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر
 سید وجیه الدین عرف سید بلوگ ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاه
 قطب الدین مصطفی پوری تار بگدا ابن میر سید قاسم ابن میر سید علم ابن میر سید محمود ابن میر
 سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر مانسوی ابن میر سید فیض الله ابن میر سید
 معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرج واسطی ابن میر سید محمد داود
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسی ابن میر سید ابو الحسن ملقب بجنید ابن میر سید محمد اکبر زید
 ابن سید محمد منصور اغی عدان ابن سید عمر علی ابن سید یحیی شهبیر رسول مقبول
 ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن ملقب بزهید ابن حضرت
 سید الشاجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین ^{علیه السلام}
 شجره چهارم النوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسب حضرت سید محمد گدیو
 حضرت میر سید محمد گدیو زنده نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید محمد

ابن سید اجل ابن سید فضل ابن سید ظاهر ابن سید مظاہر ابن سید حجتہ اللہ
 ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ
 ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید در لیس ابن سید ابراہیم ابن
 سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید
 ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صغیر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام
 شجرہ نسب نامہ کی از مریدان تفسیر بدین نسبت میر سید محمد یوسف
 ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید محمد حسین
 ابن سید در لیس ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
 سید زین العین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید
 مجاہد ابن سید یونس ابن سید سمیع ابن سید یحییٰ ابن سید فکریہ ابن
 سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید حسین ابن سید
 یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
 سید الشاہدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ
 نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

محمد باقر علیہ السلام برد و شجرہ

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سراج الدین
 ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفرید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صفر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانیه
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن محمود
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفرید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن
 حضرت امام علی صفر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
 علیه السلام شجره پیوند نسب داری از جانب حضرت ابراهیم ادهم بدینطور است
 باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نواسه اند سلطان محمود ابن سلطان
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ادهم ابن سلطان ابو ناصر باشم ابن عبد الله
 اسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب
 رضی الله عنه شجره نسب مکی از خلفای این فقیر سید امین الدین
 ابن محمّد السید ابن سید محمود ابن سید داود ابن سید جعفر ابن سید اکبر

حالا این کتاب است مفقود آنچکد باستماع جلوه انحضرت یاد است مینویسد بزرگ
 بودند عمده المشائخین خواججه حسن که انجناب را بست و دو واسطه نسب بود از
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و مهران
 وارد شهر میند وستان گردیدند مجدد و اربطور سیاحت قبل در مقام
 و بی بدار السلطنه رسیده ملاقات از هر یکی مشائخین کرده متوجه دیار شرقی
 شدند موضعیت قریب شهر متحرا مشهور موضع دیوشان که جای مجید
 بود و هنوز در آنجا چند روز تشریف داشتند آنجای بهر سکونت بنحاط شریف
 پسند افتاد و مردمان ساکنان آنجا قوم مینود معتقد شدند و نیز از مراد علی السلام
 شیوخ انصاری که مسکن آنجا بود کردید بسیار الحاح و زاری بهر تقاضا
 آنجا هرگاه آنها باعث اقامت حضرت شدند رای آنها بنظر شریف تحسن
 افتاد و طرح اقامت پذیرفتند شیوخ آنجا مقصدین اکثر می شدند بعد چند
 سال اصرار کردند بهر متاهل شدن انحضرت به بسیار که و جد قبول شد از آنجمله
 یکی از مردمان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح انحضرت بزوجیت داد و بعد
 چندی الله تعالی از ان بی بی عقیقه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کمقوت
 خاص در شیخ زادگان نوبت مصاهره افتاد از زبان مبارک پیوستگی
 خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است
 که چنان حضرت خواججه ابوالبرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود

انور باد کده خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر
 نجفستانه دختر حضرت قاسم بن محمد بن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب انداز حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بدین
 خطاب اسم محمد بن علی ابن حسین ابن علی هو ابی بقره فی علم الدین
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اصح باد از لطن پاک بی بی فروه فرزند
 شد چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه
 که فرموده اند شده مخاطب به رفاض قول لا تسبوا علی ابی بکر آنا
 ولد ابی مرتین مراد از ولد تنی نسبت صوری و معنوی چرا که از حضرت
 قاسم جد مادی فیض یافتند بدانند که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
 اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنهم
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله لقب
 کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم باید شنید
 نسبت به کسی اولاد سید ابراهیم نیافت نیست با نجاب و ذکر حضرت امام
 جعفر صادق و ذریه شان در نسب سیوم جدا گانه تحریر خواهد شد
 اول ذکر اولاد حضرت اسمعیل میکند که جدا علی جنا حضرت سیده خوجه
 ابوالبرکات قدس سره اند بدین منط تحریر است باید دانست در کتاب مصبه
 آنحضرت مکتوب نسبت مرده است بخوبی این فقیه نسبت ثبوتی و اسطه میرسد

این شهر گردید هرگاه راجه دولت راجه گویا راجه میر سید علی شاه
 سبب تشریف بری اینجا خواست آنحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه مقام
 گویا چون حضرت صاحبزاده خورد و خواجه ابو الحسین قاصد شدند بسوی
 گویا راجه چند اسرار تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چرخ در
 مفارقت بر خورار شدند بتیغ از خود نیز مع تبعه و لحقه تشریف بردند جانب
 گویا راجه در زمانه راجه مذکور بامارت گذشت چند سال بعد بر گشتگی زمانه
 چون بیجا بانی رانی ان راجه از اینجا جای تیرت معبد خود پسندیده افتاد
 شهر آله آباد کردند خستیا را آنحضرت نیز مع تبعه و لحقه فرزند ان و اینجا
 تشریف آوردند از گویا و اقامت پذیر گشتند در اینجا تا مدت حیات
 تشریف خود چنانچه در آن شهر بسال یکم از دود و صد و پنجاه و شش هجری است
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه در ان زمین
 بطور سبز و کردند تدفین بعد از اینجا آورده در شهر عظیم آباد پائین میر شدند
 یافتند تدفین عمر شریف به نود و هفت رسیده بود ذکر اولاد آنحضرت
 راسته دختر و دلیپ اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین
 بودند و دختر ثانی از میر دلیپ علی ساکن شهر بنارس که خدا شده ذمی اولاد
 شدند و دختر سیم آنحضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند
 و فرزند کلانی خواجه ابو الخیر رحمه الله علیه تنه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابوالحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد
 که بواسطه نسبت و سه پشت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیه السلام
 پیوندند بدانند سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه رزق الله که هفت و هشت
 واسطه نسب فرزند می بخضر خواجه حسن قدس سره ساکن دیوانه است
 مزار خواجه بسیار فیض آثار زیارت نموده است این خاکسار چند بار چنانچه
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الارقام چرا که مرشدان مرشد و از پیران
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 بعد تحصیل علم ضروری چند می نوکری سرکار نواب و راجه آن دیار بودند بعد
 قلعداری بهرگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسید
 بعد حصول بیعت از تربیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین
 تخلص عشق قدس سره ابوالعلامی مشرف بخلاف شده خصیت شدند
 بهرگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چھوٹے
 حضرت عریضه نوشته محرک تشریف آوردی آنحضرت شدند به بیعت حصول
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت
 معنوی شدند و نیز خواجه زادگان اکثر مجبور شدند بهر قامت آن شهر
 آنحضرت پذیرا گردند و اهل و عیال را از آنجا طلب داشته صورت اقامت

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آبی ولد سید محمد معروف ابن
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبد الوهاب ولد سید عثمان
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف برقع پوش ابن سید عبد القاسم
 الحصول این بزرگوار از مدینه طیبیه حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند و یار
 و امصار هرات و بخارا و لاهور آخر در دہلی رسیدند چندی اینجا اقامت
 گزین شدند چرا که جای تخت سلطنت بود و اجماع درویشان و مشایخین
 حصول ملاقات ازامرار اراکین نموده بطور سوخت در بارشاهی منصب
 قضا کردند اختیار از اینجا رحلت گزین شده بسبب استقامت صیغه قضا
 اینجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند شصت فرزندان اینجا
 اقامت گزین شدند بعد خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
 عبد الرحیم ولد سید عبد الرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولد
 سید محمد فرید فرزندان سید ابراهیم از اینجا مراجعت کردند بسوی
 دیار شرقی قریب بهمار موضع سرالنوان برگشته ارول طرح اقامت
 انداختند مع اهل و عیال خود در اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا که در
 دربارشاهی بود سوخت کمال بدریغ امرار گزین چند موضع دیسات
 بحصول فرمان شاهی بر مدد معاش یافتند و جای سکونت را بنام جد
 بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالاشد از صد سال که سکونت این بزرگوار

از میر محمد علی که خدا باقی جای دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه
 ابو احمد فرزند دارند و خواجه حضرت خواجه ابو محسین فرزند ثانی انحضرت
 ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خواجه
 علی حسین عرف میر نواب که خدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان جان
 گردید یک پسر و یک دختر گمشده خود سال کردند انتقال بسال بکیناز و صد و نود
 و پنج هجری ثانی صاحبزاده خود انحضرت را هم علی خواجه علی حسن عرف
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان این خواجه
 میر بخان که خدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب تام ثانی را تسمیه خواجه
 نواب حسن است هنوز که خدای هر دو برادران نشده و بجای تقریر تعیین یافته
 شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبداللہ اولاد ایشان
 ابن امام محمد باقر علیہ السلام - بیان نسب ولاد انحضرت و شجره
 بیاید نیست سیدنا امام عبداللہ را دو فرزند که از بر و نسبیت پیداست
 یکی میر سید ماسم دومی سید حبیب اللہ ذریت بر و برادر بسادات باقری
 نسب اند و اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
 بنده مسکین فانی الا ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
 از جانب بالا میآید بطور تحریر سید حبیب اللہ خلعت لرشید سید برکت اللہ پسر
 شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی ساد

و خوبصورت و خوش مزاج و تحصیل علمی عربی فارسی حصول و وی بی قاضی
 وزیر حیدر را بنهم ذی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلاسه را
 ندیدم اوصاف شنیدم هم پدر و برادر از بهر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن گهرا
 ابن میر حسام حیدر که خدا شدند او لا دانشد باید دانست سید مبارک علی
 ابن سید محمد اسحاق پانچ فرزند رتبه بلند هر یک عالیقدر و دولت مند و پسر کلانی
 سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوجه میر امانت علی
 که پسر هم رفت بودند یک دختر از آن دختر شده لا ولد رفت از جهان و پسر کلانی را
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین که خدا شدند
 سید امجد علی چند دختر آن فرزند یک دختر محمد ظفر یک دختر از مولوی خیر علی
 منسوب لا ولد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر منشی سید اولاد علی که خدا
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و پسر ثانی مولوی سید امان علی
 و پسر سید مولوی سید فضل علی هر دو برادر بعد جلیل سرکاری بعد
 دپٹی بودند ممتاز و سرساز سید امان علی را و پسر دو دختر یک حافظ سید
 احمد رضا و بی سید محمد بکشی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی
 عبد العلی که خدا شد ذی اولاد است و دو خواهر آن یکی زوجه مولوی عبدالحق
 ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوجه مولوی فخر الدین و شادی اولین
 حافظ احمد رضا از دختر حکم دید یک دختر شد از آن عقیقه اولاد و فرزند

است در آن دیار هر یک که از اینجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عبادت
 ذی اقتدار را ریب نذر پناهائی اقبال افضل الهی کمال القصد سید ابهرام بن سید محمد فرید الدین
 شان سید محمد اودلدشان سید محمد یحیی بن سید نجم الدین بن سید محمد علی ولد سید عبدالکریم ابن سید
 عبدالقدوس ابن سید محمد حسن ابن سید محمد یوسف ولد مولانا سید محمد
 اسحاق که در اخلاق بسیط شمه آفاق از ایشان شد ذریت اولاد بسیار
 حالا منوید باید شنید سید محمد اسحاق زاد و فرزند یکی سید کرم علی
 دومی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی دو پسر ایشان یکی
 سید صغر علی دو پسر ایشان سید اسمعیل علی و محمد بهرام سید اسمعیل علی
 زاد و پسر دو دختر یکی زوجه خواجه محمد حسن فی اولاد هستند و یکی زوجه
 میر محمد قاسم ساکن کمر ایشان نیز ذی اولاد است پسر دو دختر و نام پسران
 یکی سید علی احمد دومی سید منور علی فی اولاد هستند همه حالا باید شنید
 سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید تبارک حسین
 که از دختر قاضی نادر علی که خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین
 جامع کمال است در منویلا منصب راجی اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد
 ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی که خدا از خواهر
 میر حسام حیدر ساکن کهر او نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب
 قاضی صاحب مرحوم زاد و پسر یکی قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

از آنجا که این صاحبان به نسب سیادت واحد باقری بودند بهجه کیفیت

ایشان تبصره نگاشت و ترتیب نسب سلسله بدینطور بخیر تحریر می آرد

هر یک ازین خود را به نسب بدینطور شمارد مولوی نورالحسین ابن قاضی زبارک

ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق

ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد حسن ابن سید عبد القدوس ابن سید

عبد الکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محیی ابن سید

محمد داود ابن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید

عبد الرحمن ابن سید عبد الرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف

برقع پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبد الوهاب ابن سید عثمان

ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آبی ابن سید

شهاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید

شهاب الدین نور الانوار ابن سید برکت الله ابن سید حبیب الله ابن

امام عبد الله کتب الکریم لقب ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام

ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام الوارث یوم نسبت دوم

باب دوم در ذکر اولاد سید محمد باشم ابن امام عبد الله

ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام باید دانست حضرت

امام عبد الله را دو پسر ذکر اولاد پسر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالا ذکر

و مولوی سید فضل علی رانیز دلیپ و دو دختر یکیز و جعفر حافظ سید محمد رضا
 مذکور به بالا دوم و زوج محمد ظفر الحق نويس سید امجد علی مرحوم و پسر کلانی
 مولوی سید فتح الدین که از دختر مولوی سید امان علی که خدا ثانی سید
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا از وی ولد
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا موضع مفتی گنج از خواهرزادی میر
 شاهر حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کند و اسما دایمی باشد خورم و شاد
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظیم علی پنج پسر ایشان یکی مولوی
 منظر علی دومی مولوی نیاز علی سید می صاحب علی چارمی میر محمد علی
 پنجمی سید احمد علی پسر سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند
 رتبه بلند ایشان مولوی اخگر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی
 میر مراد علی ایشان اشرف فرزند ذی اقبال رتبه بلند یکی از ان
 مولوی وارث علی لیاقت ظاہر باطنی هر دو وی مولوی شیر علی
 دختر ان ایشان از بزرگ جای قرابت که خدا و از نکوح و دلپس شد بد پسر
 سید می مراد علی مولوی مر علی چارمی سید بجان علی پنجمی مولوی نظر علی
 ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند
 شیخ نادر علی که خدا شدند یک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر بانی پنجمی پسر سید
 مبارک علی میرا سد علی اولاد کنند از پنجهان بی بنیان بی باغ چنان

که در کتابهای سامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصائبت نیزست مکتوب
 بود فهو المراد میناید بیان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم سیدنا محمد بنی بی آمنه دختر وهب ابن عبد المناف که معروف
 است اسم والده ماجده عبد الله بن عبد المطلب وجه اولین آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم که ذی ولد شد نام المؤمنین خدیجه الکبری دختر خویله فاطمه
 بنت اسد نام والده حضرت جیدر کرار علی مرتضی ابن ابیطالب زوجه
 پاک سیدنا علی اسد الله الغالب بنی تبول فاطمه الزهرا بنت حضرت
 محمد رسول مقبول بکذا نام والده ماجده حضرت سید الشهدا امام حسین
 علیه السلام حضرت بی بی تبول بنت رسول نام والده حضرت علی امام
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهر بانو کنت
 ام عبد الله و اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله
 و عایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
 و نام والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فزوه
 بنت حضرت قاسم بن محمد بن صدیق اکبر نام والده میر سید ماشم
 بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ماشم
 بی بی زینب بنت سید احمد والده میر سید محسن بود زوجه میر سید محسن
 بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بود زوجه سید

فرزندان حضرت میر سید باشم لیسر کلانی امام عبداللہ مینو لیسر بالاجمال
 و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عجم زاد سید
 عطا حسین عبدالرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
 شاہ محمد حسین ابن میر سید محمد باصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا
 ابن میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید تقی الدین
 عرف سید پوڑھی کہ از کالپی تشریف آور دند بجاجی پور مسکن ساختند
 ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی
 ابن میر سید علاء الدین کالپی ابن میر سید تاج الدین ہلوی ابن میر سید اسماعیل ہلوی
 ابن میر سید محمد اسحاق لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید
 محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ
 طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابو القاسم طوسی ابن میر سید
 ابراہیم مدقرشی ابن میر سید اسماعیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر
 سید رضا مدنی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد حسن مدنی ابن میر
 سید باشم بن امام عبداللہ کتب الکرم ابن حضرت امام محمد باقر
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل الکتاب احتساب الانساب حضرت
 میر سید ارشد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی

از وجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند
 اختیار فرزند رتبه بلند شان میر سید تاج الدین کتخانی ایشان
 از بی بی عایشه دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید الرحیم
 ابن سید عبد الشکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احمر شد
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس السعالی
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ
 شرف خلافت یافتند و حسب طاعت پر دستگیر در دہلی طرح بود باش
 ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی
 قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند
 میر سید علاء الدین دیک دختر مسماۃ بی بی رحما از مولانا عبید اللہ
 ابن سید عبد اللہ کتخانی شد انداز لطن بی بی مذکورہ دو پسر یک سید علی
 دومی سید عبد العلیم دیک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول
 شرف بیعت بطر لیفہ عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بودہ بمقام
 مالسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالپی بمنصب
 ولایت انجا اقامت پر دختند عجلہ محمود پورہ در عمد سلطنت آن دیار
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدائی ایشان از مسماۃ عصمت النساء دختر

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی رضا
 بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والده میر
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی بنیه دختر سید عبد الرزاق ابن سید
 عبد الکرم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید
 جعفر ابن سید محمد اکبر که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی
 صفیه والده میر سید ابوالقاسم بی بی رضیه دختر فقیه عبد الله قریشی
 نسب والده میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه دختر سید طاهر ابن میر
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیب آمده بصره سکونت کردند اختیار در خان
 از لطن این بی بی اولاد شدند که میر سید الله کتخانی ایشان در شهر
 گردید از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی
 رحمت بنت سید کمال الدین از لطن ابن عقیقه میر سید یعقوب بوجود
 آمدند از شهر طوس شهر لاهور آمده آقامت کردند اختیار کتخانی
 ایشان از بی بی شفقہ دختر سید احمد ضوی در انجا شدند زنده رتبه بلند
 ایشان میر سید داود زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه دختر میر
 سید علی ابن عبد الواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادر

بسوی دکن بمقام گلبرگ شریف سیومی میر سید محمد مؤلف کتاب
 بحر المعانی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چارمی میر سید محمد
 بهمانی به رفیع اشتباهه انقدر تصریح تحریر نمود تا باز ناگم از ره مقصود
 باید نیست و نیز میر سید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال ولیاد شیر
 مستر شد و خلیفه حضرت سیدنا سید شاه ابوالعلا خدس سرکه
 که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محله را محجوره حالا
 فرزندان شان بعبور و رای جمعی میانندان را نام علی پور چوره
 ساخته اند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه
 نور احمد و سید شاه طور احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخ کمالین
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن
 سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرات اجداد بزرگوار
 بمحلہ محمود پوره هست مسجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است در انجا کسے
 از فرزندان نماند در زایم خدام انجا بودند در امتضای مدت بالا از سالی
 اینهم نیست معلوم که وجود آنها باقیست نامعدوم انور باد که خدای میر سید
 محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مساه بی بی عزت
 و که خدای میر سید احمد از بی بی حرمت و که خدای میر سید ارشد
 کالپی از بی بی عصمت هر سه خواهران اعیانی و دختران میر سید کمال الدین

میر سید احمد ابن میر سید محمد دهلوی شده بود و فرزند رتبه بلند
 از لطن ابن بے بی متولد شدند که سید جمال الدین دوی سید
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفتہ مرید حضرت سلطان
 المشائخین سید نظام الدین اولیاشدند تربیت باطنیہ یافتہ
 مشرف بخلافت شدہ مراجعت بسوی شہر کالپی کردند واضح باد
 شادی میر سید جمال الدین از بی بے زینب دختر عمہ گردید و کتبی دہلی
 سید کمال الدین کہ مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی
 گردید نام آن بی بے معلوم نشد الا شدہ دختر از دختر سید عالم علی شدند
 ہر یک ہر یک برادران عم زاد کہ خدا شدہ نباید دانست میر سید جمال الدین
 راستہ فرزند رتبه بلندی میر سید محمد کالپی دوی سید احمد
 سیو می میر سید ارشد کالپی این ہر دو برادر مرید و خلیفہ برادر
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیہ و خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت
 مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سرہ حصول و ایشانرا بعد
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بسید محمد گیسو و راز
 ساختند باید شنیدہ بحضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی چہار خلیفہ
 بودند بنام سید محمد کی جد اعلیٰ این خاکسار کہ نہ کور شد دوی سید
 محمد گیسو از مخاطب بندہ نواز زیدی نسبت فیاض الانوار شان

بودند باقی از کتاب نسبتاً تمهید تفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری
حضرت میر سید تقی الدین مع اهل و عیال این بود که داود شاه بادشاه دیار
شستر بمقام حاجی پور ابن محمود شاه بادشاه کاپلی بمقام کاپلی از مقام
حاجی پور بحضور صاحبزادگان انجا بدین معنی عریضه پرداخت از حاضری
سبب حب جاہ معذور معاف نمایند قصور اگر کسی از صاحبزادگان
در اینجا مع اهل و عیال رند تشریف خاکسار نوازی که مشرف از بیت شوم
و از معاش و دجه کفاف مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر

نقی الدین عرف سید بودهی معزز نندان

سبت بیوم باجم در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام و ذکر اولاد انجناب که باولیا الله است نسبت جعفری
بر شجره و ثمره نسب واضح باد موزین سابقین خصوصاً مذمه با مامیه در
ذکر اولاد انحضرت نوشته آمد بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت
که این کتاب بالفعل هست نایاب نوشت و از احتساب الانساب نقل این کتاب
مینویسد که انحضرت صادق علیه السلام بودند نهشت فرزندش سپرد و
دختر سپرد اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله عنه
و ثانی حضرت اسمعیل بیوم حضرت اسحاق چاری حضرت محمد
پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی دهمای صاحبزادان بی

ابن میر سید علاء الدین بدانید هر سه برادرشند ذی اولاد حسب الامر
 دو پسر میر سید احمد را یکی میر سید حسن و دیگری میر سید حسین هر دو ذی ولد
 شدند و میر سید ارشد را یک پسر میر سید محمود و یک دختر بی بی حمیده
 نام اولاد ایشان در انجوارا نذند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شدند
 یکی سید جلال الدین و دیگری سید نهای الدین که خدای ایشان از
 دختران عم گردید یا خال دریافت نشد مفصل حال لا به سید نهای الدین دو
 پسر شدند یکی سید معین الدین و دیگری سید رشید الدین و یک دختر نام
 بی بی خدیجه مدعو پچول بی بی و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر
 از لطن بی بی اسما و دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلا فی میر سید
 تقی الدین عرف سید بوڈھی جد علی ابن خاکسار و ثانی میر سید
 عبدالحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید یک خواهر ایشان بی بی
 نعمت النساء دختر سید عبدالحی و زوج میر سید قطب الدین ابن میر
 سید تقی الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈھی را سه فرزند از لطن
 بی بی خدیجه عرف بی بی پچول یکی سید قطب الدین مذکور الصدر
 و دیگری سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها بمجل خود
 نوشته خواهد شد انقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
 و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد حسین که جد مجدین فقیر حقیر

هر دو خواهر اعیانی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
میر سید عبدالرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
ابن میر سید نور الدین ابن عمر ابن میر سید محمد الدین ابن اطر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیوم نسب نامه مادری حضرت شهاب الدین سیرورد
باید دانست جد مادری حضرت شیخ اشیر شهاب الدین سیروردی قدس سره
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل الله
ابن سید عبید الله ابن سید عبد الله ابن سید اسد الله ابن سید
محمد طاهر ابن سید احمد مطهر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر
عرف سید رفیع الدین ابن سید مطهر ابن سید مظفر ابن میر سید
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام
شجره چهارم در بیان نسب نامه حضرت علی احمد صابر قدس سره
مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
ابن سید مرتضیٰ ابن سید محمد کلانی ابن حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن
سید عمر ابن سید اغر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
نسب نامری پنجم اشیر فادغی خواهر زاد حضرت بابا فخر الدین گنج اندام الله حضرت سید احمد

امام فخره بی بی ام فاطمه نوشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاست
 اولاد بسیار درین فرق اهل سن بسیار و نیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب دارند
 ذکر امام زمانه در نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الا اول نسب نسب داری اولیا را که
 از فرزندان حضرت شد می نویسد خصوصاً نسب امام داری حضرت غوث الثقلین محبوب بی بی رضی الله عنه

شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صوفی
 جیلانی ابن سید ابو اجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر
 ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین
 خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت
 سید عماد الملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم
 ابن سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید محمد ذکریا
 ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه
 باید شنید الله حضرت غوث الثقلین و الله حضرت خواجه بزرگ
 هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جد مادری حضرت غوث الثقلین
 بی بی عازمه نام جد مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ واسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر حکومت بے

راحت النساء دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری
حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسماعیل ابن خواجہ محمد یار فی ابن سید نجم الدین
وصل عن ابن سید نصیر الدین ابن سید نور اللہ ابن سید ابوبکر علی ابن سید
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسماعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام
سید محمد غوث گویا رمی ابن سید خلیفہ الدین ابن خواجہ عبد اللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بار باری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

نمرہ اول در نسب ماوری حضرت بابا فرید الدین گنج
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بے بی جمیلہ بنت سید وجہ الدین خجندیہ
ابن سید عما خالدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید طاهر ابن سید محمود ابن سید
ابن سید عارف ابن سید اسماعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین عالم
حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید ظفر الدین

حلیہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بر وایت ثانی نام والدہ

انجنا سبیل بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ نیچ در بیان نسب ام حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری
 ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ
 ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ
 ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید کن الدین
 ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام
 جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ پیر جگوت بی بی نور دختر سید وجہ الدین
 چار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف بڑی بوا لے بی حبیبہ عرف بی بی
 حبیبہ بی بی جمال بی بی بدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگر زین والدہ بی بی کمال اللہ
 اکثر نام آن بی بی نیز بی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر و
 اچہ کہ سند یافتہ تحریر مذکور بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن
 مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودند
 بی بی حبیبہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ بہانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن
 بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اندو بی بی رضیہ زوجہ حضرت
 مخدوم شاہ احمد کھی انیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل نسیرہ حضرت نام

ابن سید یحییٰ ابن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد ہمدانی
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہمدانی نسب میر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاہر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاۃ ہمدانی
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید یحییٰ ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن
سید قاسم ہمدانی ابن سید بُرّان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب امام سید الایت علی میر سید از حضرت سید علی ہمدانی
سید شاہ والایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ
حسن علی ابن سید محمد فضل بن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن
سید اعظم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجع محمد ابن سید عبد اللہ ابن
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدیع الدین
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد

ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

ابن سید یونس ابن سید ادیس ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اظہار ابن
 سید محمد مظفر ابن سید شہاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین
 ابن سید خواجہ بقاۃ اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الجبار ابن
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شرف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اظہر
 ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید
 ابن سید محمد ہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارک الدین ابن سید جمال الدین
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجا پوری یکی از خلفاء سید محمد کیو
 سید امین الدین بیجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
 بیجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح
 ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکر یاربانی ابن سید احمد کاشانی
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

عطار اللہ ابن حضرت سید شاہ وجہ اللہ ابن سید شاہ نظام الدین ابن
 سید شاہ ہدایت اللہ ابن سید شاہ محمد حسین ابن سید شاہ رحیم داد ابن سید
 شاہ کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسماعیل ابن خیرہ حضرت
 سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ کہ دو نام تھے
 نماز واضح باد داد و غہ سید لطف حسین پانچ پسر کے سید اکبر حسین و پسر
 ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را
 دو پسر کے سید جعفر حسین ثانی ابو الحسن سیومی سید اوسط حسین
 پدر سید سلطان چارمی عسکری حسین پدر محمد تقی پنجوی سید ذکی حسین فیضی
 اند و میرزا حسین بنی عم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید منظر حسین
 وغیرہ انقدر دانت نگاشت نسبت چهارم باب و م در ذکر اولاد
 حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام و نسبت نسبت لی اللہ زما
 خصوصاً حضرت خواجہ معین الدین چشتی قدس شجرہ و شجرہ
 واضح باد موخین مذہب مایہ فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی اللہ عنہ
 شصت و نہ فرزندان کردہ اند تخریر یعنی سنی بہفت پسر نسبت سہ دختر از سیرودہ
 فرزندان اولاد جاری در باقی عقاب نمائند بترقیم ان نقل از عقیدت ناگزیر
 الا انچکہ در کتاب است بحر الانساب و حساب الانساب مینویسد بفقیر
 حقیر عقدت پذیرا سامی فرزندان آنحضرت نیست حضرت علی موسی زما

شجره چهارم نسب مادی قاضی محمد اجمل دام لطف

قاضی سید محمد اجمل خال لا عظم ایشان شاه محمد واعظ عرف سید شاه ابدان ش
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه عظیم ابن
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت
 سید احمق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سیاه پوش
 ابن سید علاء الدین بهدانی ابن سید محمد بهدانی ابن امیر کبیر سید علی
 بهدانی جامع کتاب اور ذمیت جعفری نسب مذکور بالا جعفری نسب
 اکثر مشایخین انجور اند چونکه نسب نامہ علی الترتیب سلسلہ نیافت نگاشت
 خصوصاً اہل شیعہ خود را اکثر بدین نسب نامہ کی اذان در قرابت و مصاہرت
 ابن خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام نیز ذکی حسین ابن داوود
 سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابوالحسن ابن میر بہادر علی ابن ہر دو
 بہم بستند حکیم سید عابد حسین ابن داوود سید لطیف حسین ابن میر نصر اللہ
 ابن میر دارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف اللہ ابن سید احمد عرف چولہای
 ابن سید شاه غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین
 ابن سید سناہ غلام شرف ابن حضرت سید شاه دعاء اللہ ابن حضرت سید شاه

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه لایت ایشان بمقام
 سانبهر داده بودند حضور مانند تاجات خطاب یافتند حسام الدین بیوخته
 با خر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه فخر الدین
 ذی اولاد شدند خواجه فخر الدین را دو فرزند یکی خواجه کن الدین کلانی
 خلف ایشان خواجه زین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه فخر الدین که نام فرزند خود
 بنام برادر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه معین الدین
 خور و کلانی که بعد ابا و اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند
 ایشان خواجه زین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین ملقب بر مال خلف
 ایشان خواجه نجم الدین پس ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه بایزید ثانی مقبول ربانی حضرت ایشان
 عمر خود در سیاحت تمام گردانیدند و امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف
 آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خادم شناختند و انکار از فرزند
 خواجه بایزید نکردند آخر به شهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد
 سلطان التارکین بودند بادشاه وقت اعتماد بنود خدمت دیوانی تفویض
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیب سجاده آنحضرت
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد و نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

امام زمانه کلانی و حضرت اور پس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی ثانی
 و سیدنا عبید الله و سیدنا عبید الله و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا
 اسماعیل و سیدنا یحیی خیر انچه در نسب نامہ اولیا و الہدیا فتمت من نسبت نگار نور
 شجره اول نسب چهارم در نسب حضرت خواجه بزرگ معین الدین چشتی قدس سرہ
 حضرت خواجه معین الدین چشتی سنجرى اجمیرى ابن حضرت خواجه غیاث الدین
 سنجرى ابن خواجه نجم الدین طاهر ابن خواجه عبد الغفر مطهر ابن خواجه سید موسی
 مصفا ابن سید ادیس لد حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام ابن حضرت امام جعفر صادق
 علیہ السلام

شجره اول بر ذکر اولاد حضرت خواجه قدس سرہ

آوردہ اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجه بزرگ بکبر سنّی متاہل شدند اولاد شد
 حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلی اللہ علیہ وسلم نو د سالگی عقد و
 نکاح کردند از دختر خجسته ختر سید و جہہ الدین مشہدی منوفی زوجہ ثانی
 بی بی آمنہ اللہ دختر را آند یاد نام دختر سید و جہہ الدین بی عصمت النسیا
 ستہ پسر یک دختر در آن عمر شریف حضرت خواجه در نیالیم بوجود آمدند میگویند
 بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از طبق بی بی آمنہ اللہ متولد شدند و با شیخ
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوسى سوالی کہ
 اجل خلفاء حضرت خواجه بودند گفتند ایشانند و فرمودند حضرت خواجه بزرگ
 اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجه ابو سعید حلیت کردند

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور الصدق قصد سفر کردند از اجرتی که
 فرزند یا بنیر ایشان شمس العارفین خواجه محمد داود حشمتی از دیار مغرب قاصد
 دید امصار شرقی شدند از شهر علی سیر کرده بدین لواح رسیدند جای اقامت
 در محال کلبه پسندیدند و حسب مجوزی و الملاح را جاجا بدینجا آنگاه ساختند
 بموضع کندوسی پرگنه اکیل ضلع بهار در آنجا خبر گیر فقره وارد و صادر
 کردند حاکم وقت بهر کفایت معین کردند و اتفاق شد پیداعرض اعراض پران
 که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل در ایشان شامل شدند و اولاد شد
 پیدا الا خود را شیخ گویند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود
 حالا اولاد اند فرزندان ایشان خواجه داود خواجه محمد یوسف بودند بطریق
 آباء قائم ماندند پس ایشان خواجه عید الرقیب پس ایشان خواجه محمد جمیل
 خود را شیخ گویند و ولد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جاجا و دیهات
 اقامت نمود نسبت به مناس صورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی
 ساکن موضع کندوسی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ
 محمد جمیل در موضع جان پور قریب جهان آباد جایز یافته مقیم شدند فرزندان
 شیخ محمد لطیف شیخ محمد سحان در جاجا چیزی صورت معاش پیدا کردند شیخ
 اقبال حسین غیره حاصل پس شاه محمد سحان بودند شیخ محمد شرف پس ایشان
 شیخ محب الله پس ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پس ایشان شیخ

باید شنید شمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
 بود فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو النجیر طاهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
 هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از آنجمله
 چهار فرزند شد ندوی اولاد باقی چهار را عقاب نماند می نگارند اولاد چهار
 برادر دراجیمیر شریف نماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زیب سجاده حضرت
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافرت کردند خستیمار سیل معاصرو دیار هرگاه
 به زیارت مزار رسید باجمیر شریف این خاکسار در سال یک هزار و صد
 و شصت هجری چنین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری منصب
 دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب مالایجای شان
 برادرزاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت اخنایب
 آنچکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین ^{علیه السلام} و دیگران
 بودند اکنون دریافت نشد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
 دیوانگی نماند ما مور مبارک باد شمره سیوم روایت می نمایند هرگاه

چهاراند بامصار و دیار بسلسله نسب برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خواج
 عرف خواجه میر جان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد از کی فرزند آن خواجه
 امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه احمد حسین و یکی خواجه محمد حسین
 عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبدالسلام سید موسی خواجه محمد حسین
 عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبداللہ ہر کی اند محبت پناہ
 شجرہ سیدوم نسب چارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید
 احمد ملقب چرمپوش معزز اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش
 ابن سید موسی ہمدانی ابن مخدوم سید مبارک ہمدانی ابن میر سید جعفر ابن
 سید ابراہیم ہمدانی ابن سید سلیمان ہمدانی ابن سید عبدالکریم ابن سید
 عبدالحکیم ابن سید عبدالشکور ابن میر سید نعمت اللہ ابن میر سید عبدالحمید
 ابن سید عبدالرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبدالرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید
 یحییٰ ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن میر سید عمر ابن میر سید

عبداللہ ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام

شجرہ در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد

مخاطب چرمپوش قدس سرہ

محمد زمان و الدلیشان شیخ محمد باسط لیسر الشیخان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و اهب حسین که از دختر خجسته اختر مولانا
 غلام قادر رحمۃ اللہ علیہ که خدا شدند مولانا مفتی عدالت بودند علاقه صلح بها
 ابن شیخ غلام حیدر شاه و اهب حسین از دختر مولانا شته فرزند مولوی
 منیر الدین احمد لیسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند
 انتقال مولوی امیر الدین احمد لیسرانی بعهده سرکاری بنوراند موجود
 سیوم نصر الدین احمد رفت از نیعالم بعالم جوانی الامولوی امیر الدین احمد
 کتفا شده اند اللہ تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کلال
 باید دانست خواجه نور الدین امیر کلال پیر شد حضرت خواجه بهاؤ الدین نقشبند
 قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کلال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراهیم
 ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد اللہ
 شہید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید علی ابن امیر سید
 ابن امیر سید احمد بلقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن سید شریف موسی ابن
 سید ابراهیم قاضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام باید دانست
 فرزند حضرت امیر نور الدین کلال چهار بودند یکی سید حمزه دومی امیر
 برنان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد هر فرزند نامدا

محمد حفیظ که خدا شدند دختر ایشان سماءه اطمینه عرف بے بے اطوار و الدہ
 شاہ امیر علی ابن شاہ کریم بخش ابن شاہ محمد و اصل ابن شاہ غلام بدر ابن شاہ
 وجہ الدین فردوسی سید محمد ثانی را ستم پسر یک سید شاہ نجف علی ایشان را
 دو دختر یک سماءه و دو پسر الدہ امیر علیخان ابن بہت علیخان و بمی سماءه
 شوپرن روجہ حاجی قضاہ الطاف علی یک پسر ایشان شاہ نور الحسن سرور
 کہ از دختر قاضی صابر علی کہ خدا شدہ و ملی ولاداند خواہر ایشان از قاضی
 وصی احمد ابن قاضی صابر علی کہ خدا زوی اولاداند پسر دوم سید محمد ثانی
 سید شاہ احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاہ احمد حسین و بمی سید شاہ
 محمد حسین ایشان را دو پسر باو شان چند دختر سید محمد خلف الرشید سید محمد ثانی
 سید شاہ پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاہ محمد دوم بخش
 شاہ کلن کہ بعد عرصہ رونق خانہ ان زرب مشایخی دادند پسر ایشان دو
 سید ولایت حسین سید نورالحسین ہر دو موجود اند اللہ تعالی ترقی بخشد
 و شاہ نور الحسن ثانی ابن شاہ برکت حسین نیز از فرزندان اند کہ جد بزرگوار
 ایشان در آل حضرت مخدوم سید شاہ احمد چرمپوش بودہ اند بدین سبب
 سکونت نیز بہت و نیز شفعہ حکیم محبت حسین از فرزندانند و دیگر ان نیز میگویند
 چون سلسلہ نیافت نوشت نسبت پنجم باب دوم در ذکر حضرت
 امام علی موسی ضامنہ کہ فرزندان آنحضرت بر چہار شجرہ است و ثمران

باید دانست حضرت مخدوم سید احمد چرمپوشش نواسه حضرت مخدوم سلطان
 سید شهاب الدین پیر بگوت اندام والده ماجد انجناب بی بی جمیعیه مدعو حیه
 بودند و نام زوجه انجناب بنیه انداد و فرزند رتبه بلند بودند انجناب را یکی
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دویم مخدوم سید شاه سراج الدین
 ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
 شاه عجمه الرحمان که از دختر عم کلان بی بی و اسمعیم بنت مخدوم شاه تاج الدین
 که خدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و برادر یک پسر و یک دختر پس سید شاه
 عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زبیب سجاده ماندند بعد خلف شان سید
 شاه علی عرف مخدوم بده جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان
 سید رکن الدین مدعو منجم و والد ایشان سید شاه محمود علایق سجاده
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین ماند
 پسر ایشان سید شاه حبیب الله والد ایشان سید شاه محبوب الله پسر ایشان
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمد والد ایشان سید شاه
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ایشان سید
 مجیب الله ابن ایشان سید شاه علی صغیر ابن ایشان سید شاه
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغیر را یک پسر سید محمد ثانی و
 یک دختر شاه مجیده که از سید شاه غلام مخدوم زید یاسب اندام سید شاه

نام والده حضرت خواجہ قطب الدین بن رضیہ بنت سید محمد ابن سید
 ابن سید احمد ابن سید ابراہیم ابن سید آدم بن سید عالم ابن سید عالم ابن سید
 عبد المجید ابن سید عبد المجید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت
 امام علی موسی رضا علیہ السلام نسبت دوم ضروی نسب نامہ سید
 شاہ ابو العلی مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن ضاقدین
 سید شاہ ابو العلی ابن سید شاہ محمد حیات ابن سید شاہ محمد برکات ابن سید
 مبارک ابن میر سید حقیق ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الحکیم
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد اللہ
 ابن سید عبد الجلیل ابن سید محمد طویل ابن سید جمیل بن سید علی بزرگ ابن سید مصطفیٰ بن سید
 عبد اللہ اکبر ابن سید مجتبیٰ ابن سید ابراہیم مرقع پوش ابن حضرت امام علی موسی
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام فرزند حضرت سید شاہ ابو العلی طویل است نسبت
 قرابت و مصاہرت ازین فقیر حقیر فقیر تحریر کرامات بعد ازین خواہ نوشت
 نسبت بیوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بُری والا کو
 جد امجد میر سید محمد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن سید ابو الفتح
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
 ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی مصفا ابن میر
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد اعلیٰ ابن میر سید نوح

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام پنجم فرزند رتبه بلند و یک
 دختر خجسته خربنی بی فاطمه ثانیه از هر فرزند آن سلسله نسب باقیست
 خود را رضوی سید میگویی بابتدای از امام سید فرزند اند و الله اعلم فرزند اولین حضرت
 امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دهم امام سید حسن فرزند سیموم
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند آنهم
 اجداد سیادات رضوی واضح باد نسب حضرت پیر دستگیر خواجه قطب الدین
 آویشی لقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند خواجه قطب الدین بختیار کاکی
 ارشد اخلافاً حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
 آویشی ابن سید محمد آویشی ابن سید احمد آویشی ابن سید حسام الدین ابن
 سید رشید الدین ابن سید رشیدی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
 اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه
 قطب الدین اهل بیت سابقه را با اشاره آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم طلاق دادند
 بابت تافیه متاهل شدند لعل بن زوجه ثانی که در اقران بودند و فرزند شدند
 یکسید احمد دوی خواجه محمد سید خواجه احمد لیم سیزده سالگی بچهره رحمت حق پیوست
 پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بودند خواجه کبیر زان بعد عقاب حضرت نماز

از ولایت تشریف آوردند بصیغه طالب علمی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین
 بدر عالم در بهار وارد شدند مشغولی تدریس بودند روزی کرامات ایشان
 بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد تانی را
 نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجه
 یکی از اینها دهنده کلانی عذر آوردند و تجدید کردند اختیار چنانچه مزارشان
 واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
 معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند
 که جای چلبی بی محدوده مشهور است چنانچه انموضع دو گریهات معانی بقبض
 اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بود ملازچک
 فرزند یک فرزند سید شاه اهل شد مذکوره بالا و فرزند برادر دیگر سید عنایت علی
 بودند خلف ایشان سید فرزند علی کتختائی ایشان از دختر میر مظفر حسین محرم
 ساکن شینو پوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
 میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد دیوان سید جعفر قدس سر
 بودند گردید اولاد ازین عالم رفتند و پسر ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی اند
 دو سه شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید و امجد حسین
 دومی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه افلک حسین تانیه زوجه
 سید امیرالدین نوآبادی ثالث زوجه پیاری صاحبان قاضی محمد بخش محرم

ابن میر سید ابراهیم بن میر سید زین العابدین بن میر سید حسین عرف سید
 عبد المطلب بن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه النوریه
 سیادات رضوی نسب هستند بسیار بر شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اندر پنجوا
 از اولیاء کبار چون نسب نامہ اولادشان مسلسل نیافت بدین وجه نگاشت
 متعذر ماند و نیز اکثر مذہب مامیلند سیادات رضوی عویدار چنانچه درینجا ارساد
 ساکنان موضع ابجگله که نسبت مصاہرت دارند واضح باد در زمان ماضی سلمہ
 بزرگ بودند مشاہیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبد الاحد عرف قاضی بڑی
 رضوی نسب بودند و فرزندشان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار
 مصاہرت واقع شد از اولاد ایشان شهر فار موضع بہتہو و حضرت بہار
 مذکرہ ذریت ایشان در تتمہ کتاب خجاندہ نگاشت و نیز در موضع ساسین
 ضلع پٹنہ بزبانہ قریب بزرگ بودند منصب قاضی سید اولاد علی والد ماجد
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلیٰ مرحوم لپہر ایشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم
 و از بنی اعوام ایشان میر احمد حسین میر محمد و محمد بن سید شجاعت علی
 و از موضع ارسادات رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید
 شاہ اہل اللہ رضوی را درین موضع مصاہرت واقع شد سید شاہ اہل اللہ
 جد مادری سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ حجتی ابن سید شاہ اطیب اللہ
 قادری چنانچہ منقول است دو سید زادہ بزرگ از سیادات رضوی نسب

سیر کرده اصرار و دیار به بخارا شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدین
 هر دو بنزد گوار در انجمن متاهل شدند به نسبت شرفا انجمن سید بخاری را دو فرزند
 شدند یکی سید احمد بدایونی ثانی سید محمد بدایونی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید
 و انبال یکی موسوم بی بی زلیخا زوج سید احمد بدایونی نام ثانی معلوم شد
 از بخارا فوت سکونت پیش شهر بدایون رسید و در حضرت سید احمد سید
 نظام الدین اولیا و کنیز ایشان بی بی زرنیب نام حضرت محبوب
 الهی حضور بودند الا فرزند بی بی زرنیب دو کی سید تقی الدین نوح
 دومی سید رفیع الدین باون هر دو ذی اولاد شدند سید محمد بدایونی
 را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب الهی برادر غمخوار
 بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه ابراهیم ایشان را تربیت طاهری
 و باطنی از پدر بنزد گوار خود بود خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف
 سید طویل بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم پندی بودند
 سید فرید طویل بخش در بهار حبیبیت چشتیان اقامت پذیر شدند بحاجه چاند پور
 اولاد این بر که بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبه بلند آن حضرت سید معین الدین
 بهاری خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از بنیاد و فریق
 شدند سید نسبت دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جدا مجد صاجا
 چاند پور و سید بهاء الدین فرزند ثانی از اجدها جان تکیه خود

و نواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر
 معروف بودند حاصل از انجمله از سیه برادر فرزندی سید رمضان علی
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین سملوی دولپش ایشان شدند
 از دوز و جریکی میر محمد حسین و اما سید محمد حسین نوآبادی پلپش ایشان سید الفتح بن
 و از زوجه ثانی غنف الرشید ایشان سید علی حسین سته خواهر ایشان ذی اولاد اند شاد
 علی حسین در بهار از دختر میر حسین سکن باروری شده بودند و دختران ایشان را
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام معمر در این
 باید دانست از تحریر یونحن سابقین نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزندان حضرت
 سیه پسر سیه و دختر فرزندان حضرت امام علی نقی علیه السلام امام زمانه ثانی حضرت
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد این هر دو بزرگوار صبی اولیا و کبار اند جا بجا
 ولی الله صاحب لایزال آسوده اند بجز ایشان فایض الانوار و شجره اولی
 نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشائخین
 سید نظام الدین احمد بدایونی حضرت سلطان الاولیاء
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخارا
 ابن سید عبداللہ بن سید حسن بن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبداللہ بن
 سید مغرور و حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام
 باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید دانیال عرف خواجه عرب از جوار عرب

قطب بخش کتخدا شدند پس دومی شاه قطب بخش شاه در گاهی والد ماجد سید
 خید بخش و شاه محمد سبحان را دومی سید شاه محمد مهدی که دومی اولاد شد نماز دختر
 پس دثانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از طبق بی رحمانی سید شاه محمد باقر
 و سید شاه اسمعیل ایشان یک پس سید علی حسن که از دختر مولوی سید شرف علی ابن
 سید شاه یحیی علی کتخدا شدند یک پیشد ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه
 تبارک حسین ابن شاه تئیم الله منسوب شاه محمد باقر چهار فرزند سید مسعود
 و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمد و حلت کردند هر یک را بهترین
 جای نسب مصاهرت اقع است و پیش شاه محمد اسمعیل سید علی حسن نام از دختر مولوی
 سید شرف علی کتخدا شدند یک ملک بقا گشتند پس گشتند سید حسن نام از دختر
 شاه تبارک حسین مرحوم کتخدا است دومی ولد است و از شادی دیگر حضرت
 شاه محمد سلطان رحمه الله علیه را فرزند نامی شاه ا محمد حسین که از دختر
 شاه قطب الدین میری کتخدا شدند یک دختر و پس فرزند شاه محمد جان را چهار
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید صفت حسین و سید کبیر حسین یکی ازین حلت نمود
 باقی دومی حیات دومی اولاد اند

ملعه دوم و بیان واقع ثانی بذریع سید شاه سبحان الدین
 ابن حضرت محمد دوم نصیر الدین واضح باد فرزند ثانی و حضرت بنده
 سید نصیر الدین دیوان سید بهار الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

اولاد ہر کے موجود اند

لمعہ اول در ذکر اولاد صاحبان چاند لویہ

باید است فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الشیخ سید شاہ منصو
ابن الشیخ سید شاہ محبوب الشیخ لویان سید محمود ولد الشیخ دیوان سید
شاہ غایت اللہ ابن الشیخ سید شاہ امیر اللہ الشیخ چار فرزند رتبہ بلند
کہ پیدا شد شاخ ہر یکی سید شاہ صفی اللہ ولد کلائی و جناب حضرت سید شاہ
احسان اللہ فرزند ثانی بجادہ نشین بجای پسر سومی سید اہل اللہ چارے
سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری این نیز ذی اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ
را دختران بودند و سید شاہ صفی اللہ را بودند یکہ دختر بی بی صبیحہ نام دختر
این بی بی را نام بی بی مسیحاز و سید شاہ محمد و اصل کہ جد شاہ امیر علی
فر دوسی بودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ
بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید حسن زیدی نسب کتھا شدند
از بطن این عقیقہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر جناب حضرت
سید شاہ یحیی علی قدس سرہ زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان
نیرہ سید شاہ احسان اللہ و و خلف انحضرت شاہ محمد بخش دوی
شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را دو فرزند یکی شاہ محمد سلطان مذکور علیہ
دو بی شاہ محمد جان و یک دختر بی بی واجن کہ از شاہ محمد سجان ابن شاہ

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دهری که از دختر سید نجف حسین
 ساکن محله باره درمی که خدا شدند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء
 ذی اولاد هستند بجاوه آبا اجداد زینت بخش اند و ذکر نسب مادر سی حضرت
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد سمح درمی
 نسلست انور اجداد مادر سی پسر شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که نسب بسادات کاظمی بودند شادی
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نور الدین بن سید محمد و م عالم
 ابن سید صدر عالم ولد میر سید محمد سمح درمی زیدی نسب گردید و زوجه شیده
 غلام محمد و م دختر قاضی سید فتح الله خلیف که شادی اولی بود ساکن مقام
 شیخ پوره از ایشان شده پسر ندیک سید نور الدین دومی سید محمد صالح سیوم
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نور الدین رانیر سه پسر یکی سید
 غلام مجتبی دومی سید غلام تفضی سیومی سید غلام محمد پس بدانید سید غلام
 مجتبی را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد کتخدا شدند و سید
 غلام تفضی رانیر یک پسر سید بخور دار و دو دختر یک زوجه شاه محمد مبارک
 ساکن محله چاند پوره دومی زوجه سید علی اکبر ساکن موضع شفیع پور و سید
 غلام محمد رانیر سه پسر یکی سید غلام حامد عرف پانچو دومی میر سید میر عرف
 چمکو درمی سیومی سید تاج محمد لا ولد و جده مادر سی سید شاه علیم الدین پدر

شعیب با حق ولد ایشان سید شاه عبید الله ابن ایشان دیوان سید شاه
 عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان سید شاه عبد الواحد
 بودند و دو دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
 سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از جدیه حضرت دیوان شاه
 عبد الواحد مذکور القدر که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه
 جماد نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین
 ثانی که پسران شاه فصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان
 شاه فرزند علی دومی شاه حسین پسران شاه نعمت الله و اما دومی میروسی علی و از محل
 دوم شاه ذکی الدین شاه محمد کی بود و نیز شاه معمر حسین الدیاجید سید شاه
 عبد الکرم و یکده هجرت سید شاه رحیم بخش پسر ایشان سید عبد الکرم نام
 است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه
 محمد آفاق نسبت قرابت قریب از خسر پاره این خاکسار دریافت شد تبصیر مینویس
 باید نیست سید شاه جمال الدین زاد و پسر یکی سید محمد پاره ثانی سید شاه کمال الدین
 ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر
 ایشان سید شاه علیم الدین لد ایشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه جماد

ویک خواهر ایشان بی بی لطیفه زوجه شاه علی بخش برادر شاه کریم بخش و الدشاه
 امیر علی واضح بادی سید محفوظ را نیز دو لیسر یک سید رضا علی ابن سید ناصر علی لیسر
 شان شاه غلام محمد و مثنائی ولد ایشان سید احمد امداد خور و شاه انور علی
 بلخی لیسر ایشان سید علی جان ذی اولاد شده لاولد از پنجان بقند لیسر و یکی
 سید محفوظ بودند سید معصوم لیسر ایشان سید غلام محمد و ملسر شان سید شرف علی
 و سید مشرف علی لیسر ایشان داود علی عرف و اهو و لیسر سید اشرف علی سید
 امام علی پدر سید مردان علی داما و شاه ترابا بخت دانا پوری دو خواهر ایشان
 یک زوجه سید داود علی دومی زوجه سید الفت حسین ابن سید شاه فخر الدین
 و چهار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجه شاه فخر الدین مذکور و دوی
 مادر شاه منگن سیومی را ذکر معلوم نیست الا چارمی زوجه میر محمد عاصم نواسه
 حضرت شاه طیب الله مؤزوی خسر شاه محمد سجاد دانا پوری و ع
 شجر نسبت نسباً میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید
 ابو سعید جعفر حضرت باطره واضح بادی سید خلیل الدین ابن سید ابو سعید
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اهل الله عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال و شهنشاه ابن میر سید حامد عرف
 چاند ابن سید محمود عرف سید پیاری ابن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شهاب الدین ابن حضرت سید عبد الرزاق

شاه محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف الشون سید فقیر محمد فقیر ابن سید
 محمد دم عالم بن سید محمد سروردی مذکور بالا و جد مادر سی شاه منور الله جد
 شاه محمد آفاق میر سیف الله مذکور صدر و سید فقیر محمد اود و لیس و یک دختر
 کلانی لیس سید سیف الله ثانی سید روح الله لیس سید سیف الله سید محمد حفیظ
 و یک دختر زوجه شاه منور الله و بی دختر زوجه سید زین العابدین مکن
 محله مفتیان و دختر سید سیف الله والد شاه منور الله مرحوم و لیس سید
 محمد حفیظ سید شاه غلام محمد دم جد مادر سی شاه امیر علی فردوسی ابن شاه
 کریم بخش ابن شاه محمد اصل شاه امیر علی خسرو ابن خاکسار و سید روح الله
 ابن سید فقیر محمد لیس سید محفوظ نام و دو خواهر ان ایشان یکی بی بی
 پاچوز و جده شاه غلام حیدر ابن شاه و جده الدین که لا ولد و بعد ازین عالم و بی
 بی بی بخدیاعرت ناچوز و جده شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند
 رتبه بلند شاه غلام بدر شاه محمد اصل جد شاه امیر علی شادی شاه
 محمد و اصل بجله چاند پوره از بی بی مسیحی بنت بی بی صبیحہ دختر شیده صفی الله
 و خواهر شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیگمائی زوجه سید فضل علی
 ساکن محله باره در سی که از اولاد سید فضل الله عرف سید گوسائین بودند
 نواسه میر فضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه
 غلام عبد الله فرزند حضرت خواجه مود و دشتی ساکن شیخیه خورگر گزشت

[illegible]

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خنگ سواراجی
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالموئید ابن حضرت سید ابراهیم
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر در میثاقین حضرت تبصریح انیکه
 سید خلیل الدین ابن سید محمد جعفر راسه فرزند یکی سید جان عالم لپران
 سید محمد جابه دوئی سید سلطان عالم لپران سید محمد یاسوی که از بهر بود
 کلانی سید صاحب عالم یک حبیبه ایشان بی بی زهره که از سید ابراهیم خوانده
 سید صاحب عالم منسوبند یک دختر و یک لپران نام دختر بی بی محمدر و منه وجه
 میرزا محمد حسین شیخ پوری بود لپران میرزا محمد حسین سید امید علی که از دختر شاه احمد علی
 کتخدا شد سید سعادت علی لپران هستند و دختر از میرزا محمد علی ابن میرزا علی
 رنوی کتخدا شد و دو لپران علیقدر ایشان کلانی میرزا فرحت علی که از دختر میرزا
 اولاد علی ابن سید شاه ارباب علی کتخدا شد و اولاد ازین عالم رفتند لپران
 میرزا میل علی باز چند رشادی ایشان مندر دختران دو لپران سید واجد حسین
 داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی دویمی سید احمد حسین فی ولد اند
 و از دختران کلانی زوجه شاه ظاهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین نواب
 ثالث زوجه بهاری صاحب لپران بی زهره زوجه سید ابراهیم حضرت شاه
 سید وارث علی بودند سه لپران یکی لاولاد ازین عالم رفتند و دویمی
 میرزا فیض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخ پوره ساکن در میرزا فیض علی

یکده خرد یک پسر مخدوم عبد الله عرف سید سجاد اکبر کتخانی ایشان از بی بی مخدوم
 دختر سید مبارک بن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری
 و پسر سید شهاب الدین جوهری سید زین العابدین کتخانی ایشان در آن
 شد یک دختر ایشان بی بی حفیظه کتخانی شد نداز سید ابو محمد پیاری خلعت سید
 سجاد اکبر پس سید ابو محمد پیاری را چهار پسر شدند یکی سید شیخ الدین دومی سید
 فیض الدین هر دو اولاد الاسدی سید امام الدین کن مضع سنیه ملاسی
 ذی اولاد شدند اولاد ایشان در آنجا بقصبه سماضنع آنه و موضع بلاسی بزرگان
 مولوی آل احمد و مای مخدوم پور کور و دیگر کنه اول یکی از آن شاه امیر حیدر
 و شاه خمیر حیدر و غیره و در پنجاد میر تقی بخش و محمد بخش غیره الا خلف
 چارمی علیم الدین عرف شاه بهیکه از آنجا در قصبه پیر آمده اقامت پذیر شدند
 رونق بخش سجاد حضرت مخدوم الملک شدند اولادشان کثیر همه مخدوم زاده
 سابع حضرت اولاد ایشان هستند مفضل و ضمن احوال حضرت مخدوم الملک
 خوابد نوشت که طول است شجره نسب نامه حضرت خواجه ابویوسف
 بهمدانی مقتدر اسلسله نقشبندیه تقوی السب بداند حضرت خواجه
 ابویوسف بهمدانی ابن خواجه عبداللہ ثانی ابن خواجه قطب الدین یوسف
 ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظفر ابن سید عبد الله ابن حسین
 ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

که خواهرزاده حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین
 بودند قدس سرہ سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاہ حسن
 مصدق ابن سید شاہ عباس ولد میر سید علی ابن سید شاہ حیدر ابن سید تقی
 ابن حضرت موسی مرتضیٰ پوشلین حضرت امام محمد تقی علیہ السلام رضی اللہ
 باید دانست سید وحید الدین چله کش کتخدا شدند از بی بی بار که دختر حضرت
 مخدوم شاہ ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاہ شرف الدین قدس سرہ
 بداندید رسید و حیدر الدین شیہ علاء الدین سببرادر بودند سید سکندر علی
 و سید مس الدین ابنا سید حسن مصدق سید مس الدین عم شان کتخدا شدند
 از بی بی رقیہ بنت مخدوم شاہ طلیل الدین که برادر کلانی حضرت مخدوم الملک
 قدس سرہ بودند از بطین این بی بی دو دختر یکی بی بی مہ خاتون دینی
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی ند کو کتخدا شدند و اولاد
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند و اولاد
 از پنجمان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم ثربی بودند معروف ابن سید مبارک
 فرزند ایشان بموضع کھراٹ موضع اوترالاری موجود اند میر بشارت علی
 کھراٹ و میر ابو القاسم اوتراباتی کیفیت سید وحید الدین چله کش این است
 معروف است که از بطین بی بی بار که یک دختر موسومہ بی بی زمرہ بنویسند
 شدند از سید شہاب الدین جویری علوی نسب بطین بی بی بار که بی بی

واضح باد جدمحمد دوم شاه درویش مخدوم ابوسعید که نواز نواز اند سید
 ابو جعفر لاؤ که نواز نسب نامہ سید ابو جعفر بن بطور سید ابو جعفر لاؤ که نواز
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبدالرزاق که از اولاد حضرت
 غوث الثقلین محی الدین سید عبدالقادر جیلانی اند چونکہ نسب بالا نامحضرت
 بادرک نرسید از تحریر تغذیر کردند الا حاجی نور العین خواہن زادہ فیلسر خواندہ جانشین
 حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند کہ انجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحہ
 تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکہ حضرات کچھوچھ موضع بتیور اسلسلہ
 و بیعت از انجناب است خود را بذریعہ انحضرت نمایند مقصود از اولاد حسین
 و انجناب بذات خاص حضور بودند مجرد متاہل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین
 قتال در مقام کچھوچھ اولاد سید ابوسعید بموضع بتیور ضلع گیا است باید دانست
 مخدوم شاه درویش را چہار پسر و یک دختر بودند بی لاؤ و کہ از مخدوم خود شش
 منسوب شدند از انجملہ پسران یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر کہ در جوار
 پدر آسودہ اند لاؤ ویلی سید حامد عرف سید چاند بموضع شیخوہ متقل پنجورہ
 سکونت کردہ از افتیادہ جوار مخدوم شاہ مبارک جد بزرگوار ذی اولاد دفعہ
 شیخوہ مشہور است سیدی مخدوم شاہ محمود کہ در پائین مزار پدر نامہ آسودہ اند جناب
 مغرب جنوبا و لاؤ شان نیز یک فریق چارمی مخدوم شاہ محمد پسر کلانے
 جانشین پدر کہ بعد مرقد والد ماجد ہم پهلوی مزار است جانب شرقی قبا

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسیٰ مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی
علیه السلام از اولاد حضرت خواجه ابو یوسف همدانی در دیار فارمن مستند الادب و
خواجه فرید الدین و حاجی غلام الدین و سید نجم الدین مدعو شاه قدح حسین سولشاه
مشرب اند و از فرزندان خواجه فرید الدین و سیر الدوله خواجه وحید الدین
و خواجه زین العابدین بودند

لمعه نسب نامه حضرت خواجه محمود الخیر فغوی سرآورد سلسله نقشبندیه
خواجه محمود الخیر فغوی ابن سلطان امیر بختی ابن امیر سلطان ابن سید کریم الدین
ابن سید اسد الله ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید
مظفر ابن سید عبد الله ابن سید حسن ابن سید بختی ابن سید موسیٰ ثانی ابن سید
احمد ثانی ابن سید موسیٰ اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسیٰ مرقع پوش
ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام دریت ایشان نیز در بخارست
لمعه ذکر نسب نامه سید مخدوم شاه درویش بیهوی تقویٰ نسب مع
بیان دریت ایشان که موجود اند مخدوم سید شاه درویش بیهوی
ابن مخدوم سید شاه مبارک ابن مخدوم شاه ابوسعید ملقب کشته نواز ابن
مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاه صفی الدین
ابن سید اعز الدین ابن سید حاجی ابن سید حسین ابن سید موسیٰ ابن سید
ابن سید محمد اعرج ابن سید احمد ابن سید موسیٰ مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی

سید مبارک اشرف سته برادر دوی سید محمد و اشرف سید می سید نثار اشرف
 دوی خواهر مولوی صاحبزاده مولوی سید کاظم علی غسوب بودند و اولاد شدند
 اولاد سید می سید انداد اشرف عرف اچین میان دوی برادرشان سید
 امانت اشرف سید می سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر
 چارمی سید محمد و اسعد سید سلامت اندام و دوم و ذکر اولاد سید محمد
 سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سید غلام حسین ابن سید لعل الله ابن
 سید بنی الله ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
 شاه محمود ابن محمد و شاه درویش غنوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید
 امیر الله راسته لعل الله ابن سید شاه غلام حسن الشانزاده و پسر دختران فرزند کلانی
 حکیم سید منظر احمدی یک پسر الشان سید منظور احمدی ذی ولد دوی سید
 احمدی هشت لعل الله و دو دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن کتخاگردند
 دختر دوی از سید حسن رضا ابن سید رحمت حسین شادی شد ذی اولاد اند برادر سید
 منظر احمدی سید راحت حسین اما سید شاه عبد الکریم پانپوری اولاد ایشان
 چهار کی سید حسن رضا نکورد و می سید رضا سید می سید محمد رضا چارمی سید رضا
 نوجوان برادر پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
 مولوی سید رضی الدین حسن و پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
 سید غلام حسین مرحوم و دو فرزند الشان سید امیر الدین سید نسیم الدین ثانی

ملعه اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سره مولوی حکیم سید نواز شریع
 چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیلوی سید مادی اشرف
 ایشان زاد و پسر دو دختر چارمی سید با شرم مغفور یکدیگر ایشان از بنی عم غنم سب است
 یعنی از پسر سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نواز شریع سول از محل اولی یک دختر
 ذی اولاد و از محل ثانی سه دختر این حضرات فرزند مولوی سید شاه
 غلام رسول رحمة الله علیه که دو برادر چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این
 خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی
 ذی اولاد اند و دو دختر یکی از سید مادی اشرف کتخدا و دیگری سید نسیم الدین
 ابن سید نظام الدین احمد کتخدا اند سیمه فی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن
 سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سیده غلام مبارک
 سید شاه مجتبی و دختران بودند فرزند دختران سید مجبوری مغفور و سید شاه
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول این هر دو پدر پسر را دیگر یک یک برادر
 بودند اولادشان هستند الانام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل ابن سید شاه علی ابن
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
 سید اسمعیل حکیم مظهر حسن تباهی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید مکرّم
 و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد و سید غلام رسول

شجره دوم نسبت به تهم باب دوم ذکر نسبت و اولاد خواجہ قطب الدین
 مودود چشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چشتی ابن خواجہ ابو یوسف چشتی
 ناصر الدین که خلیفہ خال خود خواجہ ابو محمد چشتی بودند خواجہ ابو یوسف چشتی ابن
 خواجہ سمعان ابن خواجہ سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید عبد الله ابن سید
 ابن حضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ مشہود حضرت خواجہ عبد الله چشتی ابن
 خواجہ سید اسد الله چشتی از اولاد حضرت خواجہ مودود چشتی از مقام شمس بہر
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان سینہ ہ بزرگوار ایشان
 تیر مع اہل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا منوروی یافتند بقریہ
 شینجیوہ خود پرگنہ تربت ضلع بہار آخر کار در آنجا صورت اقامت مریہ
 و معتقد شدند آنجا رخا نقاہ و مسجد کردند طیار و زمین بطور انیمہ حاصل کردند
 دہ یازدہ چکوگ جهت اوقات صرف و از دھادر چون نذر گذرانیدند سلطان
 وقت تصویریدہ بہر کفایت اہل و عیال کردند قبول نسبت نامہ ایشان
 تا حضرت خواجہ مودود چشتی و ذکر ذریات سیدہ عبد الله ابن
 سیدہ اسد الله ابن سید برٹان الدین ابن سید عبد الرحمان ابن خواجہ محمد جان
 ابن خواجہ محمد سمعان ابن خواجہ منظور ابن خواجہ قطب الدین مودود چشتی
 الحاصل فرزند خواجہ سید عبد الله ابن سید اسد الله خواجہ قطب الدین ثالث
 بودند و لد ایشان سید تاج الدین محمد ابن ایشان سیدہ عنایت اللہ

اکثر مشایخ خان ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است
نسبت هفتم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام سلسله درستان
باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق یقین
از هر فرزندا ولاداند النور باد لیسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
امام زمانه ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامه اولاد
ایشان یافت نگاشت که از هر یک اولیا و نامدارانند شجره اولی نسبت هفتم
باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت سید جلال الدین حسین
مخدوم جانیان جهان گشت سیادت بخاری نسوان ایشان اند مخدوم
سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیری بخاری شیخ سوار ابن سید
جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشه ابن سید ابوالمؤید بخاری ابن سید محمد
جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد الله ابن
سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری
و حضرت مخدوم بهاء الدین ذکر یا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ
بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح
رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ
بخاری بمقام اوجه آسوده اند مخدوم جانیان در چاکام اند

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد دوم ساکن رهومی که خدا شدند
 چند دختران ایشان مخلف ایشان سید شاه علیجان رحلت کردند نوجوان
 اعقاب نماند الا سید شافعی علی راز شادی نانی که از دختر سید فضل علی
 ساکن محله باره در می شد یک پسر یک دختر بود و آمدند نام دختر بی بی
 لطیف النساء زوجه شاه علی بخش ابن شاه محمد و صل فردوسی از بطن این بی بی
 دو پسر یک دختر یک پسر طفل و دیگر نوجوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی بی
 مراد ان النساء زوجه میر مقرب حسین ابن مولوی ابراهیم علی کابری راسه فرزند شد
 دو طفل یکی نوجوان بشیر رحمت حسین نام بی که دختری فوت شدند عقاب نماند
 و نام پسر شافعی علی سیده خیر الدین حسین که بدیار مغرب بجا بد روزگار عمر
 بسر کردند نام آوری پیدا کرده بکمال عزت و جاه در شهر متهرا رحلت کردند
 کنه اولاد نشد پسر دوم شاه محمد فیض بودند سیده محمد علیج ایشان رانیز دو فرزند
 رتبه بلند یکی سید ابراهیم حسین و پسر ایشان یکی سید حممت علی پدر سید موسی علی
 دومی سید امجد علی پدر سید عباس علی ابن هر دو داماد شاه فخر الدین حسین
 لاولد و فقند از فیالم پسر دوم سیده محمد علیج سیده رحمان حسین با ایشان نیز
 دو فرزند رتبه بلند یکی سیده فخر الدین حسین و بی سیده لطف حسین با ایشان
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی بنا که خدا
 شدند آخر لاولد فوت ازین عالم و شادی سیده فخر الدین حسین از خواهر

النور باو که انجمن ثنائی شیعه تاج الدین محمود اولاد کثیر انداز هر یک ملاقات
 است حاصل الا خلف الرشید شیعه عنایت الله را خلف شیعه محمد فصیح
 السیر ایشان یکی سید محمد وجه الله دوله پسر ایشان سید کریم الدین جد مادری
 سید شاه مرد الفطی ابن سید امام علی ساکن بهنوی دومی سید رمضان علی
 پسر ایشان میر بشارت علی پدر سید محمد مهدی ولد دوم شیعه محمد فصیح شیعه
 غلام عبد الله ولد ایشان شاه فتح علی عرف بهویری شادی اولی ایشان
 بی بی میحمره خواهر سید شاه عسکری عرف لشکری بلخی لر دید از لطین
 این زوج یک پسر و یک دختر شدند نام دختر بی بی و صیحه زوج میر محمد علی
 مادر میر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرفا زوج سید حمایت حسین آنگلوی
 یک دختر ایشان که از خواهر برادره ایشان سید اله بخش کتخدا شده ذی اولاد اند
 پسر شیعه فتح علی شاه انور علی که از مسماة ذاکره بنت شاه محمود اصل فرد
 که عمه شاه امیر علی فردوسی بودند کتخدا شدند سینه پسر ایشان عابد حسین احمد سید
 ذاهد حسین بطغولیت مبرد اند الا سینه خوران ایشان یکی مسماة حیاتین وجه
 میر رضا علی ابن میر یوسف علی غطی آبادی پسر ایشان سید فدا علی یک دختری
 دارد باقی سه خواهر اند سید فدا علی و دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف
 غشاز وجه شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خسلرین خاکسار سینه دختر ایشان
 و یک پسر شاه وزیر علی یک پسر و یک دختر موجودی دومی دختر مسماة براتین

بالصوبه از اینجا که این خاکسار و نسب نامه یافت منسوب آنحضرت و آن نسب
 است یک از اولیا و کبار عالی تبار آنرا منینوسید یکی نسب نامه حضرت خواجه محمد بهاء الدین
 نقشبند دومی نسب نامه سید شاه صادق حسینی یا غفلی کاتبان باشند نسب حضرت
 امام علی نقی علیه السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچه که نزد این فقیر حقیر بود
 موجود تحریر نمود شجره اول در ذکر نسب نامه حضرت خواجه محمد
 بهاء الدین نقشبند قدس الله سره خواجه محمد بهاء الدین نقشبند ابن خواجه
 محمد عبد الله بخاری ابن خواجه سید جلال الدین بخاری ابن سید ربان الدین
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین ملقب محبوب ابن سیدین اکبر
 ابن سید عبد الله ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رومی ابن سید حسین مقبول ابن
 سید حسین محمد تقی ابن سید عبد الله ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
 امام حسن عسکری رضی الله عنه علیه السلام باید دانست منور اولاد حضرت خواجه
 در بخارا شریف اند و درین فواح بزرگ تشریف آورده بودند خواجه معین الدین
 نام بود عرصه چهل و پنج سال بود و هفتصد و شصت و نه سال خود را از اولاد آنحضرت
 میگردید بیان خواجه محمد میر عرف خواجه میر درد و متخلص ابن خواجه ناصر از اولاد اند
 آنحضرت دبلوی از کتاب رشتحات و شجره الیقین چنین دریافت شد که حضرت
 خواجه را دو پسر و چهار دختران شدند نابالغ و نابالغ از سیاهمخت ملک بقا بستند
 جز صاحبزادی خود که نام بود فاطمه ثانی نسبت از خواجه علی شدند که ملقب بودند

سید امام علی بن سید اشرف علی ساکن موضع رهروی شد و دختر دسره پسر
 کیفیت دختران مذکور شد پسر اوسط سید سخاوت سین نوجوان مجرب و لیسر سیوم
 سید جماعت حسین دلا دشا شاه امیر علی بن علی راقم التحریر و دسره و دختر ایشان
 هستند نام پسر سید احمد حسین سید فرحت حسین پسر کانی شاه فخر الدین حسین سید
 الفت حسین که از دختر امون خود میر امام علی که خدا شد نماز لطن آن عقیقه
 چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور اچهار خواهر یک زوجه فخر الدین
 دومی والده شاه منگن پسر سیومی دریافت نشد الا چارمی زواجه سید محمد عام
 که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند دانا پوری ازین بزرگان
 واسطه قرابت و مصاهره بود کیفیت میدانست تبصیر صحیح تحریر نمود بقیه اولاد
 محل ثانی سید تاج الدین محمود که دهم و دهم اند کیفیت دریافت نشد
 نسبت هشتم باب و م در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه
 بیان در سبک شان واضح باد در بیان فریقین مذکور اهل تسنن و
 نیز اهل تشیع اولاد این امام الهام بخیر حضرت امام محمد مهدی علیه السلام
 دیگر نیست زعم اهل تشیع که آن امام را نه صاحب الامر اند در غیبت اند بمقام
 سر من رای بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان فار و بیان اهل مذاهب
 سینان اینکه آن امام را فرزند می بود آمدند مسی محمد نوجوان رحلت نمودند
 از می عالم و آنچه در ظهور آیند این محمد مهدی موعود اند این سید عبد الله و اعلم

لمعه در ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهار قیاس سره که مرقع باره دری
 باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلندیکه سید احمد مدعو عرف
 سید بزمی که از بار بر خاسته خاطر گشته سکونت کردند اختیار مقام کوثره اولاد
 شان آنجا هستند دومی سید نصیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاده کی دادند
 اولاد اند در آنجا منسوب بدو فرقی سنیه امامیه اکثر احوال خلف سید نصیر الدین
 بودند سید محمود را دو فرزند سید نصیر الدین از بهر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن
 اولی سده پیر یک دختر بے بے مریم نام دختر بے بے مریم شیده اهل البدر قادری
 مبارک حسینه و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یک سید تقی الدین
 که بودند سجاد و نشین دومی سید صفی الدین سید زین الدین پسین انید اولاد
 سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شیخوۃ تصحیح نسب دریافت نشد الا انیکه
 میر مظفر حسین پسر ایشان میر امید علی پسر ایشان میر سعادت علی نوانسه شیده
 احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر یک سید رکن الدین دومی سید
 صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یک سید تاج الدین لا ولد دومی سید
 منهاج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و سه خواهر
 ایشان اولاد یک ازین دختران سیده مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فردوسی
 و اولاد یک دختر میر فضل علی داماد شاه محمد و اهل فردوسی بدانید میر فضل علی
 ابن میر اکمل علی که از دریت سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید رکن الدین

از خواجہ عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و خلفا ثانی دوزند از ایشان
 شدند یکی خواجہ حسن عطار ثانی خواجہ حسین عطار و لد خواجہ حسن عطار خواجہ
 یوسف عطار بودند از ان بعد معلوم نیست کیفیت بالتصریح شجره دوم
 و نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی رحمۃ اللہ علیہ
 کہ مشرب طریقیہ قادریہ داشتند من از فیض آثار بدایار جنوب لقمہ گلشن آباد است سید شاہ
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
 محمد راجع ابن سید اسد اللہ ابن سید علی راجع ابن سید امین الدین مدنی
 ابن سید محمد صفی ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
 حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ کیصد
 شصت سال بود با شغال مدارید فرزندان این بزرگ در قصبہ گلشن آباد عرفانک
 اند کثیر الاخلفا این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدر
 معمورہ بمعنی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب نامہ میگارد مولوی
 سید عبد الفتاح شرف علی ابن سید عبد اللہ کاہی ابن سید مس الدین علی
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید عبد الفتاح عرف سید امام الدین ابن میر
 سید اسد اللہ عرف سید شیر محمد قادری ابن سیدہ محمد صادق حسینی
 سید اشرف علی نیز مقیم شہر ممبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد ہر امام بیان
 شد از اینجا در ذکر اولاد بزرگان بر لغات می نویسد

و یک از آن سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیکه پسر ایشان سید امین الدین
اند واضح باد جناب سید شاه الطیب بودند برادر چهار نواسه برادر کلانی سید شاه
کمال لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاه کهنوی دومی سید
عبدلکریم پدر سید عبدالجلیل و خاص شاه الطیب را دو پسر دو دختر پسر کلانی سید شاه
عبدالرشید عرف شاه جمی از دختر عم خود و دختر اش از دختر ایشان شدند
یک از سید فضل حسین بن میر سید احمد بن نوآبادی کتبی باشند که خواهر زاده نیز اند
دومی از سید محمود بن میر عسکری حسین ملکن موضع کار اولاد یک نماد برادر دوم
سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل اولی ایشان اولاد نشده الا
محل ثانی و اولاد یک خواهر سیده فضل حسین مذکور الصدور و خواهر ایشان هر یکی ذی اولاد
لمعه در ذکر نسب فریت مخدوم شاه تیم الله سفید باز بن مخدوم شاه حمید الدین
واضح باد سیده عبدالرشید عرف شاه دوم بن ابن عسید الوحید عرف شاه ثمن بن
سید صدر عالم بن قطب سید عالم بن سید احمدی ابن عسید الاحد بن سید محبوب عالم
ابن سید غفر الله بن سید حبیب الله بن سید محمد فرید بن سیده رحیم الدین بن سید شاه
فهم الدین بن سیده اسمعیل بن سید محمد جلیل بن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه
ابن سید شاه نعیم الدین بن مخدوم شاه تیم الله سفید باز نسب بالا و نسب نامہ حضرت
آدم صوفی جد امجد ایشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشایخ
نسب ما بری از جانب مخدوم شاه تیم الله سفید باز هست الا اولاد آنحضرت حضرت

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الادب و دختران بودند بسید علی
 از یکی دختر پسر شد سید محمد اسلم نام ایشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بموضع
 کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند خستیار و ادلاد دختر ثانی محمد اسلم
 سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصبه باوه کردند اختیار و ادلاد ایشان
 در آنجا ارباقی اولاد از وجه ثانی سید نصیر الدین که پسران شدند چهار کی سید عاشق علی
 دو می سید طالب علی سید می سید مطلب چار می سید نفی سید محمد تقی و ادلاد ایشان
 در قصبه بار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا ملا قیام ابن خاکسار
 بسیار یکی از عمائد زمان سید امام الدین حسین سید احمد حسین سید غلام نجف و میر شاه علی
 و میر فرزند علی و میر کبر شیر نهب امامیر الاسیده داشت علی ندر بسینه دشتند از آنجا که
 ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت غوث ثقلین سید عبدالقادر جیلانی اند
 لمعه دوم و ذکر نسب نامه میر سید محمد قادری امجیری تفصیل فریت نخست
 ما بعد نشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه
 اظیب قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد ولی قادری
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاه ابوالمعالی قادری ابن سید شاه
 عبدالزاق قادری ابن سید شاه ابوالمظفر قادری ابن سید شاه معین الدین
 قادری ابن سید شاه محمد قادری امجیری نسب بالا نشان نوشته شد حاجت تحریر
 نیست چنانچه اولاد کی از اولاد سید محمد عیسی ابن سید بن علی امجیری اند

که قریب خانقاه مخدوم معروف است و دو برابر متفرق شدند و دیگر با سکو
 کردند اختیار او را و ایشان هم کثیر شدند و در آن دیار نامک سکونت کردند و اختیار او را یکدوشاه
 فیض علی الدشاه ولی احمد بلخی و بی سیده عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم سید
 انور علی حاله را آنجا انهم نماند و آنجا از دریت بلخیان غیر آباد است و آنجا سکونت مردم آباد
 است الا یک فرزند حضرت مخدوم احمد نگردد یا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور
 کردند و قامت اختیار دریت شان در آنجا و تربیت سامی بزرگوارانها معلوم نشد الا از آنجا
 شاه غلام شاه ایشان سید پکی سیده احمد حسین که پسر شان سید اهراب ایشان
 و بی سیده احمد حسین بیومی سیده عبد العلی پسر ایشان سید محمود اند و دفعه ثانی
 سیده فخر الاسلام که بچند واسطه نسب حضرت مخدوم احمد نگردد یا سید خلف الدشاه
 ایشان سیده فهم الدشاه پسر ایشان کلانی سید شاه نوشته التوحید و دو دختر ایشان
 سیکیز و جبه قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر
 معلوم نشد و خلف ثانی شاه فهم الدشاه قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر نسو باز شاه محمد و اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید داد
 عم کلانی خود شاه نوشته التوحید مذکور الصدیک پسر ایشان محسن التوحید داد
 مولوی محمد و اجد ابن قاضی طهارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید
 که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طهارت التوحید
 پسر سیومی شاه فهم الدشاه قاضی طهارت التوحید

شاه دومن بودند شادی ایشان از خواب شاه نورالحی ابن شاه عبدالحی ولد
 حضرت شاه مجیب قادری شد یک پیشان شاه محمد شرف عرف اچچونیان که از
 خواب مولوی شاه عبدغنی گنبدی آمدند سلسله سپهرند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
 محمد رضی دومی مولوی محمد ابراهیم اولد سیومی مولوی محمد عبداللہ ماجد شاه و حیدر
 و دختر شاه دومن علیہ الرحمۃ مسماۃ وصیۃ از سید شاه اولیاء علی علم المحترم
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که از منتهی سید عبدالعزیز خوشنویس گنبدی شد
 لا ولدند از نیالمر رفتند بعد در بیان نسبت نسب بلجیان که از اولاد حضرت
 مولانا مظفر بلجی اند و واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلجی ابن مخدوم شاه
 شمس الدین بلجی برادر ایشان مخدوم سید شاه مغربلجی ابن سید شاه شمس الدین را
 فرزندار جند مخدوم سید شاه حسین بلجی مخاطب توشه التوحید است فرزند
 رتبه بلندیکه از ان مخدوم شاه سلیمان که لا ولد رفتند از پنجهان نوجوان
 دومی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کھیری بازید لو
 اند و تیر در بخوار از اولادشان نامی بمنزلت گرامی شاه رستم علی بودند
 سیومی فرزند که از همه بودند درجه بلند مخدوم شاه حسن بلجی که جانشین پدر عالی تاب
 شدند فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دریا ابن
 مخدوم شاه حسن بلجی سمند رتوحید بودند فرزند ایشان چهار از هر یک شاخ
 نمودار چنانچه دو فرزند نمودند جوار اما اجداد بلند کینه ده در انجا ماندند و در محل بلجی

شاه ولایت علی بلخی نسب اند یعنی شاه بهایت علی بلخی چنانچه بهای فرزند
 جد مادری خود اند شاه صاحب مدوح ذکر نسب بشاه عسکری عرف شاه
 لشکری ساکن محله بلخی از اجداد بزرگان خُسر پوره باید دانست سید
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مدلیلی ابن سید شاه
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه محمد الدین عرف شاه بدین ابن سید
 حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد درویش
 ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شد نداد و لای شان نشد الا دو خواهر ان ایشان بودند
 یکی سماته نصیر ازوجه شاه درگاه بولل و دی سماته مسیحی ازوجه شاه فتح علی مرحوم
 از بطن این بی بی یک پسر یک دختر سماته و مسیحی ازوجه میر محمد علی مادر میر عباس علی
 و سماته شرف ازوجه میر حمایت حسین نام پسر شاه نور علی ازوجه سماته ذاکره بنت
 شاه محمد و اصل فردوسی شد دختر ایشان یکی از ان خوشدامن اینجا کنان
 مذکور الصد را نیم ساکنان محله بلخی بودند که مدحه ذکر نسب بشاه
 ولی احمد بلخی یکی از ساکنان محله بلخی متممات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید
 شاه فیض علی ابن سید محمد طاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه منیف الدین
 ابن مشیده سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا و صنع باد

ایشان داماد شاه محمد واعظ ابن سید شاه فیض السدا حاصل یک دختر و چهار
 پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واجد سید پسر ایشان چهار دختر و دو پسر یک بعد
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پیر بیگمہ منسوبی اولاد اندازان دو یک دختر
 زوجہ میرا شد ابن میر خادم حسین و یکی زوجہ سید محمد حسن التوحید مذکور السدا
 ذی ولد اند دختر قاضی طہارت التوحید مرحوم زوجہ قاضی تفضل حسین ابن قاضی
 سید اولاد علی والد قاضی سید محمد رندا سید محمد کاظم پسر دینی قاضی طہارت التوحید
 مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور
 پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سیوم شاه فیض السدا
 سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگین سہ پسر ایشان یکی سید
 حبیب التوحید و دومی سید قمر التوحید پسر ایشان دو یک نعمت التوحید و دومی نعمت التوحید
 و یک دختر ایشان زوجہ سید عمر دراز خواہزادہ اینجا کسار و پسر سیوم از نام التوحید
 ہست نام پسر ابن شاه محمد واجد سید عبد الغفریز سید شرف الدین و محمد غوثی
 ذکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادری واضح باد
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه پیر علی
 نواسہ سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاہ عبد اللطیف
 بلخی ابن سید شاہ ولی بلخی ابن سید شاہ دولش بلخی ابن سید شاہ ابراہیم بلخی ابن سید
 شاہ سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگ دریا و نیز جد مادری خاص سید

مجاهده بودند سید شاه امام بخش بن شاه بنده علی ابن شیخه محمد ابن
 شیخه فصیح الدین از اولاد لیس چارم مخدوم سید احمد لنگه دریا و سکونت ایشان نیز
 بموضع بهار پوره متصل مناز فیض آثار حضرت مخدوم شیخه حسین توشسته جلیل
 قدس السره بلکه اکثر مناز بلخیان در اینجا است لمعه در بیان نسب حضرت
 سید شاه محمد تقی رحمه الله معه ذکر ابا اجداد و اولادشان شیخه
 غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی بلخی ابن سید شاه غلام
 ابن سید شاه برهان الدین ابن شیخه علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد بلخی
 ابن شیخه دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جیون بلخی ابن شیخه
 محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراهیم ابن حضرت مخدوم سید شاه
 احمد لنگه دریا قدس سره واضح باد حضرت شاه برهان الدین را و
 بودند یک سید شاه غلام مغر و الداجد حضرت شاه محمد تقی دومی سید شاه غلام
 والد ماجد سید شاه مخدوم بخش بالیشان یک لیسر مولوی کفایت علی پدر سید
 ابراهیم حسین خواهر شاه مخدوم بخش و ج قاضی بهکیاری
 کشمیری دو لیسر ایشان یک قاضی منظر حسین داماد جناب حضرت
 مولوی سید حسن رضا لیسر قاضی منظر حسین السدره کوهام دومی
 قاضی ولایت حسین که شادی اولی از دختر شاه مخدوم بخش کردند از محل
 یک لیسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاه

سید فیض علی و برادر بود و بی شاهی رحیم علی عرف سید شاه درگاه‌های از
 محل ثانی پسر ایشان شاه تصدیر علی و سید فیض علی را نیز دو پسر یک سید شاه
 ولی احمد و بی سید شاه و صبی احمد و الد سید نور الحسن و سید شاه ولی احمد که داماد
 شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد و اسع بودند از لطیف این و وجه مسماة رحیم دو پسر
 و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بلخی داماد منشی سید محمد خلیل خوشنویس
 نوابادی و وجه شاه علی احمد مسماة و جهات النساء چند دختران ایشان ثانی
 شاه حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر یک زوجه سیده مبارک حسین
 دومی زوجه سیده محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل
 ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نواسه شاه فرزند علی که خدا و پسر و
 یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا و دختر کلانی
 مسماة ریاض النساء بنت شاه ولی احمد و وجه حاج حضرت سیده فخر الدین حسین
 والد جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیات النساء
 زوجه علم المحترم ابن خا کسار یعنی سیده مراد علی دانا پوری والدہ باجده برادر
 عالیقدر حکیم سیده محمد کاظم حسین اینهمه فرزندانند و کبر بلخیان که نسبت به
 بصر محبت معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اندک سیده جمال علی
 که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند محمد و م احمد لنگه دریا است پسر شاه صاحب
 سید مظفر نام دارند و دو خواهران ایشان یکی سیده شجاع علی بلخی بسیار صاحب

پسران نورالدین پسر کلانی شاه صاحب سید شاه علیم الدین اما دجناب حضرت
 سید شاه غلام حسن قدس سره دویمی سید شاه غلام شرف پسر شاه حبیب
 سیوی امین الدین خود در سال وفات یافت یک دختر سید شاه علیم الدین از خان
 محمد امین که خداوند از ان فرزند موجود است محمد رشید و سید شاه غلام مظفر را
 چهار پسر اند ترقی عمر باد و وصل در بیان اولاد حضرت سید شاه
 حاجی حافظ ابوتراب مشهوری رحمت الله علیه باید دانست جداست
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاه ابو العلی مشهوری از سمت مغرب سیاحت
 کرده بجوار حضرت بچار رسیدند موضع کوفین که مقام است آب هوانجا پسند
 خاطر افتاد و مقیم گشتند معاہل و عیال فرزندان چند در آنجا تولد شدند سید شاه
 عبدالسلیم شادی ایشان بجانہ شرفا بموضع مویرا گردید چندی مقیم در آنجا
 ماندند هرگاه به تحصیل علوم اوقات پرداخته و بصلاحیت طبیعت ساخته بجوالی
 رسیدند فرزندان ایشان گردید سیسی سید شاه عبدالحکیم که خدای ایشان از خیر
 حاجی شاه غلام محمد گردید و اضع باد این حاجی غلام محمد از اولاد یا با
 فرید الدین شکر گنج بوده اند و همسفر دیار و اسرار سید شاه ابو العلی بودند
 طریقہ حشیرہ داشتند از سید شاه ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد
 بموضع دریا یویر متصل فتوحه که هنوز سکونت آنجا هست الوصول رسیدند عبدالحکیم را

محمد تقی کردند از انهم یک پسر سید الدین نام و دختر قاضی بهکبیری از حکیم فیض علی
 کتخدا ساکن مجلّه شجاع پسرشان حکیم محمد امیر یک دختر زوجه سید ابوالحسن حسین ابن
 مولوی کفایت عینی همزی اولاد اند و دختران شاه مخدوم بخش یکیک مادر شاه
 بجل حسین ابن سید میان دویمی زوجه شاه امجد حسین بلخی مادر سید و ابراهیم
 سیومی زوجه قاضی ولایت حسین مذکور حال دیگر دریافت نشد ذکر اولاد حضرت
 شاه غلام مغر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهران حضرت
 شاه محمد تقی یکیک زوجه شاه غلام شهنشاه بلخی مذکور الصدردویمی زوجه شاه
 مخدوم بخش مذکوره بالا سیومی مسماة آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سره چارم را
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن رضا ابن سید
 شاه عبداللّه شادی اولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه حیدر علی
 گردید اولاد نشد بعده دوم شادی از دختر دوم شد یکا فرزند رتبه بلند مولانا محمد
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بلخی پسر دختر شد که زوجه سید شاه
 بجل حسین نام پسرشان شاه محمد نصیر شاه ولی الحسن شاه احسان فرزند
 ایشانند نواسه حضرت سید میان و از شادی سیوم حضرت شاه محمد تقی رضوانه
 چهار دختر و پسر شد نزدیک دختر زوجه شاه نور الحسن ابن سید شاه محمد و اعظم
 دویمی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و خرقة و میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه
از سر بر آوردند طلب آب و آن بزرگ کانس آب از مشکینه بر آورد و گفت کمال
بر صیبری یک کاسه آب عمامه میدهی سید پاک عمامه خود بر سر نهادند گفتند مرا طلب
نیست صابر خواهی یافت از اولاد امام صابریین حضرت زین العابدین استم
که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند بیا تشنه کامی غزیران و والد ماجد خود
می آرد قریب چهل سال بعد این واقعه بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند
بوقت کمال تشنگی بد دعوت شیر می نوشیدند سحان الله عجب بزرگ حسا کمال
بودند چون مراجعت از سفر نمودند در وطن بمقام کسی را نیا یافتند چون میوضع
دریا پور رسیدند بعضی از قزاقان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند
موجود مع دختر منسوب بیان کردند احوال هر چند تجردی غریب و متاهلی
ناپسندیدند بصره اقراران صورت عقد مناکحت شرعی واقع شد از سکونت
موضع کو تن برخاسته خاطر شده و در بنیوضع دریا پور رحل اقامت انداختند
بسبب موافقت بزرگان اجماع در عمر شریف لگی از بطن آن عقیقه متولد شدند
دو فرزند یکی سید شاه عجمه و دیگری سید شاه فیض الله از هر یک اولاد
شدند فری علم و شایخ عظام سید شاه عجمه و سید کلانی مولوی سید رضا
شانی سید عیسی سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی
چهل سال سید فیض الله سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی سید علی

فرزند حافظ البوترب شدند چون سایه الدین از سر ایشان در گذشت
 سکونت آنجا ناگوار افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود میوضع دریا لورند که
 بسبب البطمی نمودند تا خبر برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند خیار مردانه و مجرد
 عمر ایشان بسبب آن بود و رغبت ایشان شاه مصطفی خاا ایشان را یک دختر تولد
 شد پنجاه عمر داشت که حیل ملک بقاشدند بزوجه خود وصیت کردند که روزگار
 روز ناسید البوترب در اینجا از سفر خواهد رسید این دختر را باو منسوب کردم در جزیره
 او خواهد داد و سید البوترب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت
 سفرشان بدینطور در آن سفر در هلی تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون
 قریب فراع شدند باو شاه وقت خواست که بر سر ایشان دستافضیلت
 بپندد و وجه کفایت مقرر سازد و بدین در بدر شاه بی بمانند پذیرا
 خاطر نیفتاد و از آنجا سفر کردند خیار روانه شدند بسوی حجاز قریب هشت سال
 در حریم شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خید سال
 مجاور ری و فدا قدس حضرت سرور کائنات کردند و روزی از روز یادداشت
 حریم شریفین راه می پیوندن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپید بود
 مضطر شدند کمال در آنوقت بزرگی خضر وقت شدند بیکال بزرگی از تشنه
 پاک هویدا مشکیزه در بغل پآب و جام در دست پرسیدند ای سید چه
 میخواهی گفتند آب تشنه دهنم هم فرمودند چیزی نده گفتند هیچ ندارم

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن ضا قدس سره و برادرشان سید شاه
 حیدر علی باید دانست سید شاه حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس
 با کمال اولاد نشود و دو خواهر ایشان بحضرت شاه محمد تقی که خدا یکی بعد دیگری
 و خواهر بیستم کنیز از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیا الحق عرف رتین چند
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جای که خدا شد ندکی از مولوی
 واعظ الحق پدر مولوی عبدالحق دویلی از محمد اکبر بیومی از پسر مولوی محمد
 چارمی مادر شاه فیاض نجفی زوجه میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پهلواروی دختر
 ایشان از سید علیم الدین خلف سید هدایت حسین دانا پوری که خدا شد رحیم الدین
 نام پسر است چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن ضا
 قدس سره را دو دختر یکی زوجه حکیم بختن دویلی زوجه قاضی مظفر حسین خلف از سید
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی
 آمنه که خدا شدند از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر و دختر خجسته آخر زوجه
 سید شاه علیم الدین بلخی ابن جناب شاه محمد تقی رحمه الله علیه که مذکور اولاد بالا
 تحریر شد الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سره سید
 شاه محمد حسن عرف سید میان ذوی مغروران بودند دریافت عربی
 و فارسی از خواهر مولوی کفایت حسین ابن شاه مخدوم بخش که خدا شد ندیعنی
 از نساقه بی بی سعیده ابا وجود یک جناب آنحضرت بودند اھم الامیع کمالات

سید قدرت الله لاولد لیسر سیدی ولی الله میر فقیر الله بالیشان سید سید و دو دختر کلانی
از میر علی سجا و چهل و اوی که خدا ذی ولد شد ثانی ز وجود و م حضرت سید شاه
غلام حسن لیسر دختر ایشان مبارک حسین لیسر کلانی میر فقیر الله سید امیر الله که در
دانا پور از خواهر کلانی راقم التحریر کتبخانه دختر و سکه لیسر وجود آمدند لیسر آن نوجوان
وفات یافتند و یکی بطفلیک الله دختر آن ذی اولاد اند جانی بتصریح نگاشته خواهد شد
الایسر ثانی میر فقیر الله سید محمد وزیر لاولد الایسر سیومی سید محمد سمیل راد و دختر
و یک لیسر یک دختر ضویا ز سید فضل حسین نوآبادی یک دختر ست نواسی سید
محمد سمیل و شاه محمد و اعظایر دوم شاه فیض الله راد و لیسر و دو دختر کلا سنی
مولوی سید صفدر حسن نائب قاضی شهر عظیم آباد باوصات باکمال از دختر
حکیم بیکن بی بی بصیر النساء خواهر زادی حضرت شاه غلام حسن که خدا شدند
اولاد نشد و ثانی سید نور الحسن بن امام حضرت شاه محمد تقی ذی اولاد و و لیسر
و سه دختر آن دختر کلانی شاه محمد و اعظایر از قاضی طهارت التوحید که خدا بودند
والده قاضی مولوی امیر حسن سید بهادر حسین سید محمد حسین ایشان لاولد و یک
دختر سید بهادر حسین کتبخانه از مولوی امین الله بن مولوی امیر الحسن که اولاد و قاضی
طهارت التوحید که کور بالا شد الایرادر خور و ایشان سید طیب التوحید از دختر
میر فرزند علی ساکن گورگین مرگنه پهلوانی که خدا شدند سه فرزند ایشان سید
حبیب التوحید و سید قمر التوحید و سید نصر التوحید ذی اولاد اند ایشان

محمد منیر و سید شاه علیم الدین سید امانت حسین را از تربیت صحبت کامیاب
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتابت شاه سید
 متخلص سلیم دریافت شد و نیز سلسله نسب بالا استماع از حضرت جد الامجد سید
 شیاه غلام حسین قدس سره دانالوری و انجناب رازمولانا حسین مینا تحقیق
 شد از این صاحبان جرمصاهرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت مخدوم
 سید علی احمد صابر جای یافت تحریر نمود یکی از بزرگان
 موضع بدیتواند واضح باد اگر چه پسرزند بودن حضرت مخدوم سید
 صابر کسی جانگوز نیست الا از خضر میرشد خال المحترم جناب حضرت بابا شیخ
 فرید الدین گنج شکر است در کتابت کور چون یافت جائی درین اوراق نگاشت
 اگر چه این بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسب آنحضرت است باید دانست
 نام فرزند آنحضرت حضرت مخدوم شیاه شعیب الدین ولد ایشان مخدوم
 سید شاه بدر الدین پسر ایشان سید شاه رکن الدین خلف ایشان حافظ
 عبدالرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبدالکریم ولدشان
 حافظ عبدالوهاب پسرشان حافظ عبدالشکور ولدشان حافظ عبدالعلیم
 پسرشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل الدین
 دو برادر یکی میر فضل الدین و دیگری سید محمد باسط عرف میر فهم الدین پسران است
 که حافظ سید عبدالشکور و او پسر یکی سید عبدالعلیم

ظاهراً و باطناً بود حصول مقید مراقبه مشغول جفا کشی بود و بر انجناب اتم بیعت
 بایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و صحبت جناب حضرت
 خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و الار و بروی الله
 خود کردند انتقال عبری و پنج سال و دو فرزند و یک دختر یادگار خود گذاشتند دختر
 شان زوجه شاه محمد نصیر ابن مولانا مهینیر یعنی از مسماة زینب و فرزند ایشان
 یکی شاه ولی الحسین و دیگری سید حسان علی تزیید عمر کنند و خلعت کلانی از اعظم
 سید شاه تاج محمد حسین ثانی سید امانت حسین که تحصیل علم ظاهر و باطن کرده
 نوجوان رفتند بسوی ملک بقا و که خدائی سیده تاج محمد حسین اول از دختر سیده
 احمد حسین بارتانی جای شد از هر دو اولاد نه الا شادی ثالث از خواهر سیده
 محمد نصیر شکو و ولد شد سیدی سید و میان آنهم در زمان طفولیت رحیل ملک بقا
 شد بعد رحلت پدر بزرگوار که آنهم نوجوان کردند انتقال سجادگی سجاده علی
 غلطان شد عقاب نماند جز اولاد بنات و آری برادران عزیزان کجا شدند
 رفتند در بقا ولی از ماجدا شدند که واضح باد سید شاه تاج محمد حسین را بیعت
 از جد ماجد خود الا تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد سید شاه
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال صحبت با برکت جناب حضرت سیده
 مبارک حسین رحمته الله علیه بوده مجاز اجازت و خلافت طریقه ابو العالی
 شدند و نیز همه برادران را تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد است مولانا

فاضل باد محمد دوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد سوب دوی اولاد
 و فرزند محمد دوم رتبه بلند محمد دوم شاه سلطان بودند فرزند ایشان سید محمود
 عرف سید جلگن زاده بی ولد ایشان سید احمد شری اینده ترتیب کیفیت درین
 ایشان دریافت نشد الا بسا مشایخین اسنخوار نسب بقربت انجناب نامند که
 بزرگ سید حامد عرف سوپن از فرزندان انجناب بوده اند خواهر ایشان مسماة
 بی بی جلگن الله جناب شاه تراب الحق و شار بهار الحق موڑوی بودند و شاه
 محمد فیاض ساکن بسوه منجملات بهادر از فرزندان نامی انجناب اند ایشان بعض
 فرزندان محمد دوم بدر عالم دریافت شد که این محمد دوم ممدوح محمد و شاه سلطان
 جانشین اولاد نشد الا از دو برادران بیاتی اولاد یکی را بفرزند خود قرار داد
 زیب سجاده کردند فرار آنها واقع موضع شوه هست جد مادری جناب شاه
 امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند و دختر و یک پسر شاه فیاض داماد
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلانی ایشان از شاه بهادر علی
 ساکن شیخپوره که خدا و ثانی از جناب حضرت شاه ولی الله فردوسی والد ماجد
 شاه امیر الدین سجاده نشین شاه بهادر علی را و دختر کلانی زوجه شاه محمد علی
 شعیب شیخپوری برادر زاده شان فرزند ارجمند ایشان چند که شاه عبد الله
 داماد شاه امیر الدین محمد الله علیه ثانی دختر شاه بهادر علی از جناب شاه امیر الد
 که خدا از لیلین این بی دو پسر یک شاه امین الدین احمد دوی شاه محمد تقی

دویمی سید عبد النعم سپر ایشان سید عبد العظیم ولد شان محمد مقیم سپر ایشان سید
 همت زمان ایشانرا سید سپر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یادست
 دو سپر سید حاتم زمان یکی میر طفیل علی پدر سید علی الغنی صاحب مان متوسط و خواهر
 ایشان زوجه مولوی سید نواز شرسول و نیز خواهر سید حاتم زمان والده ماجده
 مولوی سید نواز شرسول و نیز میر طفیل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اندوکر
 اولاد سید عبد العظیم و سپر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین سپر ایشان
 سید کفایت الله ولد شان سید عبد الرحیم سپر شان سید عبد الکبیر سپر ایشان
 سید عطا کریم و سپر سید امام الدین سید محمد عیوض ولد ایشان سید فضل الله
 سپر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین سید صخر حسین سپر ایشان
 محمد حسین که از خواهر خواجہ محمد حسن منسوب شدند لا ولد و سید احمد حسین را دو فرزند
 سید محمد یحیی و دویمی سید بدر الحسن عرف حمن بر دو لا ولد الا سید فرخ حسین و دو
 فرزند یکی شرف حسین عرف داروغه عالم علی لا ولد برادر ایشان سید آل حسن
 با ایشان دو سپر و دو دختر کلانی سید امجاد حسین و دو سپر ایشان یکی مفقود
 دویمی فضل حسین موجود و ثانی سید غانت حسین والده سید اکبر حسین و سپر
 خواهر کلانی سید محمد ولی و ثانی زوجه شاه حسین علی والده مولوی عبید الغنی
 و برادر ایشان هم اند اما از اولاد که

ذکر در میت حضرت مخدوم سید بدر الدین بدر عالم

حضرت صدیق اکبر بی بی ام النجیر بنت صفه بن عامر انداز دخت عم گنجد ابو دند
 و این ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان
 از ذریت آنحضرت است باید دانست آنحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سه پسر و سه دختر
 بودند از هر پسر حضرت عاقله صدیقه زوجه محبوبه حضرت سید المرسلین رضانی بی بی
 اسماء زوجه حضرت زبیر بن عوف بن ابی ذلیله گنجد از فرزندان ایشان یکی عبد الله بن
 زبیر و دیگری عروه بن زبیر سیومی عصب ابن زبیر که از بی بی سکینه دختر جناب
 سید الشهدا امام حسن علیه السلام گنجد باشند و کیفیت دختر ثالث در ریافت اش
 الا از فرزندان یکی عبد الله که از محل اولی بودند و خواهر اعیانی ایشان بی بی اسماء
 مذکور و از لطن بی بی ام رومان حضرت عایشه صدیقه و حضرت عبد الرحمن
 و از بی بی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل هر دو جاریه

قبل غازی و بعد غازی مشهور است نوشته می آید

و صل فصل اول در ذکر اربلا و سیدنا عبد الرحمن قبل غازی
 خواهر بنو نجیب منیاء الدین سهروردی و شیخ عماد الدین والد حضرت شیخ
 شهاب الدین سهروردی هر دو برادر اند شیخ الشیوخ برادر زاده شان ضمیمه
 در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین ابن شیخ عماد الدین ابن شیخ نجم الدین
 ابن شیخ محمد الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ صدر الدین ابن شیخ محمد حنین
 ابن شیخ محمد بن ابن شیخ امین ابن شیخ علی الله ابن شیخ عبد الله ابن شیخ

و سنجواهران ایشان یکی غسوب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی و دومی زوجه
 شاه عبدالحی سید زوجه شاه محمد جعفر بنده شاه سلامت علی فردوسی ذی الدن
 و یکی شاه تهمورحوم از فرزندان مخدوم بدر عالم بود معروف خواجه ایشان زوجه
 میر محمدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی پسرشان سید احسب بن عرف جبین
 موجود اند و دختر شاه تهمورحوم از شیخ اکبر علی ساکن بزازری که خدا پسرشان شیخ
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب آن مخدوم فرزندی
 خود میگردند بیان سلسله نسب دریافت نشد که نمیگذاشت و نیز منتهی عنایت
 در نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر مردمان عالی تبار خود را گویند
 چون از ذکر انساب سیادات فراغت یافت ذکر نسب اولاد و حضرات خلفاء
 شلامه مینماید تفصیل این بر فضل و ضمیمه تحریر نمود بعد از ذکر اولاد و انصار نویسد

فصل اول در بیان نسب نامه حضرت عتیق ابا بکر صدیق
 رضی الله تعالی عنه و اولاد بر دو و وصل و دو ضمیمه باشد

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبد الله نام ابن حضرت عثمان ابو قحطبه
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب ابن سعد بن تمیم ابن مره از اولاد نصر بن کنانیه
 قریشی که از فرزندان حضرت اسمعیل دیج الله علیه السلام بودند و تفرقه
 نسب از حضرت صلی الله علیه و سلم از حضرت از پشت هفتم است و والده ماجده

ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت مخدوم حسام الدین جالسی

قدس سرہ کہ اولاد آنحضرت اند

حضرت مخدوم حسام الدین جالسی ابن شیخ امام الدین ولد شیخ قیام الدین ابن
 شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ
 محمد یار ابن شیخ محمد جاہ ابن شیخ ظہیر الدین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ صدر عالم
 ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جمال ابن شیخ احمد کمال
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داؤد ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر فی الصدیق رضی اللہ عنہ چون نسب نامہ بالا
 تحریر شد از اینجا ذکر اولاد مخدوم حسام الدین مینویسد صاحبان موضع جلال کرم
 از اولاد حضرت مخدوم حسام الدین جالسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام حیدر
 ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف اللہ و میر محمد کاظم و میر محمد باقر و میر محمد
 ناظم ابنان میر قدا علی ابن شاہ ہدایت علی ابن شیخ عارف اللہ نسبت
 سادات ایشان از جد اوری است شیخ محمد عارف اللہ ابن مولانا محمد جمال اللہ
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبدالغنی ابن نواب اولی خان خان خطابی ابن
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ
 چاند عرف قاضی چلہہ ابن شاہ حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ
 رکن الدین ابن مخدوم شاہ حسام الدین جالسی دو برابر بودند و یکی شیخ صدر الدین

عبد الجلیل ابن شیخ ابو بکر ثانی معروف شیخ عبد الفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن
 شیخ محمد مسلم ابن شیخ محمد نوح ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسمعیل ابن شیخ
 ابرہیم ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبد الرحمن ابن
 حضرت صدیق اکبر ابن ابو قحافہ رضی اللہ عنہم واضح باد کیسکہ از دریت
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ ہر او کا فیست و دیگر ہر کہ خود را صدیقی نامند
 در بنو شیخ صدیقی در نسب ہستند الا شیخ صدیقی کہ بردست خلیفہ اول ایمان
 آوردند از صدق دل بچنین است تحریر از پیشوایان این حقیر فقیر انچنان نمود

تحریر ہر کہ اند صدیقی ازین نسب قبل غار سے اند

وصل دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق
 بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ
 عنہ از لطن بی بی اسماء بنت عمیس قلم شدند و بر و آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
 الحاصل شادی محمد ابن ابی بکر صدیق در طبقہ انصاریان گردید پس ایشان
 خیر التابعین قاسم ابن محمد از دختر عم سیدنا عبد الرحمن کہ خدا شدند
 از بے اسماء ثانیہ یک دختر ایشان و یک پسر دختر بی بی فوہ
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبد اللہ و اسمعیل سر زندان
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ام سیادات باقری و جعفری نام پسر
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غار سے معروف اند کہ

ابن قاضی نادر علی احقری ساکن شهر گمانی میر قاسم علی راسته پسر
 دختر پسر کلانی محمد حسن و بی محمد قمر الدین سیومی میر نجم الدین بر ما که خداوند
 جا بجا و میر محمد قاسم را از عقد نکاح ثانیه اولاد یک پسر است و باقی از اولاد
 بزرگان بالا جامی تبه خواهد یافت بر شایه این کتاب خواهد گشت شیخ
 محمد جمیل بن شیخ رحمت الله بن شیخ هدایت الله نیز بیان نسب خویش بعد غاری می کند
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی الله
 و تحت این ذکر فریت بدو وصل و چند ضمیمه یکے حضرت بابا

فرید و بی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی الله

امیر المومنین حضرت عمر بن خطاب بن نفیل بن عبد الغری ابن ریاح ابن
 عبد الله ابن فطر ابن فلاح ابن عدی ابن کعب بن بوی بن غالب النسب
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از حضرت عمر تفریق از کعب است جد هشتم
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و جد نهم ایشان دو والد حضرت عمر ختمت بی هشتم
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن معدوم بن قصی بن کلاب ابو جبل بن هشام
 ابن مغیره برادر عمر و مادر ایشان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجه الکبری
 بنت خویلد بن اسد ابن عبد الغری ابن قصی بن کلاب کسانیکه ابو جبل را
 از عم انحضرت شمارند غلط است واضح باد حضرت عمر را اولاد کشمیر از پسر

اولاد ایشان چنانی اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران
 چهار بوزند یکیشانی و بی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مبارک چارے
 قاضی احمد ذریات ایشان نیز حاجی باشند شیخ عبدالغنی نیز ابن نواب علی خان
 مسر برادر یکیشانی و دومی شیخ حمید سیومی شیخ عبدالرسول و پسران شیخ
 عبدالغنی نیز چهار شیخ عبدالرحیم و شیخ ابوالقاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ
 عبدالغفور شیخ عبدالرحیم را نیز چهار فرزند یکی مولانا محمد جمال و دومی شاه محمد عبدالم
 سیومی شاه عبدالجلیل چارم شیخ هدایت الله از اجداد میر سلامت علی مولانا
 محمد جمال الله را نیز چهار پسر شیخ محمد عارف الله و شیخ محمد فضل و شیخ ابراهیم الله
 و شیخ مولانا داغظ الله مولوی عارف الله برادر و پسر یک مولوی غلام نجف
 پسر ایشان شیخ حسام حیدر و شیخ مصباح حیدر و شیخ ذوالفقار حیدر و دو دختر
 یکے جدہ مادر سے شاه حسین علی دومی زوجہ قاضی نادر علی ساکن بشہر گواٹی
 پسر دومی مولوی عارف الله شیخ هدایت علی پسر ایشان میر قدا علی چند خواہر
 ایشان یکے از ان والدہ میر کرم حسین پسران میر قدا علی شیخ ہاشم از محل اولی
 محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجہ ثانیہ زوجہ شیخ ہادی حسین با بن منشی
 رجب علی و محمد کاظم ہر شہ برادر ذی اولاد اند و نیز شیخ ہادی حسین نیز حسام
 را یک فرزند میر محمد قاسم و سہ خواہران یکی زوجہ مولوی ابوالحسن بن مولوی
 سید وجہہ الله دومی زوجہ قاضی امیر حیدر و سیومی زوجہ مولوی وزیر حیدر

پند وی بودند واضح باد محمد و حمصام الدین ابن شیخ اقصام الدین حضرت
 خواجہ دانشمند ابن شاه جلال الدین ابن بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان
 الاولیا نظام الدین محبوب بخانی قدس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره اولاد حضرت حمصام الدین
 اندبیار بهر دیار الا بهفت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف
 شاه کریم ابن بزرگ از مقام مانکیور درین دیار بقصبه جیره مع اهل و عیال
 وارد شدند درینجا تکیه ساخته بجله صاحب گنج مع اهل و عیال باز بسوی وطن حرکت
 کردند الا یک پسر خویش را اسمی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رقتند مزار
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان سفرین یک چک آباد کردند بنام والد ماجد
 خود کریم چک ترتیب نام معلوم نیست الاحضرت شاه عزت الله و حکیم
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریقه چشتیه گذارشته مرید حضرت
 شاه عصمت الله قادری که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم و یک خواهر
 ایشان در مقام گلهبیه از تکیه شیخ با سو که خدا شدند و شیخ قاسم از دختر غم خود
 شاه عزت الله که خدا شدند اولاد یکی شیخ عسکری والد حکیم شاه محمد حسین
 دومی شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر سیدی منشی عنایت حسین پدیر شیخ

دختر صغیر و کبیر یعنی عبداللہ ابن عمر و خواہرا عیانی الشبان نام المؤمنین حفظ
از یک بطن اندوزید بن عمر از بطن دختر حضرت علی اولاد نماند و عبد الرحمن اکبر و
عبید اللہ و عاصم بن عمر و عبد اللہ و وسط و عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض
و ابو حراز البطان مختلف خواجہ عبید بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن
شیخ ابوبکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن حضرت

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

وصل اول فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

بابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ فرید الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن لفرج شاہ
والی کابل ابن شیخ محمد داؤد ابن شیخ محمد خلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن
شیخ عبد الجبار ابن شیخ عبد اللہ صحرا ی ابن شیخ عمر عطارا ابن شیخ محمد ذکریا
ابن شیخ ابراہیم ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبد اللہ ابن حضرت عمر خطاب
رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت بابا فرید را دوز و جہ فرزدان کثیر ہر یک
کامل فقیر الاولاد جاری مانند زہار یک شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ
بدل الدین سلمان سیوی شیخ کبیر الدین چارمی شیخ یعقوب شیخ
بدل الدین سلمان زبیدہ سجاده حضرت شدند کہ ضمیمہ اول در
ذکر حسام الدین ناکپوی کہ مرید و خلیفہ حضرت نور قطب عالم

مولانا شیخ عبدالحق محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فتح الدین
ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد و شیخ حسام الدین بانی کمپوٹی
ابن شیخ احتشام الدین خواجہ دانشمند ابن شیخ جلال الدین ابن شیخ معین الدین
ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین سلیمان ابن حضرت
بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ ضمیمہ سوم فصل دوم اصل اول شیخ
نصیر الدین عرف شیخ پیاری واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ
فیض اللہ ابن شیخ امان اللہ ابن شیخ کبیر الدین ابن محمد و نصیر الدین غفلت
کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ باند و انست شیخ
امان اللہ رحمہ اللہ علیہ جد شیخ نصیر الدین از حضرت پاک پشن شریف بطریق حسیا
در پنجوار محاسب کم ولایت درین دیار بمصرنی جد بزرگوار شریف آور دهند در
دہلی چندی اقامت کرده آخر مقام کالیسی رسیدند در اینجا از حضرت سید
جمال الدین ابن سید علا الدین کہ جبار علی انجا کسار بودند و طرقہ چشتیہ داشتند
بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خودستند اقامت نمایند
بدینچوار فرمودند در جواب حضرت شیخ امان اللہ ای برادر دو قطب در یک اثر
منی گنجد آخر کار از اینجا محامل و عیال بنواح حضرت بہار رسیدند در اینجا جای
پسند ساخته بنا رومہ و خانقاہ نمودند مزید و مستر شدند در اینجا پدید آمدند
نام آن محلہ چشتیانہ شد مشہور از شرفا و انجا نوبت صورت مصاہرت افتاد

احمد حسین شیخ شرف الدین چارمی شاه فضل علی پدر شیخ حبیب حسین پنجمی شاه
 شجاع علی لاولد بلا سند حضرت شاه غوث اللہ راد و دختر و چار لیسری
 مذکور العذر ثانی مادر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی داماد حضرت حکیم مظفر حسین
 قدس سر و خلف کلانی حضرت شاه حکیم فرحت اللہ قدس سر و طویل الذکر ثانی
 شیخ امیر اللہ سیومی پدر شیخ محمد عوض چارم پدر شیخ ولی اللہ حضرت حکیم شاه
 فرحت اللہ مخاطب بابا حسن و ست یک از مریدان و خلیفہ اجل
 محمد و شاه حسن علی قدس سر و فر دوسی الیو العلاء چارم فرزند حضرت ایشان
 کلانی شیخ قمر الدین حسین و پدر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند و پند
 ثانی مقبول ثانی حضرت حکیم شاه مظفر حسین با کمال خوش خصال قدس سر و
 چند دختران با حضرت کلانی از منشی قاسم علی که خدا و خلف ایشان حکیم محمد
 و مقبول حسین دختر ثانی از شیخ مظفر حسین برادر زاده انحضرت که خدا و خلف ایشان
 حکیم محمد نصیر تالف از حکیم محمد مدی حسین که خدا و شش فرزند ایشان و یک دختر باقی
 در اقران که خدا و خلف الرشید انحضرت حکیم خورشید حسین مع لفضل کمال لیسری
 ایشان شاه فرحت حسن و چند خواهران ایشان و خلف سیومی انحضرت
 شمس الدین لاولد چارمی حکیم معادت علی صاحب لیسری ایشان شیخ مظفر حسین و شیخ
 مرتضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر بجمع صفت موصوفند بودند
 ضرر در ذکر نسب لانا شیخ عبد الحق بلوی محدث که فرزند برادر اند

ایشان هر یک از دختران عم که خدا شدند کلافی پسر شیخ معز الدین ثانی ایشانرا
 نیز به پسر یک شیخ معز الاسلام دومی شیخ رکن الاسلام سیم شیخ فتح الاسلام چهارم
 شیخ معز الاسلام جدا علی شاه اظهر حسین ابن میر حسین بخش سادات مادریت
 ایشان میر حسین بخش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام
 ابن شیخ عبدالسلام ابن شیخ معز الاسلام ابن شیخ معز الدین ابن شیخ منہاج الدین
 ابن شیخ نصیر الدین پازری ابن شیخ فیض الدین ابن شیخ معز الدین ابن شیخ معز الدین
 ششید پسر دوم شیخ معز الدین شیخ رکن الاسلام بودند جدا علی مولوی معز الدین
 مرحوم کورجی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساون ابن شیخ محمد مراد
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحییٰ ابن شیخ رکن الاسلام ابن
 شیخ معز الدین مذکور الصدوق صاحب باد شیخ محمد مراد و پسر یک مذکور بالا شاه
 قطب الدین عرف شاه بساون که یک از مریدان و خلفای نامدار حضرت
 قطب العالم مخدوم شاه محمد معتمد بن سرکه بودند ثانی پسر شیخ برکت حسین ابن
 شیخ الفت حسین پسرشان شیخ عبدالحسین ازین عالم لاولد قلندر شادی حضرت
 شاه قطب الدین بساون از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی لعلن
 بنت بی بی علیر و دختر میر سید محمد باقر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر
 صدر جهان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبد الشکور
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور الصدوق

الحاصل بعد چندی شیخ فیض الله از اولاد ایشان خواسته نماز گشته معاً بلع می
 قریب و اناپور موضع سید پور دیکه که مردان ایشان در آنجا بودند اقامت
 ساختند برگه پهلوانی ضلع بلین در آنجا مردان ایشان فرقه رسیدار آن
 قوم خلجی منصب چو در پائی داشتند شتر خدمت بجای آوردند بعد مصای
 چند سال در اولاد پسر اولاد مرید بصورت ظهوری ادبیان صورت نفاذ پیدا
 بسبب عتقانی که پیشین دندنا گوار طبع آنحضرت گشت قصد رجعت بسوی
 بهار اقامت ایشان ساختند چون غریمت انیطور شد پیدا بر مردان شیوخ ساکن
 کوزجی این مضمون شد بهویدا شیوخ آنجا حاضر شده بالکل در آنجا برزند ایشان
 فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین امور وقوع آید سر بر قدم پیران نهاده عرض
 ساختند مادر آنجا بطور عایا خواهم ماند حضور مالک مختار و من تا بعد از
 چون بطور غریت در آنجا بردند صورت قیام افتاد نام انوضع بنام یکی از فرزندان
 خود شیخ عنایت الله چشتی پور عنایت الله ساختند همیشه بهر از اناپور
 قریب یک و نیم کرده فاصله دارد و باید دانست شیخ عنایت الله بن شیخ فیض الله
 را علاوه دختران یک پسر بود شیخ رحمة الله و دو دختران سه شیخ عنایت الله را
 از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین پاریسی که خدا شد و نام پسران شیخ رحمة الله
 شیخ اغر الدین و شیخ تاج الدین و شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از
 خواهران شیخ رحمة الله که خدا شدند یکی از آن شیخ منہاج الدین سلسله پسران

یک مفتی میر الشکر که در علم فاسی بی نظیر بودند از تلمیحات ثانی یک پسر احمد نادر و یک دختر
 محمود مست موجود و پسر ثانی مولوی صاحب ممدوح مولوی محمد اکبر که در عربی و فقه و کلام
 داشتند همارت تمام که خدا از دختر خالاتی مسماة محمد و مرشدند و پسر ایشان
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین هر دو لاولد و پسر سیوم شاه محمد ضحیر شاد و
 ایشان در مقام منیر گردیدند از دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر با ایشان بوجود
 اند محمد خلیل که فدائی ایشان از دختر مولوی اشرف علی نو بادی شد یک دختر
 و یک پسر شد شاه آفتاب حیدر طال الله عمره و قدر که و پسر چارمی حضرت مولانا
 شاه محمد خیرانی که و ازید چوهر صفائی از زوجه سلیم ایشان اولاد و اند و شادی مولوی
 عزیز الله رحمه الله علیه از مسماة جمیع حضرت بی ناظمه زوجه شاه تاج الدین نو بادی
 شد و از عقد ثانیة دختران پسران بوجود آمدند و از جوان فوت شدند و اند موجود
 ابدال حسین و مهدی حسین و یک خواهرشان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام
 ابن شیخ مفر الدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام سید می شیخ بدر الاسلام
 چارمی شیخ الاسلام نجمی واقف ستر خفی حضرت شاه محمد ولی لاریب ولی و شیخ
 وقت بودند بارشاد مرشد طریقه نقشبندیه شدند و کز اولاد ایشان بجای تحریک
 خواهم کرد و در اینجا ذکر پسران شیخ رحمه الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
 می نمایم باینکه شیخ اسعد الدین اولین و دختر ایشان بودند از بنی اعلام که خدا شدند
 و دیگری شیخ عزیز الدین که ایشان شیخ ابو الفتح ایشان را چهار فرزند برتر بلند

که خدای میسر سید عبد الواحد از دختر خال خود قاضی عماد الدین ابن قاضی سید
 عبد الفتاح عرف قاضی بٹری گردید و شادی پس ایشان نیز از دختر عم گردید
 و شادی میسر سید عبد الشکور از دختر میر غیاث لکنی بی پور شد الحصول حضرت
 شاه قطب الدین بسا دن را و دلیپ و یک دختر لیسر کلانی منتهی محمد غوث که از بی بی
 نعیمه بی بی واصله که زوجه شاه وحید الاسلام بودند که خدا منتهی محمد غوث
 عرف دامن را یک پس و یک دختر مسماة منیر اعون سوین که از منتهی امیر الله
 پسر کلانی مولوی غفر الله ابن شاه قطب الدین که خدا شدند لا ولد مانند الا
 پس منتهی محمد غوث مولوی فرحت علی کاشف سرخفی و جلی از دختر شاه
 ابراهیم حسین نو ابادی که خانام آن بی بی مسماة سبکین یک دختر ایشان بی بی
 حریم زوجه اولی سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت
 شاه بچی علی از بطن این بی بی و دلیپ و یک دختر زوجه میر واجد حسین ابن میر
 اسمعیل علی و نام پسرن سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبد الحسین نج اسمی برجه
 که خدا شدند یک پسر سیدی محمد حسین پسر دومی شاه محمد واجد اند اینند و حضرت
 منتهی محمد غوث اند و دلیپ و دوم شاه قطب الدین عرف شاه بسا دن مولوی غفر الله
 رحمه الله علیه که بعلم عربیت و فارسی تبحر داشتند و ذی فنون و ذی جمال سعیت
 هر دو برادر را از جانب والد ماجد خود هست الامولوی صاحب عمر اخیر تربیت علم
 باطن از برادر زاده خود حضرت شاه قمر الدین حسین یافتند فرزند مولانا چاهار

در بنی اعمام و احوال که خدا شدند و پدر دوم شیخ فخر الاسلام بودند شاه جید الاسلام
 دو دختر ایشان یکی از بنی اعمام که خدا دویمی زوجه میر حسین بخش ازان بطن
 یک دختر مسماة بخشا النساء زوجه مولوی اشرف علی نوابادی مادر میر حسین علی
 پسر پنجم شیخ فتح الله شیخ الاسلام مذکور بالا از دختر میر سید کریم عالم دانا پورے
 که خدا شدند از بطن آن عقیقه شیخ البو تراب پدر شیخ قلندر علی دویمی دختر مسلم
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سیومی منسوب از پسر شاه محمد ولی از شیخ
 کرم علی در اینجا ذکر فرزند آن باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان
 احوال نسب حضرت مخدوم شمس الدین حقانی ادهمی
 واضح باد حضرت مخدوم شمس الدین حقانی که اهل مزار و مع بلواری علاقہ
 بہار ذریعہ ایشان اند بسیار اکثر صاحب اقبال بعضی اولاد ایشان نسب
 ایشان سیادات شمارند بسبب اہمیت حضرت مولانا منظر قدس سرہ باید دانست
 نسب اہمیت حضرت مولانا بابا جواد ایشان است بجانب مادر نیست جدی سیادت
 ہستند از اولاد حضرت حسین صغرا بن حضرت امام زین العابدین رضی اللہ عنہ
 و حضرت سلطان ابراہیم جدی نسب قدرتی دارند و بواسطہ این ابناء و ملوک کہ

نسب نامہ حضرت مخدوم شمس الدین حقانی

مولانا مخدوم شمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمد عالم بن مخدوم
 شاه قاضی احمد ابن مخدوم شاه عبید اللہ ابن شاه عبد الاحد ابن شاه

یک شیخ ابو سعید و دومی شیخ ابواللیث سیومی شیخ ابوالولیس چارمی شیخ محمد و ولش
 باید دانست این هر برادران را بجز فرزندان دختر نبیره ماندا چنانچه از اولاد دختر
 شاه محمد و ولش شیخ محمد بود و مولوی عزیز الله بودند و از اولاد دختری شاه
 ابوالولیس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابواللیث شیخ یارون ساکن
 شیخ پوه کلان و کفایت زنندان شیخ ابواللیث دریافت نشد الا شیخ تاج الدین ابن
 شیخ نصیر الدین اود و پسرند یکی شیخ منهاج الدین دومی شیخ سراج الدین پسر
 شیخ منهاج الدین شیخ رفیع الدین و پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان
 شیخ فیروز جدا بجز شیخ امام بخش کور پشت زبان درشت کورجوی از نیما ذکر فرست
 شیخ فتح الاسلام معین لیس یکی ازان پنج برادر شیخ وارث علی با خدا ناکند و در حیات
 یک شاه محمد دلی مذکور الصدراست فرزندان ایشان پسر اول شیخ غلام علی لا ولد
 دومی شیخ کرم علی از دختر شیخ الاسلام شدند کتبی اخفا با ایشان نمائند سیو
 شیخ نور علی که در دیاشند بفریق رحمت از دو دخترشان اولاد ماند و یکا پسر
 شیخ فہیم الله لا ولد نام دختران بی بی ناطقہ و بی بی واصلہ مذکورہ بالا سیو
 شیخ فتح الاسلام را پسر شیخ الاسلام الدواد شد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی
 والد میر حسین نجفین پسر سیوم شیخ بدر الاسلام شیخ عظیم الله پدر شیخ رفعت الله
 پسر ایشان شیخ عزت الله و پسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام و پسر
 ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

خیمہ دوم در ذکر پسر ثانی شیخ عبد الاحد عرف میران فرستایشان سبک
 پسر ثانی شاه عبد الاحد عرف میران قاضی عبدالعزیز ولد ایشان قاضی محمود
 فرزند ایشان از انجمله کیفیت و پسر مینو لیدیکه قاضی شیخ ہدایت اللہ پدر قاضی
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح اللہ پسر دومی قاضی محمود ابن شیخ
 لطف اللہ ایشان از تیر و پسر یک شیخ عاشق محی الدین ابن شیخ غلام محی الدین
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسر ثانی شیخ
 لطف اللہ شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کہ خدائی ایشان
 در اولاد حضرت خواجہ زین الدین برادر خواجہ کمال الدین علامہ خلیفہ و خواجہ
 حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی گردید کہ آنحضرت در نسب علوی بودند
 بشیخ غلام حیدر سے پسر یک دختر نام دختر بی بی جیاتن زوجہ مولوی بدیع الزما
 دختر ثانی بی بی زوجہ میر عابد علی دانا پوری الحاصل پسر کلانی مولوی
 غلام قادر مفتی یکے خسر ایشان از شیخ و اہب حسین ولد حضرت خواجہ بزرگ
 کہ خدا شد ند سے پسر یکے مولوی منیر الدین احمد افضل کمال موصوف اردنیا
 محصور فتنہ و دومی مولوی امیر الدین احمد ثالث نصیر الدین نوجوان فیت
 از نی عالم و پسر ثانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را دو پسر و دو دختر یکے
 زوجہ میر قادر علی والدہ نصر الدین و دومی والدہ مولوی ال احمد و محمد حید
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی قدس

علی اکبر ابن محمد دوم شاه علی صغیر ابن محمد دوم شاه عبدالفتاح جیول ابن محمد
 شاه محمد اسحاق ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد ابن حضرت
 سلطان ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح لقب سلطان ادبم ابن سلطان ابو ناصر
 محمد ناسم ابن شیخ محمد سلم ابن شیخ عبداللہ ابن حضرت عاصم ابن حضرت
 امیر المومنین عمر ابن الخطاب نسب نامہ حضرت امیر المومنین عمر فاروق در ذیل
 ذکر فرید بیان تحریر شد ابن نسب فاروقی حقانیدہ ہست در ذیل بیان شد
 شجرہ ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم محمد دوم شاه
 محمد منعم قدس سرہ باید دانست فرزند حضرت محمد دوم شمس الدین
 حقانی شاہ کمال الدین بودند یاد نیست نام ثانی الحصول پسر شاہ کمال الدین
 شیخ نجم الدین پسر ایشان شیخ بدیع الدین ولد ایشان شیخ محمد ابن ایشان شاہ
 محمد امجد ابن شاہ مہلول مقبول رسول ولد ایشان شیخ عبدالاحد عرف میران صاحب
 پسر ایشان دو یکی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبدالکریم ابن شیخ امان اللہ ایشان برادر
 پسر دیگر دختر مساقبہ بی صما برہ با کمال و کلانی پسر شیخ رحمۃ اللہ در متی
 ایشان شد چنانچہ سہ پسر یا نو سہ ایشان شاہ محمد سدا بودند پسر ایشان شاہ المحسنین
 والدہ ابجد قاضی مولوی امیر الحسن اولاد دختری شاہ محمد سدا قاضی مردان علی
 بودند اسلام پوری و ولد ثانی مقبول ربانی حضرت شاہ محمد منعم قدس سرہ

پیران ابن خاکار فقیر حقیر

فصل سیوم در بیان حالات و نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه
 بیک وصل و ضمیمه باید دانست حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف تفرقه در نسب را حضرت
 صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار شیت نسب است
 امین بنی امیه انحضرت اند بنی هاشم و الدہ حضرت عثمان بنی بی اروی ختر
 کمریز بن ربعی بن حبیب بن عبد شمس مخ کور الصد و مادر بی بی اروی بی بی
 بیضا عمه انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم واضح باد ازواج حضرت عثمان
 کثیر الادود و خسران انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم یک بعد دیگری زوجه انجناب
 شد ندیک بی بی رقیه دومی بی بی ام کلثوم از هر دو اولاد نشد عقاب نماند
 جبرئیلات حضرت نبی شش تن وجه بودند از هر یک اولاد از نسل آنها معروف
 بر شیخ عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله اکبر و عبد الله صغیر و ابان
 و خالد و سعید و عتبه و ولید و شیبہ و مغیرہ و عبد الملک یازده پسر نوشته اند مورخین
 و شش دختر نسبتاً از دریات هر فرزند یافت و نه از ترتیب سلسله الانساب
 ولی کاملین حضرت مخدوم جلال الدین کبیر اولیا پانی تپی داز فرزند آن
 بزرگ در اینجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر اولیا ابن خواجه
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسمعیل
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف بخواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

از خواهر قاضی محمد بخش که خدا یک فرزند محمد امین و پسر سیوم شیخ علام حیدر
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح باد یکی
 از رؤسا اینجوار شیخ نواز شمس حسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزندان
 مخدوم حقانی معروف و نازشادی اول شیخ نواز شمس حسین از خواهر مولوی
 و اعطای شجره شده بود از آن یک نفر بختی بختی در برین روضه شیخ محمد حیات
 لاولد و پسر شیخ ولایت حسین و اماد شاه شرافت علی فردوسی از محل اولی یک
 پسر محمد احسن لاولد رفت از نیام و از شادی ثانی شیخ عبدالصمد که موجود اند
 و شادی ثانی شیخ نواز شمس حسین از صبیبه کلانی شاه واجد علی فردوسی ساکن
 موضع سانبه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از لطن آن
 زوجه دو فرزند و یک دختر زوجه شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین
 و پسر کلانی شیخ محمد حسین ذی ولد اند و ثانی مولوی محمد رحیم که از دختر
 عم خود شدند که خدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند سببه بلند کلانی
 مولوی احمد حسین ثانی شاه ظور حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین و اماد قاضی اسد علی
 لاولد و از شادی ثانی که در سهرام گردید از صبیبه شاه شمس الدین یک دختر
 زوجه شیخ محمد رحیم که در کور ویر شاه فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

شمس الدین حقانی در جوار بهار هستند

از جمال ایشان صورت بجا است یا قند و خضر و نبر و حیث ایشان دادند آخر بقا
 دیوره کیه ساخته مقیم شدند بعد مضای چند از انجا شاه ماهر و بطور سیاحت
 در نیوان آمدند و با جانی معتقد شده از زمین چاکن قریب صدیکه معافی نذرانند
 حالا آن علاقه موضع چاکن مشهور سپر بگیه هست و معزار شاه ماهر و موضع
 سعدی پور هست حالا بتفصیل کیفیت ذریه نیست بجزرت شاه ماهر و
 دو فرزند بودند که لانا نام شاه رحمة الله دویمی شاه عزیز الله ایشان را
 دو پسر شدند نام پسر شاه رحمة الله شاه هلایت الله بخشید و تعالی ایشان را
 پسر چهار هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله دویمی شاه محب الله سیومی
 شاه اهل شد چارمی شاه کریم الله بفضل هر یک ذی اولاد بداند شاه
 حبیب الله را سه پسر که شاه کمال الحق و دو پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر
 ایشان محمد اشرف دویمی شاه نور علی ذی ولد اند سیومی شاه مقبول علی
 اینهم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رضا از دختر شاه
 کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر و اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی رضا
 مرحوم لا ولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از برادرزاده شاه بنده
 کتخدا دویمی جای دیگر در اقصایان و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمدین
 لا ولد فرستند از نیغال و دختر زوجة مولوی علی رضا و شاه محمد علی را چند
 دختر از دو پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسران

ابن خواجه عبد الغزیز ابن خواجه عبد الرحمان ابن خواجه در یار الحق ابن خواجه
عبد الغزیز ابن خواجه خالد ابن خواجه عبد الغزیز ابن حضرت عبد الرحمان
ابن حضرت امیر عمر ابن امیر المومنین حضرت عثمان الکنونی ذکر نسب تحت میثاق

نسب نامه شاه حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا نست مولوی عبد الفتی ابن شاه حسین علی ابن سید
وارث علی ابن شاه محب الله ابن شاه هدایت الله ابن شاه رحمة الله ابن شاه
ماهر و ابن شاه محمد ابن شاه معروف ابن شاه منصور ابن مخدوم شاه
برهان الدین عرف بندگی شاه خوند میان دیو و می ابن شاه برنوردار
ابن شاه محمد اسحاق ابن شاه سلیمان ابن شاه داود ابن شاه عبد القدوس
ابن شاه شعیب ثانی ابن مخدوم شاه جلال الدین کبیر الاولیا باخشنه الصابر
یعنی خلیفه بودند حضرت خواجه شمس الدین ترک یابی نبی که مرید خلیفه حضرت مخدوم
سید علی احمد صابر بودند نسب نامه بالا تحریر شد ماسبق حاجت تحریر
مکرر نیست باید دانست جد البعد شاه ماهر و شاه سلیمان از پانی پت وار و اینقدر
گشتند مجرد وار بطور سیاحت تا در حضرت بهمار رسیدن بیعت حصول
طریقه فردوسی نمودند حصول و متاهل شدند از فرزندان ایشان بندگی
شاه خود میان از انجا برخاسته خاطر گشته قصد سفر دیار مغرب کردند
چون بمقام بهمه رسیدند چندی مقیم شدند چون مخدوم شاه درویش

ابو محمد ضمیمه فیصل سیدم بعد وصل در ذکر اولاد حضرت عثمان جابجا ایستایند
 باید دانست مولوی غلام نام متخلص شهبیدر نسب نامہ خود عثمانیہ میکردند بسیار
 ونیز در فتح پور سکر شیوخ عثمانی اند و در دیار عرب بسیار تبرکستان در بخارا
 بمقام سمسر ام کی از فرزندان شاه محمد کبیر الدین بودند شاه قیام الدین
 شاه شمس الدین پسرنمود الاولاد دخترے کی از برادر زادگان خود راستی
 شاه کبیر الدین منبئی کرده جانشین و بر خود نمودند چند شادی ایشان شد
 از کسی اولاد نشد الاولاد و برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از
 خواهرزادی شاه تراب الحق که خدا و پسر ایشان کی شاه محی الدین عرف
 لالامیان که حال سجادہ نشین اند و دیگر شاه غریب الدین و یک خواهر ایشان از شاه
 فرید الدین که خدا می اولاد و برادر خود شاه نجم الدین را دو پسر یک شاه فرید الدین
 دومی شاه حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رحبت برکنند بخروجی اند
 باید دانست هرگاه ذکر نسب حضرت خواجہ ابوبکر شمس الدین قدس سرہ گردید بدست
 عثمانیہ لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجہ ابوالقاسم جنید بغدادی
 که نسب فاروقی دارند برین منط حضرت خواجہ جنید بغدادی ابن خواجہ زید
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابوبکر ابن خواجہ عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن
 امیر المؤمنین حضرت عمر خطاب رضی اللہ عنہ اکثر مشایخین خود را منسوب
 نسب جنید یہ میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

شاه برکت حسین شاه امیرالدین حسین اسپریشان مولوی عسکری اسپر شاه
 برکت حسین شاه طوور اسپر بن کیسری و یک دختر شاه بنده علی زوجه شاه داود علی
 پدر شاه تراب علی ساکن سیریکه تکیه و دختر ثانی زوجه قاضی قاسم علی ساکن
 پالی اسپر شدند قاضی تبه و ولد رفتند از بیغالم و خلفت دوم شاه محب الله
 مولوی وارث علی دو اسپریشان و دو دختر یکی منسوب شاه منور علی ابن
 فضل کریم اسپریشان شاه اکرم علی دیگری که خدا از شاه رمضان علی
 ذی اولاد اند و اسپر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی پنج اسپریشان
 و یک دختر زوجه شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی
 انصاری که خدا یک دختر و اسپر دارند و از اسپر ان کلانی مولوی عبد الغنی
 یک اسپریشان مولوی عبد الرشید داماد داروغه فدا حسین ساکن شاپو بیگم
 چارمی نیز مولوی محمد تقی داماد ایشان ذی ولد اند و مولوی محمد تقی اسپر سیوم
 داماد میر علی حسن ساکن میران بیگم ذی ولد اند و اسپر خضر مولوی محمد ذکی
 داماد عم خور داند باید دست مولوی باقر علی برادر خور دشا حسین علی
 از دختر مولوی محمد اجد بلخی کتخدا از بلطن این زوجه یک دختر و مولوی
 عزیز اسد ابن شاه ماهر و را دو اسپر یکی شاه محمد و اعظم اسپریشان شاه
 مبارک علی اسپریشان شاه فضل کریم که از دختر شاه محب الله که خدا پنج
 اسپر ابن شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و والد

بود و بعضی از خواریان میگویند چون مولانا ابوبکر ابن مولانا محمد اسماعیل
 از قیفال وارد شهر بغداد شدند که علمای ربانی بودند و خواجه محمد نامی
 در خدمت آنحضرت حاضر شده در صحبت تربیت یافته مسترشد نعمت شدند چون
 مولانا جانب شش آمده اقامت پذیر شدند چند سال ایشان نیز بیت
 و رک صحبت و در مقام شش سیده مقیم شدند و در کتاب تحفه الابرار که
 تصنیف یلی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت خواجه محمد نامی
 بچند واسطه اولاد حضرت خواجه عبداللہ انصاری اند و آنحضرت خواجه از اولاد
 سعد بن معاذ انصاری اند که از اهل مہجاب در انصار حضرت سعد سید ابرار
 بوده اند و اللہ اعلم و نسبت نسب فاروقی از جانب جد مادری است
 که خواجه داود جد مادری حضرت خواجه احرار فاروقی نسب دارند و خال ایشان
 خواجه ابراهیم ابن خواجه داود ابن خواجه خاوند ظہور ابن شیخ عمر
 باستانی که هفتده یا شانزده واسطه در نسبت نسب آنحضرت فاروقی
 اعظم دارند و شیخ عمر قدس سرہ از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت
 عبد اللہ ابن عمر رضی اللہ عنہ این ذکر در رشحات نیز هست و والدہ
 خواجه داود و جد آنحضرت خواجه احرار نسبت بیادات دارند و ہم مذکور در کتاب
 رشحات است که میفرمودند محضرت جائیکہ بیادات علوی میباشند
 اقامت فقیر بس دشوار بخیاں آداب ضمیمہ شجرہ واضح باد فرزند رتبہ بلند

اولاد علی جوینوری مخلص کاهش نسب خود منسوب بحضرت جنید میگرداند
حضرت خواجه جنید را سید میگفتند این غلط فهمی شان هست که میگفتند نسب نام
حضرت جنید همین است و مولوی عید اللطیف که منصب حکومت در کلکت
اند و پوتی بمحشر پت هر چند از او شان ملاقات نداریم الا عصبه الد و ابوه پت زاده
شان یکی از مردمان است اینجا کسار و بیان نمود که از جانب ماوری نسب
جنید یہ ہستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه جنید اکثر نسب میدیم

بدرار شرفی استند و اللہ اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار

بذکر فاروقی و انصار

باید دانست که از صاحبان مصنف کتاب شجره طیبہ کہ از فرزندان حضرت
خواجه نسبت دارند خود را احرامی بہ نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر
منصب قضایا بوده اند ذکر نسب بالا بہ نسبت سادات و بہ نسب فاروقی کرده اند
فقط نسبت خود بہ نسب انجناب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقه اولاد انجناب است
در عظیم آباد بلکہ معروف اند بخواجه زاده بعضی ازینہا نسب سادات مینمایند
غرض توفیق حقیر از حجت و بحث مبست آنکہ کہ معلوم است بیان مینماید دلیل
از کتاب رشحات و تحفۃ الابرار و نیز بیع بزرگوار از کتاب رشحات
بیان مینمایم جد علی حضرت خواجه احرار خواجه محم نامی را وطن قدیم و غنڈ

گردید در اینجا از عرصه اقامت حضرت عمده السالکین سید السیادت
 امیر تقی الدین کرمانی بود با خود با صحبت و محالست ربطا رونمود بلکه
 نوبت مصاهره رسید یعنی سنه دهم آن حضرت خواجه عبید الله حرام
 بسفر نزد امیر تقی الدین کرمانی گشته شدند و فرزند حضرت خواجه خواجگاه داماد
 حضرت تقی الدین بودند از لطن آن عقیقه سنه فرزند ایشان کلانی خواجه
 نظام الدین مادی دومی خواجه خاوند محمود سیو خواجه عبدالحق مشتری
 محی الدین اینحضرت جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق الله مشهور بودند که
 سلسله نسب صوری و معنوی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت
 خواجگاه از دختر خواجه نظام الدین اولاد حصه هدایه گردیده پس ازین زوج
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشمید خواجه ابو الفیض پدر
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جد مادی جناب حضرت سید
 ابو العلا قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جل علا در ذکر اولاد امام
 عبد الله یا سراسبق تحریر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین
 کرمانی در سمرقند شد حضرت خواجه عبید الله احرامش امیر تادفن برد و شخص
 بردند و نماز جنازه ادا کردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد یحیی
 خلف ثانی حضرت خواجه سنه فرزند ایشان خواجه محمد زکریا خواجه عبد الباقی
 خواجه محمد امین دو فرزند حضرت خواجه محمد یحیی شهبید که همراه بودند خواجه محمد زکریا

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمد شاشی والد ماجد حضرت
 خواجه عبید الله احرار قدس سره و سکونت جد مادری ایشان شیخ داود
 در تاشکند علاقه بهم با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر و
 تربیت از جد مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم هر بنوده معیت
 از حضرت مولانا یعقوب چرخکی که یکی از اهل خلفاء حضرت خواجه نقشبند بهاء الله
 قدس سره بودند الحاصل بعد حصول فیضانی دیدار جناب ظاهر بطن آنحضرت
 را شغل کشمکاری بود حصول معاش از زراعت بود نه تجارت در سبب
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه و اهل دنیا تو نگه متمول میدانستند حال آنکه
 مقوله حضرت خواجه احرار است این میخ زرد در گل است نکر در دل
 چو فقر اندر قبائی شاسته آمد که بتدبیر عبید الله سبب آمد که
 مقوله حضرت مولانا جامی رحمه الله است منقول است در اقامت موضع
 تاشکند آنحضرت متاهل شدند فرزندان بوجود آمدند و واپس چون
 دختر و پنج با دوازده بطن زوجه اولی خواجه عبید الله عرف خوچکار رحمه الله
 عالم و فاضل حضرت خواجه کا رحمه الله علیه تربیت تعلیم به نسبت بطون اند
 والد ماجد خود هست بحجت صوری و معنوی و سه خواهران ایشان هر گاه
 هر گاه اقامت حضرت احرار مجبوزی سلاطین وقت تیموریه بمقام سحر قدس

احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر گدشته رحلت کرد که از سید حسن
 منسوب شد پنجم خود سال کرد انتقال باقی دختران کلانی از میر رعایت حسین
 رئیس شهر که خدا شدند چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی
 آنگاه از شیخ بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان پیاری صاحب
 که از دختر خاله کلانی آنگاه از می ولد نیست سیومی از حکیم خواجه محمد حسین عرف
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نواسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند
 گدشته روجه شان رحیل ملک بفا شدند نام ولد حکیم خواجه عبد السلام که
 موجود اند دختر چارمی روجه اخی ام حضرت سید شاه مبارک حسین ذلی ولد
 شش پسر شد از انجمله سه موجود شاه عزیز الدین حسین و سید شرف الدین حسین
 و سید رضی الدین حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر حوم روجه خواجه علی مرزا
 ابن خواجه اشرف علی ذی ولد اند و فرزند سیومی خواجه علی دوست
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد الله پسر ایشان ترک تمام شد
 از اینجا ذکر نسب ذریات خواجه محمدی خان میگویم که

واضح باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی برتانی بیگم چار پسر و دو دختر
 از انجمله زوج یک دختر میر مولان بخش که پسر شان میر الهی بخش نواسه خواجه
 محمدی خان بجز روجه ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانی از
 خواجه محمد و جهم الله خان که خدا بفضله شدند اولاد کثیر یعنی سته پسر

وخواجه عبدالباقی هر دو معیت پند بزرگوار شدند شهید رسیدند برجا
 مجید الاخواجه محمد امین که محض طفل بود از مهملکه جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاهر
 و باطن از برادر عمراد خواجه عبدالحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان الله
 این واقعه مثل کربلا و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 پدر جمله سادات اندک اصل فرزند خواجه محمد امین خواجه نور العین پسر ایشان
 خواجه نور الدین خواجه محمد ابن ایشان خواجه محمد احمد پسر ایشان خواجه
 عبدالفتح ابنه خواجه علی دوست رحمهم الله علیه سه پسر ایشان یکی
 خواجه محمدی خان که از سماء بر نیایی بیگم دختر خواهر برمان الدین نظام الملک
 صوبه ملک و کس بودند که خدا شدند بدین نسبت بمراتب عز و جاه رسیده آخر
 اولاد گذشته بمعکه نصرانی و سلطانی شهید شدند ذریات ایشان کثیر مثل
 ثم جنت النعم و فرزند دوم خواجه علی دوست خواجه رحمة الله ولد ایشان
 خواجه نصرت الله ابن خواجه امین الله ولد خواجه محمد امین عرت خواجه واکر
 اولاد شد کثیر و یکی آمدند حقیقت پیر از دختر خجسته اختر میرمون رئیس شهر
 که هنر لفظ شاه خیر الدین زبده للشایخین بودند که خدا شدند حسب
 تمانیت و اشریت بر کل ملکیت شاه صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجه که
 صاحب پانچ پسر و پنج دختر خواجه ابوالحسن پسر کلانی ذوی ولد شده لاولد
 شدند پسر ثانی خواجه محمد حسن بودند پسر ایشان سید حسن اند سلیم خواجه

لاولد خواجه علی غلام خان را یک دختر زوجه میر غلام نجف ساکن باره درسی پیشان
 میر نجف حسین و میر کلبه حسین نام نامی پسر خواجه مدوح خواجه کاظم خان
 دو دختر ایشان یکی والدۀ خواجه علی رضا مذکورۀ بالا دویم والدۀ خواجه
 امام الدین عرف میر مرزا ابن مرزا ولی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان
 دو پسرند ایشان یکی خواجه عبداللہ الدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان
 عرف محمد نواب هر دو لاولد و برادر خور و خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انهم لاولد
 شدند و سہ فرزند بخواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر
 ایشان یکی خواجه نور جان عرف خواجه خوجہ دویمی خواجه محمد نیکان ثانی پسر ایشان
 خواجه شرف علی و سیوی خواجه نجف علی خان لاولد ثانی خواجه
 حسین علی خان کہ از دختر میر باقر علی مدوح کتخدا شدند پنج فرزند و یک
 دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان و دو پسر یکی مسعود جان
 فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان کہ از دختر
 عمر خود کہ خدا شدند لاولد رفتند ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان
 عرف خواجه سلطان جان و اما خواجه خان بہادر خان سہ پسر شدند زنده نہ ماندند
 الا دختران چہار یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه
 ابوالحسن ابن حضرت سید شاہ ابوالبرکات الغرض از بطن آن زوجہ
 یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجہ نواب وزیر علی خان لاولد و دختر

از آنجمله یک خواجه محمد شاه و الد خواجه محمود شاه که از دختر میر باقر علی کتخدا شدند
 خلف ایشان خواجه عنبریز خان بودند که از دختر خواجه فخر الدین خان خواجه
 مایهتاب که خدا بودند و دومی خواجه آفتاب از محل اولی و دلیس یک خواجه
 محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علی خان شده بود و چند
 دختر یک پسر خواجه علی صبا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علیخان
 و دلیس و دو دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر بانی دومی خواجه محمد حسن
 که از صبیح جناب حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره که خدا شد نزدیک
 دختر که لا ولد و فرزند رتبه بلند جناب خواجه لطیف علی رحمة الله علیه شادی
 ایشان از دختر خاله خود شده بود یک پسر شده و دوازده ساله عمر صلت کردند
 و از بطن ثانیه دو فرزند یک خواجه علی مرزا لا ولد کلانی خواجه لطیف علی
 عرف شاه میا بخان که از دختر شاه اقبال حسین کتخدا شده سه پسر ایشان
 و یک دختر و دلیس خواجه آفتاب از محل ثانیه بودند خواجه محمد امین و خواجه خسرو
 و پسر سیوم خواجه محمد وجه خواجه مایهتاب بودند و ولد ایشان خواجه فخر الدین چون
 از ذکر اولاد دختری خواجه محمدی خان فراغت یافت از اینجا ذکر اولاد دلیس
 میبایم مگر در ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم انصاری
 خواجه محمدی خان را چهار پسر کلان خواجه علی اعظم خان ثانی خواجه
 عاصم خان سیوم خواجه محترم خان چهارم خواجه مکرّم خان سیوم پنجم

ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی
 خواجه محمد عاصم خان سیومی خواجه محترم خان چارمی خواجه مکرّم خان
 این هر دو برادر سیومی و چارمی لا ولد از فرزندان خواجه محمدی خان
 الا ماند اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر زوجه سید
 غلام نجف که از زیات حضرت سید فضل الله قدس سره لیسریه
 غلام نجف دوشند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین مخلف
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر و سه پسر
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی
 سیوم خواجه نجف علی خان که لا ولد ماند خواجه فرزند علی خان را دوسر
 یکی خواجه نور خان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمدی ثانی ولد ایشان
 خواجه اشرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان
 که خدا شدند از دختر میر باقر علی یکی از رؤساء مشه برنج لیسریه و دختر ایشان
 که خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمه خود که خدا شدند
 بی اولاد رفتند از بیجان ثانی لیسریه خواجه طالب علی خان عرف خواجه
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر
 ایشان یکی زوجه جناب خواجه علی حسین عرف میر نواب یکی دختر و یک لیسریه

سیوم لاولد رفت از نیالم و دختر چهارم و زوجه خواجہ محمود جان ابن خواجہ علی رضا
 و فرزند سیوم خواجہ ابو الحسن خان عرف خواجہ حسن جان کہ شادی
 ایشان از دختر خواجہ محمود شاه شدہ بود اولاد نشد و سپہ چارم خواجہ
 محمد حسن خان عرف خواجہ میر بخان ایشان کہ خدا از دختر خواجہ علی بن
 ابن شاه ناصر الدین خلف حضرت مولانا بریان الدین قدس سرہ یک سپہ
 ایشان خواجہ وحید جان و دو وار محل ثانیہ محمد جان و قدرت جان چون طلت
 کردند خواجہ محب بلی لطف مودت خاندان ایشان شد خرم گویا ختم خواجہ جان
 و برادر خور و ایشان خواجہ وزیر جان بودند لاولد و از عقد ثانیہ خواجہ
 حسین علی خان جہا خواجہ علی حسین اندر شہرہ دکر اولاد خواجہ
 عاصم خان مرحوم سپہ ایشان و یک دختر و زوجه ثانی خواجہ محمد یونس
 کہ یک دختر از ایشان سماء بادشاہ بیگم زوجه ثانیہ حضرت سید شاہ
 قمر الدین حسین باقری نسب قدس سرہ فرزند ی بوجود آمدند سید
 سلامت حسین نام بطفولیت رحلت نمودند و نیز خواجہ محمد آفتاب
 را از محل دوم و دو دختر و دو سپہ خواجہ محمد این و ولی خواجہ خسرو لاولد فرستند
 از نیالم علی ہذا کیفیت دختران نیز ہمین و خواجہ محمد ماہتاب را یک سپہ خواجہ
 فخر الشدیک دختر ایشان زوجه خواجہ غریز جان ابن خواجہ محمود شاہ
 ابن خواجہ محمد شاہ ابن خواجہ محمد و جہ مورث اعلیٰ ہر شہرہ برادر ہ

فرزند ثانی خواجه محمدی خان خواجه عاصم خان سه پسر ایشان و یک دختر
 خلف اولین خواجه جعفر دومی خواجه اکبر سیومی خواجه اصغر دختران
 بودند هر دو برادران الایسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرف خواجه کلو
 دومی خواجه وزیر نو جوان رحلت کردند اعقاب مانند الا اولاد خواجه
 امیر علی صاحب شد باقی مانند خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابو الحیر
 رحمۃ الله علیه بنسب شدند دو فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد دختر یکی
 از آن هر دو برادر خواجه جعفر بای خواجه اصغر زوجہ عالیہ جناب حضرت خواجه
 ابو الحسین قدس سره الله و فرزند و یک دختر بوجود آمدند کیفیت تبصریح
 در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شد نوشته نیست احتیاج
 تسوید تکریر الحاصل بعد رحلت محب و شفیع خواجه محمد حسن خان عرف خواجه
 میرنجان اذخل فی وضعه الجنان گویا شد تمام و ختم خواجگان اخلاق
 که داشتند بمندول باین فقیه حقیر نگنجد در بیان و نه بحیطه تحریر در حرم مغفور
 کیفیت احرار باین بزرگان قصبه شهر کهائی سکونت که اکثر
 داشتند منصب قضا در کتاب شجره طیبہ تبصریح تحریر است احتیاج نکردند
 بسیار عماید بزرگان بوده اند شجره اصل فصل بلامکه وصل
 در ذکر جناب حضرت شاه فرما و قدس سره و
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

ایشان دومی ثواب وزیر علی خان که ندا اولاد نیست سیومی لا ولد رفتند از ایشان
 چارمی زوجه خواجه محمود خان ابن خواجه علی رضا دوپسر ایشان
 پسر سیومی خواجه ابوالحسن عرف خواجه حسن جان که از دختر خواجه
 محمود شاه که خدا شدند لا ولد ماندند چارمی خواجه محمد حسن خان
 عرف خواجه میرخان که از دختر خواجه عین الدین ابن شاه ناصر الدین
 که خدا شدند یک پسر از انجمه باقیست سیم خواجه وحید خان
 دوپسر از محل ثانیه خواجه محمد خان و قدرت خان موجود اند و بعد چارمی
 پسر پنجمی خواجه علی حسین عرف خواجه وزیر خان لا ولد رفتند و عین
 جوانی و از محل دیگر خواجه حسین علی خان یک پسر خواجه علی حسین
 موجود می او لا دارند باقی از یک خواهر خواجه صاحب زوجه خواجه
 محمد یوسف پسر ایشان خواجه علی رضا که از دختر خواجه صاحب که خدا
 شدند دوپسر و دو دختر شدند ذکر اولاد دختر چه نویسم پسر خواجه
 محمود خان نام دومی خواهر خواجه صاحب زوجه مرزا ولی محمد خان
 ابن مرزا بهادر بیگ خان دو فرزند ایشان شدند یکی خواجه ابوالم الدین خان
 عرف میر مرزا دومی مرزا امیر خان لا ولد از نجبان بی بنیان رفتند کلانی را
 که که خدائی از دختر عمه شده بود و دوپسر شدند بدر الدین خان و دومی
 شمس الدین خان هر یک نو جوان از نیعم الم رفتند اعقاب یکے نمائند

نوشته نمودند و از آن جای اقامت ولایت شد تجویر شهر دلی
 درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدری
 بمحله مغلیه که در آن زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت
 شاه محمود با مشغول شدن بر شد و رشاد و خلاق به تعلیم اسرار و قایق سیر
 از آن از دیگر سشدند فایق آخر قبول کردند خلفای هر چهار یکی شاه نسیا الدین
 دومی شاه محمود و گاهی این هر دو وزیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی
 کردند ختیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفا را می آفریدند چنانچه
 چارمی از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
 نیز گردید در زمره امراء اراکین تیموریه از دختر خجسته اختر مرزا سعد الله
 نجیب الله و له مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
 قطب الارشاد شاه محمود فرما و از ازلطن آن عقیقه پیدا شد یک
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرف بود صاحب
 بهنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی
 که نسب نسبت استند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت آنچکه دانست تحریر نمود
 الحصول از لطن زان عقیقه پیدا شد کمال فسرزند رتبه بلند زبده
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین متخلص به شوق دین

چون الداجد ایشان نواب امین الدوله بسوی برانپور حجت بند و بست مکی
 و مالی می رفتند تعلل گزیده همراه برفتند درین شهر ماندند و رغبت پدر بزرگوار
 بحجت چند نوبت لغت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق
 شد و امنگی کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب انحلال و از او ستاد نیز
 بدست مدرس رسید اجمالاً آنجا که حضرت باری را بوده افضل درین سن
 شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمود
 از قصه برانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد پید او از استادشان
 جمله حالات غیبت شد هویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا
 را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت
 بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکریت یا حضرت منم سیکه از مجرائی دربار
 بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت بابرکت گویا کشتی رسید
 در تباهی لالیق خدمات سلطنت دربارشاهی نماند آنحضرت فرمودند در
 جواب ای شیخ صاحب منجواهی که این طفل باشد یکی از مجرای شاهای دردم
 بخوبی آگاهای که امر او سلاطین را نه پیشین درویش سیرت درانید بحجری
 ای صاحب این واقع که بس اندرست جای ملال بلکه صورت است دولت
 برای جابه بجز رننا و تسلیم هیچ نماند چاره تشکر به بجا آوردند تسلیم میکردند
 بعد چندی در صحبت چنان شد فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

بی‌لغو غایت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را ترود و نسبت شریف
 تلاش مصابرت بشر فدا اینچو را آخر فقر نسبت صاحبزادی خور داز شاه
 قتل احمد ابن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکی از خلفاء حضرت
 عشق قدس سره بودند یافت باصرار میجان و معتقدین صلاح این امر بشود
 از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام که خدا
 صاحبزاده کلانی از آنحضرت شد انجام حاصل از لطن زوجه حضرت یک دختر
 شدند و دو پسر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر
 و یک پسر درآمدند بوجد دختر از میر حیدر علی منسوب شد از پنجهان بی‌اوا
 رفتند و نام نامی اسپر علیقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و متبرک
 ثانی که از شاه قتل احمد صاحب که خدا شدند پیداشد یک دختر منسوب شدند
 از میر غلام رسول بالیشان نیز شد یک دختر مسماه حنیف بیگم از جناب
 خواجه لطف علی صاحب شدند که خدا و یک پسر درآمدند بوجد مسع خواجه
 المقات علی مدعو نورخان بخیر زانه بلوغیت رحیل ملک بقا شدند اولاده
 فرزند رتبه بلند از محل شدند که عظامی نام نامی خواجه لطیف علی
 عرف شاه میا بنان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا
 شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن
 مخدوم شاه بدر الدین مرزا شاه باز پوراند ثانی از سیالام لاولد رفتند

شایده در عین طفولیت از پیار و محبت دلیر پند مایه گفته باشد مرزا گسیا مسعود
 شدند لقصه آنحضرت را ترسبت باطنه و حصول سعیت بطریق عالمیه نقشبندی
 از حضرت مولانا برهان الدین نداناست که از خلفاء جلیل جدادری
 ایشان بودند و نیز در عین اقامت بیک شهر در شهر عظیم آباد دوازده
 سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
 جناب حضرت شاه محمد معتمد قاس سره که این حضرت نیز از بابان جدادری
 آنحضرت بوده اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سره که مال تنزک و مرفی
 باین وجاهت و لیاقت گذرانیدند در ویلته معتد به بود صرف خانقا در در
 خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره
 خطاب آتاه و لپه بر دم ای عشق که میارک بود به تخبه کوه میرزائی که
 در شهر عظیم آباد در ویلته را بکر و فرار رسد و از مشایخین باخوار بخش اطوار
 سلسله پیرستان هرگاه رسید خبر که مولانا برهان الدین کرد در حلت پیوستند
 بخوار رحمت در علاقه لکنو بمقام اقامت داشتند بمحضر استماع این خبر
 چند مرتبه آن معتمد را فرستاد بهر آوردن اهل عیال بسوی لکنو خالص بود
 بالاخر میدان عالمی مقام معه خلام آوردند بسواری رتبه و پاکی با عرازو
 آرام و اضح با حضرت مولانا برهان الدین خدا نما بودند و
 دختران نوجوان و صاحبزاده سیمه پشاه ناصر الدین دوازده ساله بود

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند
 و برادر اعیانی شاه شمس الدین عرف شاه سمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم
 نشد در حضرت بهار رسیده بیعت بطریق حشمتیه نصریه حصول از
 خلفاء مخدوم شاه تیم الله سفید باز و در صحبت و ترسبت یافتند فیضان کمال
 در مقام اول تکیه ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان بابرادر ایشان
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدلو صاحب سجاده پنج
 پسر ایشان شدند و یک دختر مسماة قدرا شادی از میر جان علی شد از محل
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن چونپور برگشته اول از ان دختر شد و نام پسر
 کلانی شاه امجد حسین بعد پدر خود زیب سجاده بودند شادی ایشان
 در اول شد یکی از دختران عمزه اد شاه حسین علی ابن مولوی وارث علی
 پسر شاه امجد حسین شاه شجاعت حسین داماد مولوی شاه حسین علی
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه امجد حسین بودند شاه
 مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاه سخاوت حسین دختر و وجه
 اولی شاه راحت بن میره میر محمد علی مرحوم شاه انداد حسین پسر ثالث
 شادی ایشان در موضع قاضی چک برگشته مسوڈه ضلع پٹنه شد در کفویت
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی
 اند شاه نیر حسین یک دختر و دو پسر ایشان هستند پنجم پسر شاه امام علی

الاسمه سپرد و یک ختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکبیر آباد باشد شمره در ذکر
 نسب انصار که آمدند در اینجا معروف بشیخ انصاری خصوصاً
 در بهار باید دانست بندگان مخدوم و ششمند که اقامت خود ساختند
 بموضع منوره علاقه بهار میگویند جریب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این
 مورچه چنانچه بدان نام معروف شد الغرض انجناب در نسب انصاری شیخ
 انداز اولاً حضرت ابو دردا انصاری که صحاب کبار آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 بودند سرزند از جنبد این بزرگ بندگان شاه عبداللطیف از دختر
 مخدوم شاه دوست منیری که خدا شد مذوی اولاد شدند نام پسرندگی
 شاه عبداللطیف شیخ عبدالوهاب ابنه شیخ صدر الدین ابنه شیخ بزرگ
 طیب ابنه شیخ عبدالقنی ابنه شیخ عبدالاحد ابنه شیخ عبدالجلیل ابنه شیخ
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محمد والد شاه سیف الله مؤثر وی نواسه
 ایشان شاه الطیب الله ابن مولوی شاه امین الله شاه طیب الله را و پسر
 چهارم دختر جمعه را قرآن که خدا وی اولاد افروزند کلا فی شاه محمد بهاء الحق
 معدن جود و سخاقتند که خدا اولاد شد برادر ثانی شاه
 تراب الحق که فرج عمه این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
 فرزندان حضرت جد ماجد خود خواهد نمود

ضمیمه در نسب انصاری صاحبان اول

رد و ثمره ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیر سی والد مخدوم شاه
 شعیب رحمه الله علیه ثمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگرین
 قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه ایشان بالا تحریر شد
 قریشی ناشی مطلبی انداز اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم سبب ورود
 ایندیار حسن است در قصبه منیر بستان کفار بود و ریت شد مد غلط را مجتبیار
 نام داشت در حق مسلمان از عالم غیب با حکم حضرت بنیادین پناه معادل
 و دو لیسر خود وارد شدند بدین دیار راجه مینار چون در جنگ شکست یافت
 فتح اهل اسلام نصیب حضرت امام تاج فقیه در انوضع طرح اقامت انداختند
 هرگاه از وجه شان کردند انتقال پیدا شد حزن و ملال ولایت این دیار
 بهر دو فرزند ان تفویض نموده و از آن لبوی مکه معظمه گشتند فرزندان
 مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل بهر دو برادر با خود
 بموافقت ولایت بمقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته
 از خواهرزوجه عقد نکاح پرداختند یک لیسر شدند مخدوم شاه عبد الغفر
 نام حسب صیت پدر بعد انتقال شان بهر ملاقات برادران رسیدند بعد
 اوراک تعرف و نشان خاندان بمراجعت پرداختند چنانچه مخدوم شاه عبد الغفر
 همراه برادر ماندند مخدوم شاه اسمعیل حسب سیم ولایت عبور گنگ در ضلع
 تربت اقامت پرداختند اولاد از هر یک برادران جاری شد حالا تحریر نماید

شاه رحمت علی ذی اولاد هستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد
از اینجا که بزرگان نامی بودند اینچنانچه که دانست تحریر نمود بانی در حضرت
بهار شهر و محله انصاری است شیوخ انصاری بوده اباد از اینجا یک بزرگ
بود شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد شیر زوج خواهر منشی سید محمد خلیل خوشنویس دیگر
بزرگ از اولیا اکبار متصل جهان آباد اند اهل فرار اولاد ایشان ذی اقتدار
یک از ان شیخ عبد القادر وکیل و از نواسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند علم ایشان
کلا فی مولوی محمد اسمعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فدا حسین الایک
برادر مولوی عبد القادر حافط ابو احمد هر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
افضل علی حکیم بجله و دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه
غلام حسن ابن جبا حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام نامی
مسماة بصیر از وجه مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر تنه فرع در ذکر فرزندان
حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول مذکور فریت مخدوم شاه اسمعیل قدس سره
فرع دوم مذکور اولاد مخدوم شاه اسرائیل قدس سره
فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاه عبد الغفر قدس سره

خلف ایشان بودند شاه بنده علی داماد کلانی جناب شاه امیرالدین
ممدوح اینقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه
اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره

و واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل زاد و فرزند رتبه بلند کلانی بودند مخدوم
یحییٰ منیری ثانی مخدوم شاه مظفر که در جوانی رحلت کردند اولاد مناندا
حضرت مخدوم یحییٰ اکتخانی از بنی بنی رضیه نبت مخدوم شاه شهاب الدین
پیر گلجوت گردن از بطین آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند از همه
برادران خورد مخدوم شاه حبیب الدین که همراه برادر زاده خود مخدوم شاه
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکر و رحلت کردند اولاد بودند
کلانی مخدوم شاه خلیل الدین که مرید و خلیفه الداماد خود بودند سکونت در
مقام منیر داشتند نیز در انجام ارموجود و فرزند ایشان یکی مخدوم شاه شرف
خلف کلانی حضرت مخدوم یحییٰ منیری قدس سره مخدوم شاه خلیل الدین و
پسر ایشان مخدوم شرف الدین و مخدوم منور الدین هر دو برادر مرید فضیل افیته
علم المحترم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه
اشرف الدین جاری شد بدرجه هفتم انجناب در نسب حضرت مخدوم شاه
دولت منیری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب نما برادرشان شاه

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام
 محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل را شدند فرزندان
 چهار هر یک صاحب مقام عالی تبار یکی ازان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم
 ثانی مخدوم شاه منہاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چاکر
 مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منہاج الدین
 و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر ذی اولاد شدند پسر
 مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه عیسی اولاد ایشان بمقام کجائوه موجود است
 الا از نام آنها خبر از نیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
 جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز که خلا شدند و ولد الرشیدشان
 مخدوم شاه شعیب قدس سره شینجیوی صاحب ولایت الا مخدوم شاه
 صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاض بودند و
 پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرست اولاد ایشان
 مشایخین موضع سیئوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی
 مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
 علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع جنده از اولاد این
 بزرگ هستند یکی ازان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
 پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین
چلک شس که خدا شدند و دختر شدند با ایشان بی بی ماه خاتون دو
بی جمال هر دو از برادران عمرزاد که خدا شدند از سید سکندر رسید که بر دلا
سید سکندر جاری شد بموضع او ترالاری موجود اند و نیز در موضع گهرات
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند
متوسط حضرت یحیی منیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار با حضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه
فرکی الدین بجات مستی در عقب پدر بزرگوار جان سخن نمودند تسلیم بمقام شکو
کتخانه سیادت شده بودند یک دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین
چلک شس ابن مولانا سید علیرالدین که خدا شدند نسب نامه ایشان
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریه فرزندان برادر و خواهر خواهند
در ذیل گفت مخدوم الملک داروست چرا که ذکر طویل است اولاد مخدوم الملک
از در باب ایشان مراد است

فرع سوم اصل اول وریان اولاد مخدوم شاه عبید الغفر زبیدی برادر
شمار اول در ذلک اولاد مخدوم شاه جلال منیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علی الترتیب سجاده نشین
 قائم است چنانچه بزبان این فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین
 عرف شاه دهومن بودند حال داد شاه قطب الدین بعد شاه احمد حسین
 ابن حضرت شاه محمد سلطان بهاری محل چاند پوره جانشین فی اولاد اند
 برادر شاه مبارک حسین شاه لطف علی راد و لیسر شاه منور و شاه بسکین و دو
 خواهر ایشان یکی زوج شاه محمد صغر کورجی لیسر ایشان محمد خلیل لیسر ایشان
 احتشام حیدر و نیریک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاه لطف علی شاه اولاد
 و شاه فرزند علی در اینجا نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منبوسید و در اینجا
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهومن شاه لطف علی ابنا شاه محمد محمود
 ابن شاه محمد مکی ابن شاه عنایت اللہ ابن شاه اشرف منیری ابن شاه
 محمود حافظ ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی محمد و شاه
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن محمد و شاه حسام الدین عرف شاه
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و
 شاه یحیی منیری ابن محمد و شاه اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره
 فرزند دوم محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و شاه یحیی منیری و بنده و خلیفه
 برادر خود محمد و شاه الملک شاه شرف الدین احمد چنانچه دریا لنین مزار برآوردند

و سلسله لشک جاری میخوایم عزت اختیار کنم بگوشه شوم متواری دران روز
 جداوری ایشان بطفلان مانع شدند شعیب را همراه بگورستان مبرو گفتند
 در وقت این طفل را کیفیت کشتن القبور پیدا شده تا کید بر معلم ایشان نیز
 گفتند خبر تو بیخ برگزینان عزیز رواندارید این ولی الهست یکے از داصلمان
 گرچه بعمر خود است حکایت است روزی همراه او ستاد خود بهر کاری
 میرفتند در آن راه و دیدند کمنه دیوار حبت کرده برویو ارشدند سوار چون
 معلم از پس ایشان دوان بحکم ایشان دیوار شد روان نقل میکنند هنوز
 موضع کجا نوان ان دیوار همچنان موجودست مردمان زیارت او میکنند
 بر خاص و عام میشود فاتر المرام هرگاه جداوری ایشان یافتند وفات
 عمرشانزده ساله درالوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چنگ
 در اینجا قیام کرده از زیارات فرار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از اینجا حرکت
 کرده در قصبه دانا پور جاس عافیت یافته گوشه نشین مانند دریا دالی
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از اینجا روانه شدند بسوسه
 را جگیر خبر برادر مظم خود شنیده بودند که در اینجا مخدوم الملک گوشه نشین اند
 چون اندر چله حضرت مخدوم را آمدن ایشان منکشف گشت بیروان آمده
 ملاقات کردند و گفتند ای تانها درین بگل بیابان میانم و تونو جوان هستی
 جایی خطر است از شیر و اژدها و نهرا را اینجا مباحش ما دادان روانه سر باطن

شمره دوم فسخ سوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگر مین
 بیان شمره اول و حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
 عبدالعزیز واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیحه مخدوم شاه
 ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
 اسمعیل گرد نام آن بی بی سعیده از لطین این بی بی یکفرزند ترسید بلند
 مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد احوصل مخدوم شاه شعیب
 قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه مادی
 جدا درسی ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا فوآن رحلت پدر شد بمقام

قصیه منیر

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب سال سره شجره منیری
 واضح باد وقت رحلت پدر بزرگوار عمر هفت ساله بودند هرگاه بس شعور رسیدند
 روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والد ایشان کیفیت خورش و نوش
 پرسیدند در جواب گفتند در طعام خوردن نوش نوش و شیخ دریغ نیست الا خالفان لا نعجب
 شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و انقضا نمودن دین خود را
 عرض ساخت هرگز مرا غم تنبلی نیست و نه شکایت زرق میکنم الا ما جرای یکروز
 چنین ست سومی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر مبتلا بفدایانند
 در حق ایشان دعا مغفرت نمودم از آن روز مرا سبب خدا تعالی طاریست

بی آب و دانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا، رود و غارت نشین شدند
 بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رشت کردند
 مسدود و نقل نمایند این ماجرا را بالا شد از چهل سال اراکین در آنوقت نیز
 راجه بمرد آلا در آن زمان بمیره راجه مذکور بچگونگی راجگی بود بعضی کسان
 ویرانه آنوقت ماکیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبردار راجه در آنوقت
 این کیفیت شنیده معماران را حکم جاسی هر دو چله واکردن دادند چون جاسی
 جوگی کشا و نمبر استخوان بوسیده چیزی نیاقتند آلا چون جاسی غارتخانه آنحضرت
 واکردند آثار حیات یافتند ذکر انفاس بود جاری نو را راجه با احتیاط تمام آنحضرت
 را جاسی محفوظ واکرده داشت و از بایش روغن و غذای حقیقت متمم خدمت
 شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و عا کرده در حق
 شان از اینجا مراجعت سوی موضع شیخپوره نمودند درینحال انتقال مخدوم
 قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر است از دیار زمانه منقولست که حضرت
 مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بانجی قدس سره چنین فرمودند
 که روزی از روزنا برادر من شاه شعیب درین نواح خواهد رسید خبر بنیت چند
 نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقة فقیر با و رسانی و هر که گوید این
 مدانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به مخدوم شاه
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شیخپوره

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودندی آرنه از آنجا جانب دیار شرقی عازم
 سفر شدند در اثنا سر راه بمقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی
 جائے عزالت نشین گردیدند چون ساکنان آنجا ملک زادگانرا خبر شد مجبور
 بهر استقامت آبادی و معتقدانرا کرامات شدند فرمودند شما نیز درین بیابان
 اگر جوار معیت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از
 مفارقت شده بود بهر دیدار نورالابصار تشریف آوردند ایشانرا انکشاف
 این امر دست داد بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
 تورپرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه میباشم رخصت
 از فرزندگان تشریفبری آنخدمه در آنجا مناسبست در آنجا تشریف
 دارند امروز پنجشنبه در آنجا به زیارت خواهیم رسید میگویند تاجیات و
 ماجده همین معمول داشتند بهر زیارت میرفتند هر چند وفات والده آنجا
 در آن موضع ست زیارت عام و خاص القصد چون ازین تعلق طماننت
 قلب شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
 که کوچ بهار زمانه والی آنجا راجه بود از قوم هندی او معتقد جوگی سید
 بود جایی چله نامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند توجیه میکشی یا چلی گفت
 چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند
 و چله چل سال باشد آخر بمقام بله راجه آنجا رود ان ادهر و قصد چله کردند

و اما میهندهب سکونت ایشان فریب فرار و سکونت اهل سنن بیرون آبادی
 قصبه جانب مغرب معروف است میگفته شنبوره در انجا مشایخان میمانند باید
 دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شاه بهار الدین
 ثانی شاه محمد منصور سومی شاه مظفر این هر سه از یک مادر اند و لا اولد سومی
 دومی ولد الا جانشینی ترتیباً و امر بیت در برادران یک بعد دیگری ماند چارمی
 شاه حیدر عرف شاه خدا بخش الساصل شاه مظفر پسر شاه نظام الدین
 که از دقت عمر خود شاه خدا بخش شد که خدا و بعدشان زیر سجاده گشتند و
 پسر شاه خدا بخش شاه غلام حیدر هر دو دومی اولاد الا طبقه اهل تسنن از اولاد
 شاه نظام الدین اند و طبقه اهل تشیع از اولاد شاه غلام حیدر در اولاد ایشان
 امرای دمی جاه و صاحب منصب اند از ائمه حسین خان و محمد حسن خان و محمد کبی
 خان خلعت نواب ابوالقاسم خان و غیره چنانچه از ائمه حسین خان و محمد کبی خان
 و یکی از نواسه محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان ^{نواب}
 ابراهیم خان خلعت ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
 نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و عزت علی خان
 و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند اولاد
 در اطراف موضع تیلاده شاه احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذهب
 و آنرا که در مذهب سنیه اند سکونت پذیر بگیرند شاه تراب علی سجاده و دود

در یافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار در آنوقت مخدوم
 شاه حسین نیز متکلف بودند این حال در یافته فرزند خود مخدوم شاه حسن را
 مع خرقة و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرند در اثنا
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختی معانقه و مصافحه با خود باگشت
 بعد ساعتی تبرکات آورده خویش مع خرقة پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
 خرقة را پوشیدند و سرنجیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقة فیض کمال
 شد حصول آلاهنوز امر بیت بجانا ورده ام بدستور معمول دست خود بسیار
 بیعت نمایم مخدوم شاه حسن کمال عجز و اعتذار شامل شدند فرمودند آنچه که
 والد بزرگوار گفته بودند از ان دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین
 قدس سره است احاصل بعد حصول امر بیت هر دو بزرگوار از یکدیگر غیبت
 شدند مخدوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و مخدوم شاه حسن بسو
 بهار آمدند و باجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
 مخدوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جای مزار است مشهور مکاسن
 واضح باد حضرت مخدوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از بطن آن رجوع
 سه پسر و از بطن دختر سلطانین یک پسر از هر دو زوج و اولاد شد جاری حرکات
 کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتاب تصنیف یکی از خلفا نشان
 انتخاب کرده نوشت بطور اختصار از اولاد آن مخدوم و فریق اندنیه مذہب

شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابوالفتح
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد طلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه
 نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره
 این مخدوم شاه جلال نسیری و شاه عالم علی علیه الرحمة را یکدختر و یک پسر
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد و دختر سه پسر یکی شاه مهدی علی
 که بعد خال خود شاه جلال الدین علیه الرحمة سجاد نشین شدند چون پسر
 نداشتند بعد ایشان برادر خود را ایشان شاه واعظ علی صاحب
 سجاد نشین کردند حالا موجود دومی اولاد اند و برادر متوسط ایشان را
 امام بنامیت الابرار ملاقات کرده است از آنجا که پیران طریقت بودند
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه واعظ علی صاحب
 جدی نسب از حضرت شمس الدین حنفی دارند

شمره دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت
 مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین که سکونت در موضع نوا باوه
 خور و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز
 ابن حضرت امام محمد تاج فقیهه فرزند کلائی ثانی حضرت مخدوم شاه عبدالغفر
 اندشادی ایشان از دختر مخدوم شاه شهاب الدین عربت پسر ملکوت

وخواهرزاده ایشان شاه جمال علی پسر ایشان شاه مظفر و یکی از فرزندان
 مخدوم مظفر حسین جان و میر امید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان
 بحضرت سید شاه فضل المدد عرف سید گوسائین و میر شاه محمد علی صاحب
 و شاه لطافت علی صاحب و میر عبدالحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یکی
 یا نویست الا ترتیباً واسطه نسب و دوبرگ که به یکی نسبت قرابت و دومی سلسله
 بیعت است مینویسد آنچه که یافت دریافت یا بدوانست یعنی از فرزندان
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوآبادی که در قرابت برادر جد باشد
 این فقیر حقیر انداول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاه ابراهیم حسین
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبد الغفر
 ابن شاه عبد الزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم
 شاه جلال میری ابن مخدوم شاه عبد الغفر ابن مخدوم شاه
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت
 نوآبادی خواهند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی
 قدس سره مینویسد و افع باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی
 هر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

الاولیاء محبوب الهی نظام الدین لویا بودند مطهره چشتیه نظامیه
 سراجیه بودند الفقه حسب تفویض ولایت از ارام پر خود سکونت در نوآباد نمودند
 قریب بموقع بیکش پور سه فرزند حضرت مخدوم شاه احمد چشتی بودند یکی مخدوم
 شاه حسن عوف مخدوم شاه بڑی و دو دختر زن بایشان بودند هر یکی
 از برادر زادگان کتختاد و می مخدوم شاه حسین متوسط برادر فرزند ایشان
 مخدوم شاه عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاه عبدالمجید ولد ایشان مخدوم
 شاه عبدالحی یک دختر ایشان بی بی تا جا روجه میر سید محمود ابن میر سید محمد
 ابن میر سید صدر جهان یا قری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاه
 عبدالمجید ابن مخدوم شاه عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفه و
 میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عمار الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح و
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سه فرزند حضرت میر سید اکبر بزرگوار
 میر سید جهانگیر که بیت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاه عبدالمجید
 بود دوم میر سید مکرم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
 سید رکن عالم حالا اولاد دختر بی بی این بر سه برادر اند از انجمله ابن خاکسار
 و برادران عم زاد را نواسگی میر سید محمدا بن میر سید جهانگیر قدس سره و
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حسین بخش
 کوچوی والد ماجد شاه اظهر حسین و دومی شیخ محمد یار جد شاه داود و حم

گردیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم شکر
 فردوسی بی بی پدید و از بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال
 الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی
 کمال روجه مخدوم شاه حسام الدین والده مخدوم شاه حسین غریب
 دهموگروپوش که در پورینه فرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة
 بی بی دولت الحاصل فرار همه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
 دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد
 پسر عین اولاد بی بی کمال اند

شمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطار السید
 قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطار السید ابن مخدوم شاه سلیمان
 لشکر زمین که نواسه حضرت پرچم جوت اند یک خلفه ارشید ایشان مخدوم شاه
 تناج الدین انیه مخدوم شاه عبدالملک ابنه شاه عبدالغنی ابنه شاه عبدالوهاب
 ابنه مخدوم شاه احمد شتی قدس سره فرار ابن همه بزرگوار در جوار جد پدر
 بزرگوار است باطراف موضع کاکو آلا مخدوم شاه احمد شتی را بیعت و تربیت
 از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محله منحللات حضرت بهار
 که سیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویل بخش ابن دیوان سید شاه بزرگوار
 ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بدوئی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

نزوح بی بی بلا قن لا ولد دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو
 لا ولد و یک پسر شاه محی الحق عرف باکو کسی پسر و دختر ایشان نیست
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماه بچن دختر
 میر سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سه دختر از بطن این بی بی یک مسماة
 مخدومه زوجہ جناب حضرت سید شاه بکھی علی ذی اولاد دومی مسماہ سیمہ
 لا ولد سومی مسماة سکینه زوجہ شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب
 ابن مولوی شاه بدر الحق ابن مولوی شاه امین السد مذکور الصدر از بطن
 این بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر ہمہ ذی ولد اند نام دختر مسماة
 حسینا زوجہ اولی میر سید ہایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین
 لا ولد از این جهان وفات یافتند پسر کلانی شاه ظہور الحق از دختر
 میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین
 ہنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محمد حسین ابن
 سید شاه غلام حسین قلموی الا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی
 شاه مظہر الحق از دختر خالاسی خود منسوب شدند نام زوجہ شان مسماة
 فضیلت النساء و عوفجو از بطن این بی بی چارہ پسر و سه دختر و پسر
 درایام صغری رطت یافتند لا دو پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

گفت این بزرگوار بصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد بسری فقط
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از اینجا برآسته قریب یک کره موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوا باده
خور و آن معروف نوا باده کلان است بنیمه شمره سوم خلف الرشید مخدوم
خوند شیخ دیوان شاه قسیم السدانه شاه تاج الدین محمد انبه شاه عنایت السد
که از نام ایشان چک آبادست و دو فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیغور السدغاه برزاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یکی بی بی
ترتیباً زوج شاه بدرالحق دومی ترکیباً زوج میر سید حامد محمود ابن میر
سید محمد ثانی نوا باده کلان اولاد دخترش ایشان شد و مولوی شاه طیفور السد
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور السد ابن شاه عنایت السد
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور السد زوج ایشان
عمه میر سید وجه الدین عرف سید بولن بودند سه پسر مولوی شاه منور السد از آن جمله
یکی شاه خلیل السد اولاد ایشان نشد و دومی شاه مسیح السد یک دختر ایشان
سماته جمیله زوج شاه نورالحق پسر کلان مولوی شاه امین السد و پسر
شدند بشاه مسیح السد یکی شاه مطیع السد دومی شاه ثناء السد هر دو اولاد
الا پسر کلان شاه منور السد مولوی شاه امین السد بودند الا کلان
پسر شاه امین السد شاه نورالحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد غیب الحق

انحضرت بقربت عم المظلم این خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظفر الحق
 و شاه غفور الحق میر بد بطریق عالیستغیبه نظامیه از پدر بزرگوار خود اند
 الاتربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بسلسله ابوالعلائیة از جناب حضرت سید
 شاه یحیی علی قدس سره اند اندک تعالی مع ذریات ایشان را فائز مرام دارد
 ثمره فتح دوم اصل اولی بقیبه ذریت حضرت امام تاج فقه پسر سوم
 مولوی شاه این الله اند شاه طیب السند نواسه حضرت شاه سیف السند

موردی منجملات بهار

واضح باد حضرت شاه طیب السند پسر ثالث مولوی شاه امین السند در موضع
 موثره در کنار تربیت جدی خود شاه سیف السند رحمة الله علیه مانده
 کتفائی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاهدی گردید از
 مسماة تجلگن دو برادر ایشان یکسیر سیف الدین عرف میر سوبخ نام
 دیگری یانیت اسحاق جناب طیب السند از بطن امین بی بی چهار دختر
 و دو پسر یکشتن نذالذات شاه بهار الحق که صاحب جود و سخاوت
 تکلف نه لباس داشتند و نه در خورش نوش مجرد مانده نه پذیرا کردند تعلق
 اهل و عیال اولاد و برادرشان اولاد ایشان هستند برادر ایشان شاه
 تراب الحق روح عمه این خاکسار ذکر اولاد ایشان و ضمن اولاد جدا
 خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

شادی اولی از دختر غم خور و خود گرد و نداد و دهست یک پسر محمد کبیر و دختر
 نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه
 اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه ضعیف الحق
 از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شد
 بفضله فی اولاد اند و خواهران ایشان یک زوجه اولی سید الفت حسین
 مذکور که خدا از ان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
 غفور الحق که خدا پسر و دختران موجود یک زوجه شاه محمد واجد ابن
 شاه حسین علی دومی هنوز ناکد خدا پسر حافظ حسام الدین طلال سعید
 و علمه بهمه و جوه یثیق است پسر سوم شاه غفور الحق که خدائی ایشان نیز
 از دختر خور و خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء عوف بسود دختر خباب حضرت
 سید شاه یحیی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین مذکور بالا از دختر
 عم اوسط که خدا ناکد پسر دختر ایشان ماقبل کرده اولاد و خواهران ایشان
 یک زوجه اولی شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولا بخشش
 نام در نیوقت یا دماند بفضله فی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
 سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
 جناب حضرت سید شاه یحیی علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه ضعیف الحق
 و شاه محمد نظام الدین تو اسه جناب حضرت شاه یحیی علی قدس سره اند و

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر و سیاه اقامت بود و خانه شرفا
 از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر نخست از خرد متولد شد بی بی بار که نام
 بود چون از غضب و جلال و الدخدر طلت بدان مقام کردند چند کسان از انجا
 آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند
 آنما که یا مخدوم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود
 نزد من آید می آرند آن معصیه تر زمین را نو کرده بزانو مبارک حضرت مخدوم
 الملک آمده نشیند مخدوم بر حال قیامی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر
 پشت مبارک حضرت مخدوم الملک یک مسه سنج رنگ بود آنرا آن قوه العین
 از لب خود می مکیدند شیر می برد از کلمات اولیا عجب نیست اصحاب این
 ناز پرورش یافتند چو بالغ شدند از سید و حید الدین چاکش ابن سید
 علار الدین گفتند کردند و سید و حید الدین خواهر اده نیز مرشد حضرت
 مخدوم بودند یعنی همیشه زاده خواجه نجیب الدین فردوسی قدس سره شفق
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
 دختر اسم مبارک پسر سید عبدالعزیز و کبر شادی ایشان در کفایت
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرت سید پیار سه و نام دختر سید
 و حید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوهری علوی نسب
 که خدا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

و خواهر ایشان یکی والده میر محمد حاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه
 محمد سجاد بن جناب شاه تراب الحق مذکور و اولاد دختر ثانی بودند و دختر
 بی بی مبارک زوجه شاه فخر الدین برادر او وسط شاه کبیر الدین سجاده نشین
 مقام سهرام والده شاه محی الدین عرف لالا میان ذی اولاد اند
 و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رحبت در اتران که خدا آنهم ذی اولاد
 اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکی از میر عنایت علی که خدا
 بودند ثانی اولاد شاه طیب السمر حرم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر یکی
 شیخ صادق علی والدناظر دلاور علی و دیگری شیخ خورشید علی والد شیخ قربان علی
 سومی دارنده ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه
 شرف الدین فردوسی برخیزد شمر و یک شجر که طویل الذکر است
 بتصریح بیان میکنند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک در کتاب مولود شرفی
 بخوبی بیان کرده است این فقیر ظمیر چونکه این کتاب نسب نامه بود و درینجا
 حاجت تحریر نبود و نسب نامه بالا حضرت امام محمد تاج فقیر با قبل تحریر شد
 احتیاج مکرر تجدید نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنار
 گانون متاهل شدند از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شدند و شاه عجب الدی را یک پسر شدیحی نام اولاد نام و میر سید عبدالقادر
 را اولاد نشد الا دو برادر شدند و اولاد سید عبدالسلام و سید شاه مصطفی
 اند ما جراسه مرام مفصلاً نوشته می آید باید شنید فرزند شاه مصطفی شاه
 قطب علی و پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین و دیگری شاه
 حسام الدین ذکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلان خوانده نمود و حالا
 ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی مینمایم که بیان طویل است
 ثمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی
 باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از آنجمله یکی شاه علی بخش
 و دیگری شاه مصطفی ثانی و سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبدالغفر
 که اولاد رفتند از آنجمله از فرزندان شاه علی بخش یکی قطب علی ثانی
 و دیگری شاه اسد علی لا ولد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لا ولد
 و دیگری شاه رحمت الدین شاه و هورن ایشان را یک دختر
 روجه نشی کریم بخش و سه پسر یکی شاه نور الدین احمد و عویشا و بان
 که خدائی ایشان از دختر خود دهری حبیب الدین گردید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر روجه شاه امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه
 محبوب حسین و پسر شاه ببا و ن شاه خورشید حسین که از دختر عم او وسط
 کنه شدند و دیگری شاه کریم الدین و دختر ایشان یکی روجه شاه خورشید حسین

دختر بی حفظه از سید ابو محمد یاری کتخدا شدند از لطیف این بی بی چهار پسر
 متولد شدند یکی شاه مسیح الدین و دومی شاه فصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه
 امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و طاقه سهار سوخته و اندونیز غرا
 این بزرگوار در اسحار در مقام بدر آباد قریب اردل مزار سید وحید الدین
 چلکش است و بمقام سینه ازیب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا
 فرزند چاری سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پاسبان بود
 خدام درگاه مخدوم الملک در انجافته در حضرت بهار آورده مسند نشین سجاده
 متبرکه نمودند و در رات درگاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
 حصه و هم یا جام حصه خود بگردند و خدمات بطور خادمیت بجا آورند چون
 سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند در جومات
 خلایق در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را
 دو فرزند یک شاه لعل و دومی شاه جلال کلانی را اولاد نشد الا
 فرزند شد بشاه جلال سسی شاه خوند لیسر ایشان شاه محمد لیسر ایشان سید
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسرینی
 بر شمر چند از انجمله یک شاه محمد دومی شاه مصطفی سومی شاه بهادر علی
 چاری شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحمی
 انقصه شاه محمد را یک پسر شاه عبد الحکیم و دومی شاه عبد الحکیم هر دو برادر اولاد

مصدقہ ابن شاہ نظام الدین مذکورہ بالا ذمی اولاد شدہ یکے شاہ
مرغضی بخش و دومی شاہ جلال الدین سومی شاہ یحییٰ علی پس
شاہ مرغضی بخش رانیر سہ پسر یکے شاہ عموث علی دومی شاہ قتمعلی سومی شاہ
فیض علی کیفیت ذمی ولدی شاہ عموث علی دریافت نشد آلا بہر دو ہرادشاہ
فتح علی و شاہ فیض علی اولاد شدند

شمارہ سیوم

پسر شاہ فتح علی یکے شاہ حمید الدین دومی شاہ فرحت علی سومی شاہ امان
عزت منو پسر شاہ حمید الدین شاہ بخش علی دومی شاہ قاسم علی
و شاہ محمد سعید ہمہ ذمی اولاد شدہ ازین علم بی اولاد شدند

شمارہ چہارم در ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاہ فقیر علی را دو پسر کی شاہ لطف علی اولاد ایشان نشد دومی شاہ
افضل علی چہار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذمی اقتدار یکبار از بھل
شاہ واجد علی متوطن موضع سانہ قیام دخر سورہ کرد چند دختر ایشان
دو دوسر یکے دختر و شیش نواز حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بی بی
شیخ محمد اہل و بھل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است و فصل دوم
در ذکر شیوخ فاروقی نسب آلا دختر ثانی زوجہ مصاحب علی خان و دختر ثالث
زوجہ میر یار علی ساکن پور نہ پرگنہ ارول مادہ اماد حسین ذمی ولد اند

مذکوره بالا دومی روجه شاه فرزند علی پسر خود نشی کریم بخش مذکور الصداق
سومی شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی در مقام راجگیر در قرا
شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یک زوجه میان جان علی بن
نشی رمضان علی دومی روجه شاه وحیدالدین ابن میر قاسم علی ساکن
سوه و خلف کلانی شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی شاه قمرالدین
دو شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یک بعد دیگر
و خلف ثانی شاه صاحب مدوح مولوی وحیدالدین شادی ایشان
نیز یک بعد دیگر از حبیبیه میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی و لدی هر
دو صاحب معلوم نیست

شماره دوم در ذکر فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین

باینشید فرزند شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین چهار بودند از آنچکه یک
شاه حسین علی دومی شاه غلام شرف الدین سومی شاه کریم الدین
و فرض این سه برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا دومی ولد فرزند چاک
شاه عظیم الدین دو پسر ایشان یک مظفر علی دومی شاه کریم الدین
ثانی ایشان نیز دو پسر یک شاه احمد علی دومی بدو ح عرف شاه
بدو و احد العین لا ولد پسر شاه مظفر علی شاه علی بخش بودند پسر ایشان
شاه تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرف دثری مغفور و النجیر الا شاه

یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن همت علی خان سپهرویک دختر
 زوجه چودهری ظهور الحق ابن چودهری واحد علی دودختر ویک پسر ایشان
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان مسماة قدیرا انسانیت مسماة حسینا نام
 پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاه لطیف احمد ابن شاه
 شرافت علی که خدا شد پسر ایشان داماد چودهری ظهور الحق دودختر خال
 بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگر سپه سوم فدا علی خان داماد شاه
 بنده علی داماد کلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمة الله علیه سپه سوم
 اقبال علیخان داماد شاه لطیف احمد خال خود یک دختر زوجه چودهری
 واعظ الدین مذکور و سپه محمد بنی هر یکی ذمی له اند پسر شاه شرافت علی علیه الرحمة
 شاه لطیف احمد داماد راجه اسد الدیک پسر ایشان بود محمد خلیل بعمر
 چهار سالگی رحلت نمود و الا پنج دختران ایشان مذکور سه دختر کر و نند متوسط دختر
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمة الله علیه ذمی ولد ویک دختر
 در انجوار که خدا شد در اقران ان جوار

شمره پنجم در ذکرا و لا د شاه عوث علی ابن شاه مرفعی انجش ابن
 شاه مصطفی

مذکوره بالا باید دانست بشاه عوث علی چند دختران الایک پسر شاه احمد علی
 با ایشان یک دختر ویک پسر شاه واحد علی خواهر ایشان زوجه شاه

دوشیزه کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی انجمن پشپوروی زوی ولد شدند و پسر
 ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود زوی ولد شدند پسر دومی شاه
 افضل علی شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر
 پسران شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجه الدین
 دامادش امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
 پنج دختران ایشان یک دختر و وجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر
 وجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگری و یک دختر و وجه شاه براتی و یک دختر و
 شیخ محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود ولی پسر ایشان
 شاه محمد جعفر داماد خور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاد و نشین و پسر
 و یک دختر ایشان ار و اب ایشان خانه اجداد دست آباد و دومی پسر شاه
 ارادت حسین داماد شاه جان علی شیخ پشپوروی یک دختر ایشان زوج
 بادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم زوی ولد پسر سومی شاه
 امیر علی داماد و سید شاه غلام حسین شلموی و دلی پسر ایشان یکی شاه وزیر جا
 و دومی شاه بوجان هر دو زوی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی
 شاه شرافت علی شادی اول در قصبه سوان از دختر راجه محمد علی ازان زوج
 یک دختر و وجه شیخ ولایت حسین یک پسرشان محمد حسن لا ولد شادی ثانی
 ایشان زوج شاه ولی سجاد و نشین گردید از مساه مراد و یک پسر و

ابن قطب علی ابن شاه مصطفی دلی

ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین
 این شاه علیم الدین بزرگ عرف شاه بیکه وضع بادشاه حسام الدین
 و دو فرزند نام یکی شاه بدیل و نام دومی شاه بولالیک پسر ایشان شاه
 وحید الدین و سه خواهر ایشان جابجا منسوب و شاه بدل را چند دختران
 از آن جمله یک دختر زوجه برادرزاده شان شاه وحید الدین ایشان را یک پسر
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از آن زوجه شاه علی بخش بدو بخشا
 پدر شاه تراب علی و پسر شاه امیر علی شاه و وجه الدین عرف شاه و جا
 شادی ایشان در شیخ پوره شد از خواهر شاه علی احمد شعیب شاه و وجه الدین را
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عرف شاه فیضاً و چند خواهران ایشان یکی
 زوجه شاه تراب علی مذکور بود محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانعلی پدر مهدی حسن
 سومی زوجه قاضی مبارک علی پدر قاضی سلامت علی و نیز شاه فرزند علی را
 یک پسر شاه الطاف حسین بایشان نیز یک پسر و چند دختر و پسر شاه فرزند علی
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسران ایشان دومی زوجه
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
 زوجه میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لاولد شد از آن مقدم
 اولاد بود شاه بدل و شاه بولالست

محمّد و م بخش مخلص و انی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان
یک پسر ایشان میر بشارت حسن خان آلا شاه واحد علی سبب رقابت
صاحبان شیخپوره حسین آباد تبدیل مذہب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت اللہ
شریعت نمودند بعد از ادای حج و زیارت مدینہ طیبہ در حالت علالت از مذہب
شیعہ برداشت این خاکسار توبہ نمودند و در انجا ترفین شدند در جنت العالی
بجوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ القصہ کی پسر ایشان
شاه علی ارشد کہ از خجراہر شاه جمال علی بلخی کہ خدا یک پسر ایشان شہا
علی منظر در شیخپوره سکونت دارند ذمی اولاد ہستند

شمارہ ششم در بیان اولاد شاہ سبکی علی ابن شاہ مصطفیٰ از نام
ایشان حملہ مشہور مصطفیٰ

بایست شنید پسر شاہ سبکی علی ابن شاہ مصطفیٰ مذکور یکی شاہ رکن الدین لا ولد
دومی شاہ نور احمد سومی شاہ تاج الدین الا اولاد دخترے شاہ رکن الدین
ماند سکونت در بامہست و پسر شاہ نور احمد شاہ رحیم بخش بودند اولاد دخترے
ایشان نیز ماند الا شاہ تاج الدین را بودند پسر چار یکی شاہ صادق علی دومی
شاہ خیر احمد سومی شاہ معل محمد چارمی شاہ بخش الد کہ کیفیت اولادشان
بعدین دریافت نشد کہ مینوشت انہد در کتاب تصنیف شاہ محمد نجم بخش
شمارہ ہفتم در بیان اولاد شاہ حسام الدین برادر شاہ نظام الدین

واضح باد شاه و جبه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار
 شد از جانب باد شاه عصر معاش شد حصول عین غایبه و التمه و نیاز و گاه محمد ^{الملک}
 گویا بشکافت تمام امارت میکردند انقصه شاه و جبه الدین را دوز و جبه
 بودند در کفویت از هر دو چهار پسر شدند و علاوه انیا چند زوجه بودند از بطن هر
 زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند نگار و تفصیل دار
 باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه
 علاء الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک
 بطن بودند اسماصل چهار پسر و شفق المزاج شده سجادگی برادر کلانی شاه
 محمد بزرگ را داد ائستند الا تقسیم حرف معاش معروف چهار سرکار بحشم و عدم
 اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند نخواه
 ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاد نشین
 شدند گویند دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه
 رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نمایند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد
 ایشان سجاد نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد
 بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شده شهنشاه نشین
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاد نشین کیفیت
 بعد ازین خواهد نوشت

شجره در بیان اولاد شاه عبدالسلام ابن شاه علی ابن شاه
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اندک محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است
الغرض شاه عبدالسلام مادر و فرزند رتبه بلند یکی ذکی الدین دومی شاه
وصی الدین چهار پسر ایشان یکی شاه احمد بخش دومی شاه ابوالخیر سوم شاه کامشهر
چهارم شاه غلام فردوس آینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان آلا
شاه محمد دل پسر شاه غلام فردوس بودند

شماره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند رتبه بلند شاه وجهه الدین که بعد بزرگوار
سجاده نشین شد نماز محل اولی بودند ذکر بطویل است بعد بیان دیگر پسران
تخریر خواهند نمود آلا از محل ثانی و پسر یکی شاه عنایت علی دومی شاه
فیض علی الغرض شاه حبیب الله نقیب محمد و ثانی خلف شاه عنایت علی
بودند پسر ایشان نعم جهان بودند پسر ایشان شاه اصغر علی زین بعد حکومت
آلا پسر شاه فیض علی شاه قاض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی
دو پسر ایشان دومی شاه عنایت علی تخریر ایشان

شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه وجهه الدین

ثمره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را در و زوجه بودند در اقران کفویت
 یکی بی بی بختن که از بطن ایشان اولاد نشد و دومی والدیه بی بی میرزا
 که از شاه احمد علی خواهر زاده شاه مظفر حسین که خدا شدند یک پسر
 ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النساء دختر کلا فی شاه ولی الله
 که خدا شدند اولاد نشد الا سر دختران شاه احمد علی مرحوم یک مسماة غیاث
 عرف محن زوجه میر حسین بخش کورجی و دختر ایشان شد یک زوجه میرزا علی
 دومی زوجه میر ممتاز علی پسر و دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه
 اظهر حسین که زب سجاده جدا دری شدند که خدائی ایشان از دختر
 میر اسمعیل علی ساکن محله گل پشته گردید اولاد نشد ثانی دختر دومی شاه
 احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی
 میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم
 دختر سومی شاه احمد علی از میر کرامت حسین ابن میر سید حامد حسین
 نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دختران یک
 زوجه سید مهدی حسن ذی اولاد اند و دومی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید
 لطافت علی شیخپوروی و دختران دو یک پسر سید معین بفضل همه ذی اولاد
 هستند منسوب جابجا

شمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولاد ثان
 اندیک بطین که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر
 شاه غلام بدر و بی اولاد شدند کیفیت اولادشان بعد ازین یادداشت
 چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یکیش حامد
 و دیگری شاه محمود و از محل خامس دو پسر یکیش ساه سرور و دیگری شاه مقدر و
 از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یکیش شاه غلام رسول و دیگری شاه محمد ششم
 از اینها دو و دو برادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد چنانچه اولاد شاه حامد
 شد و شاه محمود لا ولد شمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی ثان را
 سه دختران یکیش والدہ شاه سخاوت حسین و دیگری روحیه و دیگری
 خالہ و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی رانیز یک دختر شد و دیگری
 فرزند شاه حامد شاه محمد و مہم بخش متخلص وافی ذکر ایشان در آخر کتاب
 شمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه یاشم لا ولد ذکر شد رحمت علی
 ابن شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه
 وجه الدین مذکور الصدرا شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
 عباس علی عرف شاه جبین و دیگری شاه احمد علی سومی را نام برد چنانچه
 چارمی شاه اسید علی اند شاه سرور و شاه صفدر هر دو برادر را اولاد نشد
 کہ بیان کنم

الاذکر اولاد پیری حضرت مخدوم باده دانت خلف الرید و سجادہ نشین مخدوم
 بدر عالم قدس سرہ حضرت سید شاہ سلطان بودند و اولاد مخدوم سید
 سلطان نشد الا یکے از فرزندان برادر را بفرزندگی گرفته کردند و جانشین معروف
 بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاہ محمد عرف جگن
 بعد این بزرگوار بیعت این سلسلہ را ہدیہ در خلفا رہاندا لا بیعت و خاندان
 فرزندان مانند یکی از اولاد ایشان حضرت شاہ محمد بچہ و سبط شاہ عبدالمدعرت شاہ محمد عوض
 بوند نیرہ ایشان شاہ محمد فیاض را ہدیہ نسب و سلسلہ ساکن محلہ سودہ
 منمملات بہار یک پسر ایشان دو دختر نام پسر را ذمیت الادامہ دشان
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شعی نسب اندالاد دختر کلائے حضرت شاہ محمد فیاض
 زوجہ حضرت شاہ ولی السہ پر بزرگوار حضرت شاہ امیر الدین فردوسی دختر ثانی
 شاہ بہادر علی شعی شیخ پوری دو دختر ایشان کیے زوجہ شاہ محمد علی
 کہ برادر زاده نیز خسر خود اند شاہ محمد علی مرحوم چند دختران و دو پسر کیے
 شاہ بھوجو کہ ربطا محبت میداشتند ازین خاکسار بسیار نوجوان وقتہ ہلاکت
 ثانی شاہ عبدالعلی داماد وسط جناب شاہ امیر الدین فردوسی سجادہ نشین
 و یک دختر شاہ صاحب مرحوم زوجہ حکیم ارشد علی کہ خواہن زاده نیز اند کہ
 ویمی زوجہ مولوی تصدق حسین ساکن نگر نو سہر و فرزندان ایشان
 شاہ وعظ الدین و ویمی مولوی علیم الدین بابائی کیفیت دریافت نیست ثانی

شمره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی السجاده نشین حضرت مخدوم الملک

احمد الله حضرت سید شاه ولی السجاده مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند و از بزرگان
چهارم کثوت فقر شاه ولی السجاده نایش بود بتکلفات کرد و فرگوشه
کلاه و لباس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشانرا
از یک از اعام خود شاه رحمته السجاده دسی بیعت ایشان از حضرت
شاه مجیب الله قادری پهلوان دی و کسب باطن و تربیت از حضرت
مولوی سید حسن رضا سمی را سه پور دی الحاصل که خدائی حضرت
شاه ولی السجاده دختر شهاب محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم الدین
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند منجملات حضرت بهار دیگر اقران
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند •

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم فرار در بهار است
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست
بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر
میر سید احمد که فرارشان بموضع ندره مشهور و فرار سید محمد قدس سره بموضع
معا فاکت اولاد سید محمد ولی بی ابدال زین بیشتر نوشته شد حاجت مکرر ترحیم

نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجه الدین ابن شاه ذکی الدین
 واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برادر بودند این شاه وجه الدین
 کتخدا هر دو برادر یکجا گردید از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
 سهروردی زیدی نسب بودند زوجه شاه غلام حیدر را نام سماء باجو
 و زوجه شاه غلام بدر نام سماء پنجبیا عرفت نا جو القبه شاه غلام حیدر
 اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند و نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند خاله پسر و دختر سماء باجو پسر و
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر بود
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره دری اولاد سید فضل الله
 بودند که خدا شد ندیک دختر سببی بی دهمون زوجه شافق علی عرف
 شاه بهوڑے یک دختر ایشان سماء لطیفه زوجه شاه علی بخش ابن شاه
 محمد و اصل زوی اولاد شده به اولاد شده بکه مغله رحلت کردند و نام پسر
 سید خیر الدین حسین که در مقام متهربعز و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت
 کردند اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت
 البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید
 از سماء میجا دختر بی بی صحیح شاه محمد و اصل را از لطن این زوجه شش

دختر شاه بهادر علی جليلة الرحمة روجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره
 که از دختر خاله کد خدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را و دختر
 رتبه بلند و سه دختر از جمله یکی روجه شاه بنده علی عرفت شاه بدلا پس
 شاه حسین علی یک دختر ایشان روجه فداعلی خان و دختر ثانی روجه
 شاه عبدالعلی که دختر ایشان روجه سید عبداللطیف خلع مولوی کبیرالدین
 آینده معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر ابن شاه ولایت علی کنه
 هستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلان جناب حضرت
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند روجه چهار اند هر یک ذی ولد و
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کنه
 شدند ذی ولد اند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی سماه و حیدر
 روجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النساء روجه
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت
 شاه امیرالدین اودو پسر از محل دیگر اند یک رحلت نمود محمد اسمعیل نام ثانی
 محمد ولی است و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر سمی
 شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال
 دیگر در ایقت نشد الا شادی شاه بنده علی بوضع بڑا رسی از خواهر شیخ
 فضل حسین دو پسر ایشان شدند یک شاه عبدالعلی و دیگری اولاد علی

زوجه شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاه لطف علی
 مرحوم شاه محمد مقبول ذی اولاد است بمسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل
 ابن شاه غلام بدر سه پسر شدند یکی سید عابد حسین چهارده ساله بودند
 و دیگر واحد حسین و سیوم برادر کنام یا نیست بعالم طفولیت ولت
 کردند الا دختر کلان مسماة حیات النساء زوجه سید رضا علی ابن
 میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خود و خود که خدا
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و در غم منسوب است از نواب نصیر علی
 و یک خواهر سید فدا علی زوجه سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دو دختر
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوجه شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی
 و خواهر سوم زوجه سید وحید الدین ذی اولاد اند چارمی بصغر سن
 نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمه بخش عت بخشا زوجه شاه امیر علی
 یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النساء زوجه شاه علی
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و م یک پسر ایشان سید شاه
 علیجان رحلت کردند و نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند باندا
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کلسوم خواهر غلام
 شدند منسوب چند اولاد شد الا یک پسر تحلی حسین نام موجود
 و یک دختر شیر فاطمه زوجه سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر و یک دختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی عور و مسماة
 ذاکره زوج شاه انور علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان
 پسر کلانی حضرت شاه محمد و اصل شاه کریم بخش عرت چوپا ما که خدا
 ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکی از فرزندان حضرت سید محمد
 سرور دی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه
 غلام مخدوم بود بی بی اطمیه عرت بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه
 امیر علی که از دختر عمه خود مسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل زوج
 شاه انور علی کتخدا شدند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد و اصل
 شاه علی بخش زوج مسماة لطیفه یک دختر و یک پسر شد نام پسر حسین
 نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النساء زوج میر محمد
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بے اولاد بمردند و پسر
 سوم شاه اشرف علی که خدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماة
 بی بی مریم اولاد نماند چارمی پسر شاه قادر بخش شادی ایشان بیکه
 خوردن محلات بهار شد از مسماة عبده الاولاد رطت کردند پنجمی شاه تر لعلی
 ذی اولاد شده لا ولد رفتند ششمی پسر شاه محمد و اصل شاه لطف علی
 که در ایام جوانی عمده هاسے طلیل کردند حصول که خدا شدند بموضع باره
 از دختر میر سید محمد از مسماة کبیر النساء یک دختر مسماة مقیما النساء

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پوزیر سید قاب مقابله نیادره
 فرار وزیر بسوس بنگال حمله کرده سلطنت حسین شاه باوشاه بگرفت
 حسین شاه بادشاه بنگال با خود بانا پسند دیده صورت جنگ جلال
 و بندگان خدا را قتل قصد ترک سلطنت کرده قصد سیاحت نمود
 و سلطان اکبر بادشاه بر سپرداود شاه رحم آورده قلم بر عفو جزا نم کشیده
 تاج بخشی نمود بمعینه خراج که سابق نبود مسعود شاه ابن داود شاه
 بجای بوترخت نشین ماند و حسین شاه سیاحت کرده در صحرا
 ضلع تربت جاس غارت نشین شد و مشغول بعبادت الهی مدتی
 برین سپری شد ان صحرا نیست علاقه مظفر پور نام است علاشتر
 رتبه درگاه آخر هجوم خلایق پیدا شد و کیفیت و کرامات ارشاه
 حسین بادشاه هویدا شد خلق الله متعقد شدند نوشته اند مورخین گرویدگی
 خلق چون ناپسند افتاد پسر خود سید علی ابدال را جانشین سجاده خور
 کرده از ششم خلایق پنهان شدند حاصل سید علی ابدال در اینجا بعد زهد
 و ریاضت بوطیر اسلاف پیدا کردند کسب و کمال تا مدت چهل سال
 بعده متاهل شدند کنهائی از دختر مخدوم شاه دانیال که یک از اولاد
 حضرت مخدوم محمد تاج فقیه اند گردید یعنی در اولاد مخدوم شاه حسین
 و همکار پوش که واقع فرار این بر رک است در پوزیر ابن زلی بی

پسر سرت عطا نظام الدین باقی سه خواهران شاه وزیر علی مرغه
 از انجمله کلافه روجه اولی میر سید حسین و انا پوری برادر عمراد
 خلاتی ابن خاکسار نام بود بی بی محذومه بعد شادی چند سال
 حیات ماند مد آخر لا ولد از نجهان رفتند و دختر ثانی شاه امیر علی
 مرحوم روجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی
 جناب شاه صاحب مدوح مسماة و افن روجه سید شجاعت حسین
 ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة با ایشان دو دختر که هنوز ناکته الا دو
 پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

فوی ولد باند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین
 ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامه تا بالا
 معلوم نشد از تحریر مقصر ماند چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر واقع
 کیفیت کلیه مینویسمی آرند در تحریر که چون نصیب شاه بادشاه بنگاله
 وفات یافت پسر ضعیفی نداشت امرایان و ندایان حسب وصیت
 بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را
 تخت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هر گاه جللال الدین اکبر
 بادشاه از تخت گاه دہلی هفت نمودند بسوی دیار شرقی بهر حکمرانی

نام بود بی بی کریمه اولاد و ثامن هرگاه بی بی لطیفه بی اولاد ازین جهان بگذرد
 بی بی قطبیه عرت بی بی گهانی داماد خود سید وجه الدین عرت بولن را
 مثل پسر خود دانستند برآبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه
 دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر و ناپوری بودند از بطن این زوجه
 میر سید محمد حسن متولد شدند و اسم میر سید محمد ولی چون بجزیره میر سید محمد حسن
 بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قایض برتر که خود و نیز در
 ایمر و انالور حصه خود نمودن چنانچه اولاد میر سید محمد حسن بران قایض
 و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در ربوه درگاه است
 و مزار سید احمد ابدال در شهر نینه بجمعه مغلیه پوره با شکلات است باحریره بود
 حالا مفتوح نشان هم شده کثرت بران آباد شد لطیف اولاد نامراد واضح باد
 دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد
 محمدم شاه صفی کد خدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید هدایت
 شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
 رتبه بلند سید احمد کبیر شدند ایشان بر و طیره اسلاف تجردی کرده اقتدار
 و عبادت پروردگار مشغول شدند الا خواهر سید هدایت الدین سید مسعود
 بی بی عابدیه از میر سید حسن زیدی منسوب شدند یعنی بی بی عابدیه
 والده میر سید وجه الدین عرت سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

کمال کا کوئی و مزار مخدوم شاہ دانیال است در موضع تاجپور بزرگ
 حالا آنجا سے ہم زیارت گاہ است بمائندی بی معصومہ بود نام دختر مخدوم
 شاہ دانیال از بطن آن بی بی فرزندے بوجہ آمدندی جاہ و حلال
 مسمی مخدوم سید احمد ابدال با کمال از شاہیر شایخین صاحب کرامات
 و حال کنڈائی ایشان از سماء میریم دختر نبیرہ مخدوم محمد صیفی صنفی کوہ
 کہ مخدوم شاہ مصطفیٰ عم آن بی بی بودند حصول از بطن شریفہ این بی بی
 سہ فرزند تہہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید بچی نام سومی
 سید قلب کیفیت ذریت دو برادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صفت
 مصاہرت وقع شہزادایان مزار فایض الانوار آن ہر واقع است ہر ہوہ در گاہ
 کہ پر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دو دختر
 میر سید عبدالرسول قادری دانا پوری کہ داماد میر سید قاضی عماد الدین
 ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید بڑی کہ خدا شدند نام آن
 ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسہ بی بی ابدال القصبہ
 از ہر دو دختران میر سید عبدالرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے
 بی بی قطبہ عرف بی بی گھامنی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عماد الدین بودند یک دختر شد از ان نام
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی را

ابن شاه احسان الدین ممدوح که خدا شدند از بطن این بی بی و دوسری که
سید شاه محمد باقر که شادی اولی از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شذران
بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین نوآبادی
گردید چهار پسر یک سید شاه محمود که نوجوان رفتند از این بختان و دوسری
سید محمد محمود و سید مقصود و چارمی سید مودود و مع اهل و عیال رحیم
اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شادی ثانی
از خواهر دیوان سولافش رئیس شهر کردند یک پسر ایشان سید علی حسن نام
از دختر مولوی سید شرف علی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن را و بزرگ
پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه
یقینم الدن کا کوی شد الاغاف الرشید میر مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر
شاه غفار الحق نوآبادی منسوب شدند نام این بی بی محدومه بوده آنحضرت را
روپرس و سه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد که از شیخ غفار حسین شد که خدا
لا ولد رفت دومی از شاه مظفر الحق مولی از شاه غفور الحق منسوب شدند
دو اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولادیت
الا پسر کلان مولوی سید شاه اشرف علی کاشف رموز خفی و جلی
که خدا شدند از دختر حسین بخش کور جوئی اولاد شد دختران دپسران پسر
کلان سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی که خدا شدند یک دختر

مالک و قابض بر کل مملکت و علاقه درگاه و غیره شدند ابن میر سید و بهالدین
 عرف سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میر سید محمد حسن از بی بی تقی
 عرف بی بی بچلود دختر خجسته اختر حضرت سید شاه جمعی سین قدس سره و انا پور
 شد که جدا جدا این خاکسار را قلم تحریر بود و چهار پسر میر سید محمد حسن شدند
 یکی میر مظفر علی دومی معین علی که و اما حضرت سید شاه ولی الدان
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بود حسن لا ولد
 رفتند ازین عالم هر دوی حسین علی نوجوان رفتند ازین جهان چارمی میر سید
 قطب علی که از دختر میر سید مگو که خدا شد یک دختر شدند موسوم بی بی
 واجن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان که خدا شد محمد حسن خان
 نواسه میر حسین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشانی بی بی
 الا شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت
 ان بزرگ بچله چاند پور و یکی از منجملات حضرت بهار که از فرزندان حضرت
 سید فرید طویل بخش بودند از بطن این بی بی صفه دو دختر و یک پسر که دختر
 نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شد که یکی
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بڈی بودند ساکن چک رگه ضلع ترسب بودند
 نام فرزند ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریت ایشان دریافت
 الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

غازی شد آخر به کید کفار شدند شهید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
 سید زین العابدین از نجابر خاسته خاطر گشته جانب شمال رفتند که در مذاقات
 جالبه پسند کرده بموضع بجهو ماندر برگشته مکیر ضلع ترسٹ مشغول به کرجق
 و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بودند خلف ایشان
 میر سید اموات فتح پسر ایشان میر سید عالم انبه قاضی سید عبد الفتاح
 از دربار شاهی منصب قضا بر گشته پهلواری کرده حصول مع اہل و عیال
 از مقام آمده بموضع دانا پور برگشته پهلواری ضلع ٹینہ اقامت نمودند
 شادی قاضی بڑے در وطن خود در اقراران شده بود و نیز شادی پسر ایشان
 میر سید عماد الدین در اینجا شده بود که بعد والد ماجد منصب قضا و اقا
 دانا پور بحال ماندند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے مسماة مجید النساء کہ ظل
 شان منظور بود و در شرفار اینچو از آخر از میر سید جهان ابن میر سید قطب الدین
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جهان ممدوح مع کیفیت اولاد و آخر
 بتصریح خواهد کاشت درین اوراق ذکر فرزندان پسر سید قاضی عبد الفتاح

عرف قاضی بڑے ہست

شجرہ اولاد رضویان ساکن دانا پور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد
 ماجد خود سر شتمتہ قضا بست سال ماند و محمد بادشاہ نور الدین جہانگیر دانا پور

دو دوسران بی بی مریم که داشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن
 میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحسین که خدا
 پر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان
 یک از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین
 ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی نوی اولاد کند چون شادی دوم کردند
 میر مظفر علی دو پسر و یک دختر وجود آمد همه که خدا و اولاد نام نام
 پسر کلان شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد نشد
 ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاه سلامت علی و دوسی شادی کردند و قبل
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اسماصل فایض و تصرف بر کل ملک
 سید مظفر علی و غیره اولاد سید شادیحی علی قدس سره اند یعنی شاه
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بدرگاه رهبر دارند ان درگاه زیارت گاه است

شجره نسب ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شجره

و انا پوری بیان بر چند نمر

باید دانست که میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر جاجیری سیادت
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادت رضوی از مقام
 جاجیر بحضرت سیار آمده در محله مائره اقامت نمودند وقت غزایر کفار

عماد الدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل است آئینده تحریر خواهد شد
 الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل است الا پسر ثانی قاضی
 سید ابو الفتح که بعد والد ناجد بنصب قضا ماند چند سال شادی ایشان
 از بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید بفرهنگ میر سید
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت رحلت منصف قضا
 و ترک ائمه خود بیکه از برادرزاده میر سید عبد القادر دادند هنوز آن ترک
 در فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء
 فاضله دختر شاه عبد السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره
 آن بی بی عمه شاه و جبهه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدیع الدین
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شد یعنی از دختر
 عم خود چونکه بیاقت و جاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت
 تمام در بار سلطنت دہلی از امر او آراکین بود صاحب خوش تحریر خوش
 تقریر بودند و علوم و همت بودند سنا قضا در بار شاهی کردند حصول بوجه عمار
 و نیز و طیره بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله فقر

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی ایمنه
 چهار پسر ایشان دو دختران چنانچه یک دختر منسوب شد از خواهر زاده
 ایشان یعنی از میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که
 ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد و بمن ذکر فرزندان میر صدر جهان
 علیه الرحمة دومی دختر منسوب شدند از میر عمید عبد الرسول قادر نسب
 که از بغداد و شریف بطور سیاحت آمده بودند و در آنجا پور بعد اقامت
 ایشان در محبت حد صورت ثبات و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
 بمحضرت عوث الثقلین دختر ابر حیت ایشان دادند میر سید عبد الرسول
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه و دختر قاضی سید عماد الدین الا
 سید اسحاق در عالم جوانی ناگهادر حلت کردند باقی چهار خواهر ایشان
 دختران سید عبد الرسول از آنجمله دو دختران یک بعد دیگر بر زوجیت
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه
 بنگالی بادشاه دیار بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود و ذکر دیت
 هر دو در ذریه میر سید قطب تا قبل نکاسته شد در کیفیت سید جلال الدین
 عوث سید بولن باقی دو دختر که خدا در کفویت شدند بی بی عاتیه زوجه
 میر سید جهانگیر ابن میر سید کبر سید کلانی قاضی عماد الدین دومی بی بی
 مبینة زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده قاضی

بودند که دیدار بطن این بی بی یک دختر شمایه رقیه عرف بی بی چشتیا والده
 حضرت شاه محمد حسین ابن میر سید محمد باصره که جدا جدا این فقر بودند اولاد
 و اسباط مانند الا شادی ثانی حضرت میر سید محمد ادا بی بی فاطمه عرف جهاون
 خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود که دیدار ازان بی بی اولاد
 اولاد دختره ماند و پسر دوم میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی
 یقینم دختر شاه ذکر با فریدی نسب کورجوی گردید یک دختر ازان بی بی
 شد سماء نصیر ازوجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
 میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از سماء آمنه دختر عم خود میر سید
 عبدالمقدر شد یک دختر ایشان سماء امیمه زوجه میر سید وجه الدین
 عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت فریت
 ایشان با قبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان
 در موضع بی بی پور شد از سماء ضعیفه عرف رجو دختر شاه محمد یونس یک دختر
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم زوجه سید شاه اعظم عرف سید ساهان و بی بی
 والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم که خدائی ایشان
 از بی بی رشید از دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یک دختر سماء
 بنی زوجه میر سید شاگرد ابن میر سید مظفر نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عویش

خانمائی نرود یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید علی الدین
عرفت سید فضل بود و دختر میر سید محمد باصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شند
نام زوجه بود سماءه سید ایک پسر ایشان از لطن این بی بی بوجود آمدی
سید صغیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعتاب نماند
پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
در قصبه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت منیری شد از سماءه سکینه
بود از لطن آن بی بی یک پسر شد سیدی میر سید نجم الدین شادی ایشان
در بنی اعلم یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از سماءه فصیح که یک پسر ایشان
سید بدر الدین ناکه خدا رحلت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال از بی بی قطبیه عرفت گهاسی سیدت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از آن
بی بی یک دختر شد نام بی بی طلیضه زوجه میر سید وجهه الدین عرفت سید بولع لاف
نماند پسر سید دختر سید میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از سماءه ربیع و دختر مخدوم شاه
عبد المجید توآبادی گردید از لطن این بی بی سه پسر و دو دختر شد پسر
کلانی میر سید جلال شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبدالرسول شد
با ایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید محمد که شادی اول ایشان
از بی بی رمضانیه دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

اولاد ایشان نیز خوانند و نام پسر کلان شاه محمد بابر شاه مراد علی که از دختر شاه
عاشوری انصاری که خدا شدند دو پسر ایشان شاه داود علی که شادی
ایشان نیز در بار محله انصاری شد و پسر ایشان شاه ممتاز حسین که
الایسر و دم شاه مراد علی شاه محمد اکبر یک دختر ایشان زوجه شاه طاهر الحق
ابن مولوی ظهور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیمه شادی ایشان
در موضع بی بی پور گردید از میر سید احمد علی که پسر خواهر میر سید قاضی کریم
بودند یک دختر این بی بی سماء کلیمه عرف بی بی گویند زوجه قلندر علی ابن
شیخ ابوتراب فریدی کورجوی یک دختر پسر بایم طفلی وفات یافتند الا یک
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادت باقری یک دختر ایشان
از محل املی زوجه مولوی سید شرف علی نوآبادی ابن سید شاه سجی علی و از
زوجه ثانی دختر شاه احمد علی و اما شاه علیم الدین سجاده بین دو دختر و یک پسر

شاه ظاهر حسین

خاتمه کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادت
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بو ذهی کالپوی بیان بر یک

اصل و سه فرع و چند نمره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بو ذهی از وطن بنص

که از بی بی بی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که خدا شدند چونکه آن بی بی لیه
 کالمه بودند و برادری نامند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی
 ایشان نیز در بنی اعمام شد اولاد نشد اولاد دختره ماند به میر سید مکارم
 پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبدالمقتمر شادی ایشان در بار
 در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان
 نام پسر قاضی سید کریم عالم که شادی ایشان از مسماة عقور اگر دید دختر مولی
 محمد قاسم قاسم پوری که فرزند شاه اسماعیل برادر محمد دوم شاه عبدالمجید بودند
 یک پسر و یک دختر ایشان مسماة و صفه زوجه شاه بدرالاسلام برادر شاه
 محمد علی کورجی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عبد ایشان عمده قضا
 آمد قضا ازین خاندان شد جدا که خدائی ایشان شد از حضرت بهار بجله
 مفتیان از مسماة سکینه دختر میر سید محبوب عالم المحصول و دو دختر ایشان
 شدند مسماة اقلیمه و مسماة سلیمه مسماة اقلیمه زوجه شیخ الدیار مادر شیخ محمدیار
 و پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن
 هرگایان و دختر شاه محمدیار زوجه شاه و عبد الله پهلوانی نواسه حضرت
 شاه مجیب الدیک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت
 نعمت الدیک پسر شد شاه عبد الکریم اولاد نماند و نام پسر شاه و عبد الله شاه
 محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

تیار بحر فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند داشتند فرزندان برادر را گفتند
 فرزندان نیاز تو شش سید و داماد نمی خورد حتی که نواسه نیز این دختر دختر
 می بزنایند با حقیا مآ تمام زوجه فرزند نمی بزنایند بسبب و دان نمی بینند خدا دادند
 چه اسرار است بین گفتار مزار هر دو برادر و خواهر واقع هست در محله
 کجور کثره کچوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
 مراد حاجی پور پانجمین مزار پدر بزرگوار در فن نمایند مطابق کلام حدیث این
 اجداد تحت الاقدام اما کلمه چنانچه وصیت فرزند آن تمیل نمودند چنانچه
 مزار حضرت میر سید تقی الدین سید بودهی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است
 و باین مرقده میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت
 کرده ام جاس بر فرامی هست اهل حاجت را میشود حاجت برآر حاصل
 چندست سکونت و عظیم آباد ماند حال دانا پور که آینه کیفیت سکونت گماشته خواهد
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع بکیفیت هر یک میسر

واضح باد میر سید صدر جهان از طین بی بی محبیه زوجه ایشان سه پسر شدند
 کلان میر سید محمد سبب شادی اولادشان مقیم در نوآباد کلاان پسر
 ثانی میر سید اولیا فرزند آن این بزرگ نسب مصاهره مقیم دانا پور
 پسر سوم میر سید عبدالواحد فریت ایشان بجای قدیم آبانی شهر مینه

رفتم به ملاقات او پدر او میرا مجاد حسین بمن گفتند برادر پدر تو هشتم از بنی
 اعمام این گفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
 سید حامد هستند چه که مینا پوری اند در موقع مینا پور و حیدر در آن میر سید حامد
 هستند بدین وجه نسب برادری کردند میان و نیز از میر احمد علی ساکن حرویه
 ملاقات مذہب تشیعہ داشتند خود را اولاد میر سید بودی میگفتند از فرزندان
 میر قائم و میر دائم القصر چون جناب حضرت میر سید قطب الدین در شهر نطنز
 شد مذموم شغل بود شیوه پیری و مریطی طور خاندان قدیم جستجو بست میر سید
 صدر جهان در خاندان شرفا جابجا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبدالفتاح
 سعادت قاضی بڈی در انا پور منصب قضا پر گنه چلواری بود ندا قاضی
 انسیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند عندالادرا
 از جانبین شد قبول کتختانی میر سید صدر جهان از بنی بی محبه دختر قاضی
 سید بڑی شد الا اقامت میر سید صدر جهان در خانه آبائی ماند و در باب
 شاهی دلی عہدہ جلیل کردند حصول بخطاب امیر الامرا سے پسر ثانی میر
 سید قطب الدین بود حضرت شاہ پھول برگزیده خدا و رسول مقبول
 اہل کمال حضور ماندند و نیز خواہر شان ولیہ کالمسعی بنی انور مدعوبی بنی
 چلڈھی انہم شادی نکردند قبول فاتحہ ہر دو برادر خواہر و خاندانہم
 در شب برات بطور توشہ می شود ماندہ و شکر دروغن حلوا بغیر آب میسازند

مع اهل و عیال غم شهر پلینه عظیم آبا و نمودند برادر تو وسط خود را مجبور شدند
 همراه آوردند میر سید حامد در آمدن بحیث جمله حواله کردند انکشتان شد با جناب
 تو بطمع وزارت از و میخواهی مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت
 تو را فسخی گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خدا دادند که تو ننگ خاندان
 شدی القصد از انجا مع اهل و عیال عبور گنگ شدند جاس مجبور کرده
 بیرون شهر ترکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت
 جد الامجد انجا می آید و دو و قریب گوی غریبان حال اندر شهر داخل است
 قریب کچوری کلی محاکمه مجبور کرده و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر
 همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد
 ان منصب دخترش نیز بمیرد اولاد آن بزرگ مذہب را فسخی دارند و
 مصاهرت در میان افغان و مغول جاریست با ستاخ آمده بعد چند وقت
 بین اولاد هر دو برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مراجعت
 بارات در دریا شدند غریق بعد متنع مصاهرت شد با بین هر دو فریق تنی
 شادی نسب بنا سازد اری بعبور گنگ نیز نمی سود این میر فقیرست بنظر
 روزی عند الملاقات میرا بر ایتم علی مجبری شیعہ مذہب گفتند که من اولاد
 سید حامد ابن سید بودم هستم و هنگام قیام در قصبه چپرہ جناب حضرت
 والد ماجد از شخص نرین حقیر رابط ملاقات شد پیدا امد حسین بود نام روز

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالعزیز کرمانی انصاری که
 هنوز در آنجا مزار خالص الانوار است بمقام خشک سکره شادی نمودند و اولاد
 شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جدا مجد در ایام سیاحت
 از اولادشان نمودند ملاقات و کردند و در آنک کفویت نسبی بیان کردند
 با هم سید باقری از فرزندان سید بودهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
 بودهی واضح بود میر سید قطب الدین را و دیر و یک دختر وزیر برادرش و
 مانند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشر فار
 ایجو میر سید صدر جهان پسر کلانی مفقود کردید مسعود این خبر شنید
 نزد آنجناب فرستاد پیام بهر مصاهرت از دختر خود که بود جمیل و عقیده نجیب
 مایل نمودند و جواب هیچ نفرمودند بار دوم بذریعہ نامه شد خواستگار جدا
 نوشته فرستادند و کلمه بالا خصم را می باد شاه دین پناه تو باد شاهی من
 سلاطین زبده اولاد افغانه و مغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از
 سیادات است و نیز بفرقه شعایر میر میردی چه طور باشد قبول الحاصل مصاهرت
 تو من نمی زبده مسعود شاه مضمون نامه دید و چون بر چنین کسید و گردید ملول
 جواب نوشت مختصر از میر بطول اگر از من مصاهرت نمی زبده بر آنجناب
 صیغه وزارت نیز نمی زبده خط دیده رک با تسمی خوش کرد و فوراً ترک وزارت
 کردند و عطیه او که بود بوجه معاش برورد کردند و آنجا بر جا خاطر گشتم

بهر کفایت بهر معافی می نگارند چون تشریف ^{آوردند} همراه آنحضرت زوجه بودند و سه پسر
 یکی میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دفتر عم بی بی نعمت
 دختر میر سید عبدالحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت
 سید نفی الدین سید بوذی بی بی خدیجه بود و عرف بی بی پھول چنانچه من
 پیکر و لپور بطور نذر بهر معافی بی بی صاحبه نموده بود و می پسر میر سید علی نو جوان
 القصد بعد چندی داود شاه لیاقت جوهر و صفاتی دیده منصب وزارت بخت
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بهر صرف انجناب نذر
 از حال موضع حیر موسوم شد بنام قطب پور حیر هرگاه جلال الدین اکبر شاه
 نهفت از دلی نمود بهر ملک گیری و یا شرقی داود شاه خبر آمدن بادشاه
 اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده موسی و یا شرقی کرد و فرار در آنجا رفته برسلط
 حسین شاه بادشاه بیگانه سلطه شد آن تاب مقابله نیامده مال هر را
 جان و شیر زنی شود بهر باد خون ناحق بر سر من افتد با فساد ترک سلطنت کرد
 صحرائین شد عزلت چون بمقام حاجی بیج جلال الدین اکبر شاه رسید داود شاه
 را ندید گفت فرار شنید پسر داود شاه بحضور بادشاه دست بسته بعد خواهی رسید
 بادشاه ظلم عضو جرم کشید خراج بر دقت نموده تاج بخشی کرده روانه سوی دلی شد
 مسعود شاه بغاوت بانی سلطنت نمود و منقول است همراه لشکر داود شاه میر سید
 پسر موسوم میر سید بوذی نیز بدانصوب روانه شدند چنانکه والد جد کرده بودند

استماع است از حضرت جدلامجددین طور که مستمع شدند از ابا اجداد خود هرگاه
 و او دوشاه بادشاه ابن محمود شاه بادشاه کالپی که از مریدان اینچاندان بود
 از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام حاجی پور عبو گنگ شپه نشین
 تحت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریفه به پسر زادگان
 نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورست بس سلطنت اینچاور خواهد
 اگر نیز بجا کس صاحبزادگان تشریف آرند بنحو ابر بردستان عالی تبار بیت
 نمایم و اگر مع اهل تشریف آرند نذر نمایم بد معافی و بیات بهرا خراجات و غیره
 منقول است هرگاه بدینطور نامه شاہی شهر کالپی بجمعه محمود و نوره رسید
 با خود مادر اخوان اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد
 کالپی شوره گردید بدین معنی که در بجا هنوز پیری مریدی سلسله بانی جاریست
 و ایامه دند درگاه بهر مدو معاش از عطیہ سلطانی موجود است بهر کفاف حاجت
 رفتن بدینصوب مناسبست که برویم و این را ترک نمایم اگر چنین استدعاست
 و او دوشاه بادشاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودی در انجارد
 چرا که هم از پامی اند معذور و صرفت بسیار عیال دار و نفس ایشان پر ضرورت و مشکو کا
 اوقات پاسه شکسته بنشیند چون صلاح اخوان چنین شد بحصول جناب حضرت
 میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند
 بمقام حاجی پور و او دوشاه مکرم نمود و بیت کرد حصول و معین نمود و بیات

شدند اول کیفیت دختران بعد و ذکر آن که طویل است یک دختر را نام بود
 بی بی فاطمه عرت بی بی جهان نون زوجه میر سید محمد ابن میر سید جهانگیر
 دانا پوری از بطین این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر در نوابا ده شدند
 مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الد که خدا شدند سه پسر ایشان یکی
 شیخ عظمت الد و دومی شیخ احمد الد سومی شیخ عزت الد از انجمله شیخ احمد الد
 لا ولد پسر شیخ عظمت الد شیخ شریعت الد اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی
 صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم بود
 بوده است یک دختر میر شیخ امان الد بودند مسماة حیاتن در اقران کفر
 شدند و احوال شادی شیخ عظمت الد و شیخ شریعت الد دریافت نشد الا
 شادی اول شیخ عزت الد پسر سوم شیخ امان الد از دختر شیخ انصیل ولد
 سولوی محمد قانم قانم پوری شده بود که از یک بندگان مخدوم شاه عبدالعزیز
 نوابادی بودند از بطین این زوجه یک پسر سسمی پسر شیخ الهیار که از دختر
 میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی دانا پوری شد شادی
 از بطین آن بی بی مسماة اقلیما شیخ محمد یار پسر شدند والد شاه مراد علی و
 شمس الحق کیفیت تبصریح بالا این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الد
 از بی بی ابدالی دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطین
 آن بی بی یک دختر بی بی ملحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد دانا پوری

مانند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میرسید محمد پسر کلانی در نوا ماده خورد گردید و در اولاد
حضرت خوند شیخ گردید و در بنی احماد حضرت محمد شاه عبد المجید
نوابادی ساکن نوا ماده کلان از بنی بی بدیه از بطین این بنی بی بی شیخ پسر شد
یکی میرسید محمود و دومی میرسید عبد الرزاق سومی میرسید عبد الوهاب
چهارمی میرسید تاج الدین پنجمی میرسید نظام الدین شادی این برادر
هر چهار گردید و در اطراف جوار بکفایت شرفا رنما دارا لاکیفیت ذریت ایشان
هر یک دریافت نشد که درین اوراق تحریری نمود الا سماع هست از بزرگان
ذریت میرسید نظام الدین در موضع رسولپور بودند و اولاد بعضی در نظام
و اولاد بعضی بر او رد و لیسرپور الا سبغرمود شاه کریم بخش مجذوب ساکن
تنه از اولاد بنیستگان میرسید عبد الرزاق ما میرسید نظام اند می گفتند
نسب مصابرت و یار د یار بعد پیدا شد الا کتخدائی میرسید محمود و در نوا ماده
کلان شد از بنی بی تا گانست محمد دوم شاه عبد الحمیدی ابن حضرت محمد شاه
عبد المجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند و در خانده انهم
مشهور از آنوقت اقامت اولاد میرسید محمود در نوا ماده شد چرا که دیگر اولاد
پسری نماند باید دانست میرسید محمود را از بطین این بنی بی بی و دختر و پسر

شد زوجه شاه قمرالدین احمد ابن شاه نصیرالدین احمد عرت محمدی چون آن فوت شد هرگاه شادی ثانی میر محمد روح از دختر مولوی نصیر الحق نمودند یک پسر و دو دختر شدند بعالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر را نام می الحق میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود مادر سید اختر حسین و جده سید الفت حسین مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیا علی

مذکور الصدر در اینجا ترکی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی سماء بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شعی

راضی بادی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه علی شعی نسب پیچوروی که خدا شدند از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر یک بی بی حبیب که از شاه عنایت حسین پیچوروی خواهر زاده شاه فتح علی مرحوم که خدا شدند و دو دختر شدند یکی زوجه منشی سید محمد خلیل که اولاد مانند کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان رحیل ملک بقا شدند و می شاه امجد حسین مدعو پیر جمی که در عهد نواب احمد علی خان ذمی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود میر سید نورالدین احمد شد از سماء هر اولاد النساء چون از آن بی بی

اولاد و دختر شادی ثانی از دختر فتح علی شعی

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام کمال عزت و جاه و جلال شادی
 اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیبیه زوجه شاه عنایت حسین که داماد
 و خواهرزاده شافعی شافعی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حبیبیه
 اولاد نشد از آن بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی محمد حسین
 خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد شد از عقد ثالث که نام
 بی بی گلاب بود یک صبیحه متولد شدند سماء و حبیبیا النساء از سید شاه علی احمد
 ابن سید شاه ولی احمد بلخی که خدا شدند چند دختران از رطب این عقیقه شدند
 هر یک که جایجا در شرفا منسوب شدند فرزندان دختر بی اند که پسر نیز تولد شدند
 در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین و دو برادر و چهار خواهر آن
 بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه بساکن
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد
 ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهر آن
 هر سه دریافت نشد الا برادر ایشان میرزین الدین یا میر حسین الدین عرف
 میر حسین بودند همزه میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان روجه
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان پسر ایشان
 مهدی علی خان موجود اند و دو پسر یکی میرامنت علی اول شادی ایشان
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر مولوی سیدامان علی شده بود که دختر

ایشان را تربیت بطریق عالیۀ قادریہ از حضرت شاه نعمت اللہ قادری
محبوبی وارثی سجادہ نشین چلواری و شادی ایشان نیز در قصبہ چلواری
گردید از خواہر شاہ محمد اشرف عرف اچومیان ابن سید شاہ رحمۃ اللہ
غفرلہ شد و من بن شاہ بزرگ عالم ابن سید شاہ احمد ابن سید شاہ محبوب عالم
ابن سید شاہ غزنیہ الدین ابن سید شاہ حبیب الدین ابن حضرت مخدوم شاہ
فرید ابن مخدوم شاہ اسمعیل ابن مخدوم شاہ محمد جمال ابن سید شاہ انور
عرف شاہ بیکہ ابن مخدوم شاہ حاجی ابن سید فضل الدین ابن حضرت
شاہ سم الدین غفرلہ از تنیم اللہ گردید کہ در اولاد حضرت مخدوم سادہ رحمۃ اللہ
بودند نواسہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر چکجوت نام زوجه بود بی بی و صاحب
کہ عمہ مولوی محمد جہدہ مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد بایم
صدر اعلیٰ بودند ابنان شاہ محمد اشرف الغرض اولطن این بی بی یک پسر شدند
نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر سماء مدیحہ عرف مدو
زوجه منشی سید عبد العلی ابن سیر زین الدین عرف جتین برادر سیر سید احسان الدین
مذکور الصدقہ الابا بن بی بی اولاد نشد و پسرانی سید احسان الدین تربطیل
منشی بعدیل خوشنویس منشی سید محمد خلیل تربیت نظام از خال شد سید شاہ
شمس الدین حسین و خوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را
بطریقہ عالیہ ابو العسلایہ نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابو البرکات

سید اکبر و پسر دو دختر بود آدمیک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک
سماته مدینه ثانی سماته زاکیه زوجه شیخ عتیق الصدف شیخ کندائی ابن
شیخ ولی الصدف سماته دهمین گردید نام پسران آنجناب بود سید شاکر و دومی
نام سید رؤف کتخانی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد نماند جز اولاد دختر

شمره سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمود ابن میر سید محمد و
بدانند میر سید محمد مظفر را تحت تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شادی ایشان
از بی بی رحمته دختر میر سید حامد ابن میر سید جهانگیر گردید یک پسر شد از آن
بی بی سیدی حیدر نوجوان مجرب و اعتقاد نماند ذکر فرزند آن میر سید محمد ثانی
باز اعاده مینمایم تبصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین احمد
و نام دختران سماته باهره زوجه اولی حضرت سید شاه ولی الدین ابن حضرت
شاه محمد حسین دانا پوری از طبق این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
غلام نبی عمر و دو ساله بمرد والا دختران دختر کلانی سماته باهره بی بی مجیده
از میر سید احسان الدین رومی نسب ساکن بانسینگیه که خدا شد از طبق
این بی بی یک دختر شد و پسر نام دختر بی بی مجیده که خدا از شیخ
محمد خیر انصاری بجای که پسر روح عثمان بی بی بودند و صفی سنی بویه
شد و اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاه لولیا علی بیعت

حاضری صحبت و تعلق باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف محمد
بسلامت خاندانی مجاز کرده و بر دوسه خود سجاد هشتین خود نمود و چون که
استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنه بعد انتقال والد ماجد در عظم
رفته بصحبت حاجی تاتار ماندند انجناب را طریقه تربیت و تعلیم سر بنیت
مجدوب بود و رشد ظاهر شد بسیار فیض یاب شدند مردمان اطراف و دیار
در زمان نواب علی در خان مهابت جنگ و عمر شریف نیز فریب نود سالگی
رسیده بود که رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی میکم
دختر میر سید محمد معظم و دختر و یک پسر شدند باحضرت نام دختر بی بی
ابدال زوجه شیخ عزت الدمدکوره بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان
که یک از حارقه کامله بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین دانا پوری ابن
میر سید محمد باقر و پسران نام بود میر سید محمد ایشان را نیز بیعت و تربیت
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر این شیخ
امان الدمدکوره و دومی اولاد شدند و پسر و چهار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد خواهد نگاشت چرا که در اول است

ثمره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد معظم پیرم میر سید محمد

واضح باد میر سید محمد معظم را بیعت و تربیت و تعلیم معنوی از برادر اعظم خود شادی
ایشان در دانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبدالقادر ابن میر

ابن جناب حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره الا اولاد شد

شماره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شایان و میر سید
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شایان پسر کلانی که صاحب
کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از اخوان
دانا پور از میر سید محمد دانا پوری بطریقه عالی حقیقتیه بود و حصول عارفان
بودند صاحب و جود و حال با کمال شادی آنحضرت و در دانا پور شازنی بی
مکانه دختر میر سید مکارم رضوی دانا پوری از ان بی بی یک دختر شازنی بی
بنی زوجه میر سید محمد عوث از میر سید مکارم اولاد شد الا خلف الرشید
حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع بزم شایانین زمانه
حالات آنحضرت چنین است که در او امل عمر از وطن به نیت تحصیل علم ظاهر
و باطن ساحت کردند اختیار با بصره و دیار بحیات والد ماجد جوید بیان است
بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک کن
از عمده الشایانین العرة العارفين ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقه
عالیه قلوب و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و خدمت مانند
چند سال چون بخت سال گذشت در مدت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب
والد ماجد خود را رانجا سومی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

ازین بی بی چهار دختر نیز اند علاوه پسر سید حامد حسین شادی سید شاه حسین
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و سید
 شدی اولاد اند اما شار السدان نور دید لیاقت هر گونه دارند بعر بی وفاری
 حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر با عطا فرماید شمره سوم در ذکر دختر
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصه میر ارشاد
 کرامت الشبان شاه نجابت الله گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن
 نظام پوره که خدا شدند از لطن این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر
 غلام محمدی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی که خدا شدند اولاد نشد دختر
 بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه حسن الحق ابن شیخ محمد
 که خدا شدند و اما دشا جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بجاره انصاری

انصاری نسب را قرآن موکود اعطی الحق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی پسر
 انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده عبد بزرگوار
 بودند می اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکیبا دختر مولوی
 شاه احمد نوآباده خور و شد یک دختر ایشان مسماة یحیی که شادی ایشان
 از شاه ضیا الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خور در بد فیه دختر ایشان

زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والد میر عبدالحسین که ذکر اولاد
 ایشان نموده شد پسر و دم بی بی عابده زوجه شافخ علی مذکور رسید
 شاه ابراهیم حسین عزت شاه بهجو جو که ایشان را بیعت بطریق فرود
 از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری شعی شد حصول
 و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دختر شدند
 یکسما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی
 مریم زوجه شاحسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکوره بالا ذی الان
 شدند دختر ثانی سماه رحمن زوجه سید معظم ابن قیصر مظفر حسین عزت
 میر کلویک پسر دیک دختر ایشان پسر سید امیرالدین و دختر را نام سماه
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن
 بهجو یک دختر ایشان سماه براتن زوجه میر لطافت حسین والد سید شایسته
 و شاه ابراهیم حسین را از لطن منکوه و دختر بود و نیز ذی دلدار و دیک
 شایسته حسین و دختر ثانی شافخ علی و بی بی عابده سماه اما بالنسبه
 زوجه شاه خادم حسین عزت شاه بهجو سجاده نشین آستانه حضرت
 سید محمد پیر و مریا چون اولاد نشد سرکه معاش از جانب زوج خود بیکی
 بنت البنت برادر مذکور الصدر دادند مالک ملکیت نمودن آن معاش
 بقبضه میر لطافت حسین و اما میر شجاعت حسین مرحوم مهبت میر لطافت

ایشان در موضع هاسه ازدختر میر ولی الله محمد میر سید عظیم الدین رضوی
 شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید عظیم
 داما شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتحعلی زوج مسماة رحمن یک دختر مسماة
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاه امیر الدین که ازدختر
 میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن بدگلی عظیم آباد که خدا شد یک دختر
 و یک پسر ایشان دختر مسماة علیمه زوجه سید محمد واجد ابن شاه حسین علی
 لا ولد در مکه معظمه وفات یافت و نام پسر سید مظفر حسین که ازدختر میر علی
 بهاری داما و میر علی ساکن جویری کتخت است الله تعالی ذی ولد نام
 و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که ازد و پسر مولانا مسافر حمه الله علیه
 کردند الله تعالی ذی ولد و پسر علی سید علی سید
 هدایت حسین دعوی جلا و اول شادی ایشان از بی حسینا دختر شاه
 محمد یعقوب علیه الرحمه شده بود و اولانش از شادی ثانی که ازد خواهر شاه
 محمد علی شیخپوری شد و پسر نام یک سید سخاوت حسین نام دومی یا نصرت
 از خواهر این هر دو برادر زوجه شاه امین الدین احمد ابن شاه امیر الدین
 علیه الرحمه سجاد نشین بهار و خواهر شاه مظفر حسین مسماة مرادن زوجه

شاه احمد حسین عرف پیر حمی مذکور الصدر اولاد نشد

نسبت دوم ثمره دوم و تیره اولی فرع اول اصل اولی در بیان

یکی سماءه مخدومه زوجه بنا بحضرت شاه یحیی علی که ذکر ذریت ایشان بالا آمد
دومی سماءه مستقیمه دلا نشد با ایشان سومی سماءه سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
سعید الحی بن کر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر نیکو نیست
شمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزندان
میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر
باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلان محیط و
قابض بر معاش پدری جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع بن
هر برادر کلان و ثانی هر چهار خواهران را از ترکه آبا می محروم ساختند و کار خود
پرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الله ابن حضرت شاه محمد حسین
که زوجه خود سماءه ناصره دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نورالدین
یکه بعد دیگر از دود دختر شیخ شریعت الله ابن شیخ عظمت الله و دختر شیخ
امان الله که دیدار هر دوی بی دود و پسر شدند نام زوجه ولی بی فاضله عرف
بی بی فصلو از لیلن این بی بی دود پسر و یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکیماد و پسر از ایشان

نسب اول شمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نیزه سید محمد ثانی
بیعت ایشان اجداد مجرب از پدر گوار بود صاحب سجاده شادی اول

بعد ما جد من حضرت سید شاه غلام حسین و انا پوری و تربیت باطنیه از حضرت
 سید سایه بچی علی رحمته ایشد علیه بفضلہ تعالی ہر گونہ زیادت و حیثیت ظاہر
 و باطنی دارند صاحب سیقہ شادی اولین ایشان از دختر خال شدہ بود
 یعنی از سماء و جیدن دختر سید شاه عبدالرشید عمی عرف شاہ جمی ابن حضرت
 سید شاہ اطیب الدردتہ علیہ مجہری چون از ان یک دختر شد
 انہم ننآمد و بعد عرصہ کریدہ زوجہ انتقال و حسب ام بموضع نیا دان پر گنہ
 او کرمی کہ معاش جانب حصہ مادری و خسر پورہ ہست تکلف بسیار با عرا
 حال خود نیامیدہ بر سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر الد ساکن اکپور
 شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالی یک دختر تولد یافتہ شد نام عوث باندا
 نمادہ اند بچرت حضرت پیر دستگیر عوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواہر خور و سید شاہ فضل حسین زوجہ شاہ محمد باقر حرم ذی اولاد شد

شمہ چہارم از شجر اولی فرع اول اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوبادی

مہر بن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بہنکو ساکن ماڈہ گرد
 و بیعت ایشان را نیز از حضرت جد ماجد این فقیرست کہ بقراست جدی
 برادر بودہ اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اندک
 سہ پسر و دو دختر با ایشان بخشید و انہا تیرہ دیار را دہستہ پسر کلانے میر سید

دکتر سید شاه نعمت حسین عرف جان ابن ثانی میر سید نور الدین

چو شیده مباد میر سید نعمت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین
 یاقوت ظاهری کرد و فر بسیار داشتند که خدائی ایشان از دختر نشی علی حید
 که یکی از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بود و بزرگ و بد عمر خود بلیا معیشت
 بکرد و فر گذرانیدند از منته تقدیری کسی اولاد نشد برادر زاده کلانی میر سید
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر شسته ساختند و حصه ترکه معاش خود بان
 فرزند دادند مالک قابض آن ترکه پسرشان سید شاه امیر الدین گشته حالا پسرشان

نسب سوم ثمره دوم شجر فرع و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که یاقوت
 و شیت ظاهری و باطنی بسیار داشته در مزاج امارت و ترک بود و کمال شادی
 ایشان از سماء لطیفاً بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و
 سجاده نشین میر سید محمد قادری امچهری گشتند از بطن ابن بی بی دو دختر
 و یک پسر شدند دختر اول روجه میر محمد حسین ابن میر حامد حسین دو دختر و
 یک پسر ایشان یک دختر و روجه سید افضل حسین دو پسرشان دوم دختر
 شاه فرزند الحق ابن شاه ظهیر الحق و نام پسر سید محمد حسین و نام
 و الله شیر سید شاه و فضل حسین قادری ایشان را بیعت از دنیا بخت

اسلاف بایان همچنین طریقه سید اشتند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد از ان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطیب الدین
 باقری نسب ربیان اولاد میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان
 واضح باد حضرت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته
 پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بیت ایشانرا از والد ماجد خود بود
 چند سنی بابت قصا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم
 ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
 عبدالفتاح قاضی سید ثریا دانا پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی
 و اصله عرف و صلا و دختر قاضی سید عماد الدین از رطین ابن عقیقه که خست
 و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر اشادی و بی بی اعاشم و نام پسر کلان
 میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سباب جوان ناکند
 رحیل ملک بقاشدند اعقاب نماند الا اشادی سید محمد افضل از بی بی
 میمنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از رطین
 زوجه دختر خال یک پسر دیک دختر تولد گردید دختر ناکند ذات یافت
 نام پسر میر سید عبدالشکور که جوهر ذاتی و صفاتی پنداشتند بسیار سلیقه مردم
 داشتند و همو شیارد را قرآن مفر و ممتاز در بار خاهی بمده جلیل القدر و قرآن

حامد حسین مذکور الصدر داماد میر احمد حسین عم خود دختر کملانے ایشان از سید
 افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سلوی که خدا شد و لپش
 یکی از ان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن
 زوجه اولاد گذاشتہ رحلت کرد و شادی ثانی از خواہر شاه فرید الحق این
 شاه مظهر الحق گردید و دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است
 ذی اولاد نیست تمام اسپید امجد حسین شادی این عزیز بجای بہترین
 و صاحب ذی ثروت بردضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن
 لکھو جالاہور شادی نکرد و اندک بعد توفیق بخشید پسر ثانی میر سید حامد پسر
 میر سید کریمت حسین کہ لیاقت ظاہری بسیار داشتند کہ خدائی ایشان
 از دختر شاه احمد علی بہاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
 ولایت حسین مقصود و دختر آن منسوب بخانما سے بہتر مذکور الصدر
 ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شدند و اخلافت
 چہارم میر سید کفایت حسین کہ انیس ہمسرا نی فقیر اند صاحب عقیقہ و
 تدبیر شادی ایشان از دختر سیر امجد علی ساکن کراے پسر اسے گردید و
 چون بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشد و اقضا اولاد ندرد و بجز از او
 بیعت این ہر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلمات
 بیعت از جناب سید شاہ یحیی علی قدس سرہ بطریقہ عالیہ حشمتیہ گردید چرا کہ

آباد داشتند هرگاه مایان سهرزیارت بزرگان میر تقم دران احاطه چند مزار اجداد
پیشین است حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
سید محمد ناصر و میر سلیم اجداد این فقیر و احوال اجداد الا اولاد دختر
ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساوند و دلیسر ایشان یکی
محمد عوث عرف منشی و من شادی ایشان از مسماة فیعمه دختر شاه وحید الاسلام
گردید یک دختر شد ایشانش را که برادر عثم از منشی امیر بساوند بن مولوی عزیز الله
که خدا شد مسماة مسوین لاولد رحلت نمودند و در ایشان مولوی فرحت علی
ابن منشی محمد عوث که به ریافت صوری و معنوی معمور بودند و علم بیت مرتجع
و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة سیکین دختر شاه ابراهیم حسین فوآباد
یکی خورشیدی بنی میرکم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دلیسر گشته رحلت نمودند
نام فرزندان محمد قاسم است محمد و اجد ذی ولد و یک سکا و منشی محمد عوث
عرف و من بود مسماة وزیر ایا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساوند
مولوی خیر الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و در عبارت علم فارسی نیز
ویار لاثانی و خوشتر و در هر ذی جوهر بیت ایشان را بطریق عالی از والد خود بود
الا طریقه معنوی از برادر زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب لویضا
ادستادی و دفنون بودند و جاهت ملا هر در سن پیری و ضعیفی نیز بود بساوند

شادی ایشان گردید از بی بی رسیه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
 ولد میر سید محمد اولی در بنی اعام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید
 و حضرت خدا رحلت نمود و الا پس نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی
 میداشتند معیت آن بزرگوار در خانان خود از ابا جدر بطریق حشمتیه نصر میوه
 شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمه دختر خور و میر سید محمد باصر ابن میر حسین
 ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از لطن این بی بی یک پسر
 و دو دختر بود و نام یک دختر مسماة نعیمه و عو بهیملن سادی ایشان
 در اقران شده بود و اولاد و نام دختر ثانی مسماة لیل اعوت مسماة لالین
 زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبان که ازین بی بی اولاد مانند بعد ذکر
 پسر عالیقدر تبصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر و طوط
 خانانی ابا جدر و خود مدت العمر مانند تکبیه خانه آبائی که جو رکتره محکم کجوری
 الا سه شادی نمودند یک بعد دیگر از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
 از مسماة ملیحه خواهر محمد حسن ابن سید وجهه الدین عرف سید بولن و عقد
 نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از مسماة عاشورگر دختر
 سید محمد مهدی یک از سکنا ی علما بهار از انهم فرزند پسر نشد چون وفات
 یافتند شادی ثالث نمودند بوضع مدپور بخانه یک از شرفا امدیار تاجات
 آنجناب زنده بودند مگر اولاد نشد برادر زوجه ثالثه بعد رحلت شان آنخان را

میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان نواباده کلان اولاد میر سید محمد اولی
 و صاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت
 یافت می نویسد ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه دانا پور واقع گردید
 سید اولیا بودند تارک دنیا بحرص هم مشغول و یاد خدا گاه به روزگار زیاده
 نکرد و بارشاهی حمده اقایا قضا بخانه نشیند شکسته پا والد ماجد ایشان را
 بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منسوب
 بود پدر بارشاهی امیر الاحرار بخطاب یحیی الملک وقت آخر ترک نمودند
 مانند بیا و خدا بیعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریق عالیستغیبه
 الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهی است
 نام آن چشتی پور عنایت الله از مسماة مکرم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ
 فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الله از فرزندان حضرت بابا شیخ
 فرید الدین شکر گنج القصه از طبق این بی بی شدند و دو فرزند تربیه بلند کلان
 نام بود میر سید حسین عرف سید حسینی و اما میر سید عبدالرسول قادری
 که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که خدائی
 ایشان از دختر خال خود شدند نام زوجه شان بی بی نصیبه بود دختر شیخ
 معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجی از طبق زوجه شان یک دختر

شادی آنجناب شد از مسماة بی بی جبین دختر بی بی ناظمه زوجه شاهی حاج لکین
 نوآبادی بفضله ازین بی بی چهارپسر شدند ذی علم و پر جوهر را بحکله کیشتی الیت
 مذکور الصدردومی مولوی محمد اکبر شدند بایشان دو پسر آخر نام ناندومی شاه
 محمد اصغر و جیه ذی علم پسر شادی ایشان و قصبه نسیر گردید از دختر شاهی
 لطف علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل بعید
 شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
 منسوب است از شاه مقصود پسر عالقدر مولوی احتشام حیدر اسد علی
 بخشد مزید حیات و نام پسر چارمی شاه خیرات علی مدعو خیراتی که ستنی
 اند از جوهر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد و منکوحه خود
 اولاد دارند دختر و پسر و مصاهره نمود از اولاد منکوحه پدر که بودند ازین
 منکوحه نیز دو دختر و پسران چهار دونا کنه در حلت کردند یک میان رضو
 که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار و نوجوان قضا کرد و دومی را
 نام بودیسه ذی هنر بر دو وفات یافتند یک بعد دیگر از اولاد موجود اند
 ذی اولاد یک نام امداد و دومی میان محمدی که پیشه تجارت مینمایند لالی
 میکنند دختران نیز منسوب با پچا اند ذی اولاد اند در اینجا ضم شد و نسبت

حضرت میر سید عبدالواحد رحمۃ اللہ علیہ

فرع سوم اصل نخل اولی و بیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

نوبت ترویج ناکده بود زمانه مفتتح گماشته قصد سفر کردند بمرست و پنج سال
 واضح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه
 و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت
 نمودند بمرست و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر ماند بمرستی
 و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر و پاک جهانگیر مگر
 چندے ماندند بعد چکله داری و محافظت کونوال شاهزاده رفاقت ایشان
 پسند نمود و بخوش تدبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب باقتاب سیر
 بشاهزاده موصوف از شاه او رنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جاسه
 تیلوانی در بر و چیره رخصتانی بر سرین شریف رسید بچل شوش تف برین رش
 و فتن مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همنشینان قدیمی
 شاهزاده شدند معزول آنحضرت رفاقت شاهزاده نکردند قبول هر چند شاهزاده
 بهادر شاه بهر رفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زینهار زینهار ترک عهده
 جلیلک کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چند سال
 گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد خزن و طلال کمال
 و شهر پخته سجاد آبادی کسے را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبدالشکور
 ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران اینجا
 میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبدالقندر و میر سید مکارم و میر

و پسر شدند تولد نام دختر بی و اسمی که از شیخ محمد درویش که خدا شد
یکی از صاحبان کورجی نانامی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف
شاه بساون بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید
محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعتقاد نمایند جز فرزندان میر سید حسین
عم شان باید شنید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبدالرسول
شاد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید عبدالحکیم که خدا شده بودند هر دو نوجوان
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

میر سید اولیا این میر سید صدر جهان

واقع باد سال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد باصر کرد و کیفیت ایشان
برین مختصر است ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریق عالییه فصریه حصول و نیز در
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز حیثیت و لیاقت ظاهر بی تحصیل کتاب
عربی و فارسی و فقه اصول با اینهمه بودند و فتنون به لیاقت افزون و در
فن تیر اندازی کمال در عهد خود به شمال چنانچه رساله تالیف کرده بودند
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد این خاکسار بعمر است سالگی
رسید بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان کردند انتقال چون آنحضرت
مخدومه گشتند فایح البال و والد ماجد خود را به مغولی ذکر حضرت ذوالجلال

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجهیت درآمدند شادمانی بجا
 رسید کریمی طالق که در آن سن و سال بزوجهی الله تعالی ششش اولاد بخشید
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تنه
 کیفیت آنحضرت خوابد نگاشت هرگاه آنجناب علی القاب ترک جلیل عمده کرد
 بهر اقامت آماده شدند بتوکل علی الله بکلیه خانقاه آبابی شهر پهنه شد بنقدیم
 بمشغول یاد او تعالی بصراط استقیم پار از رفتن شکسته سلسله ملاقات اهل دنیا
 گشته متوقع فضل خداوند کریم بقیمه عمر خود را در جلاکشی و گوشه گیری بسر بسته
 هر دم می بزرگ یاد او تعالی می پرداختند طایبان حق را ضرور است از لذایذ دنیا
 ترکش و جوب لازم آنحضرت در مشاهده حق تیر قامت را کمان ساخته بسیار
 و برگ آب و نان توکل بقیضه آورده همدت مراد خود نشان داده آخر بنام
 حق بزرگ حق که بودند باین ستم حق روزی قربان جان خود ساختند ز بهی
 ستمانی که سهم سهم رضا الهی گشته آخر کار خاک توده گرد و طائر و وحش بیال
 محبت آمده وصال حق یابد و کار از لب سو فارز گذرد و چونکه آنحضرت در حق این ازادی
 داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در
 دنیا گذارشته بعد یک صد و سانزده سال کردند انتقال در سنه یک هزار و
 دو و هجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجد چون بسال یک هزار و یکصد و هجده
 شاه او رنگ زیب عالمگه مادرشاه نمود انتقال و با خود با برادران اعظم شاه

عزیزان در اقران یودند ملاقات ساختند و بجمعی ایشان چندے اقامت
 در قصبه دانا پور پر و خستند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها
 عند الملاقات از میر سید محمد رضوی که بزرگ خالاتی حقیقه بودند و از عمر انجناب
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر متاهل انجناب چنین تذکره افتاد و چرا
 فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب هفتاد قصد متاهلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح
 نیست حصول اولاد که کم کس دختر خود باین ضعیف خواهد ادبیاں متبسم شده
 میر سید محمد فرمودند ای جناب علی القاب از شادی اولی دختر من است و چون
 تا که خدا الحمد لله خیال کفویت بود برآمد مقصود نبرد بیت شما میدهم اگر نصیب
 اولاد فهو المراء اولاد هر دو برابر و واحد باشد بفضل حضرت یاری سلسله اولاد
 بود جاری باصره تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید محمد
 ابن میر سید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
 رمضان دختر شاه موسی صفی پوری که زبده اولاد مخدوم شاه صفی بودند
 گردیده بود از لطن این بی بی دختر من تولد شده بود بدی بی رقیه نام مدعو
 بی بی چیتا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بخانه پدر
 پدرش یافتند بضرورت خانه تقرری شادی ثانی از دختر میر سید محمود
 نوک بادی کرده بودند از آن بی بی کسی اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در آن زمان
 نوزده ساله بود و سن جدا علی میر سید محمد باصره بود بلا شصت سال یا هفتاد

در حوصله او رکی باشد لذت ذیاد را شائق مبرد و یک نیست بهر فرستادن لائق
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه دانند اب شاہی سیفر موند بعد
 انهمه عذر از جانب بادشاہ در دواہ رسید بطلب فرمان شاہی بدین مضمون
 اگر چه در جواب تحریر ساختند بایجاب عہدہ وزارت جواب صاف مکر می نویسیم آن بخت
 ستاہ تمانہ شوم رو بر حق تعالی و عہدہ خلافت از کسے فرزندان خود را فرستند تقصیر
 معاف آخر کار آنحضرت از ہر دو سپرد کردند استفسار از طلب شاہ نامہ از سپر کلائی
 میر رسید عبد القادر بن خوش حوالی سرست از بادہ ذکر سکر ربانی گفتند بادشاہ
 مرا خوراندن نمی تواند ہستم بسیار خوار تہ ذرات بیج نیست نزد فقہ خاک
 چون پرسیدند از پسر ثانی از میر رسید محمد حسین مقبول ربانی حدادری شان
 میر رسید محمد امین از پسر ثانی گفتند در کتاب و گفتند سخاوہی کہ فرزند تہ بلند مرانما
 بدر بادشاہ مجرائی انشاء اللہ تعالی یقین قلبی ام عیان است چنان بای حضرت باری
 جہہ سائی کہ بادشاہ وقت شود و بر و این پسر مجرائی سبحان السدان بزرگان
 چنان بود و نہ بیاد حق مشغول کہ داشتند فی پروائی بچہ پلور افاض کردیم از طلب ذیاد
 بے اعتنائی بار سوم کسے نامہ از جانب ہر دو شاہ بادشاہ از اسکا کرناک نشان
 بکوے قناعت را بطلب مرگ بلبعی غایت اندیشی ست کمال کہ روزی خود را
 سپردن است بجا کہ گور زیبا بی لباس ابریشمی خوشتر نامہ و خدمت شاہی آخر
 چون کمان خم شدست از قوت وز و اسحق کسیکہ بیکہ و قدم نامہ مانند قوس

و عالیقدر و معظم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام دہلی شدند بر
 تخت نشینی سلطنت و پیش آمد مناعت واقع شد جنگ جہال آنہا ختمیت
 یافتہ کردند انتقال و تخت نشینی بر شاہزادہ معظم ملقب بہادر شاہ بہا
 بحال در آنوقت بہادر شاہ از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید
 بنام آنحضرت بہر وزارت طلب نمود بادشاہ ابوالناصر حضرت میر سید محمد صاحب
 جناب اقدس و اعلیٰ تکریم فرمان شاہی نمودند نہادند بر سر و بر پشت فرمان
 تحریر نمودند عذر بعبارت بہتر اول این بیت نوشتند مقولہ حضرت سعدی
 علیہ الرحمۃ عفو فرما یند تقصیر بدین تحریر سے اگر طالبی کاین زمین طو کنی *
 نخست اسپ باز آمدن پی کنی * غریب نواز عالی جاہ دین پناہ ہر گاہ لائق
 خدمت شاہی نہاند بسبب رسیدن سن کبیر چون ہوش و حواس بجا نہانند کہ
 کہ آرد بجا ادب شاہی تو فیروز بنویسد کہ رمی دارم چون میشود کہ سنہ میخور اند بجا
 میشود من بر ہنہ میوہ شانہ باقی نہاند باین ضعیفی خبر سے حرص و ہوس اللہ
 باقیست و بس این عذر کردہ خلعت شاہی منصب وزارت واپس دادند
 ہر چند اہل ان ترغینا للینصحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بجا دمی رو
 بدلہ خود یکے از فرزندان خود را بفرستی این معنی نیز پسہ خاطر نیافتاد فرمود
 فقیر دارد و دوسرے کہ اہل جذب مست نموند و زور در از طریق خدمت شاہ
 بخبر دومی مصروف بیا دایمی بعمہ جوانی مشغول بشاہدہ ذات ربانی کی بود

	شجره سوم شجره اصل	
--	-------------------	--

بزرگ و دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبدالشکور
شدند کتخدا و دختر و یک پسر نام میر سید محمد صلح کیفیت ذریت ایشان

	بالا شد بخوبی مذکور	
--	---------------------	--

	شمره چهارم شجره اصل	
--	---------------------	--

ورزگ و دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحده که خدا شدند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند بطین
این بی بی و و پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شدند که خدا کرد
دختر ایشان یکی بی بی و اصله روجه شاه وحید الاسلام دویی بی بی
ناظمه روجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکور بالا حال دختر نامی که خدا فی
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ محید الدین عرف شاه جگوری
نام پسر دوم شیخ علام حیدر عرف میان گهسیا که مستثنی بود در اقران چونکه
دو رطل بمشت زن پهلوان نقل نمایند که ده منی توپ شاهی را یک برتاب
از دست باز و انداختند درین باره تیج تامل نداشتند و زری یکی از برادران
براه کورجی رسیدند بر اسب سوار ازین نمونه بملاقات شدند چشم دوچار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشوب نهاده تا میر نمودند کلام بجهت تقریر

عرصه فلکی طی نماید فرودست که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد میفرمود
هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا بود و بر دامن حضرت گردن انتقال که دوام نجات آبا
ماند و سرور حال فرزندان خود را بر بردهن جدادری ایشان گذاشته بخاتون
آبائی شهر پخته اقامت کرد و عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در اینجا است
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بحکمه کجور کجور می کلی بعد چند سال اولاد دختر را
که خدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه یافتند بد است احدیت وصال

شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلا فی بی بی صبیحی بی توکل خدا عمر
بسر کردند در چاه عزت خانه نشینی از اینجا که عارفه کامله بودند و می شعور بودند از هر
پایه معذور که خدائی پسند نام در یاد الهی بسر شد عمر بشعولی حق که بجز در وی
بودند بحق بالا از صد سال شد که دند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلا

مزار آستانه سهوه درگاه است

شماره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی سماء بی بی سیدا بودند نام آنمخدومه که خدا شدند در بی اعمام
واحوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلوا بن میر سید عبداللین بسر
وجود آمده بود بنام سید صدر الدین و در از ده ساله بمردم و شماره حجاب بر و اعتقاد

ایشان نماند

در سنه یک هزار و نود و هفت گردیده بود این پنجم شهر ربیع الاول عشر شریف سال از
سال هفتاد و پنج یا شش سید عمر بنده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد از آن
بشش سال گردید انتقال در بزرگواران عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم
شد از جدادری حضرت میر سید محمد رضوی برگاه رسیدن شریف بخدمت
سی سال بفرمان جدادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی و دختر
و دختر خسته آخر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نو آباد
آن عصمت ماب عارفه کالمه بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آیدند با اینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از لطف آن بی بی سید المجد و بین شاه محمد سید
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال شمره شجره لدانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریق عالییه حقیقیه
نصیری بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان کردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی ملیحه دختر بی ابوالنبت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته کرد انتقال بالا بمحل سال در اینجا

بودند مردان انجذاب

شمره دوم شجره در ذکر دختر خسته آخر بی بی اقیبا دعوی بی بی حبیب
که خدا شدند از میر سید محمد احسن ابن میر سید و جبه الدین سید بولن رمدی بفضله

قصه فتن کردن بر اسپ شد خرام آن اسپ از گم‌نور شد رفتن نتوانست
 بر پست او زد و فوراً شد رهوار بدین طوقه شهنشوری است بسیار شادی در
 اقران اخوان شده بود و اولاً نشد الا شیخ غلام حیدر دوم نیز بودند بنام
 حاج قوت و قوت اگر برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو
 برادر مگر رسید غلام حیدر منشی بمیدل نام بود منشی تقی العبد بودند شاعر

ذی فنون بهر اسرار مبری ماند

شماره پنجم شجر اصل نخل اول

در بیان حالات پسر گلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد با
 آنجناب سرست حال و تنومند بودند بسیار غوار یکبار خور و زبست آثار و در علم
 فاقه چند روز نمی خور و زبایم ولادت آنجناب بسال یک هزار و هشتاد و هجری تا عمر
 چهل سال ماند ذی حیات در پایه ثبات از تزوجی هیچ نبود و کار بی شغوری
 بود متاهله دارد و اناپور زیر درخت سپستان ست مزار پائین قبر آنجناب

الهورش و زرش بنمایند

شماره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد یسین خلف

ثانی حضرت میر سید محمد با صر

استماع است از حضرت جد لا محمد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد یسین قدس

حواس و هوش تا چهارده سال ماند در حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کرا
 آنجناب اکثر بمشهورست بطور پیشین گوئی و بعد سه سال جدادری آنحضرت نیز
 کردند انتقال و پیرانگی خانه شد بصورت نوعی که برادر دوم میرسید نصیرالدین
 نبود هیچ دختر و پسر از آنجا که یا خود یا زن و شوهر بودند مزاج بصورت بد مزاجی
 تا نوافقت بوفوع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب
 مرشد آباد را بودند یک ازارا کین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و سرشتین
 روزی عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هرج واقع میشود بسیار خوب
 در اینجا طلب فرمایند اهل و عیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج تند بود آمده بر سر
 جلال فرمودند همه ما کردند انتقال که اسامی طلب در خیال شده بودند سکوت
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در اینجا فرمودند
 همچنین اراده دارم جاسے تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بخانه
 قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام شن نگر گه گره چنانچه
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب مادری اینها
 از انصار قرابت یکی از مریدان و ائمه الاعتماد بودند دختر خود را دادن بخدمت
 کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجة سماء ماهی بی بی بود
 دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت الدین قاضی
 سلامت الدین قاضی محمد ملیح ابن شیخ محمد سح ابن شیخ محمد فصیح ابنت

بوجود آمدند پس آن چهار هر یک عالی تبار کی از ان کلان میسر سید مظفر علی والد
 ماجد حضرت سید شاه محیی علی دومی سید غنظفر علی روح بی بی رشید اعرف بودند
 سومی سید منلی چاری سید قطب علی از دوسر ان اولاد شدند و هنوز موجود فرزندان^{شان}

شماره سوم اصل نخل در بیان حالات سید شاه ولی الله پسر کلانی حضرت

شاه محمد یسین

واضح باد پس کلان از سید سالکین سید الخند وین حضرت سید شاه محمد یسین بودند
 از سر حقیقت و معرفت اله آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان
 در سنه یک هزار سی و چهار در دامن فیض میامن پدری و مادری پرورش یافتند
 تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بهیت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت
 سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر
 خال خود از بی بی باصره دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجه و دو دختر
 تولد شدند ذریه ایشان هنوز باقیست کیفیت ابن تبصره صرح بالا مذکور شد الا از
 زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر انجناب معلی القاب رابط ارامه اراکین
 سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بجلایه مرشد آباد بودند
 مریدان بسیار هر گاه والد ماجده انجناب محدومه زمان بی بی دولت جهان
 عمر چهل سالگی بعارضه لاحقہ دفعتاً کردند انتقال والد ماجده آنحضرت را پنداشد
 ملال حزن و ملال آبر از بزرگی رسید صدای کلمه الحق در گوش برفت ظاهری

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید الخمد و مین سه چهار ماه جبر این داده بودند حضرت
بطور پیشین گوئی احمد شد و المنه هر برادر بودند آفتاب و مانتاب ذی اعتبار صاحب
اقبال یکے جدا مجد دومی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند و
و بهوشیار ذی اسرار و دختر بی سجده جوان شد مکه خدائی شد از میرزا علی
ابن سید حسن رضا و ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کا کوی الالبه اولاد یافتند

از نیل عالم و ذکر فرزندان فرزندان بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین
سید شاه غلام حسین قدس سره ابن حضرت سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر بخانه جد مادری شد بسال یکزار و یکصد
شصت و شصت و هجده شهر محرم الحرام ازین روشندان آنحضرت سید غلام حسین
والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شدند کمال سرور اگرچه از محل اولی بودند دختران
ذی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب
جمع نمودند اقربان و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت
مکتب نیره حضورت در پیش تشریف در اینجا میزند آغاز بسم الله از و نمایند
الحاصل نشد لیف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم
فرمودند بگردب یسر و تمم و باخییر تمیل آنهم نموده قدری شیرینی ازان در دهن
این فقیر نهادند و نیز بدین تشریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش ازین بگویند

گری یافتیم آسانی تحریر نمود این بزرگوار اهل معاش زمیندار بودند کاشکارا حاصل
 در نجابت آن بزرگوار هیچ شک و شبهه نیست از صورت و سیرت اشکار گرفته تعین
 چه اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بود بی بی سعید
 بعد دو سال شان بسال یکنزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام تبارنج دهم
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جدادری بیابا
 شرقی در دانا پور آنده تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت
 جد الامجد سه سال عمر داشتند حسب طلب برادران نجابت سواری کشتی آوردند در دانا
 مع اهل و عیال بسوی وطن در روزگان کشتی در قصبه نو آباده شدند و آند
 از کشتی به ملاقات اخوان سید دعوت از خانه اخوان الامحل اولی زنده بودند
 باستماع شدند پریشان کلمه کلام جاری شد بر زبان اشاره باین و آن ناقص
 الاعلان را در نجابت و شرافت آن زوجه حجت باشد و فکر ارالانزد عقلان نیست
 هیچ حجت چه شرق نمی ماند بشرقی دیار اکھدند مصاهرت مایان واقع شد
 بخانه فقرا که نجابت و شرافت بهترین و مستعیدین را واقع شد مصاهرت در
 اهل الشرافت کترین بهر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
 بخانه فرد آمدند کرده از دریا عبور حضرت سید المحدث و سید شاه محمد حسین و
 فرزند پور کمال شدند سرور از ان روز خانه ویرانه کردند آباد و دستان شاد و شمنان
 بهاد بسال یکنزار و یکصد هفتاد و دو آخر ذی حجه خواجه حضرت سید شاه شمس الدین

نهاده که لغزش می شود و یک دندان بر آورند و فرمود این را بگیر ببادشاه
 بهر خزان تحفه فقیر میفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
 ذوالجلال که تلمیذ ثانی گردید انتقال شهید شد نماز دست افغان موفقی بجا
 بنیمید ایشان غایب پدیدار و شاهی مقرر شد و بادشاه عالم شاه در آن زمان
 بسفر بود و در شرقی دیار اینجوان نقل میکنند در قصبه مسام بودند که بر سر ایشان
 چتر شاهی جنبانیدند از آنجا رسیده در حضرت بهار رسیده آستانه فرار نمودند
 ملاقات مشایخان اینجوار روزی خبر رسید که بادشاه با فوج و اراکین می آیند
 بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه ولی الله
 قدس سره قریب فرار و الداجد زیر درخت کهنه فرو شطرنجی گسترانیدند و بر عت
 حاضر را سد چون بادشاه شاه عالم رسید شاهراه قریب فرار پسیدند
 دایره حضرت سید شاه محمد حسین کدام جا است عرض ساختند و امره نیست
 شکسته و نیست و کهنه مسجد و این ست مزار فرود آمده بوسه فرار داده فاتحه
 خواندند پسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس ساینده بود
 برادر هفت هر یکی کلافی آنحضرت هستند و ثانی است این فقیر بنگیر شدند و شد
 مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادر
 شمس الدین دو سال داشتند و الداجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمود
 بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر چپ دستار نهاد هر تعویذ استند

فرمود پیش در است ترقی ذهن و دوا هم بس معنی بسیم الله و تمجید باخیر
 میفرمودند بدولت آن حافظه و ذهن شد حصول و زبان خود برآورده و چنانچه
 هر چند که حضرت ظاهر تحصیل چندان نبود الا مقدر کر که از آنحضرت بحث و
 تقریر نمود در تراویح حفاظ را القمه میدادند حال آنکه ناظره خوان بودند میفرمودند هر
 و خزان محل اولی را که تذکره خدا در شرف اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی
 بطور التعمه مدد معاش مال پور و غیره کرده حصول محل اولی را که در تذکره صرف رکعت
 خود سازند ازین شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شما صوبه
 رش اندر آن شریک نصفانصت نمایند بحق محنت و قرابت محبت بدانطور
 تمیل بعد در زمان بادشاه عالمگیر شانی رفته حصول ملاقات کرده که
 زمان سلطنت پرانده شده بود چند فرامین دہیات یکجا کرده فرمان آوردیم
 و پیش نظر پدر بزرگوار دست بسته گذارینده هر گاه معائنہ نمودند فرمودند ای دلی
 درین فرمان ضاد ضاد نوشته است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چه معنی دارد
 ای پدر بزرگوار فرمودند حاکم وقت آخر فریق دیگر خواهد شد این معافی بار اضبط
 خواهد کرد این کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک چیرا که اہل جذب بودند
 مستانہ بے باک فرمودند ای دلی شو ملول روزی بر آستانہ تو بر سید بادشاه
 دین پناہ بطلب این فقیر نخواهد دید مرا هست وقت اخیر مکرم مناسے و دعوت
 کنی و ہر چه بد بگیرم را بد نہ گیری تا فرزندان تو اہل دنیا نشوند و دست مبارک بدندان

بقبض و دخل و در مدافعی موجود وقت و ایرضبطی هم و اگر داشت شد و صرف
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف و اوصاف و کثرت صرف و دیگر و دیگر میفرمود
 بعد رفتن پادشاه بسوی دلی و الد ماجد را قصد گشت بسبب پرگندگی کار مطلب
 انصوبه وقت ابرار نمایند در انوقت قاسم علیخان بود و صوبه شهر پشته عظیم آباد
 و در به صولت او بسیار بود و روز سه بهر ابرار و زمان حاضر در بار صوبه شدند
 در انوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پشته عظیم آباد بود و بسبب نواب
 جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پشته و اولیه و صوبه بنگ بود و دراز
 طرف شان نواب قاسم علی خان نائب که و اما دشان بودند و بطور ابطه
 از هر دو صاحبان بود بسیار با تامل و عرض عرض بیکی و داخل در بار شدند
 مغلیان و افغانان تیغ برهنه و در درباری بودند و گذر کسی میشد بشو اتان
 چنین بود در اینجا اتهام میفرمودند در ان زمان نواب قاسم علیخان از خبر
 و انگریز و گردان بودند و بعد بر بارشاهی بحضور عالی که شاه عالم پادشاه
 رفته محذرت کرده بحال بر صوبه پشته ماند و خطاب عالی جاہ یافتند بعد چند
 از پادشاه رو گردان شدند با منیرش کا مکاره خان تسلط بر ملک یافته صد
 مطابق آیه الیوم لمن الملك و احد القهار بودند و میفرمودند نواب
 قاسم علیخان اول و الد ماجد را نشانقتند چون السلام علیک کرده
 نشنید نواب را بنشته عمده جلیل این جرات بتکلف نماید پسند پرسید نامت پست

حاضر کردند آنهم کردند قبول و مرادیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
 این فقیرزاده است فوراً از دست خود مرگرفته برزانو خود نشاندند و پرسیدند
 نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لاریب جمله سیادت
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتیم پند نامه سعدی
 که سیاه فرمودند بیتی که یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال تو وضع ز
 گردن فرازان نیکوست که اگر تو وضع کنی خوی اوست باستماع این
 مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مرد معاش فرمان بصیغه التماس شد تخریر
 و سفره گسترانیده شد با حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نان جوین
 و تره چولائی دال کساری بخود آمیز و سرکه اچار تیل و اچار اول درست کردند
 و تریل خوردند و فریاد کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
 لذیذ طعام پلیس هرگز ندیده خوردیم بیا یا التماس رسانیدند طعام
 چیست طرّفه طعام این قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین است
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه بیکلفانه انجذاب هرگز نخواهد
 بعد طلب شدند تا نون گویان و چوبدیران نصب دایره موافق فرمان
 شد اگر چه باد شاه وقت دردمعانی بطورایمه و ستار درگاه انتخاب کردند
 در هر گنجه بجلو آری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نمایان
 خاکسار چنانچه زمین معاش را بودی غالی پایشان اندوختی و هشت بیگه است

میفرمودند والدین صند کرده شده بجا نشین از گردش ملکی بر نواب علیخان
 آفتاب رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو دانا
 چند روز بصیغه طالب علی بودند تلمیز جدا مجد من آخر کار برهم شد نواب علیخان
 از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط آنگزیدان نواب قاسم علیخان برگرد
 خود پشیمان شده بذریعہ امتحان خاص حضرت والد ماجد را طلبیده محضرت
 بالبحر و زاری و سفیر نمود آنحضرت را بر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
 که خیمه گاه او بمقام یکبسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پاکه
 بالا از سی کرده بود در اینجا میفتند بر فرد دیگر تشرف می آورد و چنین بود
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نواب حضرت والد ماجد خود سید
 شاه محمد حسین را چنین ارشاد نمودند ای ولی تو او را مغضوب گفتی
 حالا مغضوب شد من اندکس چرا بنامه پیامی او میکنی و دم بفقیر میرانی
 آنحضرت متعجب شده شدند خانه نشین باز برگردند از ملاقات آخر شتی علم از
 و حکومت شد غریقی کدام را سبب گردید بدین طریق میفرمودند بعد برهمی
 تسلط نواب قاسم علیخان از مرشد آباد و خود نواب جعفر علیخان آمدند
 بکمال دبدبه و صولت در عظیم آباد و چو بار فرستاده جناب والد ماجد را
 کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
 جعفر علیخان شنید منقص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاکر

فرمودند ولی القدر باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوسین از جابر خاست
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الدین ترا شناختم درین عرصه عروج
 من نه یا در گرسه امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی مست
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گماهی
 نسوز از ساختی انعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال بسبب آن از لطف
 فقیر بگذشت بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند و دیده بگفت
 نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی ازین
 در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد
 من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند بجهت ای قاسم علی ترا چه شد
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او بارت که بادشاه وقت که سایه چهل
 اولیا بر سر دارد او را گیدی گفتی شاید معتبوب الهی شدی این فرمان
 شه شاهان آنست که از خطاب عالی جاہ یافتی دار و در و تبر یافتی مرا چه
 خواهی داد آنچه که دوی در زیر ران پرستاران خود دینی این کلمه بی باکانه
 گفته از اینجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند بنشینیم مرا کافی است
 سوره یسین حکم بچویداران نمود بگری بگری و در باران متحیر شدند بر جرات
 کلام فقیر بعد لحظه از اینجا از چشم خلأ نطق شدند پنهان که گیرد و در گیرد و فوراً
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد و نواب چشم نم شده کشید آه سرد

گیدی

سنت جماعت چنان و چنین چه سبب است برای بهبود بهترین فرمود نواب
 معالی القاب و در جواب که انصاحب در زمان طالب علمی بنحایت عزم و انگیزش
 و سیادت بهترین مرا بود و جاگیر حالاً مرا نیز بیل هست نقوش که برای این صاحبزاده
 تجویز نمایم عهده خلیل یا منصب و جاگیر میفرمودند از انتفاعات نواب مرعشی
 میشد معلوم که صوبه عظیم آباد و تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین فوت
 ناقدا و بعد دو سال والد ماجد من در اینجا فوت شد انتقال نمود و مقصود بهر دنیا بهبود
 حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال خزن و طلال مرزا خان بیگ
 که یک از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در اینجا نمانند مرزا را لاگفتم مرا مراد است
 که نقش بر موی بولتن و من نمایم در جوار جد بزرگوار آخر بصلاح بهر شش ماه
 نقش را سپرد کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آدم و اناپور و صندوق ساخته
 بهر آردن نقش پاک بسواری کشتی رفتم در اینجا رسید و تفویض نقش
 برآورده با خدایا در صندوق کرده از اینجا آوردم در جوار جد مجد دفن نمودم
 از آنوقت باز قصد مرشد آباد نمودم میفرمودند در مرشد آباد وقت انتقال
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که بادشاه بهر کفان معاش میداد بسیار حضور
 قناعت کردند بر اختصار فرمودند و نقد میرسد و برادر کافی است عرض کردم
 من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است
 افزایش جمعندی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من محاصل پانصد

بعد از آنکه در باز و رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جوهر علی خان
 عازم مرشد آباد و شدند آمدند به ملاقات بغیرخانه در آنجا پور و در روز دعوت خورد
 بسواری بکجه ار راه دریا عازم شدند سومی مرشد آباد و فرمودند جناب صاحب
 بسبب تنهائی پریشانم بهر دستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت مناسب است
 بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند باز و رسید بنام امام ضامن علیه السلام
 میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثنا راه نواب مرا بسیار نواختند
 در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن شایسته آن نواب بهادر اموخته ام یک
 روز بخت خاص و شاربندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفاقت
 نیارده خود رسیدند بکجه مرشد آباد و مکانه خالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه والد
 ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
 وقت در بار همراه والد ماجد و میر فتحم والد ماجد من بجای بهترین می نشست و مرا نواب
 از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر برزافوشت ته می ماندم و کلمه کلام میکردند
 خبرهای پرسیدند بدین منوال حاضریم میشد و در بار عمر من در آن زمان ده سال
 میفرمودند روزی در جلسه در بار حسب عادت رفتم و در آنوقت حضرت والد ماجد
 نبودند موافق معنی و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده برزافوشت ته دارن وقت
 کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که مذہب محلی القاب علوم شیعہ مذاق
 و از سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند شایسته

شاه و بسا و آنکه آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه
 عالییه چشتیه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتیم بطریقه عالییه بواسطه
 چند حاضر ماند به دستور و معمول بنیاید در کیفیت ذکر و اشتغال مشغول و دویم سال
 چون گذشت که حضرت نمودند بسال یکم هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری سیزدهم
 انتقال مرا پیدا شد حزن ملال وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند
 که مجاز فرمایند باین فرزند هست پس یکی از مشایخین بحواب فرمودند اجازت
 بعد از بیعت ایشان همان روز دادام کافی است ان اجازت مرا زبانی است
 به از تحریر خلافت و مثال چند کسان تا فهم بنمایند درین قبیل و قال از بن فقیر
 حقیر چه که مراتب بیعت بیعت از جد ماجد پیر و سنگیة الحصول بعد چند سال که من
 مبارک حضرت جد الامجد رسید به بیست و سه سال ثانی شادی شد و در عظیم آباد
 از دختر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد یوسف که زنیست
 آنجناب بالانوشته ام با نسب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن ویرجوا
 آمدند در عظیم آباد بنجانه شیخ قریشی نسب شادی کردند و دختران پیدا شدند یک
 جده من ثانی خواهر خود جده من که از شیخ برکت الدین شیخ اهل الدین شهر
 کتخا شد و از بطن آن بی بی اولاد شد آلا شیخ صاحب از و شادی از یک
 و دپسران از یک دختر که شد و دپسر نامی می فرمودند بعد شادی من عم
 می پرسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب که مریدان شان بودند بسیار در مقام

بیکیه چیز سے زائد پانصد روپیہ سالانہ می آمد زمانہ من ہر دو برادران را ہزار
 ہر گاہ پدر و اعوام شاپید آشدند و راہ شان کشت یکہزار و پانصد شد مینویسد
 این فقیر حقیر و زمانہ مایان جمع بندی سالیانہ شد و ہزار شکر خدا بول بالا
 حالا از نیم ہست جمع بالا اگر فرزند انعم را و فاعلت برین گزینند بخوبی گذرد
 اوقات مشایخانہ و اگر خواہد کہ ہر کہ امارت نشیند مال قارون نیز نکتہ کفایت
 درین زمانہ میفرمودند عمر سے سیزده سالہ بود کہ وفات یافتند پدر بزرگوار بمب
 چیل و شش سال یکہزار و یکصد و ہشتاد و ہجری بعد و دو سال در تحصیل علم ضرور
 چون فرصت یافتہ عمر بزرگوار مرانہ بود و کسے فرزند بصلاح والدہ ماجدہ قصد
 شادی نمودند و نیز بچہ من سادی ہمیشہ گردید میر مراد علی ابن میر حسن رضا
 ولد میر محمد رضا یک دختر شد خواہم را نام شد حمیدہ دختر سعیدہ و زمان
 طفلی آن دختر ببرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در موضع گور گوان
 از دختر میر یوسف علی عزن میر سوین ابن میر یوسف علی گردید نام زوجہ بود
 بی بی عصمت النساء از بطن آن بی بی یک فرزند نبرد شد موسوم غلام حسین بچہ یک
 سالہ بود و مادر خود را خانیچہ یک ہر دو وفات یافتند باز قصد تاملی نساختم عمر من
 شانزده سالہ بود جب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیت و تربیت نمودم چنانچہ
 اتفاق بیت از والدہ ماجدہ شدہ بود شہر فیاضی حضرت قطب العالم شاہ
 محمد نعم فذس سر با شماع در آمد ہر اعم المترم حضرت شاہ قطب الدین عزن

یک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرد ماند بجا رختن با قصه شد آخر کار
 تمام دو دختر مسماة سکران از میر عباس علی ابن میر دوست علی که خدا شد و بی اولاد
 شد و هرگاه در اینجا سکونت کردند برادرش شیخ کرم علی در اینجا جدا شد تا تقویض نمود
 با و نشان کار و دیبات را انتظام بخوبی بگرداند انجام و حرم نشان نیز کارخانه دار
 من میدید سپرد بود با و خانه داری اهتمام دیده با شیخی هرگاه ذکر آمد حضرت
 صوفی محمد و ایم قدس سره نمیدانم حال شان نیز نمینویسید یعنی حضرت صوفی محمد
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مستر شد بودند صوفی
 امانت الله رحمة الله علیه طریقه شان قادر بود و سرمد و به بود بعد از آن
 با جازت شان آمدند بشهر طبرستان فغاده باطنیه طریقه ابو الاعلی به جعفر و حضرت
 قطب العالم شاه محمد منعم قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
 ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب دطن تشریف بردند آنحضرت
 و در پسر و یک دختر و وجه صوفی شاه روشن غلامی که مرید و مستر شد و خلیفه و داماد
 بودند و نام پسر کلان صوفی احمد الله سره پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد از انتقال
 صوفی شاه روشن علی زرب سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
 با پیام حج شریک بودند و انرا مان کسی اولاد نداشته بود و پسر او سبط نام صوفی
 قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود و چند سال درین دیار ماندند و
 ایام جوانی بهمین این خاکسار بودند بسیار جوانست از من بود نسبت رابط الله

کانپور کردند انتقال برادر سید شهاب الدین حسین را پذیرفتند بجای
 پسر والده من شادی آن برادر نیز در بر دے کردید بعد کردند انتقال استماع
 از زبانی جدہ ماجدہ کہ نام جدادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ
 عبدالصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شہر ٹنہ بطور کاشتکار زمام جدہ
 نادری من بود سماء سلطان بی بی بنت شیخ امان علی ابن شیخ سلطان علی
 ابن شیخ وضا فاعلی درین شہر بودند از تجار در ہر دو مصاہرت واقع شد نام
 مادر من بود آمنہ بی بی نام ہر دو امون من بود شیخ عاشور علی و شیخ مہر علی
 ابن نوجوان فوت شدند الا کلانے امون مرادیدہ باشی شیخ عاشور علی کبر سن
 شدہ بودند در اینجا کردند انتقال بعارضہ اسہال زمام خلاصے من بود فاطمہ
 بی بی از شیخ محمد منیر انصاری بودند کنہا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد ہاشم
 و صوفی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم ہر دو برادر غلام بودند ساکن شہر ڈہاکہ
 پسر محمد منیر شیخ کرم علی برادر خالقی من بہر ملاقات مایان بسواری کشتی
 از انجام اہل و عیال در نیجائی آمدند جائے کشتی رسید در تباہی زوجہ و
 پسر ایشان شدند در دریا غیرین حجت از انجا تنہا در اینجا رسید بر استہ
 صعوبت و آفت بعد ملاقات در نیجا ماندند خواستم کہ در شہر قاشادی نشان
 نہایم قبول نکردند آخر کنیز سنو لیلہ نکاح کردہ در خدمت نشان وادم از دور
 پسر و یک دختر شد یکے را نام بود عمید و در منیر از دختر شیخ عابد علی کہ خدا شد

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان
وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سر فرزند در وقت رحلت پدر بزرگوار
خود ده ساله بود مینویسند بر نوابت گلاس ترتیب فرار جانب شمال احاطه مغرب
مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره در وجه شان بعد هم پہلوی جانب
مغرب مزار است پسر شان حضرت میر سید محمد قدس سره و جانب جنوب پائین
شان پنجم مزار حضرت سید شاہ میر سید محمد حسین قدس سره نواسہ شان
و در پہلو سے زوجہ شان بی بی دولت جهان اہل مزار اند این ہر سہ عوام
نیاز و فاتحہ نہایت مخصوصاً وقت انجام شادی و در پہلوی حضرت میر سیدی
مزار است والدہ من حضرت سید شاہ ولی اللہ و در پنجانب جانب مغرب
قبر والدہ جد الامجد من است و جانب مغرب پہلوی شان مزار است والدین
حضرت سید شاہ سلطان احمد و در پہلو سے آن قبر است والدہ ابن خاکسار
بعد مزار است حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعدہ جدہ ماجدہ من بعدہ خالای من
زوجہ عم الاوسط بعدہ قبر عم الاوسط زان بعدہ قبر عم الخرم سید شاہ مراد علی
در پہلو سے شان زوجہ انتخاب اند بعدہ یمن بسیار و خواہران من و دیگر
عزیزان این بہرنا واقفان تحریر نمود دیگر غرض از نمائش تحریر نمود
ثمرہ اول شجر اولی اصل اول خاتمہ در احوال عم کلائے سید شاہ

در ایام قزاقیت بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندریم بسوی وطن رفتند
 و خلعت دوم صوفی محمد دایم صوفی شاه تقیه المد بودند بعد انتقال برادر
 کلان سجاد نشین شدند و بهر ادای حج نیز رفته بودند از حضرت جد امجد مکاتبه
 اکثر بود پس ایشان صوفی ولی الله واضح بادخواهر جده ابن خاکسار بی بی
 است الرسول زوجه شیخ برکت الله ابن شیخ اهل المد تا زمان حیات شوهر خود
 عظیم تمام در مقیم ماندند و اقامت ایشان بوقت اخیر بحسب عزیزان و ناما پورا قاضی
 شهر مدینه پنجمه قبر ایشان و والد جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در آنجا
 الا والد شان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت المد قادری بودند
 در قصبه چلواری مدفون اند و اسکان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد و اجل یک دفتر ایشان از برادر زاده شاه
 محمد عاصم که خداوند اینها سجاد نشین مولانا گردیدند اهل معاش و دود پسر
 شیخ برکت الله شیخ سلامت المد زوجه شان خالاسی مولوی اکرم الحق و
 مولوی و عظیم الحق بودند و اولاد ندارند و پسر دوم زانام شیخ امان المد بود
 زوجه شان نیز بودند و اولاد نداشتند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله قرابت
 بود برین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزند خود
 دیده کردند و بهر پیشا و شش سالگی انتقال بسال نجاه و چهار هجری بست یکم
 شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و در آنجا جده من بعد سیزده سال بهان

علی بیاض صنعت داشتند سه پسر ایشان و یک دختر و فتنی محمد حسین را سه دختر و یک
 پسر فتنی سید ولایت حسین بطور ایشان سر رشته در گورث اپیل بودند
 در جلسه ششتر خانس صاحب بهادر و نیز او شاد بودند مقرب و ممتاز از رفقا برادر
 بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عمده به پسرشان بجال داشت تا حیات
 با وج جلیله مانده پسر کلانی فتنی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی
 هر دو داماد عم خود بی کریمیا النساء زوجة کلانی و بی بی ولی النساء زوجة برادر
 ثانی هر دو ذی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
 میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمده بیگم دختر فتنی محمد شاه شش
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شر فاکر جوار و دختر در
 اکبر آباد اندر هر دو برادر اعیانی که خدا از قاضی باقر علی مسماة وصله و از حکیم
 و ارث علی مسماة صدر اکلان مسماة فیما در موضع کرائی پر سرای و مسماة فضل
 از میر فرحت حسین و مسماة مجیبا از میر مظفر حسین هر دو برادر اعیانی ساکن قصب
 چهره و یک دختر انام معلوم نیست در ضلع علیکده کول در خانه شرفا که خدا
 یک پسر نام سید احمد حسین شادی اول از دختر سید میر شیخان در اکبر آباد
 شد ثانی بعد وفات زوجه اولی از دختر اخیان عمه از شاه محمد حجاب داشت
 از هر دو اولاد داشتند و پسران قاضی باقر علی اولاد علی و حاجی باسط علی
 و پسر حکیم و ارث علی نظام علی خان صدر وکیل با مستحب بنو زانها موجودند

واضح باد فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند و لا اله الا الله
 ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
 بر وزیر کیشنه تحصیل علم ظاهر و معیت بطریق عالییه قادریه از مولانا شاه ظهیر الحق
 قادری بنمودند و بعد از ده سالگی در علم قریب فرغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه
 بطریق عالییه ابوالعلائی از جبابه حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 بودند و توبت خلافت رسید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی معهود
 بجهت جلیله حاکم وقت بودند سرشته دارد شهر اله آباد مدت ده سال آخر ترک
 روزگار نمودند و بعد از سجده سالگی شادی شد از بی مساهه امین النساء اختر
 نقشبندی سید محمد حسین ابن نقشبندی سید محمد علی الله تعالی بخش اولاد چهار پسر
 و چهار دختر پسر بطولیت مرزند و دختران از خواهرزاده و برادرزادگان که فدا
 شدند و ذی اولاد و پسر چهارم سید عثمانیت الله انچه که از زوجه عم کلائی
 دریافت شد اصل نسب بالا در اینجا منسوبه چرا که تحریر بر صحت نسب مصابرت است
 میر سید عالم علی زیدی نسب ساکنین یاره بودند پسرشان سید احمد علی پسر ایشان
 سید احمد علی از دطن متفاوت کرده بهر حصول مدد و معاش روانه دیار شرته
 شدند خلاصه شهر ننگاله بمقام سولکچه در آنجا سکونت کردند اختیار پدشاه شد
 جلیله صورت روزگار پسر ایشان نقشبندی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند
 ارستاد حاکمان وقت و پسر ایشان کلانی نقشبندی سید محمد شاه یا وجود ظاهر

شدند و می‌اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الدار خواهر خورد این فقیر
که خدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و
دختر اند و کیفیت اولاد برادر خود آیند تبصیر بحج خواهد گشت
شماره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظا النساء زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه حضرت مسماة حفیظا النساء که از برادر کلان خور و بودند
و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الدار ابن مولوی حسین
حضرت شاه طیب الدار نواسه شاه سیف الدار مژدی بودند و ذکر نسب بالا
تحریر شد بحصول این بی بی در زمانه خود راجه بودند و عبادت الهی پرستیده
و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بر بزرگوار ماندند خانه نوساخته
بسبب کثرت اهل و عیال الدار علی پنج پسر و چهار دختر بخشید به حمل ساگی
رو برو والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشته فرزندان سید
شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر اطفال الاعظم یافتند و می‌استعداد نشی
بنظیر بودند و اکثر نوکری جلایه پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریق عالیقه تشبیه و تربیت طایفه
از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد
و بیعت از هر دو جازا ابتدا و تا انتها تربیت و تعلم فیوض باطنی بیارین

و دختر میر فخرت حسین مسماة سراج النساء و د پسر میر مظفر حسین امیر حسین
 و نظیر حسین و پسر نشی و لا و علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از میر اصالت
 که خدا و میر اعظم علی را د پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آئیده مغلوم
 حالا ذکر اولاد هم الا عظم بنمایم که که خدائی شد واضح باد دختر کلان مسماة
 بخشا النساء زوجه اولی اخی الا عظم شاه محمد قاسم و دو فرزند از لطن این
 زوجه شدند هر دو رحلت کردند بعد غرضی بعد از آن مادرشان فوت شدند
 و دختر ثانی عم کلان مسماة عبد النساء زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
 فرید الدین ایشانرا از لطن این بی بی یک دختر شد جمیل نام بعمر بست سالگی
 شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن آنهم بعد وفات مادر بمرد اولاد نماند و دختر سوم
 عم کلانی را نام بی بی ام البتول عرت بتول از برادر سید هدایت حسین شدند
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید ارشاد حسین ابن
 امیر حسن امام ابن سید شاه داشت علی بهاری ذی اولاد شده بے اولاد
 ازین عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
 و دختر نیز شدند هر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین
 ابن میر علی سجاد چلواری که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر
 ایشان و دختر چهارم عم کلانی نام تلج بی بی دامت الرسول عرت رسولاً
 از برادر کلانی ایمانی این خاکسار که ضایع از سید شاه علی حسین که خدا

اهلکمالان بودند نسبت عالیه ماده جذب در آخر عمر در جذب الهی بودند صاحب
 کلمه بحق افسوس زندگی و فاکر دسی و چهار سالگی رحلت کردند بسیار مریدان
 و مسترشدان ایشان می شدند بسال بکینار رود و صد پنجاه و سه هجری وفات
 یافتند شمره سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد و اجدادین شاه تبار بحق
 رحمه الله علیه که مردم ذبی فزون و پر مهر بودند و استعجاب و فارسی بود بسیار
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالعلاء ایشان را نیز از حضرت قطب العصر
 سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و فکر و فکر را معنی خیر طبیعت بود صاحب
 وارده در دو حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر می نمود و در شعر و سخن و کلام
 خوش مذاق بودند و همیشه تجارت کردند با انهمه عفت از کار خود بود و وقت اخیر
 بیعت از حضرت شاه مظفر حسین ابن و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الدین
 قدس سره از سران هم کردند و اجازت پیرو مریدی از خال کلامی یافتند و میر
 و مسترشد ایشان نیز بودند بهر شصت سالگی چهل ملک بقا شدند بسال بکینار رود
 و دو صد و هشتاد و چهار ولادت ایشان بسال بکینار رود و صد و بیست و چهار هجری
 بهادری قعه ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیذی ایشان ارد
 این حقیر شادی ایشان بعلاقه بهار در اقصان شد بموضع نور پور از راسماه
 تحفه الفساده دختر شیخ بهاد علی و دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند
 ذی اولاد اند و نام پسر شیخی سید محمد و زری که در فارسی حسیت دارد و بی نظیر

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده نریب سجاده نشاندند بارشاد
 مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات با برکات ایشان شدند بسیار شصت
 و پنج سالگی کردند انتقال بهال یک هزار و دصد هشتاد و یک هجری برد
 پنجشنبه فرا واقع است در حضرت منیر باستانه حضرت مخدوم یحیی مسگر
 قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر
 هر دو کردند انتقال اولاد نامند شادی ثانی از مسماة امیر الفسا دختر میر حبیب
 شد در بهار محله باره وری از ایشان نیز شدند و پسر و یک دختر بصره سنی
 وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی نامند بجز فرزندان
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه استاد این فقیر بودند الا در صحبت نیز
 مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان
 مرید این فقیر حقیر اندسجان العجیب مراتبات با برکات بودند
 شمره دوم یک خواهر ایشان از به برادر بزرگ و ایشان خور و مسماة اولاد
 عرت امون از سید مرتضی ابن میرامان علی ابن میرا شرف علی ساکن
 رهوی که خدا شدند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بصره سنی بودند
 بیست ایشان از زوج عمه خود از شاه قمر الدین حسین بطریق عالیسه
 چشتیه مودودیه بوالا تربیت و تعلیم معنوی بطریق عالیسه ابو العلامیه از
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره یافتند بطریق یکبار از

قدس سره بفصله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران در اقران کد خدا
 اند بعضی ذی اولاد اند الا پسران صغیر از محمد غلیل و محمد طلیل الله تعالی خوشنود
 دارد و دختر دوم شاه محمد و اجد علیہ الرحمہ از ہجرت زادہ ایشان سید فضیلت
 ابن سید شاہ آصف حسین کد خدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد منظور نوجوان رحلت
 کردند و فرزند قیم است الله تعالی عمر طبعی گذر و ذی علم نماز باقی از محل ثانیہ دو
 دختران اند یک کد خدا از شاہ و اجد حسین شہسرای ذی اولاد نام پسر ایشان
 محمد رضا و ثانی دختر جاکے کد خدا و نام شاہ محمد و اجد محمد امین بیعت از والد خود
 نموده است ذی اولاد است بنام محمد معین و حسین و متین خیر باد شمرہ
 چہارم پسر سوم حضرت شاہ تراب الحق مرحوم شاہ محمد یوسف مرحوم
 از طفولیت تاجوانی تحصیل علوم کردہ کمال صلاحیت طبع بود نگویا عارف بالہد
 کار دنیا کسے نکردند خوشنویس بودند ہمہ ہفتہ سالگی قضا کردند ازین فقیر کمال محبت
 والنس پیدا شدند ہمدرد و شیر

شمرہ پنجم در بیان کیفیت حضرت شاہ محمد سجاد حاجی خمین

ام و آبار انوار العین و راضع باد شاہ محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمہ خاکسار مولنس
 و ہمدرد و ہم عمر این فقیر حقیر اند از خورد سالی در تحصیل علم ہمہ حق چندی اوقات
 سر در نوکری حاکم وقت نمود ہمراہ اخئی کلا نے بیعت ایشان را نیز از حضرت
 قطب الشایخین سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ و تربیت و تعلیم

و شاعر است تخلص عطا قربیت باطنه یافت از عم خود حضرت سید شاه
 مبارک حسین قدس سره و ابن حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین
 قدس سره و بیعت ایشان از حضرت عم کلان شاه محمد قاسم قدس سره
 اوقات بر درگاه حاکم وقت چندی بسر کردند حالاً در تجارت مشغول اند که خدا
 ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه امیر السعد بن میر تقی الله
 از مسماة است الصغری اولاد پسران شدند حالاً سه پسر اند موجود کلان پسر
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانه در انگریزی
 نیز فوقیت دارد و هر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
 جد کلانی مدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی النجفی
 احمد سعد در کسب بطون نیز وارد کمال در شاعری بهیدیل که خدائی از دختر
 خالاتی مسماة زمین النساء دختر سید محمد و مینش ابن میر شجاعت علی مرحوم
 زوی اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسرانی شاه محمد وزیر محمد طاهر
 حصول بیعت ایشان را نیز از جد اصغر است که خدائی نیز شد پسرانی نیز است
 موسوم محمد یحیی و پسر سوم را نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است
 دختر کلانی محمد و جد مسماة بنجت النساء که خدا از سید ابوالبرکات معروف
 بشاه برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین
 بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

شماره ششم

در ذکر دختر ثانی عمه این فقیر سماء بی بی کاسوم که از میر عوث علی شدند کفله
بیعت دارند از خال الاعظم خود خواهر عزیزه صاحب عفت و عصمت از بطن
این بی بی دو پسر شدند یکی عمر و از که خدا شد عمر و از نهاد ثانی پسر مزید پسر شاه
نظیر حسن مسلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذی شعور در علم عربیت
به نظیر و عبارت فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار در طب بیعت دارد و صلاحیت بیعت
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخوی سید شاه محمد سجاد و مستحسن

ارشاد که خدای شدا از دختر سید ابوالبرکات ذی اولاد است

شماره شجره فرع ثالث اصل اولی در محامد حضرت سید شاه فرید الدین احمد
رحمة الله علیه مرید و خلیفه و این حضرت سید الواصلین سید شاه
غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تهجیح

باید دانست و لاوت حضرت عم الاوسط عمده المشایخین سید شاه فرید الدین احمد
در سال یک هزار و دویست و دویست و هجری بهماه رمضان بدین وجه رمضان علی نام شد
در عو شاه مرقوم بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه قادریم
و تربیت معنوی بطریقه ابوالعسلاویه از جابجا از بزرگان این سلسله نیز
و حیثیت عربی و فارسی بود کمال الالبخر اخذ بیعت تدریس دادند و نه دنبا
ارشاد داشتند خبر گیری معاش مقبوضه دایم می نمودند شادی ابن حضرت

مسنوی از حضرت قطب العصر رحمه الله علیه قمر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت
 از حضرت اخوی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار جهت زیارات بسوی حجاز تشریف
 بردند حج نمودند و زیارت حسین تشریفین ذات بابرکات اند و در فن شاعری
 دارند کمال در اردو فارسی ساجد تخلص است فیضیابا از ایشان اند بسیار
 و مردان کثیر از دقت ترک نوکری چنانچه نیرنگان مرشد زاده ایشان بیت کرد
 و تربیت یافتند خودش اوقات اند فیض شرع صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند
 شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النساء عو بر اتن دختر میر محمد عاصم
 برادر حمزه زاده ایشان بودند بفضله اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بملک بقا و خیر
 پسر الا موجود اند چهار دختر همه با کتخدا جاجایکی از میر صف حسین که بیوه است
 اولاد ندارد و دیگر از سید عبدالحکیم ذی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم سومی
 که خدا از حکیم امیر اکثر ذی اولاد چارمی از محمد غزال ذی اولاد است بعضی را
 بیت و ارشاد است بعضی را فقط ارشاد الا پسر عاقل قدر را نام سید محمد شاکر
 و از همین قبیله اکبر آباد شد ذی لیاقت اند و حبیب ظاهری بغازی خوب
 شاعر اند به نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت
 شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر سید ولایت حسین گردیده است ذی ولد
 و دختر اند موجود بسیار طبع و کمال و فهم رسا اند و شغل کتاب بینی بسیار
 و مجاز اند از هر علم به نسبت تربیت و اجازت و محبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاضر

یک دختر که خدا سده رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
 و دو دختر مشهوران خود اند موجود و پسر کلانی نیز اند موجود سیدی رجب علی ابل
 مقصود الله تعالی اینهمه را بنحسب صورت بهیود و توفیق عبادت بنجود سید شاه
 هدایت حسین و لد ثانی حضرت سید شاه فرید الدین احمد علم ظاهری سوافق ضرورت
 داشتند و همیشه بصیغه مختاری حاضری دربار داشتند آلا منکسر طبیعت ذوی جود
 که بنفر خود هیچ نداشتند اتفاق بیعت ایسان نشد الا تبریت یافته بطریق معنوی
 از خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بطریقه عالیه
 ابوالعلا یابود که خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانی گردید از رسامه است قبول
 و پسر دیکه دختر متولد شدند دختران همه کلانی ذی اولاد شده مع اولاد وفات
 یافت الا پسران موجود که خدا اند جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجا و پیاواری که خدا چسند
 دختران الا یک پسر سیدی ابوسعید رحیم الدین متولد شد و میر جناب حاجی اعظم
 سید شاه علی حسین است و سید نصیر الدین را که خدائی در قصبه نیر شد یک دختر شد
 بمرد و زوجه نیر شادی ثانی نیر نمود و انهم فوت شد و سنگر فته این فقیر است و ثانی
 مرید عم کلانی خود دختره براهم برگزیده دارین میر سید حسین پسر سوم حضرت
 عم الا وسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاهری دارند محتاج تحریر را کسیه
 نیستند که رود و از بدعت ایشان را از جناب حضرت سید شاه خواجه ابو البرکات

اردو دختر کلانے غم خود کردند از مسماة فصیح النساء بنت حضرت سید شاه
 شمس الدین حسین اقدس سره ذی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
 رحلت کردند بعد پنج ماه و شش سال سر سال یک هزار و دویصد و پنجاه و نهم شهر محرم الحرام
 پانزدهم تاییح بود از اولاد سه پسر ماند و دود دختران قصدا کردند یکے محمد و سه
 نام نام پسر کلانے سید شاه فدا حسین بیت ایشان را از جد بزرگوار خود
 بطریقہ عالیہ چشتیہ تبریت باطنہ از انخی الا عظم شاه محمد قاسم علیہ الرحمۃ بعد
 والد خود جانشین شدند بتولیت نہایت پر سلیقہ بودند و خلیق و مسافر پرور
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روسا شهر در گرد اخلاق بودند شہرہ آفاق
 با وجودیکہ آن تحصیل علم ظاہر بودند معر سال ولادت آنجناب در اوائل شهر
 ربیع الاول در سن یک هزار و دویصد و سنی ہجری بمشخصت مسہ سال
 کردند انتقال بسال یک هزار و دویصد و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در
 قصبہ نسیر ہم پہلوی انخی کلانے وفات شهر رمضان شریف تاییح
 پانزدہم حصہ ترکہ خود بوارثان صلیح بہم شرعی اوند و دو برادر زادہ خود را نیز
 تعلیم تبریت نموده از وارثان گردانیدہ بہر کہ حصہ دادند سوائے آنکہ برادر
 خود بودند موجود ندانند بے ہمہ وارثان ترکہ را خوردنوش نمودند با وجودیکہ
 موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر
 متولد شد با یام صغری سنی فوت شدند مذکور العبد الا ارحم سہ پسر و سہ دختر

همیشه بود مشغول جلیله روزگار حکام بودند بسیار راضی و خوشنود و گاهی خانه نشین
 شده کردند مشغول کتاب گاهانی کردند تجارت الغرض بشندگانای کسے آوران و دستان
 محتاج و عالی همت و ذی مروت صاحب جود کرم و سخاوت همیشه مانند نذیر بجا
 و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از مسماة قادریه بگیم مدعو افت النساء
 بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس العدره و غیره
 اولاد شد پنج دود دختر و سه پسر پسر او سید علی حسن سه ساله وفات یافت
 رو بر کرم مادر و پسر و جد و جد و دود و پسر مانند بعد رحلت والدین سال
 یکم از او و دود و جد و جد و دود و پسر و دود و پسر و دود و پسر و دود و پسر و دود و پسر
 شهر فحجه روز دوشنبه رو برو والدین خود همه با غریزان و بزرگان محزون
 و غمگین شدند بر لال دختر کلانی آنحضرت مسماة ولایت النساء که خدا شدند از
 سید امیر احمد بن میر فقیر العبد بودند صاحب عفت و حیاء بیت ایشان را بطریق
 عالی تقشبنده از خضر خود حضرت سید شاه غلام حسن شهدی بود و تربیت با
 نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذی مراقبه و
 مشغول بذكر الهی با وجود اعیانه الله تعالی اولاد پنج سیده و دختر و سه پسر یک پسر
 در صغری بمراد الا کلانی که خدا شده نوجوان ذی اولاد شد نام بود و وجهه الله
 مدعو بنی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف الیوا حسن نوجوان هر دو وفات یافتند
 اولاد دختران ذی اولاد شد کلانی دختر مسماة زهره از سید مخدوم بخش این سید

قدس سره و تربیت معنویه از حضرت پیرم شد سید شاه قمرالدین حسین

قدس سره بطریقه عالیہ ابوالعلائیہ و مجاز نیز از اخوی کلانی اندشادی اولی ایشان
از نسماة محمد و مہ دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و معرفت بودند این فقیر
چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میرا کتمش رئیس شهر

هنوز اند زوجه موجود آلا از اولاد نیز بمقتضی

شماره چهارم شجره فرج سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد سید
الساکنین حضرت میر سید سلطان احمد پیر سوم حضرت سید گواصلین
سید شاه غلام حسین قدس سره

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و صد و شش هجری
بماه شعبان العظمی روز چهارشنبه تاریخ دوازدهم این حضرت در فرزندان والد
اجل و اکمل و ذی اقبال بوده اند و خوب صورت جوان بسیرت لائق تحسین سرعنان
تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل
ظاہری حبیت افزون نموند چون پهلوان صاحب قوت و زور بیعت آنحضرت
بود بطریقه عالیہ قادیان حضرت تاج العارفین مخدوم شاه حسن علی
که یکی از خلفا و اکملین حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بود
و تربیت معنوی بطریقه ابوالعلائیہ منعم و خلافت آنحضرت بود در نوجوانی صاحب
ارشاد شدند مریدان بسیار و حسب خواہش که بسعی بازوے خود او قنات

بسال یک هزار و دصد و بیست شش هجری دهم شهر ذی قعدہ روز یکشنبه فوت
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از
 هر یک اعظام خود نمودند روز مرقه فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری
 چند بار نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دختر خود عم کلانے گردید از سنا
 امت الرسول عرت رسول از لطن این بی بی بعد چند سال شادی او را شد
 دو دختر و یک پسر در ازل تربیت و تعلیم طریقه ابوالمسلا بنا حضرت خال اعظم
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال
 تعلیم میرد اخند چون از اینجا کشور و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت
 بیعت بطریقه نقشبندیہ ابوالمسلا به شهر آله اباد رفته از جناب حضرت مطلب شریف
 مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابوالبکرات قدس سره ساختند بعد
 در صحبت بابرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المتقین حکیم شاه مظهر حسین
 قدس سره جانشین و خلع الرشید حضرت واصل بالله حضرت شاه
 فرحت الله قدس سره مخاطب به حس و دست فیض طریقه مذکور گرفتند
 بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرار باطنه ما دون بخلاف نشند و نیز خلافت
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجه ابوالمحسین قدس سره
 ابن و خلع الرشید حضرت قطب العاشقین ما دون ما جازت اخذ بیعت بطریقه
 گردیدند بفضلهم از هر دو جانعات یافته سجاده ارشاد و ترشد بربشته پیری بمردان

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر و دو دختر یکی دختر زوجه محمد کبیر و
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهور الحسن که خدا از دختر برادر هم یکم
 سید محمد کاظم یک دخترست موسوم عظیمه فاطمه و ثانی شادی نیز در اتران
 خود نمود و دختر ثانی است الصغیر از زوجه نثی محمد و زیر ابن سید شاه محمد و احد
 مذکور الصدور ذکر اولاد نموده شد و دختر سوم سماء ولی النساء که خدا از سید کمال
 نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین و دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین
 وفات کردند یکی دختر که خدا از سید حامد رسول خیر میر علی سجاد پهلوانی و فرزندان
 داد و دومی هنوز ناکه خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعوبت آن پسر
 و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز ناکه خدا الاشغل تحصیل علم و روزگار اند و دختر
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد سماء شمس النساء که در عمر ازین فقیر نخواهد
 خورد و بود بیعت بطریق عالیه قادیانیه در می نمود از حضرت جد ماجد سید الواصلین و
 مشغولی باطنه بودند که خدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت السدیک دختر
 شده بود سینه له بمرز نام بود و دختر السابیده که اولاد نشد بعد پنجاه و شصت
 سال رحلت نمود مثل عارفه زمانه بدر کسبج الهی بیست و دوم شهر ربیع الثانی جمیع
 بسال یکزار و دو صد و نو و پنج هجری رحلت کردند تدفین هم پهلوانی خواهر کلانی خود
 پسر کلان حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اخوی کلانی این فانی جانا
 معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

الا باوصاف حمیده از همه برادران مکرم بنسبت جوهر ذاتی و صفاتی سبحان الله
 ولادت آنحضرت بسال یک هزار و دویصد و نوده هجری بانه سوال المکرم تاریخ
 یازدهم روز پنجشنبه واقع از بیان حضرت پیر دستگیر جدا محمد قدس سره کی
 کمالیت در علم عربی و فارسی و نظم و شعر بود بسیار در حکمت حکیم صادق صاحب
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم و در رقم نجفی و حلی و هر خط تحریر
 می نمودند بخت حضرت را بطریقه عالی نقشبندیه ابوالمسلسله از جناب حضرت
 قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره و نیز اجازت
 و خلافت یافتند از آنحضرت ماندند در صحبت تبریت الا کشود فیصن باطنه بطریقه
 مذکور از جناب انخی الاعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره که او مضاف
 و همزعت نیز بود انداختی عماد قلم نیز می بخوش رقی از اخیش عماد انوشی سید محمد حلیل
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنه بمطرب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ
 غلام نبی خان بودند و استاد حاکم وقت و نیز عمده که توالی نمودند بمرتب
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسابت سید شاه ولی احمد بلخی
 علیه الرحمه گردید اولاد شد و و پسرو چند دختران پس خوردمسمی سید اشرف حسین
 بصغر سنی بر حلت نمود و نیز چند دختران الایک دختر کلانی سماه میریم النسا که خدا
 شد انداز سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عقیقه شدند و دختران
 وفات شدند بکم سنی بعد از آن انهم رحلت کردند و فرزندان جمند زبیه بلند را نام

رسیدند اکثر باران قیضیاب انداز نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید
ایشان را بیعت و تربیت از ایشان ست و نیز بنیره برادر خالائی مرید و مستر شد
بعد از تحال انخی سید شاه فدا حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی دیهات
نشستند با نظام سرداری و زمینداری از عرصه سه سال بعراضه مجبور اند آمدند
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله در گذشت ثانی یک پسر
موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کلانی
گردید ذی اولاد است و دست موجود بنام زین الدین حسین طال اعظم
و دو فرزند کلانی و ثانی در گذشتند و دختر ثانی اخی اعسانی بی بی ظهور و فاطمه
دعوا محب النساء از صاحبزاده خود جناب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذی اولاد اند بعد فوت
دختر و لدی موجود است الله تعالی ثمرتی عمر کند و حالا سن شریف انخی کلانی از هفتاد
بالا الا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کترین ایشان ست

این حقیر مسکین غطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد داشت

شماره پنجم شجره بخت فرع سوم اصل اولی در ذکر حماد حضرت سید شاه
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین
قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید محمد الدین احمد معروف بید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

هجری هفتم شهر رجب المرجب بمیرنجاه و یک جناب علم المحترم اوستاد می مولائی
 حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال فرارست در جوار والد ماجد خود
 عالی تبار یا می که سفر حج بود این خاکسار بسال یک هزار و دو صد و شصت
 هجری البد تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد
 ایشان را از اید عمر بخش که بالفعل زرب سجادگی جدا مجذبه خود اند اگر چه چاک
 ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جدا دری درینجا موقع بود چونکه ذکر مصائب
 آنحضرت است ما قبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبدالننان قدس سره
 مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین خا^{عظم} ال
 ویر و تنگیر حضرت سید شاه عبدالننان قادری مع ذکر اولاد ایشان
 واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت
 سید شاه عبدالننان قادری بالا نوسه است درین کتاب به نسبت دوم باب
 اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب جانی عو^{عظم} شالا عظم محی الدین سید عبدالقادر
 جیلانی رحمه الله علیه الالبیان کیفیت که یک کرسی نسب ضرورتا معلوم گردد
 بنام معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
 حضرت سیدی سیف الدین عبدالوہاب ابن حضرت عو^{عظم} شالا عظم الثقیین از
 ملتان تشریف آورده در شهر دہلی بزبان سلطنت بادشاہ عالمگیر خانہ خود
 بیرون دہلی در وازہ شاہ جهان آباد یعنی در دہلی قدیم بسا سخت و بارشاد

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از همه اخوان دارند
 فوقیت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطلب نوشته علاج بیمار ان مینمایند
 دست شفا هست و هر یک عزیزان در کتب درسی نیز شاگردانند حصول بیت
 ایشان بطریق عالیست و تشبیه از جد امجد حضرت سید ابو اصفهین سید
 شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز ظانی نیست
 اگر چه ارشاد ظاهر از کسی جانیست که خدائی ایشان از دختر خال خورد
 سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی
 مسماة فریدون النساء از بطن این عقیقه چندا ولد شد و سه پسر و یک دختر
 به کم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود که خدا اند و دختر کلانی
 منسوب از سید ظهور الحسن ابن سید محمد و من بخش و ثانی منسوب از سید کریم
 مسماة است النساء از اولاد هر دو آند مذکور الصدر الا پسر که نام سید
 عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاهری
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد
 دیگر پرچشیت است الا ذکاوت کثیر بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است
 بفرزندى این فقیر مقبول است الله تعالی ترقی نماید و توفیق حس تدبیری
 دهد زاید که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالی
 عطا فرماید و طور آبا و اجداد بخشند و بخشند عمر مزاید سال بکثیر از و صد شصت

و فرزند ایشان بودند حضرت سید شاه عبدالعزیز یانی خلف ایشان
 سید محمد سر فر از لقب با امنیاز جاے در مدرسه مخفی حال شهر بودند و اذیع با
 ولادت جناب حضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر متانی درین شهر
 دہلی در سال یکہزار و ہفتاد و ہجری بسن شعوبیت و تربیت تعلیم باطنہ طریقہ
 قادریہ از والد ماجد و حصول ساختند و وقت انتقال والد ماجد سی سالہ بودند
 انتقال آنجناب بسال یکہزار و نوودہ و نہم ہجری کار معاینہ آمد فتوحات مزاراتہ
 روزانہ بیشتر بود از مردان و متقدین امر از سلطانین بسیار کسان بر سفرہ
 ہمنوال طعام علاوہ لنگر خانہ بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان
 بدستور کار خانہ ماند اگرچہ راجہ اندیا متفقہ چین بودند شل مردان کیے از ان
 راجہ خیالی رام و پسر شان راجہ سادہ و رام ببرکت دعا برین حضرت بہ طلب
 رسید انتہای عمر گردید کسی فرزند بود چونہ آمد ششی در عالم خواب مشرف از جہاں خست
 محبوب جانی شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا میمانی پر ملائیل و چہ
 داری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواہر خورد را کہ اورا مثل
 دختر پروردی و میدانی در نصیب او اولاد ہست اورا کتخدکن از کیے فرزند را
 کہ دار نام محمد سر فر از لاری بہت با امنیاز ہر گاہ از خواب شدنبیدار
 و گشتند ہوشیار شدند و تجسس و تلاش ان نامدارا خبر ملاقات شد چہ و نشان
 در یافتند بخانہ آوردند خواہر خود بی بی پارسا را بساعت سعید در زوجیت

مرشد یاران و مردان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلافت کردید با شرواحام در
 حصول فیض عام بادشاه و ارکان شاهی معتقد گردید این بزرگ آراء با اجازت
 از بغداد شریف آمده چند پشت در اینجا اقامت پذیر شدند و در ملتان
 یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن
 سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
 حضرت سید الدین عبد الوهاب غلغله الرشید کلانی حضرت عوث الاعظم سید
 عبد القادر جیلانی محبوب بجانی رضی الله عنه و غلغله حضرت سید شمس الدین
 قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبد القادر ثانی یکبار در دہلی آمده چند اقامت
 کرده باز بسوئے ملتان کہ وطن جدید شد از برگران تشریف بردند پس ایشان
 سید عبد الزاق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب
 اثر و قادریه باز تشریف آوردند در دہلی در زمان سلاطین پیشین چند سال
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شهر شدند نفیم زان بعد تشریف بردند سو
 ملتان ابنه محمد یحییٰ ابنه سید داؤد فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
 ملتانی ملقب بسید عیث الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف
 بردند و نیز جمعیت ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عبد العزیز کہ فرزند
 موسی عوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاد و نشین بغداد شریف
 جائے عزالت نشین شدند و سالها در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

عرت فرزانه بیگم دسین سرین حضرت سید شاه عبدالمنان پنجاه و هفت
 سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی
 زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی قویمسا مدعوبی بی صاحبه و نام والده
 حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد
 بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود و آنقدر در دنیا زینت
 از زبان محسن و مدح شنیده یا و داشت بهر علم عزیزان نگاشت القصه بطریق
 زوجه آنحضرت اول دختر متولد شدند بنام محمدی بیگم در دلی بیام صغری
 رحلت یافتند بسال یک هزار و یک صد و هفتاد و نه هجری فرزند بی در خفا لم بوجد
 آمدند در دلی موسوم شدند بسید علام عبدالقادر اعزان و مریدان را
 از ظهور ایشان مسرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر بمهر چار ساله
 شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاه عبدالمنان
 قدس سره تشریف دیار دینی شهر عظیم آباد بیش آن گردید که یکی از مغرور متفکرین
 راجه سادهورام بحکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بدین منصوب شد
 و علا قجات محال و هیات این جوار بدله الحوار عطا شد چون راجه مذکور آمد
 اقامت چند سال درین شهر نمود و درخواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند
 عریضه نوشتند که آب و هوا اینجوار بر سر اعتدال و از زانی غله بنسبت انجا کمال
 حضوری سرفراز فرمایند بر تخریر راجه مذکور حضورتها بهر تفسیر صحیح تشریف آوردند

او شان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکم
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
 عبدالمنان تا حیات خود بعد اخذ بیت تربیت و تعلیم بطریق عالییه قادر
 کردند و بجای فرزند صلبی نداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکم هزار و
 و هفتاد هجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شهر و متفقین
 و مسترشدین شدند سجاد نشین ترکه دستور نیازات و اعزاز بود بجا آوردند
 ازندورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرب بودند که خدای تموده بودند روزی صین
 و ضو دست خود بر روی مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
 اولاد میفرماید که ام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد در آنوقت سید محمد مهدی
 ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عید الزراقی خلف ثانی حضرت
 محبوب جهانی رضی الله عنه بودند و اراکین سلطنت بادشاهی مخاطب سید محمد
 از مریدان محضین حضرت سید شاه عبدالمنان قدس سره بودند دست
 عرض ساختند باین دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران
 شدند و ده ساله شده بعارضه و احد فوت شدند حالا این دختر بوده است
 ده ساله نیست کرده بودم که بکنیزی حضور دهم در بیت چنین کلمه ارشاد شد
 زهی نصیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یابد آخر از آن حضرت عقد
 نکاح واقع شد بزوجیت در آن زمان آن مخدومه بی بی اشرف النساء بود

بی بی لطف النساء این مخدومه بودند چند ماه که انتقال جناب حضرت شاه عبداللہ
 قدس سرہ شدہ بود بمصر رفتند چہرے بالابتیاح چہارم شہر زیعہ مہسال
 یکہزار و یک صد و نودہ و یک ہجری بمصر دوازده سالگی بودند حضرت سید شاہ
 غلام عبید القادر اجازت سلاسل خاندان خود رو بہ رو دادند و فرمودند عالم
 صبیست شما بیعت کسی از مشایخ دران نمائی بروز چہارم حاضرین مقتصدین
 ایشان را زیب عبادہ نمودند بعد دو سال بطریقہ عالیہ قادر بیعت حصول
 ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سرہ کہ جانشین و میر
 و خلیفہ حضرت قطب العالم مخدوم شاہ محمد نعم قدس سرہ بودند دران لب
 از ایشان سلسلہ بیعت اجرا شد و خواہر کلان خود را در زوجیت دادند میر سید
 محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان
 و خواہر شوہر را بر زوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند کہ ایشان
 از شرفار و رئیس این شہر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
 بصغر سنی وفات یافت بعدہ والدہ شان و از بطن خواہر کلانہ یک دختر متولد
 شد ند اول سماء امیر النساء امانی بیگم زوی اولاد شدند و یک پسر نیز
 شدہ بود سہمی غلام رسول انہم بعد رحلت والدہ بگذشت ازین عالم راحہ
 مذکور بہ صرف خانقاہ معین کردہ از سرکار سارن و چنپارن دور و سیر روز نہ
 ولولہ گانوں و چند دیہات ہمہ رباب شد دیہات کہ خدائی امانی بیگم از سرکار

چند استقامت کرده بعرض راجه مذکور از شهر دلی متعلقان خود را مع اهل
 و عیال و مریدان با کمال طلبی بقتل وقت تشریف آوری بیگم صاحبه اکثر مریدان
 و معتقدین را بنخاندان آمدند همراه یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلاطین
 از قرقه کبوه و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسن
 و مریدان مہتمم کار خاص میردگاہی و میرجمعیّت علی عرف میرپنگا و غیره و مع
 پرستاران بجمعیّت درینجا آمدند راجه مذکور هر یک حسب لیاقت بنواخت
 کہ بعد برہمی کار و بار ہم ازین شهر نرفتند و رنجار حلت ساختند سواری زنانی
 بگردون رتہ شناسی آمده بودند آن نرگاوان بر اسپان فوق داشتند و
 حضرت سید شاہ عبدالقادر چار سال چند ماہ بود در اینجا آمده بعد یکسال
 دختر کلانی تولد یافتند از اینجا کہ در شهر عظیم آباد متولد شدند نام عظیم النساء
 نهادہ شدند از بعد عمارت مکان بہر اقامت و خلوت طیار شد بارہ درمی و
 خانقاہ بہر عرص بزرگان انہم استماع است از زرگران و بہر عمارت از زمین
 کہ کل می بر آوردند خندق شدہ بود مشہور گر گری شاہ عبدالمنان خالا انرا دید
 با سحریت منہا آن بطور افسانہ ماند کجا شد آن کار خانہ کا شانہ نمی نمایند
 جایی گر گرفتیت و پراپی آرند چون بسال یکہزار و یک صد و هفتاد و سہ تولد یافتند
 دختر کلانی بعد سہ سال تولد شدند دختر ثانی سماء فہیماء النساء و بسال یکہزار
 و یک صد و نود و چہ ہجری متولد شدند دختر ثالثہ یعنی حدہ مادری این خاکسار

پیچ نهادند بجز روزینه از سر کارانهم تاحیات حضرت جدادری ماندند آن
نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی در کیفیت حالات جناب حضرت
سید شاه شمس الدین حسین جدادری این خاکسار تنبیه کفر فرزندان
و اولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت
سید شاه ولی الدجنت آرامگاه ولد حضرت سید المجدومین حضرت سید شاه محمد
قدس سره نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جدادری فقیر یعنی سید
شاه غلام حسین قدس سره دلالت یافتند در سال یک هزار و یکصد و هشتاد
و دو دوم نایکم شهر جادی الاول بعد انتقال جدادری خود تربیت و تعلیم علم ظاهر
انچه که شد بحضرت ایشان از انخی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی
مسبح المدخواندند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس
باید دانست آنحضرت بودند و هیچ کمال پاکیزه صورت جمال فکر و ذهن رسا
در علم خیر از انجمله طلب کیا هم بود و باشان و شوکت ملاقات راجه های
دیار و بادشاه در دلی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال
اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لقب شایان یافتند آنزمان
بادشاه در ملک سلطنت پنج حکومت نبود باقی که تعداد مواضع از معانی

ابن میر بهادر علی ساکن شیخپوره گردید یک دختر متولد عبد النساء جوان شد
 تا کنج ازلت کردند الا پس که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاه
 غلام قادر را از جد مادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود
 که هر دو بزرگ مرید یک مبر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
 آنحضرت کردند از خواهر ثالث انجناب مسماة لطیف النساء که مایان از دریا
 ایشان استم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور سانس یکطرف کفر
 ایکطرف اسلام پیرو ملتان مرید ساد حورام در صحبت بابرکت آخر اسلام
 قبول نمود موسن شد یک رئیس بنود در سال یکزار و دوهصد و دویست و پنج یا زده
 شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر نجم ربست و سه
 سال بعد رحلت والد ماجد یازده سال بقیه حیات بوده تعلیم تربیت باطنه
 بمریدان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند آلا شادی نموده بودند حضور وقت
 انتقال چنین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر خود است
 والد ماجد نیز همین فرمودند بودند آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد
 وفات کارخانه مشایخی و پیروان بکر و فرمود چون مده ماجده والده این فقیر
 و نیز جناب جد مادری راه بسجوات داده ثروت از دست بیاد او انداختند

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند هر دو از برادران
 عم و دندگور شدند که اولاد دختر خور که از هم برادر و خواهر بودند خور و سماء و سیح
 فاطمه بنیکم که خدا شدند از میر سید نسیم السطان سید رحیم السد ولد سید فہیم السد
 اہل سکونت دریا پار کشن پور کشو ضلع ترہٹ الاسبب مانعت خانہ انی
 گاہے رفتند بخیر پورہ در خانہ داری و آبائی مانند در حلت کردند چون در تقدیر
 قضا اولاد نشد برادرزادہ خود سید شاہ مبارک حسین را دین خاکسار و عسکری
 پیر و شش کردند مانند پسران خود بمسال یکہزار و دصد و ہفتاد و ہجری حلت نمود
 و یک پسر سید برکت حسین و دختر سماء قدیر النساء ازین خواہر خور و کلانی و ازہر
 برادر و خواہر خور دسہ یا چار سالہ شدہ وفات یافتند الا پسر ثانی ذی ولد شد
 سید شاہ جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاہ شمس الدین حسین قدس سرہ
 ولادت شد ایشان یکہزار و دصد و دہ ہجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود
 کہ محتاج از تحریر نمودند الا در سپاہگری دخل داشتند بسیار چندی برفاقت
 ماند بر اجداد گویا بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
 شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ بہر حال در علم موسیقی نیرداشته
 بسیار دخل شادی آنجناب بخانہ رئیس شہر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
 شد از سماء حیثات النساء یک دختر شد از بطن ابن بی بی سماء محفوظ
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی کہ خدا شدند السد تعالی اولاد بخشید

بجز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره کردند
 بیعت بطریقه عالیّه قایم کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنه مستفیده
 مشرف بخلافت شدند باصر حضرت اخوی کلانی محمود والد ماجد متاهل شد لیل
 یکبار و دو صد سه شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماء لطف النسابت
 حضرت سید عبدالمنان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب پیری و
 ضعیفی و معذوری پایی بود و جد و حال الا بر رخ عانی عیان بود کیفیت
 مراقبه و شاهده حق و ذمی قوت در سوار کی کمالیت داشتند در فن
 سپاه کرمی و غل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا بر کفایت اهل و عیال
 الا مردم سخی حوصله بلند داشتند چند سال بر فاق و بهمنشینی نواب شیخ الدوله
 و نواب اصف الدوله تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
 شد خانه نشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد عمر سی سالگی در آن سال
 آخر در چهاردهم ذی قعده بروز عرض حضرت شاه عبدالمنان قدس سره تولد
 یافتند فرزند کلانی زبیه بلند حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
 ولادت از لفظ ظهور محمدی برآمد الله تعالی سه پسر و چهار دختر با حضرت
 عنایت فرمودند دختر کلانی سماء بی بی فصیح النساکه از سید شاه فرید الدین
 که خدا شد بزرگ فرزند آن ماقبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساکه

فیض نگاه شادین کرد اثر برین چنین گشتم اران طرب گرین چون نشوم کدالم

هستی اسی شاه قمر دین هست مرا بدل یقین

هست غلام کترین فانی خاک کیا سے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدس سره الکاملین ارشاد الباکلین سید

شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جد مادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین

نواسه جناب حضرت سید شاه عبدالمنان قادری خواهرزاده حضرت سید شاه

غلام عبدالقادر قادری که مفقود بود بوجود این اکمل المتحققین بیدار و پسر

این فرزند عالی گهر دلاوت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و سه هجری

ظهور محمد چهاردهم ذیقعد روز دوشنبه بروز عرس جد مادری خود حضرت

سید شاه عبدالمنان قادری لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن

مثل شمس و قمر سه

عین در صورت قمر دیکھا

سر بر شمع و لائق تعریف

جلوه حق جو بھر نظر دیکھا

ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف

متور گردند جانب جد مادری سجاده براہ حق مستعد و بفیض بخشی خلایق ائامہ علوم

با و آنحضرت در عمر هفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم قمر از زبان قدامت

چهارده سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند

تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطغولیت و جوانی الا پسر کلانی سید
کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و پسر و
دو دختر اند یک که خدا و دومی نا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین
مذکور الصدر الا پسر ثانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی این
فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خداست از دختر حکیم قربا نعلی
در اقران جدی خود یک دختر شده بود و مرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی بی
فیما النساء که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مدظله

شجره طیبه لاثمانی و حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر
سلطان السالکین عمدة العارفين سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
سر معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

فرحت دل شود مرا از مدح شنای تو	برکت جان من بود سرخونم سپای تو
مرشد پاک مقتدا ترند آمل مصطفی	خلد برین ست جامی تو بخت حق نقضای تو

مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی	چونکه توی خدا نما عاشق شد خدا می تو
سر خدا سینه ام جلو به پاک دیده ام	ستکه بحق رسیده ام از سبب لای تو
خاکدست سگ حضور سیر نمود و درو	فیض چو شد ز من ظهور بود همه عطای تو
ازدوبست در دلم تابد رت اگر رسم	سر مرچشم خود کنم خاک در سراے تو
کرد فراق تو بمن هوش نماند جان تن	بیکاشد از زمین محن از روی تقای تو

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقہ سدا سہا گیه کہ
 می پونند از حضرت موسی سہاگ کہ وہ بہ شاقی ان شغل اشغال و ذکر از فیض
 معمو گشتند کہ یاران را در وقت وجود حال طور رقصیہ میشود قوی تر نسبت شد بہ کہ چلی
 بعدہ از مرزا جان سرور بی بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و ان بدگیر یاران تعلیم
 نفرمودند بجز مرزا الف بیگ مرحوم میفرمودند انچہ کہ از مرزا صاحب گرفتہ ہمہ زادا
 علاوہ ازین اویسیہ بود بغیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت مخدوم
 شہاب الدین پیر جگجوت قدس سرہ ذی فیض روحی حضرت نور الدین
 عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت خیر
 رحمہ اللہ علیہ بدان وسیلہ در تقنی بود کمال شدہ بدین فیضان مالا مال
 گشتند اہل کمال ہر گاہ ہمہ فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشد و تشریف
 شد جاری خلافت نیز از ہر جا شد حصول کہ در شہر عظیم آبا و مشہور و فیضان رسید
 دورہ و اتفاق بیعت ما اندم نشدہ بود بعمر اخیر در شہر الہ آباد رفتہ از پیر دستگیر
 حضرت سید شاہ ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند
 الا کہ رامردی ساختند بجز تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند
 بعض بعض را مشرت بخلاف ساختند در زمرہ عزیزان خود خلافت بخشیدند
 یکی باخی الاعظم حضرت سید شاہ محمد قاسم برادر عمہ زادین فقیر و ہم
 مشرت ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر ہر چند بہر اخذ بیعت خلقت

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاءه ازین ذی فنون و فضل
در علم موسیقی کمال بر قلب میزد و بعد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب نتواند
الّا علاج مریضان باستانه میگردید بیا بصحت میرسید در سن بیست و دو
سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعد به نجات
قدوه اشایخی جناب حضرت اسرار نجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره
در تربیت صحبت یکماه چون در الوقت فائده تشریف نگشت زان بعد حاضر شده
در خدمت بابرکت مظهر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند در این
بسبب غیبت آنحضرت فائده نشین غرت گزین گشتند حسب اتفاق تشریف آورد
جناب حضرت واصل بامد حکیم شاه وحش الد المصطفی حسن دوست
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چمپره بردند در اقامت شش ماه
در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه خودی و استغراق دست داد
و فکر که درین طریقه شل جان است تا آنوقت صورت زیسته بود حصول گشت
در انصراف انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد چنان شدند
که انظر من الشمس است حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دوز برگ

و در اسن جده ماجده و عمه پرورش یافتند و آن بعد بصره کثیر حسب اتفاق
 وقت شادی ثانی کردند قبول از سماء بی بی با دشا به یکم دختر خواجه محمد یث
 رحمه الله علیه احرازی از لطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بعد بر سنی شد و در حال بعد یک سال والد
 ماجده نیز آن نونهال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بحساب بجز دی بگذشت
 از یک فرزند شد و فرزند آن که هنوز موجود اند به نام دشان قره العین مایان
 بسال یکزار و دصد و چهل هجری والد ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال یکزار
 و دصد و چهل و نه آغاز سال هجری با حضور کردند والد ماجده آنحضرت
 انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از دستای بلغ الشعر مولوی اگر علی
 صاحب بناری یا دست نوشته سی آید که ما ماند بنظرین

قطعه

عالمی معمور شد از شور و شین	قطب عصر چون از نیلالم گذشت
شد بواهب شاه شمس الدین	با تفسیر شوریده دل ارشاد کرد
و نیز این خاکسار گفت بزبان اردو و صوری و معنوی جسته حسب حال	

قطعه

جب کیا نانا فی میرے انتقال	دوسری تاریخ تھی ماہ صفر
بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال	روز جمہ و در تھا وقت عصر

دامنگیر غده با فرمودند بقوله خواجگان پیشین در شعی بندنا در یاری کبشانی بعد
 حصول سعیت چند ماه ماندند بقید حیات سبحان فتوح نذر اندازی نکردند قبول
 و نه ادای عرس بزمه خاص نبود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند مجلس
 بودند نمایان و بغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سعد عثمان نه ترک از معاش
 پدری گرفتند بوجه معاش میفرمودند من تاب نداریم این قماش بخر تو کسب
 تجارت آنهم نه دوکان باراری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
 اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید و فروخت شالی و غیره و کیفیت غذای
 آنحضرت چه نویسد یک وقت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی به روغن گاهی
 بدرقه تبرکاری و غیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود بران عادی نمی شدند
 للجبهر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید حیران در غذا مادر لباس لباس بر کلفت
 می پوشیدند بطور یاد شا باند که بدانطور کسی را نمی شد میسر و نه عادت بود
 خوردن طعام رسمیه و غرت و یک وقت معمول بود بدر رس تدیس غریزان
 و از نصف روز تا شام وقت شبه یک پاس بیاران در طلقه مراقبه بود و بریت
 و تعلیم در زبان والدین مجوزی بسیار و اصرار اول شادی در قصبه بهمار گردید
 بمحله بلخی از سماء فی بی ریاضا النساء دختر خجسته اختر سید شاه ولی احمد
 بلخی از بطن آنخود و نه تولد شد ندیک فرزند ارجمند رتبه بلند رسید شاه
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوج کردند انتقال خود گذارشته بودند

اونکے در کی کسے گدائے جو	بخشتے اذکو سیم وزر دیکھا
جسکے اوپر پڑی نگاہ فیض	اوسکو نہ ہوش و بختہ دیکھا
فرحت افزا نہوئے کیونکر دل	آپکو جب بچشم تر دیکھا
ادب میں برکات کی ہوں پاتا بو	باعث عشق یہ اثر دیکھا
شعاعی بنی تین تین کہتے لوگ	اوسا منعم نکوئی بشر دیکھا
وہ نہ آئینگے میری جائے تن	اسکو ہر بار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی

غیر کو پھر نہ آنکھ بھر دیکھا

شمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ
مبارک حسین خلف الریدرتبہ مجید حضرت قطب العصر مع
ذکر اولاد امجاد سان

انور باداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ
مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دوصد و سی و دو
ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذی قعدہ چار دہم بادۃ تاریخ ولد آنجناب
منظور بدل بخانہ فیض کا شانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے
نولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقول
فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم مذکور

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور مادہ تاریخ یون لایا نکال
 شمس دنیا دین جب ہو گی غروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال
 انقض بعد ہفت سال انتقال حضرت عداوری آنحضرت پر دم شد نیز یافتند
 وصال بسال یکہزار و دصد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت
 صبح صادق روز چہار شنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگزیدہ
 از کلام مینماید درین اوراق رقم

قطع

روز ہجرات یا شب تاری	شمس یا در لباس ماتم ہست
چرخ میگوید از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توصیف چند انگہ کنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و اتحیر بر مسلم ظہور محمد سال
 ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ محمد بے بر آید لی آخرت
 سال رحلت تعمیہ است از سر حریت مزار فیض آثار در احاطہ مسجد
 در جوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد منعم عالی تبار فیض
 از بصیرت نماید بہار

عشر تمام

جس لوہ حق جو بھ نظر دیکھا	عین در صورت تشر دیکھا
مترتب فقر و شان شاہی میں	ایسا کوئی نہیں بشر دیکھا

شده در عمر بست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال کینزار و دود صد
 و هشتاد و هفت هجری جاے حسرت است و غم و الم و دومی سید شاه
 عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و از بیعت
 ایشانرا هست از عم الاصفیر سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد و برادر
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بذانظر رقیه ست سومی سید
 شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور و عربی و فارسی
 شاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاظم مدوح شادی این هر دو برادر
 کردند بمقام سیوان از دقتان شیخ غلام محمدانی شیوخ عثمانی و دختر
 دومی کردند انتقال فرزند انند سپر چارمی سید رضی الدین حسن
 که در دانا پور از دختر سید شاه علی حسین صاحب که خداست ذی اولاد
 بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصفیر بار تبه و منزلت برتر حضرت سید
 شاه محمد سجاد الله تعالی ذریت ایشان را دارد و ابا شاد مبارک باد و بجز
 بقیه شجره شجره در کیفیت حال خود مینویسد خاکسار مسکین سید عطاء حسین

ابن سید سلطان احمد

مخفی مباد سنه ولادت خاکسار در سال کینزار و دود صد و سی و دوشهر رمضان
 شریف روز پنجشنبه در فرموده یار پنج جناب حضرت جدادری بود نوشته است
 عطف نیکو سیر عطار حسین بزمسانه سعید گشت ظهور

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیہ نقشبند ابوالعسلانیہ
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت
 و جانشینی سجاده از هر دو بزرگوار جد ماجد والد عالی تبار مزاج مشکور بود
 و وفات و عبارت پسند اخلاق مندر تعلیم تربیت یا ران مشغول یک وقت
 مسبب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار بمدرسه و همعمر بزرگوار
 زائد انس موافقت بود خوش رقم تحریر عبارت نیز در برجه معقول و شاعر بنظیر
 شادی اولی روز و حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عمی
 سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی بی مریم و دختر شدند از آن بی بی
 بعد چندی هر سه یافتند وفات زان بعد شادی ثانی از دختر مامون شان
 کردند از مسماة براتن النساء و دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
 یک دختر از آن زوجه نیز شدند هر دو بمدرسه شادی سوم گردید در خواجہ زادگان
 از دختر خواجہ محمد اکبر علیہ الرحمۃ اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات
 بصغر سن و دو فرزند وفات یافتند الا که داشتند چهار هر یک ذی علم و هوشیار
 یک سید مستیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتختا شدند بیعت بود
 ایشان را از عم الا عظم سید شاه محمد قاسم رحمۃ اللہ علیہ بطریقه عالیہ
 ابوالعلاء و تربیت و تعلیم غیر مغنوبہ الا در اصل اولیہ بودند جد ماجد
 درین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اہل کمال حافظ قرآن

خطبه نیز عید الفطر و عید الفصحی و خطبه هر جمعه تا سال تمام قریب نجا و کتاب نصیحت
 دوازده مجلس مولود آنحضرت سر در کائنات از لفظ تالیف نجی بنی سن تالیف می برآید و
 مولود بهار نسیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود جمید و جز باشد و مولود قادریه بنام
 کرامات بخشنده و مولود حینه و انوار قطبیه لمعات فریده و فیض نظامیه اسرار نقشبندیه
 و مولود شرقی و مولود علاییه هر یکی در احوال هر بزرگان نامی و چهار ملفوظ بزرگان
 و چهار مثنوی سحر و گنجینه ولایا و افسانه و پذیر و سر عطا یک دیوان فارسی و یک
 دیوان اردو و اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب دقیقه السالکین سی جز و کتاب
 کیفیت العاقین در چهل جز تمام و کتاب دقیقه السالکین چهل جز و کتاب
 حقیقت العاقین و چهار مولود صدیقیه و فاروقیه و عثمانیه و مولود مرقصونی تذکر الشهاب
 و فوائد کسریه در محالجات چندان نویسد البته لائق طبع است از کتب با فواید
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد خود نیست از معانیه دریافت
 خواهد شد شعر فضل حق در کار هر دو کار هر دو کیا ببری السدی سرکار هر دو
 القصه بعر شانزده سالگی بیعت بطریقه عالی چشتیه حضرت پیغمبر از جناب
 سید شاه غلام حسین سید الواعلمین جدا مجد خود نمود و پنج سال
 حاضر خدمت شده تربیت و تعلیم بطریقه ابوالعلایه از حضرت پیر مرشد
 سید شاه قمر الدین حسین خال الاعظم استاد المحترم گردید از هر دو جا
 بخلاف شرف یافته علاوه ازین فیضان اولییه در بست و یک سالگی

بود یوم انجیس وقت قطره	بست و سه بود از مه رمضان
چونکه شد گفتنش بدل منظور	سال تولید صاحب اقبال
بینظیر اولیا و بود این پور	شدند اهر ضمیمه شمس الدین

فرستاده یک از مشایخین عالی تبار بزرگ از مردان آنجناب در عقربا یام
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطا الله
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدینطور فداحسین و علی حسین آخر کار
عطا حسین شد مشهور بسبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطا الله
یک از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الرزاق
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح با و تا هفت سال
عمر بعلات بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی
نمود از عمر محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمه الله علیه که ده ساله
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا سپردیدند از علم بهره اند
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی غفر الله له حیدر کنگر
و کتاب طب از مختصات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دسده علاقه حضرت بهار
در عربیت چندان دل ندارد و تافسخه کافیه خوانده است فصل الهی در کاست و تفسیر
قرآن مجید تا پانزده پاره بکلام عربیت بحکم از سبب حاضری حرمین شریفین شجره بعبارت در
پیر خبطه تالیف کرده است و نیز در دو پند تالیف است مختصر و طویل و خطبه عید فریب ده

دو دختران دودیسر به خرسنی حلت کردند و دختر ثانی این فقیر فقیر از سید
 شاه منیر الدین حسین که خدا شده بود پیوه است اولاد ندارد و الله تعالی
 آنمهر را خورستند و از زیاده چه بزرگوار و مریدان تابش به یمنی و اینجا درین دیار
 بسیار چند برابر آلا اکثر و بروی این فقیر کردند که تمام باقی ماندگان مانده بانی
 تذکره در بیان حالات سیادت رضوی نسب که در موضع ابجلا اند موجود
 واضح باد یکی از بزرگان از شیخان قدیم که آزا بالا از دو صد سال گذشته باشد
 از سیادات مشهدی تشریف آوردند درین دیار بدان موضع کردند که
 اختیار هنوز اولادشان در آن موضع هستند موجود سابقین بودند نامور به
 قضا و افتا حالا از پسرزاده ملکی اند زمیندار قرابت از آنها بمصاهرت رافع
 در شرفار اینجوار و نیز از خاکسار باید دانست نام آن بزرگ بود حضرت
 یمن مشهدی رضوی نسب به چند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی
 علیه السلام می پیوند اسامی بزرگان بالا دریافت شد پسر حضرت
 سید مینا مشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف
 فرزندان شان سید بزرگ ابنه سید محمد اسحاق ابنه سید محمد صالح سه پسر
 ایشان یکی سید منور علی پسر شان حکیم امجد علی ابنه حکیم احمد علی ابنه حکیم
 محمد آفاق پسر شان حکیم محمد اسحاق که از دختر خود سید احمد علی دیوردی
 که خدا شدند لا و لایز تهمان وقت پسر دومی سید محمد صالح سید کریم الله ابنه

تا هفت سال بروز گارنا پاند از برفاقت حاکم وقت بسر نمود و بمر بست و دو
 سالگی متایل شد شادی گردید و در قصبه بهار از دختر شاه امیر علی صاحب
 فردوسی که از اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بمر بست هشت سالگی
 ترک روزگار کرده به سفر اختیار کرد و پنج سال در سفر ماند و یار و یار تا ملک حجاز بهر
 زیارت حرمین شیرین مکه معظمه و مدینه منوره و زیارات بزرگان بعد
 پنج سال معاودت نمود و حاصل لبال یک هزار و دو صد شصت و پنج هجری بمر
 سی و سه سالگی درین قصبه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد به تعلیم مریدان و در عشر
 هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تحریر طول است حالا مع اهل و عیال
 اقامت گزین در قصبه شد از اسی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسید
 به شصت و شش مدعا چنانچه بانچه بدعا خیر از عزیزان دارد از اولاد انبیا فقیر
 حقیر یک پسر و دو دختر شدند نام فرزند سید عطا قطب الدین که از دختر
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که خداست و دو فرزند از بعمری فوت شدند حالا
 یک پسر و یک دختر است سید عطا نظام الدین از جوان به تحصیل علم
 مشغول است و دو دختر کلانی از سید ظهیر الدین حسین که تخته انبری اولاد است
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی نشان عنایت فاطمه عت مجید النساء که
 از سید ظفر الدین ابن سید وحید الدین بهاری و ثانی خورد سال است و یک کلانی
 نشان را نام نور الدین حسین و ثانی را نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار

ذمی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی
 هر دو اولاد و پسر اسند علی سید امجد حسین ذمی ولد اند که خدائی ایشان در
 پهلوانی از دختر سید علی سجاد گردید پسر است بنام احمد حسین و سید امجد علی را
 یک پسر و دو دختر کلانی زوجه شاه رحیم بخش یک پسر و بهاری شاه
 عبدالکریم میره ایشان موجود دختر تانی زوجه میر صاحب علی چند دختران و دو
 پسر سید که بخش دومی سید عبدالسبحان ذمی اولاد هستند و خلف سید امجد علی
 میر ولایت حسین پسر ایشان میر حمایت حسین سه خواهر ایشان یکی زوجه شاه
 رحیم بخش دومی زوجه میر صاحب سومی زوجه ادلی شاه عبدالکریم شادی ایشان
 و شیخ پوره گردید از خواهر میر عباس علی یک دختر شد زوجه سید که بخش بخشی
 ذمی اولاد اند و پسر سید افر علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را نامند
 یا و نام ذمی اولاد هر یک اند و کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا
 مولوی مسندی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انتخاب اند باقی
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از مجانب این دیار مینویسد حال
 ارشیوخ اکا ججاری مشایخ خان عظام قصبه پهلوانی که معروف اند در هر امصار
 و دیار بعد ذکر اولاد فرزندان مخدوم بدر الدین شهباز پوری

تمت کتاب بر ذکر مشایخان قصبه پهلوانی جوارمی اولاد حضرت

جعفر طیار

سید اطمینان سید یوسف علی ابنه ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید
 آل بی که موجود اند یک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواهر
 سید احسان علی منشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی
 بمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یک قاضی فضل علی دومی شیخ عبد الوہاب
 کلان نزار دو پسر یک رانام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواهر زاده
 منشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی
 سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سومی سید محمد حسن
 که بود و از همه برادر کلانی قاضی سید بزرگ ثانی ایشان را پنج فرزند یکی قاضی
 سید احمد علی که تا فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند و دومی سید امجد علی سومی
 سید فرو علی چارمی سید اسد علی پنجمی سولوی سید اشمد علی قاضی سید
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سہ پسر شدند پسر کلانی قاضی احمد علی
 مفتی سید ارشاد علی یک پسر و یک دختر فرزند و یکی سید ریاض علی دومی
 سید میر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یکے منظر حسین دومی افطر حسین
 و نام پسر سید ارشاد علی سید شہاد علی عرف میر چند و دو شادی ایشان شد
 از شادی اول دختر شد و ثانی شادی از دختر شہاد عبد الکرم بان پوری شد اولاد
 اولاد نامند و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان رجب
 میر غلام امام ابن سید گدا علی سہ پسر ایشان احمد امام و محمد امام و اصغر امام سہ

خطیر الحق داماد مولوی نواز ش علی ابن مولوی عبید العلی سوم مولوی شاه
 امیر الحق که بنور سجادہ الہی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چاری
 مولوی صفیر الحق داماد قاضی مخدوم عالم نجفی مولوی فقیر الحق بقیع دختران
 مولوی نصیر الحق را نیز فرزندیست و دختر اینقدر دانست که نکاشت فرزند
 دومی حضرت شاه مجیب الدین شاه عبدالحی یک دختر ایشان زوجه مولوی علی
 والد ماجد قاضی علی اشرف دبی اولاد شده از جهان لا ولد رفتند و پسر شاه
 عبدالحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یک مولوی محمد علی چهار پسر ایشان
 یک مولوی قلندر والد شاه غلام دستگیر و بی مولوی قطبی دورا نام یادند از
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابو الفضل بودند یک دختر ایشان
 زوجه اول مولوی محمد سجاد قادری این حضرت شاه نعمت الدین قادری سحر
 یک دختر و یک پسر شد بایشان از آن محل شاه محمد مصطفی همسر بودند این فقیر را
 یک پسر و یک دختر نام پسران شاه ابو الفضل نام کلانے میان شاه حسین
 و نام ثانی شاه احمد حسین که همسر و شفیق قلبی این خاکسار بودند بعد سفر حج
 مشرف زیارت آستان حضرت غوث پاک شده در بغداد بدانجا عزت و رحلت کردند
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبدالحی شاه ابو القاسم بود
 از دختر صغیر حضرت شاه نعمت الدین قادری از سہ ماہ شمس النساء که خداست در
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد صبی که پر لیاقت و دبی اخلاق بودند که خدا

باید دانست در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر علیا از زنجی
 که بزرگان آمدند بزرگی مسمی امیر عظامه العدا و اولاد بیا حضرت جعفر علیا
 درین دیار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی تبار در قصبه پهلوانی
 بودند یکی از شایستگان کبار شاه ظهیر الدین والد ماجد حضرت شاه مجیب الدین
 قادری یکی از خاصان اهل الله در اینجا شدند غزل نشین ایشانرا بیت
 و تربیت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عماد الدین قلندر
 که برادر بزرگ خسرا حضرت بودند و نیز استفاده باطنه و ارشاد از حضرت مولانا
 محمد وارث رسول نما قادری درین قصبه شدند و متوکلانه غزل گزین و نیز
 خانقاه پیریم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تربیتی یافتند
 مجاهده کردند و نیز درخت تمر چندی جو قات خلأق شدند کیفیت و کرامات
 شدند و بعد از آن در دام خلقت شدند از مریدان خانقاه لبا شدند عمارات بلند القصد
 از برادرزادی پیر انحضرت نیز تولد یافتند باحضرت یکدختر و دو پسر یکی را نام شاه
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و خواهر ایشان پسر ایشان مولوی
 شاه ظهیر الحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظهیر الحق و اسم شاه غلام نقشبند
 ابن شاه عماد الدین قلندر اند از حاصل مولوی شاه ظهیر الحق پانچ پسر و دو دختر
 یکی از فرسب از مولوی مظفر نبی شاه بهار پوری و دیگری کد از مولوی عیسی
 ابن مولوی عبدالحق و نام فرزندان مولوی شاه نصیر الحق و مولوی شاه

مولانا احمدی شد یک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر نوجوان بعالم عنقوان رحلت کردند
 بعد مدت شادی دیگر از دختر شاه محمد اصطفی تریج شد یک پسر شد از بصارت
 معذورده ساله شده بمرد و یک دختر هست سیوه بی اولاد شادی در قرابت شده
 بمولانا احمدی رحمه الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر دختر کلانی زوجه
 مولوی محمد امام رحمه الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمه الله علیه
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی بادی علیه رحمه الله
 که از دختر منغیره جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره که خداوند
 از سماة بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی
 مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الاو دیگر شادی نمودند مولوی بادی
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد برآیم
 مورد رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریست
 ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا مدوح یک دختر زوجه دوم
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر پلنه شد
 از دختر مولوی اشمه علی یک پسر و یک دختر بوجود دادند اما دو پسر و دو
 ایشان بملک بقا چیل بعد عرصه تر که مسماة جهیله دختر مولوی اسمعیل یافتند
 و از شادی سوم مولانا مدوح یک پسر سمس مولوی محمد عارف و چند خواهران ایشان
 با بجا که خداوند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محفل ثانی پسر مولوی

ایشان از دختر غم خور شاه مجتبیٰ ابن شاه شمس الدین چارمی گردید آلا اولاد
 نشد اولاد دختر محل اولی حضرت شاه مجیب الله قادری شاه نور ابو دندک فقر
 ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمة الله علیه
 باد از شادی ثانی حضرت شاه مجیب الله قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر
 یک دختر شاه و عبد الله که حد صحیح و جدا از ایشان هر دو بمنزله بودند نام جد
 و پدر ایشان یادماند شادی اول شاه و عبد الله در نوآباده شد از خواهر شاه
 مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه
 محمد یوسف و دختر شاه و عبد الله زوجه مولوی ابوتراب رحمة الله علیه و از شادی
 ثانی که در جوار سهار شد نجوبی دریافت نیست الا یک صا صبراده شاه محمد مصطفی
 که شادی ایشان از دختر جناب استاد مولوی محمد امام شادیک دختر دوسه پسر
 ایشان شاه نعمت مجیب و شاه هفت الله و سوم شاه اشرف مجیب و دختر
 شاه محمد مصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست
 دختر دیگر حضرت شاه مجیب الله قادری از مولوی شاه وحید الحق که خدا
 شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر دریافت نشد یعنی پسر کلانی نام نامی
 بمرتبه عظامی مولانا احمدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمة الله علیه
 یا دارم ایشان را بجز یک پسر مولوی علی اشرف دیگر بود باورایم بخلد نیست
 رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

و پسر درینجا مناسب افتاده که ذکر فریت مولوی عبدالحی مرحوم نمایم باید دانست
 بمولوی شاه عبدالمغنی سه دختران یک زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد و جم
 و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرد ثالث زوجه مولوی عبدالحی یک دختر ایشان
 زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم پنج پسر یک مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولو
 رعایت حسین دومی مولوی نوازش علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی طاهر الحق
 ابن مولانا طاهر الحق سومی پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا طاهر الحق که خدا ش
 یک پسر ایشان در اما و جناب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال شود و
 بعد از جلیله شد مالا مال لا ولد کردند انتقال پنجمی مولوی محمد یونس نوجوان
 بردند و مولوی عبدالمغنی خلف الرشید مولوی عبدالحی با وجود علم شریعت
 و طریقت که داشتند بی بی حافظ قرآن نیز آنحضرت ذی شان از عالم
 لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهر زاده شان شاه و جید الحق ابن مولوی
 محمد و جبه اندشادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خلف ثانی
 جناب حضرت شاه نعمت الله قدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمه الله علیه
 آنجناب بے نظیر منشی در علم صوری و معنوی بودند شادی ایشان از دختر
 شاه و عد الله شده بود رحمه الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی سلم
 و ارسله حال صاحب سلیم مولوی عبدالحکیم در سن نهم رسیده رحلت کردند اولاد
 و نه بانجناب دیگر اولاد شد فرزند سوم بودند جناب استاد مولوی محمد امام

شاه و حیدر الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر
 سماء جمیله هرگاه از ذکر اولاد هر دو خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره حضرت
 احوال آنجناب مشیخت آنگاه مینویسد واضح باد شادی جناب حضرت شاه نعمت الله
 رحمه الله علیه در قصه چهره موضع گنگنه از ضمیمه حکیم باسوع علیه الرحمة یعنی آنجا
 از بطن آن بی بی اولاد شد نه غیر آن که بطفولیت رفتند هفت پسر موجود و دو
 دختر طاعت کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فردلاریب همه
 کمالات بودند و شادی اولی ایشان از دختر مولوی عبدالغنی یعنی از خواهر
 مولوی شاه عبدالغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابویسان
 جوان شده بکمالات صوری و معنوی رسیده شادی شد از سماء بی بی بتول دختر
 کلانی مولوی محمد امام قادری نو جوان رحیل ملک بقاشدند اولاد نماند و شادی ثانی
 مولوی فردر رحمه الله علیه از ضمیمه مولوی عبدالعلی گردید از بطن ابن زوجه
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده وفات یافتند کلانی مولوی
 شاه نور العین که سجاده نشین بعد پدر بزرگوار شدند شادی ایشان از دختر
 عم خورد مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزندی بود
 خور و سال قضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی
 حبیب رحمه الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبدالعلی از هر دو بطن اولاد دارند و دختران

ابو الفضل شده بود ثانی شادی از دختر خال خور و ایشان گردید یعنی
 از دختر حکیم مظفر پس اند موجود یک مولوی عمر در از نام دیگران
 ندارم یاد فرزند هفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان
 از دختر خال کلانی حکیم واعظ السهروردی بودند فرزند آن موجودند خلف کلانی
 مولوی یحیی یا مولوی مولائی شند رحیل ملک بقا کیفیت اولاد
 دریافت نشد آلا دختر مولوی صاحب زوجه شاه نور العین بودند با خبر
 عمر به زیارت حرمین شریفین رفتیم حج ادا ساخته در آنجا کردند

انتقال انا الله وانا الیه راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاه بدر الدین شیار پوری قدس
 باید دانست این بزرگ از سیادات عظمی سلوی نسب بوده اند بطریق
 فردوسیه میداشتند چند واسطه خلف و خلفا حضرت مخدوم الملک
 قدس سره از آنجا که بودند جواری این خاک از ذکر ذریت نگاشت
 آنچکه یافت که نسب نامه علی متسلل الایمانت که می نگاشت
 باید شنید فرزندان ایشان یک بصیخته آل اند ثانی اولاد و فرزند
 آل آنجناب یک شاه مظفر احمد پدر بزرگوار شاه آقبال حسین خدر
 شاه میان جان مکسوی بلکه سر دو برادر و فرزند ثانی مولوی
 مظفر نبی یک دختر ایشان زوجه ثانیه مولوی محمد محی باقی کیفیت

عالی مقام بر تبه شاد و شادند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمه الله علیه
 که خدا کرد و دو پسر و سه دختر تولد شدند دختر کلانی زوجه ابومیان ثانی
 زوجه شاه اصطفی مذکور دختر خور دلا ولد عبد پسر کلانی مولوی آل احمد محدث
 حدیث و حاجی عمر پسر بفر کردند متاهل نشدند فرزند ثانی مولوی نور احمد که از دختر
 برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمد تکی که خدا شد ندیک پسر ایشان رانام معلوم
 مولوی منظور احمد داماد کلانی شاه علی حبیب مرحوم باقی کیفیت اولادشان
 دریافت نیست فرزند چهارم جناب علی القاب و استاد مولوی شاه
 ابوالحیو ا که از دختر ثانیه مولانا احمدی علیه الرحمه که خدا شدند و پسرند
 کلانی مولوی محمد یحیی که از دختر عم که خدا شده دی اولاد اند و پسر ثانی شاه محمد و
 بعارضه طحال اندرجانی رحلت کردند فرزند پنجم جناب شیخ مات حضرت
 شاه نعمه الله قادری جناب علی القاب مولوی محمد قادری که جمیع صفات
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شد پیدا که زوجه مولوی محمد یحیی شدند
 از بطن آن عقیقه دو پسر و یک دختر شد کلانی مسمی غلام و دستگیر اندرجانی
 رقتند بلکه بقا ثانی مولوی عنایت رسول مقبول اهل قبول نوجوان فتنه
 الا اولاد گذشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم زیاده چه نامیم مرقوم
 فرزند ششم آنحضرت مولوی محمد سجاد و یا مولوی علی سجاد که با وجود تحصیل
 علم ظاهری بر طریق فقر غلبه داشتند که خدا فی اول ایشان از دختر مولوی

یک پسر ایشان چو دهمی غلام نجف و سه خواهر
 ایشان دختران چو دهمی غلام شرف یکی جان بی بی
 عرف بی بی خواشادی ایشان در موضع کرائی بر سر ای آیت
 حال اولاد ایشان دریافت نشد و دومی بی بی سنون شادی
 ایشان در قصبه چهره بجله بیان و ان بود از میر سلامت علی
 گردید و در انا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی
 و خواهر ایشان بی بی مودن زوجہ ادنی میر عابد علی صاحب
 لا ولد بمزوند مسماة مغفوره و دو پسر و یک دختر بودند میر
 مقصود علی یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لا ولد
 بمزد و خواهر ایشان نیز در ایام صغر سن فوت شد باید دانست
 دختر چو دهمی غلام شرف از همه کلماتی مسماة ریسب النساء
 و دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجہ چو دهمی
 میر دوست علی ابن چو دهمی میر غلام حسین و بی بی زینت زوجہ مفتی برکت الله
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید نور علی صدر اعلی ابن میر شریف علی
 ساکن موضع شیخ پوره که خدا شدند و دختر ایشان میر نور علی قاضی یک پسر ایشان
 عمر در انا و مولوی سید شهاب حسین ابن مولوی سید
 واجد حسین ابن میر قادر بخش مرحوم و پسر دوم مولوی منور علی

قزیت ایشان نامعلوم آلامی آرند بیره بنجه محمد دوم بزرگ
 پنجم بودند میر محمد سعید ابن سید محمد مجید زاده دریافت گشت
 ذوی اقبال که خدائی ایشان و مقصود وانا پور شد در فرامیت
 ملکینان وانا پور کے شیخ زاده در انخانه چند زنان بودند بنوه
 و فرزندان صغیرین چونکه صاحب شعور و تمیز بودند فرامین
 بادشاهی در آنجا یافتند برگرفتند و رسوخیت صوبه یافتند
 حضوری در دربار بادشاهی گردید منصب جاگیر یافته بن خطاب
 چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید خان
 گردید صغیر زمین داری حصول سکونت نیز گردید و مقصود
 وانا پور که معروف محلہ چودھرانہ است الغرض یک پسر
 ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران
 شدند چارہری یک نامدار یک چودھری غلام شرف و وحی
 چودھری غلام حسین سوم چودھری غلام حیدر چارمی
 چودھری غلام امین ہر دو برادر سوم و چارم علم یافته
 لا ولد رفتند از دنیا عالم الاپسر چودھری غلام حسین
 بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیہ
 الا از ہمہ کلائے بودند چودھری غلام شرف

شادی ایشان بموضع پهلوانی شد از مسماة سکران دختر مولوی بدیع الزمان
 ابن شیخ عبدالمجید و مولوی بدیع الزمان داماد بود شیخ غلام حیدر از مسماة
 حیانتن که خدا الحصول از بطن مسماة سکران یک دختر شد مسماة رحمن که از سید
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد ذی اولاد اندیک پسر ایشان سید نصر الدین
 خواهر این زوج مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبدالمجید که خدا شد اولاد نشد و پسر
 چهارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سہ شادی ایشان کردند از بطن کس
 اولاد نشد بالکل مالک ترکہ زوجہ ثالث شدند و دختر چودھری غلام نجف مسماة
 طاہرہ زوجہ میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سہ پسر یکی سید
 محمد عظیم مذکور الصدر داماد میر خورشید علی مرحوم دومی سید محمد کلیم داماد سید علی
 ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد عظیم و خواہر کلانی ایشان زوجہ سید حاج حسین
 مسماة حمیدہ یک پسر شدہ بود و میرد خواہر ثانی ایشان زوجہ سید نور الحسن خواہر
 ناظر سید فدا علی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت
 چیزی ذکر صاحبان موضع نیچورہ کہ قرابتیان ایشان اندی نگار و دفعہ
 با و یکی از سیادت نامی کہ نام یاد ندارد از اولاد حضرت حسین صغری ابن حضرت امام
 زین العابدین رضی اللہ عنہ کہ سلسلہ سلسلہ بالا دریافت نشد چو کہ اولادشان
 ذمی اقبال شدند و قرابت داری شد واقع حسب یاد مینویسد یعنی ان بزرگ

سید انظر علی والد میر شمس المهدی شادی اولی ایشان بموضع
کانه حے گردید از دختر میرا محمد علی ذی اولاد اند و خواهر

ایشان زوجہ سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

ذکر اولاد چودہری غلام نجف

باید شنید شادی چودہری غلام نجف عرت چودہری
ڈوما از دختر ہنزل شیخ عبد المجید پہلوانی گردید کہ شیخ
عبد المجید ہنزل شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے
بودند محصول چارہر و یک دختراز بطن این عقیقہ
بچودہری غلام نجف شد فرزند کلانے سید عابد علی
کہ کمال عمر و شان صنیعہ زمین داری انجام کردند و نیز دادند
روفق بہ تجارت شادی اولے ایشان از خواہر میر مقصود علی
شدہ بود شادی ثانی از مسماۃ و جبنا عرت مسماۃ و تجو دختر
شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے گردید یعنی از خواہر
مفتی غلام قادر مرحوم اولاد این بی بی نشد چنانچہ سید
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لا ولد رفتند
اعتراض پسر ثانی چودہری غلام نجف میر خورشید علی
کہ دام عم سلسلہ روزگار سیر کار حکام سیر ساختند

آنچه که معلوم هست مینویسد از آنجا که فرزند ارجمند منشی مرحوم میر سید حسین علی که از
یاران قدیم جناب حضرت انجی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم
قدس سره اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه
قبر الدین حسین قدس سره اند و نیز مشورت از زیارت جناب مظهر السرائر
سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سره اند علت غائی تحریر بدین خط که یکم خلاص
قدیم محبت مصمم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضل اکثر برادران ایشان را حصول شرف
بیعت از جناب حضرت انجی الاعظم قدس سره دهم و دیگر عزیزان ایشان حقیقت
سلسله بیعت از جناب انجی سرمنشہ اتحا و طلیس اند که ارشاد سید شاه محمد عباد
دام فیضه و برکاته هست درین کتاب ذکر نسب و اولادشان ضرور واجب شده و الا
تخیر بنمایند

در اینجا ذکر نسب میکند تحریر سلسله توقیر

جد امجد میر سید حسین علی سیف فیض السعادت شیخی میان از سیادات رضوی متکون
مقام مالکرام نو دارد بقصبه بجد و بی ضلع مرزا پور خلف الرشید ایشان سید باب
خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم یکی ذی لیاقت و اقتدار زبان
سکونت شان بقصبه داوودنگر ضلع بهار گردید پس کلانی ناظر سید فضل محمد
پسر ایشان یکی سید دارش علی که از دفتر علم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد
شدند پس ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر و اصل علی که بطریقہ نابیب والد خود

رئیس بود چهار پسر بودند ذریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر
 روشن علی از دو دختر عم اوسط شد از یک بطن مولوی سید نور علی و از دیگر
 میر قمر علی که کیفیت اولاد بالا تحریر شد و از نیر گان پسر چهارم میر نور علی و نیز
 فقیر بخش هر یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یک میر بهادر علی و دومی میر حیدر علی
 ابنان میر نور علی پسر میر حیدر علی منشی سید عبد العلی و نیز بهادر علی صاحب راسه
 شدند و سه دختر پسر کلان میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان که خدا شدند
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
 کمال الدین حسین و سید طلوع الدین حسین و سید معین الدین حسین در قرابت خواهر زاده
 این خاکسارند پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از موکو
 علی حسن عرف حسنوا بن مولوی افضل علی که خدا شدند از و سید نور الحسن موجود اند و
 پسر سوم میر مقصود علی کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر بر سر
 برادر سید حامد حسین و اما دکلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن قندهار برادر
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه فال این هر سه برادر ذی اقبال بودند
 و میر فرحت حسین راسه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت حسین
 اولاد و دختری هر سه برادران موجود اند

و کرامت اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب منشی سید فضل الدین احمد که از سیادت رضوی آنکه کیفیت نسبت ذریت

شیخ ذوالفقار علی که مؤنس این فقیر بودند و فیضیاب درین طریق از حضرت
پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بند هولاهوری
که از خلفا حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره بودند و ولد و در علت کردند حالا
تفصیل ذکر فریت شان نمایم آنچه که معلوم و شادی ایشان اکثر در بنی اعمام است
که تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین ولد میر طفیل علی و سید خشت حسین و لایین
و سید ضمیر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مروحم موجود اند و سید علی بخش
ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمه الطبع از قلم شکسته رقم به چیلان کجج زبایان شیخ امیر الدین احمد
چشتی صاحب گنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی بنی الاصفهر
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائنده پور گنه شاهجهان پور
ضلع پٹنہ کی از فرزند ان جناب حضرت خواجہ معین الدین قدس سره الغرین
بعد حمد خالق کون مکان معیت پیغمبر آخر الزمان و منقبت پیامبر طهار حیدر کرد
و شاعر صاحب کبار احمد مختار بر جمله حضرات گل گلشن سیادات گوهر آبدار
در یاسی نجابت اختر تابنده هرج شرافت عالی حسب و الانسب
واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخه نمایا بند کراتساب

مانند ثلث سید فضل حسین و ویرایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
 نام پسر سید وارث علی سید وارث حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الدین
 پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر و ویرایشان یکی سید محمد صدیق و دومی
 سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الدین پسر ایشان
 سید طفیل علی و خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
 رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
 شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر دومی
 سید امیر الدین سه پسر ایشان سید حمید الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت حسین
 پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز ذی اولاد نیستند چارمی سید
 فتح الدین لا اولد پنجمی سید جلال الدین و پسر ششم سید فضل امام سید زبیر الدین حیدر
 انبه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسران سید محمد زمان سید
 فضل حسین که در عروج مانند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الا بشیعه مذکور
 در مذمت بعبصی و برادر کلانی و خود را الحمد لله دریات این برادران خفی الذمهب
 و ابو العلانی مشرب شدند الغرض و ویرایشان سید فضل حسین سید محمد حسین
 پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
 از انجمله فرزند یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریق قادریه
 بود و ارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

قطعه تایخ طبع طبع خرافه شیخ محمد کاظم صاحب کوکب این شیخ شجاعت علی
صاحب کن قصد صاحب گنج ضلع گیا تلیند رشید رشید الدین احمد
صاحب کیفی و میر خورشید علی صاحب نفیس

چرخ طبع شد کنز الانساب کروی	بودن قیامت نسب را تسلیس
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی	بجایم بلورین رخ شاد مل
سواد سطورش بصفی بیاضش	چو سنبل سپهرین فرو هشتاد گل
چهارونق آب و زنگش برآید	همانا تو گوئی که شد دسته گل
ز باقی چو پرید کوکب سنا	بگو شمعند اگر دشت تسلیس

ایضا

بجهد اقدار کوکب کنز الانساب	لباس طبع در بر کرد امروز
بسال اختتام انطباعش	رسم کردم گل تر رونق افروز

ایضا

هوئی مطبوع جبیه کنز الانساب	بتالیفات فانی خوش اوقات
لکها کوکب فی سال اندر می اجد	چمیا اب مخزن انطباعات

ایضا

ز برج طبع کوکب کنز الانساب	زنگ شمس طالع گشت هرگاه
بتایخ شیوع انطباعش	نوشتم قدوه سادات ذیجاه



قطعه تاریخ طبع از طبع ندرتین انسخه حسن شادلا سین علی سر

باطع مطبوع آمده و کشف نخل صفیا
باقف بمن گفتا بگو تاریخ حال اولیا

صحر حق جل و علا کاین نسخ از فرط صفا
طبع طبع او چون شد تفکر سر فرو

اشتهار

چونکه حاجی سید عطاء حسین

معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف

کتاب ندرتین تصنیف را بر اقم هبه فرموده اند

لنذا امید که کسی بدین اجازت را قلم قصد طبع

این کتاب نکند و زنده از روی خطه

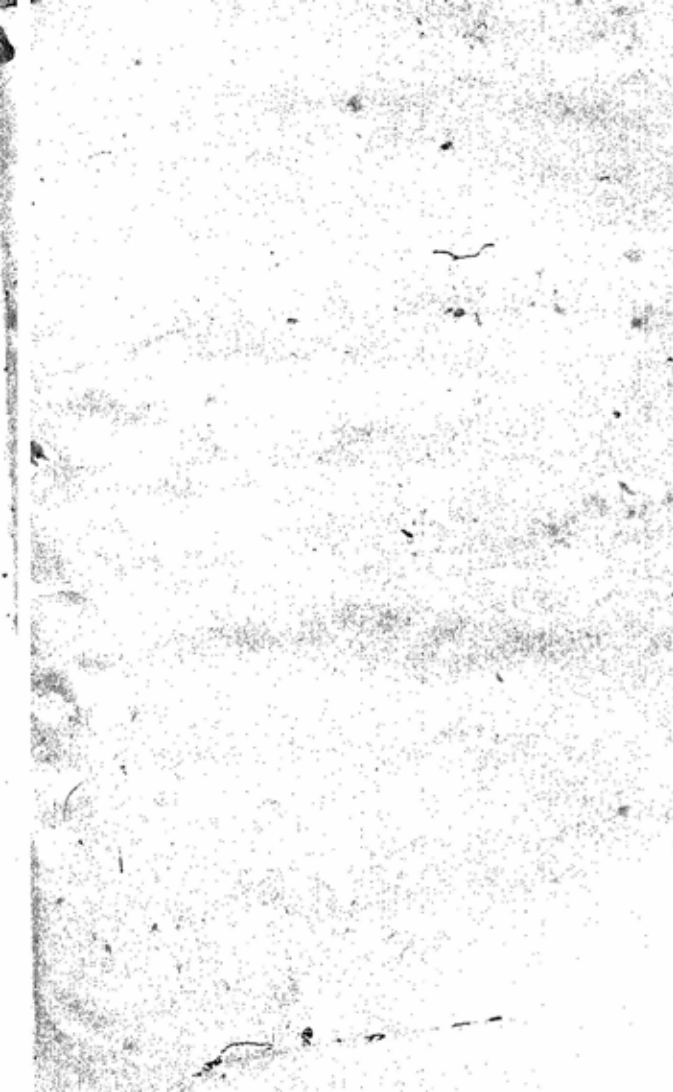
فانون بجرم از کتاب طبع کتاب

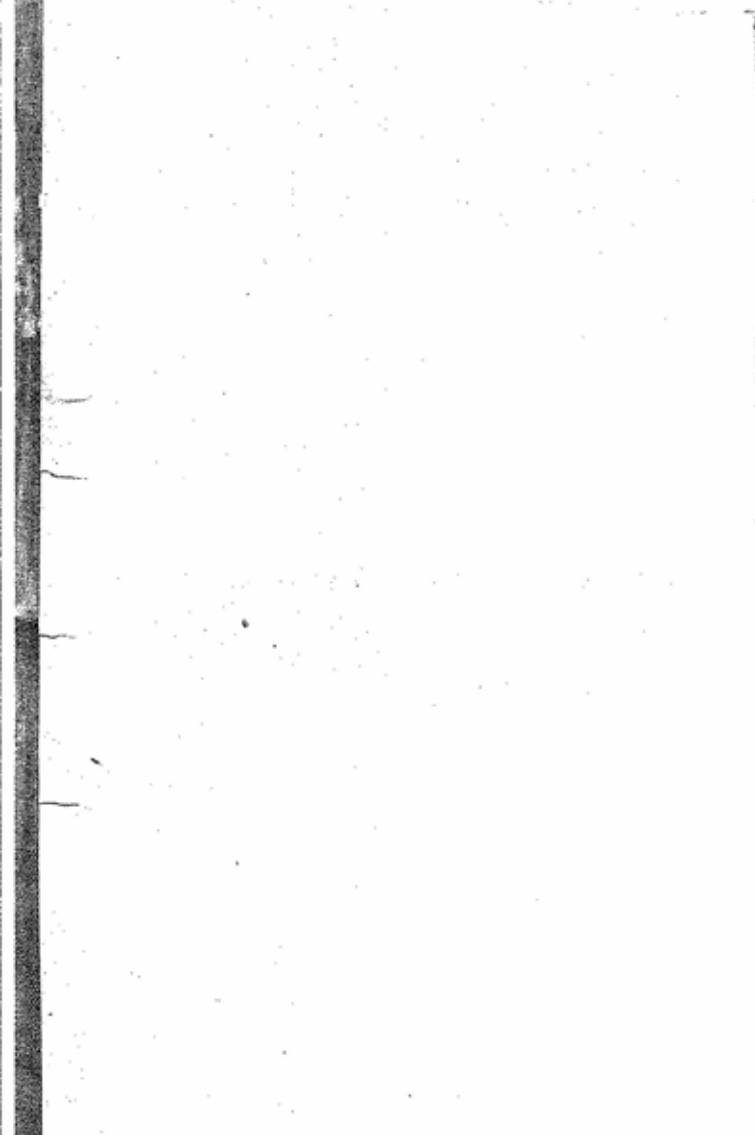
موهوب صورت نقصان بظهور آید

المستتر

نورالدین بن جیواخان







CENTRAL ARCHAEOLOGICAL LIBRARY,
NEW DELHI
Issue Record.

Catalogue No. 929.796954M/Att.
- 4864.

Author—Atta Husain alias
Abdur-Razaq.

Title—Kanzul. Ansab.

Borrower No.	Date of Issue	Date of Return

